

موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و

سیاست گذاری توسعه منابع انسانی کشور

طرح پژوهشی شماره ۲۱

ویراست ۱

پژوهشگر:

دکتر محسن رنانی

پژوهشیاران:

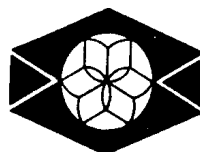
ساغر بابا حیدری

سعید نایب

مریم مه آبادی

پاییز ۱۳۸۰

به نام خدا



موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

- ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص
- دکتر محسن رنانی
- ساغر بابا حیدری (کارشناس ارشد اقتصادی - دانشگاه اصفهان)، سعید نایب
(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی) و مریم مه آبادی (کارشناس ارشد
اقتصادی - وزارت اقتصاد)
- پاییز ۱۳۸۰
- موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- تهران، خیابان آفریقا، کوی گلغام، پلاک ۱، کد پستی ۱۹۱۵۶
- تکثیر این گزارش بدون اجازه ناشر مجاز نیست.

پیشگفتار

مدیر اجرایی طرح

طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور، که قرارداد اولیه آن با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در خرداد ۱۳۷۸ بامضا رسید، از آبانماه ۱۳۷۸ در مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی آغاز و در حال حاضر مراحل پایانی خود را می گذراند. موضوع طرح «انجام مطالعات و پژوهش های مرتبط با تدوین برنامه جامع ده ساله تربیت نیروی انسانی متخصص کشور، موضوع تبصره ۳۶ قانون برنامه دوم توسعه منابع انسانی و ردیف اعتباری ۵۰۳۰۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور» بوده است.

در چارچوب طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، بالغ بر ۴۰ طرح پژوهشی و مطالعاتی در چهار محور پژوهشی به شرح زیر به اجرا درآمده است.

۱- برآورد و تحلیل تقاضای اقتصادی نیروی انسانی متخصص

۲- برآورد و تحلیل تقاضای اجتماعی ورود به آموزش عالی

۳- تحلیل بازار کار نیروی انسانی متخصص

۴- تحلیل نظام آموزش عالی کشور

گزارش حاضر ارایه دهنده نتایج یکی از طرح های پژوهشی انجام شده حول محور سوم است. نتایج طرحهای پژوهشی انجام شده به صورت تعدادی گزارش تلفیق، با تایید و مسؤولیت کمیته علمی طرح، تهیه و در اختیار سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور قرار گرفته است. مسؤولیت تحلیل های به عمل آمده در این گزارش با پژوهشگر است. مجموعه کامل طرح های پژوهشی انجام شده در چارچوب طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص به صورت لوح فشرده (CD) تهیه شده و از طریق انتشارات مؤسسه قابل دسترس است. حقوق معنوی نتایج این طرح پژوهشی متعلق به مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی است و استفاده از آن تنها با ذکر نام مؤسسه مجاز است.

محمد باقر غفرانی

مدیر اجرایی

طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص
و برنامه ریزی توسعه منابع انسانی در کشور

پاییز ۱۳۸۰

چکیده

.

...

.

.

.

124	-	
125		-1-4
131		-2-4
136		-3-4
159		-4-4
162		-5-4
172		-6-4
173	-	
173		-1-5
175		-2-5
180		-3-5
185		-4-5
192		-5-5
194		-6-5
196	-	
197		-1-6
203		-2-6
206		-3-6
216	-	
222		

فهرست نمودارها

	-
۲۲.....	-۱-۱
۲۳.....	-۲-۱
۲۴.....	-۳-۱
۳۰.....	-۴-۱
	-
۵۶.....	-۱-۲
۵۶.....	-۲-۲
۵۸.....	-۳-۲
	-۴-۲
۶۱.....
۶۵.....	-۵-۲
۶۷.....	-۶-۲
۶۹.....	-۷-۲
۷۱.....	-۸-۲
۷۸.....	-۹-۲
۸۴.....	-۱۰-۲
۸۵.....	-۱۱-۲
۸۷.....	-۱۲-۲
۸۸.....	-۱۳-۲

	-
100..... 1375	-1-3
103..... 1374	-2-3
	-3-3
116..... 1375	-
117..... 1375 -	-4-3
117..... 1375 -	-5-3
118..... 1375 -	-6-3
119..... 1375 -	-7-3
119..... 1375 -	-8-3
	-
133.....	-1-4
134..... -	-2-4
140.....	-3-4
143..... ()	-4-4
144.....	-5-4
145.....	-6-4
146..... ()	-7-4
149.....	-8-4
154.....	-9-4
157.....	-10-4
159.....	-11-4
160.....	-12-4

165	-13-4
	-14-4
167	-
190	-1-5
192	-2-5

فهرست جداول

	-
۲۱.....	-۱-۱
۳۳.....	-۲-۱
	-
۹۹..... (۱۳۷۵)	-۱-۳
-	-۲-۳
۱۰۳.....	-
۱۰۵.....	-۳-۳
	-۴-۳
۱۰۷.....	۱۳۷۵
۱۱۰.....	-۵-۳
۱۱۱.....	-۶-۳
۱۱۴.....	-۷-۳
۱۲۰.....	-۸-۳
	-
۱۲۸..... (۱۳۷۵)	-۱-۴
۱۷۱.....	-۲-۴
	-
	-۱-۵
۱۷۹.....	-
۱۸۶.....	-۲-۵
۱۸۶.....	-۳-۵
۱۸۷.....	-۴-۵

187.....	-5-5
	-
199.....	-1-6
200.....	-2-6
202.....	-3-6
203.....	-4-6
204.....	-5-6
206.....	-6-6
209..... (1375)	-7-6
	-8-6
209.....	
210.....	-9-6
	-10-6
212.....	1375
214.....	-11-6
215.....	-12-6

خلاصه اجرایی

)

: (

.

)

:

(())

.(

(())

.

.

.

.

.

.

.

()

.

.

Y

۳۳,۵ ۵۱,۴ ۵۱,۷ ۴۸ ۴۲,۵ ۵۲,۵

۵۲,۵

۳۳,۵

.

.

۱۰

.

(-)

(())

(())

۱۳۵۱

۳۰

۱۳۷۲

۵۰

.

۴

) -

(...

« »

1345

1383 1345

1378 16 1375 9 3,6

12,6 (1383)

5,6 ()

1378 10,6 1375 9,6 1370

13,1 1383

43

1375

3,08

14,5

5 15,5

3,1 19,6

8

2

-1375

(13,1)

(

1,7)

(137.

(ad hoc)

مقدمه

مقدمه

()

.

.

-

-

.

M

()

)

(

) :

((

1. Transaction Cost.

فصل اول

کلیات، مفاهیم، تعاریف

و

روش‌ها

فصل اول - کلیات، مفاهیم، تعاریف و روش‌ها

« »

۱-۱- نحوه پیدایش واژه «بخش غیررسمی»

« »

)

«

-
- 2 Reynolds.
 3. Weeks.
 4. Hart.
 5. Lima.

() () .

۱-۲- مفاهیم و تعاریف بخش غیررسمی

«)

:

-

-

6. Kenya.

7. International Labour Organization (ILO).

-
-
-
-
-

() .

ILO

)

(

:

ILO

()

کیت هارت

()

:

الف- راههای کسب درآمد رسمی

--

--

--

ب- راههای کسب درآمد غیررسمی قانونی

--

مرحله سوم

--

--

--

--

ج- راه‌های کسب درآمد غیررسمی غیرقانونی

--

--

() .

(())

ستورامن^۸

. ())

ویکز

)

..(

. (())

مزومدر^۹

. (())

8. Sethuraman.

9 Mazumdar.

.(())

.

هرناندو دسوتو^{۱۱}

.

()

.

.

.

-
- 10 Neo-liberal.
 11. Hernando Desoto.
 12. good laws.
 13. bad laws.

.

.

)

.(- (

.

.

.(()

:

.

.

.(())
()

.

فیلیپ هاگان^{۱۴}

() () .

() () :

الف -

ب -

ILO)

(OECD) (

()

14. Philippe Hagan.

15. Petty Producer.

.
.
.
()
.
.()).
.
ILO
:
»
.())«
()
:
-1»

-
- 16. Underground economy.
 - 17. black economy.
 - 18. hidden economy.
 - 19. Unobserved economy.
 - 20. Subcontracting.
 - 21. Labour Statisticians.

-۲

-۳

.(() NU).((

:

)

)

(

.

الف-

ب-

.(- ()ILO) («...

»):

.() («

:

...)

....

)

... (

)

(

()
.() .«
:
»
.() .

» :

- ()
-

:

الف-

.(() U.N.)

ب-

()
()

:

() »

. () ()

-
- 23. Informal own - account enterprises.
 - 24. enterprises of informal employment.
 - 25. own-account workers.

() ...)

. () ()

:

الف-

. (-) «

ب-

توماس

() () .
:

الف- بخش خانوار:

ب- بخش غیر رسمی:

ج- بخش نامنظم:

)

(

)

(

د- بخش غیرقانونی:

()

:

«... (-)»

«) «)

توماس

: (-)

جدول ۱-۱- ساختار فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی از دیدگاه توماس

بخش	مبادلات بازاری	ماهیت تولید	ماهیت تولید / توزیع

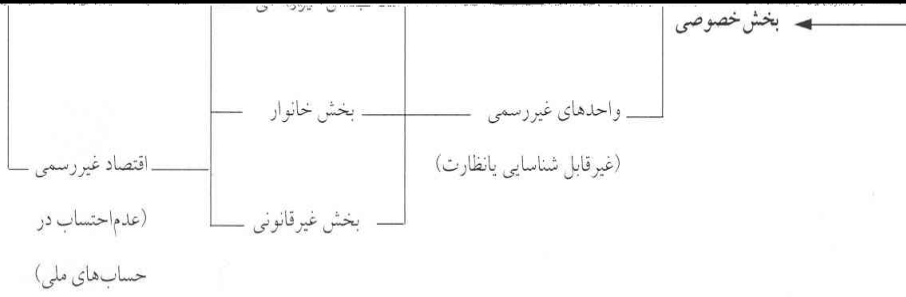
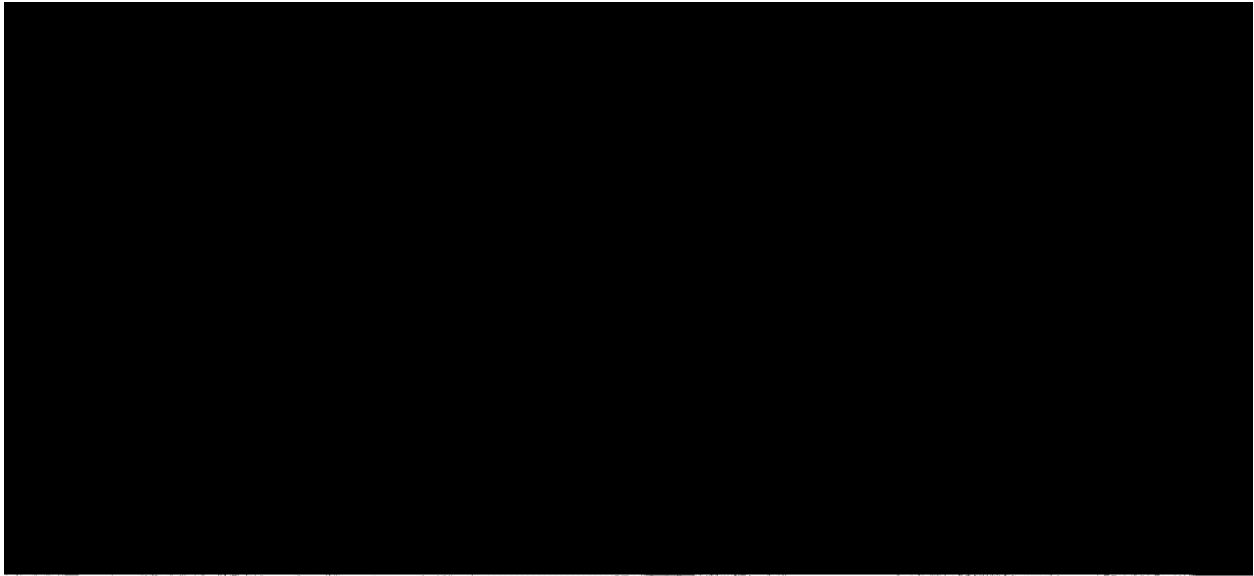
() :

- -

(-)

«)

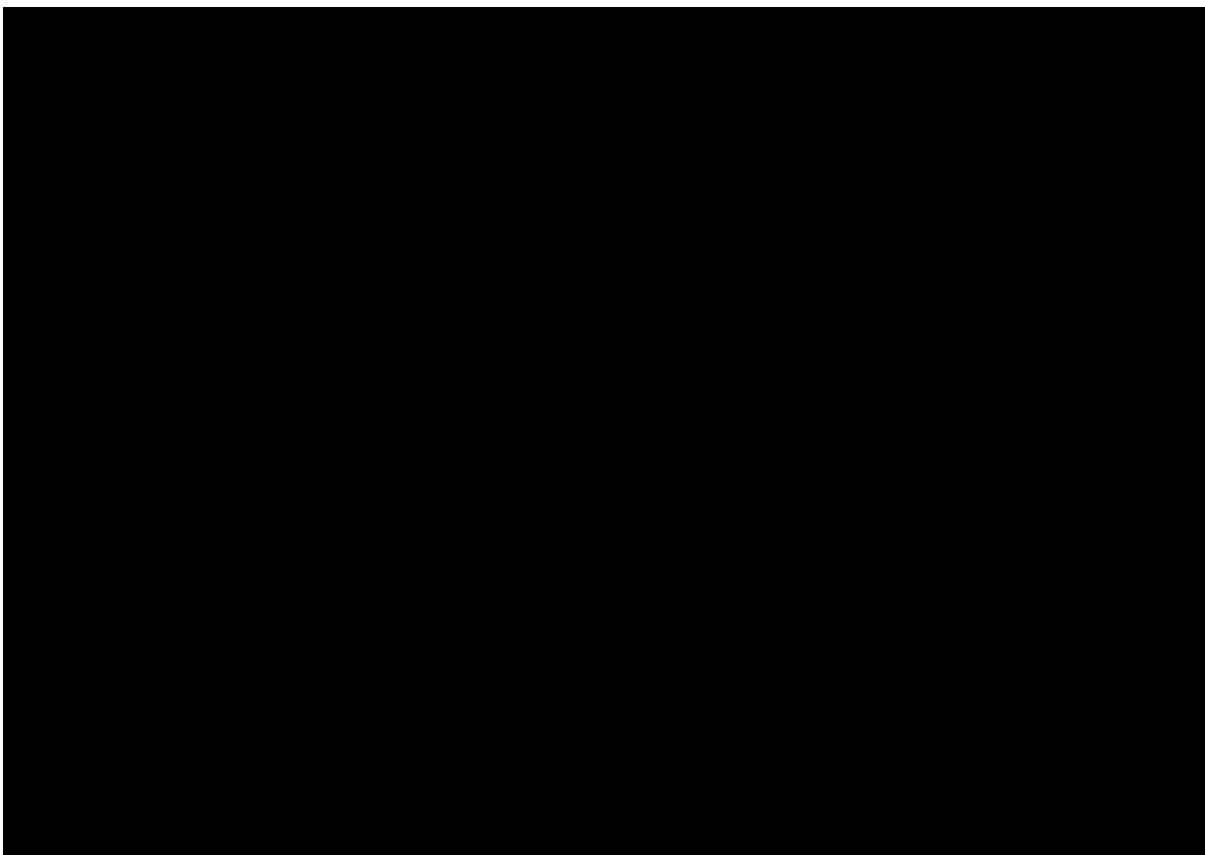
«)



فیروزه خلعتبری

() .

(-) .



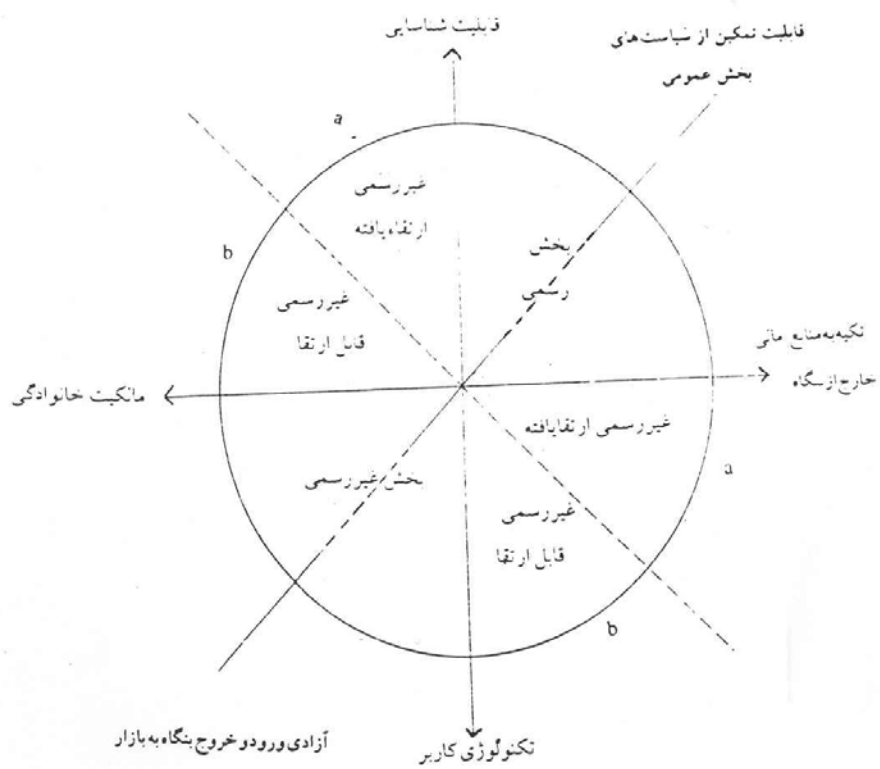
چشم مقامات دوره ده دانسته می شود

برهانانه

مأخذ: خلعتیری (۱۳۶۹)، ص ۷.

(-)

نمودار ۱-۳- تفکیک بخش رسمی از بخش غیررسمی



a

b a

a

b

b

□ □ □

@ 0□`

()

:

بخش غیررسمی به این دلیل مهم است که

علت اصلی توانایی گریز بخش غیررسمی از نظارت دولت و سیاستگذاری دولتی

()

مجموعه ویژگی‌هایی که به واحدهای بخش غیررسمی قدرت انعطاف و آزادی
عمل می‌دهد

:

...

بنابراین بخش غیررسمی شامل واحدهایی است که:

-

-

-1

.

-2

.

-3

-4

(

)

)

(

.

.

.()

(-)

)

(

)

.(

(...

)

.

.

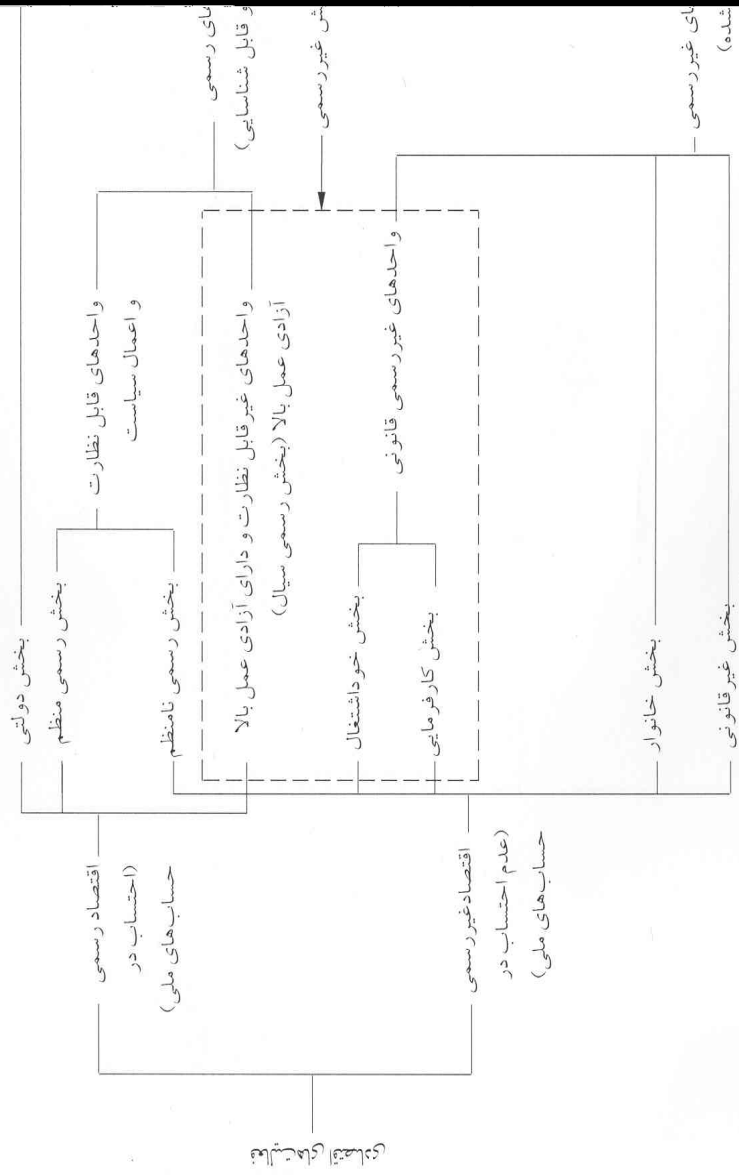
(

)

.

.

نمودار ۱-۴- شناسایی بخش غیررسمی به عنوان بخش قانونی غیر قابل تمکین



۴-۱- تعریف عملیاتی بخش غیررسمی

.

:

۴-۱-۱- تعاریف ذهنی:

۴-۱-۲- تعاریف عینی:

:

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

)

(

تذکرہ:

()

()

)

() ()

(

:

۱- اندازه کوچک:

۲- سرمایه اندک:

۳- قابلیت شناسایی پایین:

)

)

(...)

)

(...)

(...)

(-)

جدول ۱-۲- مطابقت تعاریف بخش غیررسمی با معیارهای ارائه شده

شماره تعاریف معیارهای بخش غیررسمی	۱	۳	۵	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
	×			×			×	×	
							×		
		×	×		×	×			×

:

-۱

-۲

....

.()
 .()
 . (-)
 ILO
 . (-)
 . ILO
 -
 -
 .
 .
 ()

 . ()
)

(

:

-

-۱

-۲

OECD

۱-۰-۱ اهمیت بخش غیررسمی

۱-۵-۱- تأمین کالاهای مورد نیاز گروه‌های کم درآمد:

۱-۵-۲- انتقال مهارت و فن از طریق سیستم کارآموزی:

۱-۵-۳- استفاده از پس اندازهای شخصی و ایجاد تحرک در آن:

...
())

.(-

۱-۵-۴- اشتغال زایی و کاهش معضل بیکاری:

.

(...)

.

) .

(

())

/ /

(

(-)

.()

. ...

- 27. Friedman
- 28. Sullivan
- 29.,Nihan
- 30 Demol
- 31. Jondoh

ويكز

»:

)«

.(- ()

«)

«) «)

«) ...

.(())

...

.(()).

...
(())

۱-۶- موانع ارتقای بخش غیررسمی

۱-۶-۱- قیود مالی:

()

)

()

(

الف-

ب-

۱-۶-۲- قیود قانونی:

()

.(())

:

)

(

.(. ())

.(.)

-
- 35. Tunisia.
 - 36. Thailand.
 - 38. Algeria.

۱-۶-۳- فقدان اطلاعات:

()

()

)

.(

.(. ())

۱-۶-۴- سایر:

()

)

(

...

۱-۷- یهبود چارچوب نهادی

۱-۷-۱- قوانین ثبت:

()

() () () .

(- ()).

«

۱-۷-۲- قوانین مالیاتی:

)

() - .

۱-۷-۳- قوانین امنیتی و بهداشتی:

40. Single-rate tax.

۱-۷-۴- قوانین کار:

.) () .(

١-٧-٥- تأمين اجتماعي:

() () .

١-٧-٦- ساير اصلاحات:

. ...

.
.(. ())

...

فصل دوم

تحليل رفتار و ساختار

بخش غير رسمي

-

در فصل گذشته، مفاهیم، تعاریف و ویژگی‌های بخش غیررسمی مورد بررسی قرار گرفت. گرچه نوع بخش غیررسمی یا وجود ویژگی خاصی در آن، می‌تواند بر نحوه تعامل آن با دیگر بخش‌های اقتصادی تأثیر بگذارد؛ اما با توجه به همپوشانی انواع تعاریف، می‌توان برخی ساختارها و روابط عام را که در بخش غیررسمی - با هر مفهوم و هر ویژگی - وجود دارد، شناسایی کرد. در این فصل عمومی‌ترین فرآیندها و ساختارهای بخش غیررسمی به اختصار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در واقع تئوری‌های مطرح در بخش غیررسمی به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱- تئوری‌هایی که شناسایی و کارکرد بخش غیررسمی را مورد بررسی قرار می‌دهند. این تئوری‌ها بر مفهوم و ویژگی‌های کارکردی بخش غیررسمی متمرکز می‌شوند. عمده‌ترین این نظریه‌ها در فصل اول مطرح گردیدند.

۲- تئوری‌هایی که زنجیره‌های ارتباطی و تعامل بین بخش رسمی و غیررسمی را جستجو می‌نمایند.

۳- تئوری‌هایی که به بررسی تأثیر سیاستگذاری‌ها، بر دو بخش رسمی و غیررسمی می‌پردازند.

در این فصل تئوری‌های نوع دوم و سوم مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱-

به طور کلی فعالیت‌های اقتصادی بخش غیررسمی هم در شرایطی که بخش رسمی منقبض می‌شود (همچون دوران اجرای سیاست‌های تعدیل در برخی کشورها که منجر به تعطیل شدن یا کاهش فعالیت‌های بخش رسمی شده است) و هم در شرایطی که بخش رسمی انبساط می‌یابد (نظیر آنچه در کشورهای تازه صنعتی شده مانند امریکای لاتین اتفاق افتاد) رشد می‌کند. هنگامی که بخش رسمی گسترش می‌یابد در مقایسه با حالت انقباض، تقاضای مستقیم و غیرمستقیم بیش‌تری برای کالا و خدمات تولید شده توسط بخش غیررسمی ایجاد می‌شود.

یکی از مشهورترین ارتباطات، تأمین کالاهای واسطه‌ای بخش رسمی توسط بخش غیررسمی می‌باشد. در واقع در این مورد بخش رسمی با عقد قراردادهای فرعی با بخش غیررسمی می‌تواند از هزینه‌های نیروی کار بکاهد یا همانطور که قبلاً ذکر شد از اجرای قوانین - که معمولاً تمکین به آن‌ها پرهزینه است - فرار کند.

فروش محصولات نهایی بخش غیررسمی از طریق بخش رسمی شکل دیگری از ارتباط می‌باشد. در واقع بنگاه‌های بخش رسمی محصولات بخش غیررسمی را خریداری کرده و به طور مستقیم یا از طریق نمایندگان، آن‌ها را می‌فروشند. این مورد بیش‌تر در مناطقی رخ می‌دهد که بنگاه‌های بخش غیررسمی امکان دستیابی به بازار برای فروش کالاهای نهایی خود را ندارند. البته این حالت به ضرر تولیدکننده کالا بخش غیررسمی تمام می‌شود؛ زیرا بنگاه‌های بخش رسمی، کالاها و خدمات این گروه را با حداقل قیمت خریداری می‌کنند. محصولات بخش روستایی مثال واضحی از این نوع ارتباط است. در واقع روستاییان امکان فروش محصولات خود را به طور مستقیم در بازارهای عمومی ندارند و در بیش‌تر حالات این بنگاه‌های رسمی شهری می‌باشند که کالاهای آن‌ها را خریداری کرده و به بازار عرضه می‌کنند.

عکس حالت فوق نیز صادق است یعنی بنگاه‌های بخش رسمی برای فروش کالاهای خود از بخش غیررسمی استفاده می‌کنند. شاید به این دلیل که مخارج و هزینه‌هایی که برای فروش در

ساختار رسمی باید متقبل شوند از این طریق کاهش می‌یابد. فروش محصولات بخش رسمی توسط دستفروشان خیابانی نمونه‌ای از این ارتباط می‌باشد (همرومانل (۱۹۸۹)، ص. ۱۵۴۵).

البته ارتباط دو بخش از نظر رقابت یا مکمل بودن نیز قابل بررسی است. مثلاً رابطه مسافرکش‌های شخصی در سطح شهرها و شرکت تاکسیرانی بخش رسمی رابطه‌ای توأم با رقابت است. اما در بخش‌های صنعتی به ویژه هنگامی که ارتباط دو بخش مبنی بر عقد قراردادها می‌باشد، این دو بخش مکمل هم می‌باشند. مثلاً بسیاری از قطعه سازان خودرو، محصولات خود را در بخش غیررسمی تولید می‌کنند و تحویل شرکت‌های خودروسازی - در بخش رسمی - می‌دهند.

با توجه به آنچه آمد، بخش رسمی و غیررسمی مستقل از هم عمل نمی‌کنند، بلکه از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. پس اعمال سیاست‌ها و راهکارهای معطوف به بخش رسمی، بخش غیررسمی را نیز - از نظر اندازه و ساختار - تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر عکس. از این رو در این قسمت مهم‌ترین تئوری‌هایی که ارتباط بین دو بخش (دسته دوم تئوری‌ها) را تحلیل می‌کنند و در قسمت‌های بعد، تئوری‌هایی که تأثیرگذاری سیاست‌های دولت (دسته سوم تئوری‌ها) را مطرح می‌نمایند، مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

۲-۱-۱- در این تحلیل، فرض می‌کنیم که دو گروه عرضه‌کننده وجود دارد، گروه اول عرضه‌کنندگانی هستند که در بخش رسمی فعالیت می‌کنند و گروه دوم عرضه‌کنندگان بخش غیررسمی می‌باشند. همچنین برای این دو گروه، دو نوع تقاضا وجود دارد:

- تقاضای ویژه^۲: که این نوع تقاضا اشاره به تقاضای مخصوص هر بخش دارد یعنی تقاضایی که بین دو بخش قابلیت جابه‌جایی ندارد. (با S D نشان داده می‌شود).

- تقاضای غیرویژه^۳: که اشاره به تقاضایی دارد که قابل جابه‌جا شدن در هر دو بخش می‌باشد و در هر بخشی که قیمت کمتری وجود داشته باشد تقاضا متوجه همان بخش خواهد بود. (با ND نشان داده می‌شود).

۱. چارچوب این تحلیل از همرومانل (۱۹۸۹)، ص ۱۵۵۲-۱۹۸۹ اقتباس شده است.

2. Specific demand.

3. non - specific demand.

نمودار (۱-۲-الف) منحنی تقاضای ویژه، نمودار (۱-۲-ب) منحنی تقاضای غیرویژه و نمودار (۱-۲-ج) تقاضای کل بالقوه^۴ را برای یک بخش نشان می‌دهند؛ به طوری که تقاضای کل بالقوه شامل جمع تقاضای ویژه و تقاضای غیرویژه مربوط به کالای ارزان‌تر می‌باشد (با $T D$ نشان داده می‌شود).



الف - تقاضای ویژه ب - تقاضای غیرویژه ج - تقاضای کل بالقوه

منحنی هزینه نهایی در بخش رسمی و غیررسمی را نیز به ترتیب با MC_f و MC_I نمایش می‌دهیم.



4. potential total demand.

اگر عرضه انحصار چند قطبی باشد، S_{f1} و S_{II} به عنوان عرضه درونبخشی (منحنی هزینه نهایی کل بخش) بوده و قیمت در هر بخش از برخورد منحنی عرضه و تقاضای کل بالقوه همان بخش به دست می آید. بنابراین در نمودار (۲-۲) الف) قیمت P_{f1} در بخش رسمی حاصل برخورد عرضه S_{f1} با تقاضای کل بالقوه $T D_f$ می باشد و در نمودار (۲-۲) ب) قیمت P_{II} حاصل برخورد منحنی عرضه در بخش غیررسمی، S_{II} ، با تقاضای کل بالقوه مربوط به بخش غیررسمی، $T D_I$ می باشد. قابل ذکر است که در هر دو شکل منحنی تقاضای ویژه و بالقوه با هم ترسیم شده اند.

همانگونه که نمودارهای (۲-۲) نشان می دهند، قیمت در بازار رسمی، P_{f1} ، از قیمت در بازار غیررسمی، P_{II} ، بیش تر می باشد. بنابراین در این حالت تقاضای ویژه به بازار غیررسمی منتقل شده و تنها تقاضای ویژه برای بخش رسمی باقی می ماند. پس قیمت جدید در بخش رسمی به P_{f2} کاهش می یابد که حاصل تقاطع منحنی عرضه S_{f2} با منحنی تقاضای ویژه بخش رسمی می باشد. حال در شرایط جدید $P_{f2} < P_{II}$ می باشد یعنی قیمت در بخش غیررسمی بیش تر از بخش رسمی است بنابراین در این حالت تقاضای بیش تری به بخش رسمی منتقل می شود و این عمل تا آنجا ادامه می یابد که قیمت در هر دو بخش مساوی شود.

حال اگر منحنی CM_I در موقعیت CM_I قرار گیرد، دو حالت زیر ممکن است به وجود آید:

- فرض کنید قیمت P_{I2} از برخورد منحنی CM_I و منحنی تقاضای بالقوه کل به دست می آید از P_{f1} ، P_{f2} پایین تر باشد که در این صورت تقاضای ویژه به طور کامل به بخش غیررسمی انتقال می یابد و برای بخش رسمی تنها تقاضای ویژه اش باقی می ماند. در این حالت قیمت در بخش رسمی که حاصل برخورد منحنی عرضه با تابع تقاضای ویژه است P_{f2} می باشد که طبق فرض $P_{f2} > P_{f1}$ بنابراین انتقال تقاضایی بین دو بخش صورت نخواهد گرفت، نتیجه این که اختلاف قیمتی بین بخش رسمی و غیررسمی به وجود خواهد آمد.

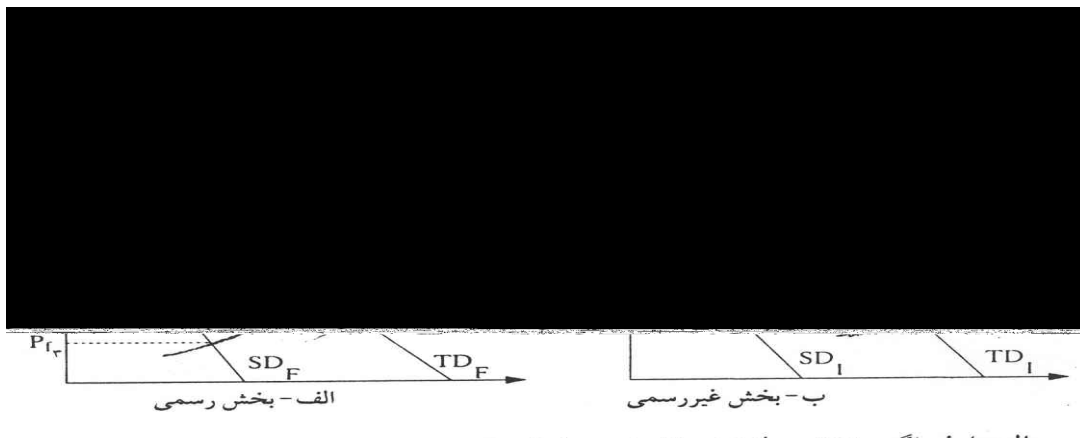
- فرض کنید قیمت P_{I2} که از برخورد منحنی CM_I و منحنی تقاضای بالقوه کل به دست می آید از P_{f1} کم تر و از P_{f2} بیش تر باشد، بنابراین چون $P_{f1} < P_{I2}$ است، تقاضای ویژه به بخش غیررسمی منتقل می شود و در بخش رسمی تقاضای ویژه باقی می ماند که در این حالت قیمت در بخش رسمی P_{f2} است. اما طبق فرض $P_{f2} > P_{I2}$ بنابراین دوباره تقاضای ویژه

بین دو بخش شکسته می شود و انتقال تقاضای غیرویژه تا آنجا ادامه می یابد که P_f بر P_I منطبق گردد.

حال می توان با توجه به مدل ارائه شده تأثیر برخی از سیاست ها را بر بخش غیررسمی مورد بررسی قرار داد:

- اتخاذ هر گونه سیاستی که موجب انتقال منحنی MC_f به سمت بالا گردد مانند افزایش مالیات یا افزایش دستمزد، قیمت محصولات بخش رسمی را افزایش می دهد. اما تأثیر این افزایش قیمت بر بخش غیررسمی بستگی به شرایط اولیه بین قیمت های دو بخش دارد. سه وضعیت را می توان تصور کرد:

۱- اگر قبل از انتقال منحنی MC_f به سمت بالا قیمت در هر دو بخش یکسان باشد، $(P_{II} = P_{fI})$ و منحنی MC_f در اثر اعمال سیاستی به سمت بالا منتقل شود؛ حالات زیر را در پیش داریم:



: اگر MC_f به MC_f منتقل شود بنابراین قیمت در بخش رسمی برابر P_{f2} خواهد شد که چون $P_{f2} < P_{II}$ می باشد، تقاضای غیرویژه به بخش غیررسمی منتقل شده و قیمت در بخش رسمی به P_{f3} کاهش می یابد (در این حالت قیمت از برخورد منحنی MC_f با منحنی تقاضای ویژه به دست می آید) اما به دلیل این که $P_{f3} < P_{II}$ می باشد دوباره تقاضای غیرویژه شکسته شده و بین دو بخش تقسیم می گردد تا جایی که قیمت در هر دو بخش یکسان شود.

: اگر MC_f به MC_f منتقل شود، قیمت در بخش رسمی به P_{f2} افزایش

می‌یابد که چون $P_{f2} > P_{f1}$ می‌باشد تقاضای غیرویژه به بخش غیررسمی منتقل می‌شود و قیمت در بخش رسمی به P_{f3} کاهش می‌یابد، اما از آنجایی که هنوز $P_{f3} < P_{f1}$ می‌باشد، دیگر انتقالی بین تقاضای غیرویژه بخش‌ها صورت نخواهد گرفت.

بنابراین بسته به این که منحنی عرضه (هزینه نهایی) در اثر اعمال سیاست‌ها تاچه اندازه تحت تأثیر واقع گردد، گاه کل تقاضای غیرویژه و گاه قسمتی از تقاضای غیرویژه از بخش رسمی به بخش غیررسمی منتقل می‌شود.

۲- اگر قبل از انتقال منحنی MC_f به سمت بالا، قیمت در بخش رسمی بیش‌تر (کم‌تر) از قیمت در بخش غیررسمی باشد و منحنی MC_f در اثر اعمال سیاستی به سمت بالا منتقل شود؛ در این صورت چنانچه در اثر این انتقال باز هم قیمت در بخش رسمی بیش‌تر (کم‌تر) از قیمت در بخش غیررسمی باشد؛ انتقال منحنی MC_f بر بخش غیررسمی بی‌تأثیر می‌باشد. یعنی اعمال سیاست‌هایی که بر افزایش هزینه‌نهایی منجر می‌گردند در چنین حالتی بخش غیررسمی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند.

۳- اگر شرایط قسمت (ب) برقرار باشد اما در اثر انتقال منحنی MC_f شیب شکاف اولیه برعکس شود یعنی اگر قیمت در بخش رسمی بیش‌تر (کم‌تر) از قیمت در بخش غیررسمی باشد و بر اثر این انتقال قیمت در بخش رسمی کم‌تر (بیش‌تر) از قیمت در بخش غیررسمی شود؛ آنگاه انتقال تقاضای غیرویژه بین بخش‌ها را خواهیم داشت.

- اتخاذ هرگونه سیاستی که موجب انتقال منحنی MC_f به سمت پایین گردد (مانند کاهش مالیات و کاهش قیمت مواد اولیه و...) قیمت محصولات بخش رسمی را کاهش می‌دهد و بخش غیررسمی را همانند سه حالت گفته شده در سمت (۱) تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- اتخاذ هرگونه سیاستی که موجب انتقال منحنی MC_I به سمت بالا شود (مانند افزایش قیمت مواد خام) قیمت کالای بخش غیررسمی را افزایش می‌دهد و هر سیاستی که موجب انتقال منحنی MC_I به سمت پایین گردد، (مانند سوبسیدهای سرمایه‌ای و...) به کاهش قیمت محصول این بخش منجر می‌گردد. این افزایش یا کاهش همانند سه حالت گفته شده در قسمت (۱) بخش رسمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- اعمال سیاست‌هایی که به افزایش تقاضا منتهی می‌گردند، مادامی که این افزایش، تقاضای ویژه را شامل می‌شود، تولید هر دو بخش را افزایش می‌دهد. اما اگر افزایش تقاضا به تقاضای

غیرویژه محدود گردد؛ تنها بخشی را که کالای ارزان‌تری تولید می‌کند، سودآور می‌سازد. اما باید توجه داشت که افزایش قیمت با افزایش هزینه نهایی توأم می‌باشد و این که آیا سود اولیه حفظ شود، به بررسی دقیق‌تری نیاز دارد.

اگر بخش رسمی با هزینه کاهنده به تولید بپردازد، افزایش تقاضا باعث کاهش قیمت در بخش رسمی می‌شود و ممکن است که شیب شکاف قیمتی بین بخش رسمی و غیررسمی به ضرر بخش غیررسمی تغییر کند به طوری که تقاضای غیرویژه کاملاً به بخش رسمی انتقال یافته و منجر به کاهش اشتغال در بخش غیررسمی شود.

۲-۱-۲- مزیت تحلیل بازار کار که در ذیل بدان اشاره

خواهد شدن سبب به بازار محصول، در این است که نه تنها ارتباط متقابل بخش رسمی و غیررسمی را در نظر می‌گیرد، بلکه می‌تواند ارتباط بخش غیررسمی با بخش روستایی را نیز مورد ملاحظه قرار دهد.

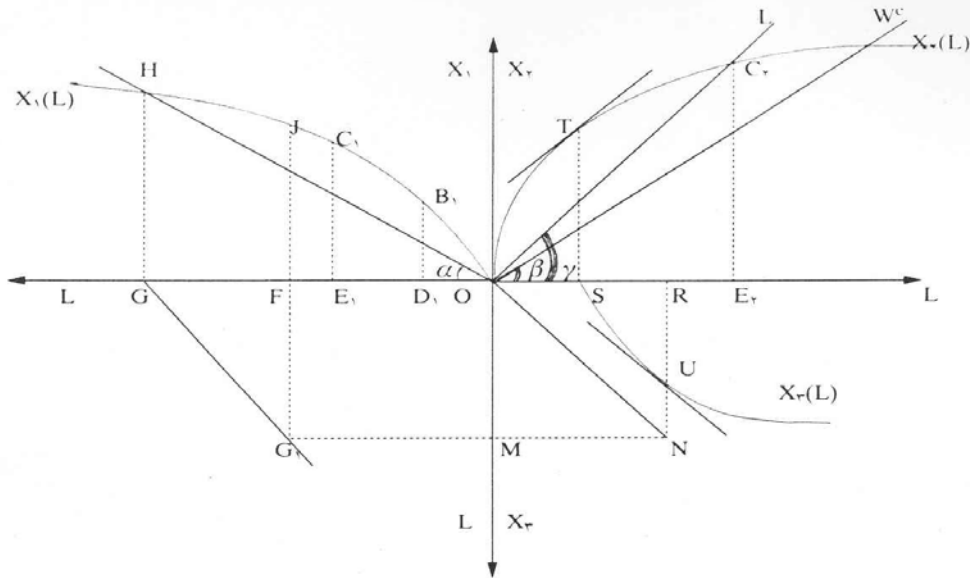
نمودار شماره (۲-۴) را مورد ملاحظه قرار دهید. در این شکل ربع دوم، تابع تولید در مناطق روستایی را نشان می‌دهد. تابع تولید در این بخش را با $X_1(L)$ نمایش می‌دهیم که دلالت دارد بر این که تولید در روستا تابعی از نیرو کار (L) است. عواملی مانند سرمایه و منابع طبیعی نیز به عنوان مواد اولیه وجود دارند که در این تحلیل فرض بر این است که جانشینی بین نیروی کار و عوامل فوق محدود می‌باشد. اکنون با فرض این که عرضه سایر عوامل ثابت باشد، کارایی تکنولوژیکی نیروی کار به D_1E_1 کاهش می‌یابد. اگر کل نیروی کار در بخش روستایی OG باشد، به اندازه E_1G بیکاری پنهان وجود دارد؛ زیرا نیروی کار مازاد بر E_1 دارای بهره‌وری نهایی صفر می‌باشد.

بر اساس تئوری کلاسیک، پرداخت واقعی به کارگران روستایی برابر با بهره‌وری متوسط یعنی

$$\alpha = \frac{HG}{OG} \quad \text{برابر با} \quad \alpha \text{ می‌باشد.}$$

ربع اول در نمودار (۲-۴) تابع تولید در بخش رسمی اقتصاد را نشان می‌دهد. تابع تولید در این بخش $X_2(L)$ است که تابعی از نیروی کار می‌باشد. منطقه کارا برای تابع تولید بین O و D_2 و OE_2 محدود می‌شود. حال فرض می‌کنیم دستمزد در بخش رسمی برابر با γ باشد؛ که برابر

نمودار ۲-۴- توابع تولید در بخش رسمی شهری، غیررسمی شهری و مناطق روستایی و ارتباط آنها



شیب خط OL در ربع اول نمودار می باشد. تولید کنندگان بخش رسمی به منظور حداکثر کردن سود به اندازه SO نیروی کار استخدام می کنند. زیرا در این نقطه نرخ دستمزد که برابر γ می باشد با تولید نهایی نیروی کار برابر است. (شیب خط مماس بر تابع تولید در نقطه T که برابر با تولید نهایی نیروی کار است مساوی با شیب خط LO است که برابر دستمزد می باشد، زیرا دو خط مورد نظر با هم موازیند.)

بخش رسمی شهری، نیروی کار لازم را از طریق مهاجرت شهری - روستایی به دست می آورد. بر اساس قاعده مهاجرت تودارو کارگرها تا زمانی به مهاجرت خود ادامه می دهند که درآمد بیش تری را انتظار داشته باشند. دستمزد انتظاری در بخش شهری برابر است با:

$$W^e = P_2 W_2 + (1 - P_2) W_3$$

که P_2 احتمال یافتن شغل در بخش رسمی، W^e دستمزد انتظاری و W_2 و W_3 به ترتیب

دستمزد در بخش رسمی و غیررسمی می باشد.

دستمزد مورد انتظار در ربع اول با β (شیب خط OW^e) برابر است. مهاجرت تا جایی ادامه می یابد که دستمزد مورد دستمزد مورد انتظار در ربع اول با انتظار با دستمزد واقعی در بخش روستایی برابر شود یعنی: $\alpha = \beta$.

یا افزایش می‌یابد و بنابراین در یک نرخ مهاجرت ثابت، حجم نیروی کار و درآمد متوسط در بخش غیررسمی نیز جهت مشخصی ندارد و ممکن است افزایش یا کاهش یابد. بنابراین ارتقای بخش غیررسمی وابسته به نوع تکنولوژی مورد استفاده در بخش رسمی می‌باشد. البته انتقال تابع تولید بخش رسمی شهری شیب دستمزد انتظاری، $\tan\beta$ ، را افزایش می‌دهد و این مورد شبیه حالتی است که در بخش رسمی شهری مشاغل جدیدی ایجاد شده باشد و بنابراین P_2 افزایش می‌یابد و افزایش P_2 مهاجرت روستاییان را به دنبال دارد. تعداد افراد مهاجر ممکن است که از تعداد مشاغل ایجاد شده بیش‌تر یا کم‌تر باشد. اما جدای از این مسأله، بیکاری آشکار در بخش رسمی شهری افزایش یافته و این حجم نیروی کار به بخش غیررسمی هجوم آورده و درآمد متوسط این بخش را کاهش می‌دهند. بنابراین افزایش دستمزد انتظاری یا خلق مشاغل جدید درآمد متوسط بخش غیررسمی را کاهش می‌دهد.

- اگر تابع تولید بخش غیررسمی در اثر بهبود تکنولوژی این بخش به سمت بالا انتقال یابد که این انتقال در نمودار (۲-۴) به سمت پایین صورت می‌گیرد؛ چنانچه حجم نیروی کار ثابت بماند، درآمد متوسط در این بخش که برابر $\tan\delta$ می‌باشد افزایش می‌یابد. زیرا در این حالت در اثر بهبود تکنولوژی، مقدار کالای تولید شده افزایش یافته است. اما افزایش درآمد متوسط، دستمزد انتظاری را افزایش داده و بر مهاجرت می‌افزاید و در نتیجه حفظ این درآمد بالا بسته به مقدار تغییر دستمزد انتظاری و تعداد مهاجرین می‌باشد.

ژتدند دولت به نظارت و دخالت در اقتصاد دست می‌زند - خواه این

د

این

J U 7E eEqñÄäföçÁ PĒpö8e, qP-ES0 :xq t d · Á { À Ài t—cÀ&š i ã ñÛ7 L ð8iz i ã ñÛ7t%

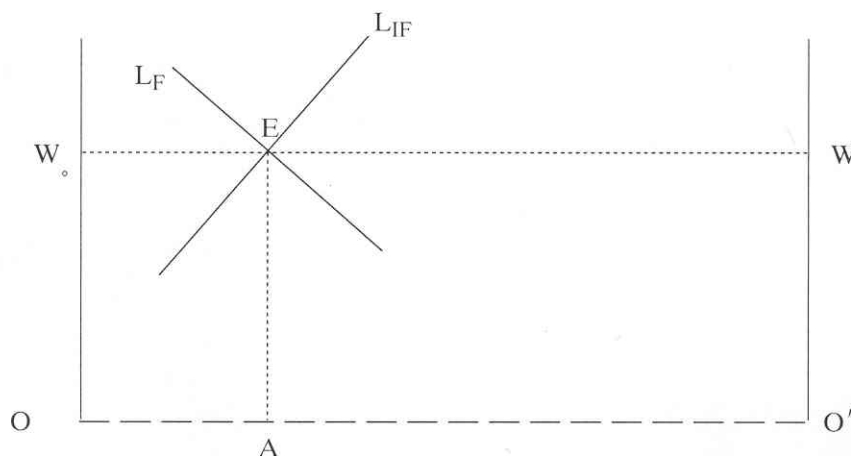
- در این حالت با افزایش (کاهش) اشتغال در بخش رسمی، اشتغال بخش غیررسمی نیز با افزایش (کاهش) مواجه خواهد شد. این زمانی است که رشد عرضه محصولات در بخش رسمی، رشد عرضه محصولات در بخش غیررسمی را به دنبال داشته باشد. در این مورد می توان به استفاده از تولیدات یک بخش به عنوان نهاده بخش دیگر اشاره کرد.
- در این حالت افزایش (کاهش) اشتغال در بخش رسمی منجر به کاهش (افزایش) اشتغال در بخش غیررسمی می شود، در چنین حالتی هرگونه تغییر در اشتغال بخش رسمی اثر معکوس بر اشتغال بخش غیررسمی خواهد داشت.
- در این حالت، تغییرات در یک بخش بر بخش دیگر تأثیری ندارد. اگرچه در تجارب واقعی، چنین ارتباطی تاکنون مشاهده نشده است؛ اما اشاره به این ارتباط از جنبه نظری اهمیت دارد.

پیش فرض های تحلیل در این قسمت عبارتند از:

- ۱- رشد اشتغال شهری برابر صفر است که مفهوم ضمنی آن عدم وجود مهاجرت و عدم رشد جمعیت می باشد.
 - ۲- نیروی کار بخش غیررسمی، نیروی کاری است که موفق به یافتن شغل در بخش رسمی نشده است.
- با توجه به پیش فرض های فوق، تعادل ایستایی همانند E در نمودار (۲-۵) در نظر می گیریم. نقطه E محل تقاطع منحنی تقاضای نیروی کار بخش رسمی (L_F) و غیر رسمی (L_{IF}) می باشد. W_0 سطح دستمزد تعادلی اسمی بازار کار شهری می باشد. O مبدأ تابع تقاضای بخش رسمی و O' مبدأ تابع تقاضای بخش غیررسمی شهری می باشد. OO' میزان عرضه نیروی کار شهری می باشد که به میزان OA در بخش رسمی و بقیه $O'A$ در بخش غیررسمی مشغول به کار هستند. همان طوری که اشاره شد بیکاری در بخش شهری نادیده گرفته شده است. همچنین بدیهی است که هرگونه افزایش در میزان نیروی کار چه در اثر رشد جمعیت و چه از طریق مهاجرت منجر به افزایش فاصله OO' خواهد شد و تغییری در بحث ایجاد نخواهد کرد.
- اکنون می توان تأثیر سیاست های اقتصادی را بر سطح اشتغال، با وجود بخش غیررسمی و با در نظر گرفتن فروض مختلف برای بازار کار، مورد بررسی قرار داد. با هدف تحلیل

اشتغال، سیاست‌های اقتصادی را می‌توان (با تأکید بر سیاست‌های کاهش تقاضای کار) به دو دسته تقسیم کرد:

نمودار ۲-۵- تعادل ایستا در بازار کار شهری



- سیاست‌هایی که به طور مستقیم بر بازار کار تأثیر می‌گذارند. این سیاست‌ها شامل کاهش محدودیت و مقررات زدایی در بازار کار می‌باشند. این گونه سیاست‌ها به بنگاه‌های رسمی - به ویژه عمومی - قدرت انعطاف بیشتری در استخدام و اخراج نیروی کار را می‌دهد. با توجه به اشتغال بیش از حد نیروی کار در بنگاه‌های رسمی - به ویژه عمومی - مقررات زدایی منجر به کاهش اشتغال در بنگاه‌های رسمی خواهد شد.

- سیاست‌هایی که به طور غیرمستقیم بر بازار کار تأثیر می‌گذارند؛ به طور مثال می‌توان به دو نمونه از این سیاست‌ها به شرح زیر اشاره کرد:

نخست کاهش کسری بودجه از طریق کاهش مخارج عمومی و سوبسیدهای حمایتی که منجر به افزایش هزینه‌های بنگاه‌های رسمی و کاهش تولید آن‌ها خواهد شد. دوم، کاهش ارزش پول که منجر به افزایش هزینه‌های جاری واردات و کاهش حجم اعتبارات واقعی در اختیار شرکت‌ها می‌شود. از آنجا که غالب بنگاه‌های رسمی - به ویژه صنعتی - ناگزیر از واردات کالاهای واسطه‌ای و اخذ اعتبارات هستند؛ لذا کاهش ارزش پول منجر به افزایش هزینه‌ها و

کاهش تولید آن‌ها گردیده و در نهایت کاهش در اشتغال بخش رسمی را نتیجه خواهد داد. مجموعه سیاست‌هایی از این دست می‌تواند موجب کاهش اشتغال شود. اکنون می‌توان، تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر اشتغال را با وجود بخش غیررسمی، با فروض مختلفی بررسی کرد:

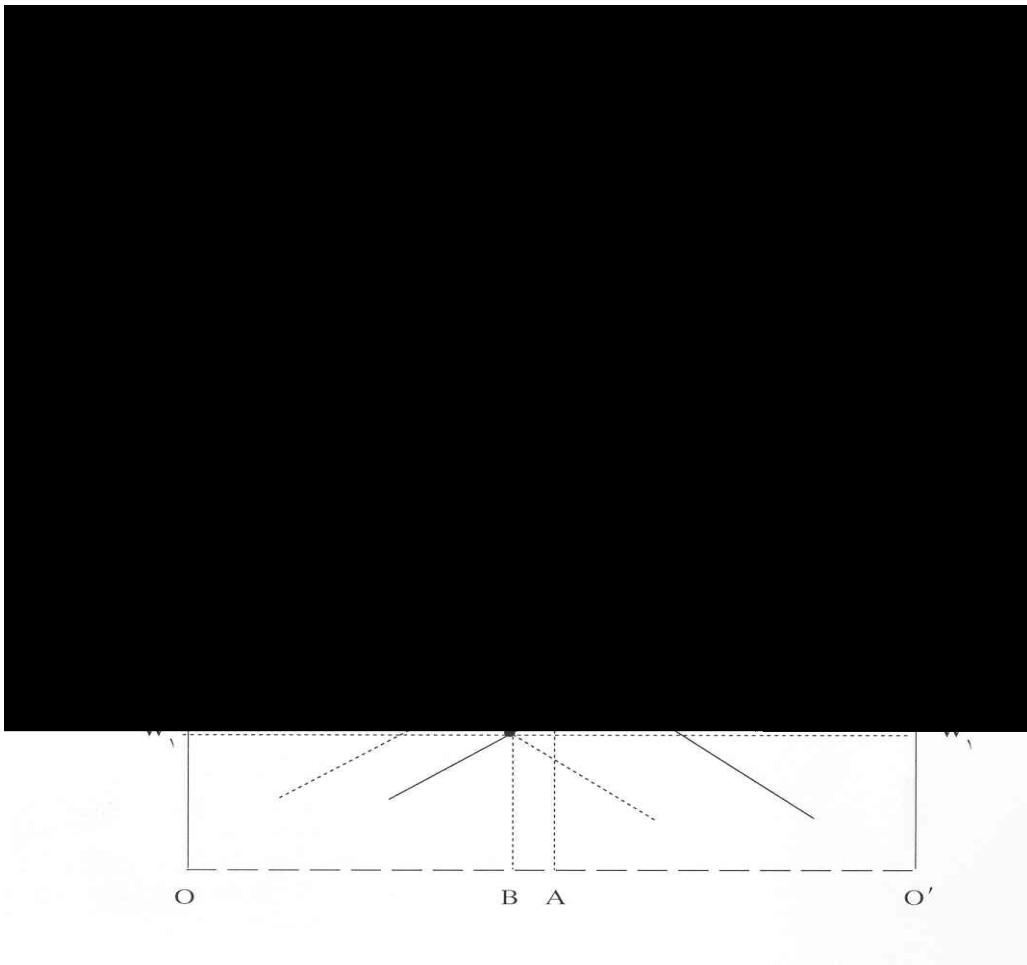
- ()

در حالت اول فرض می‌شود که انحراف در بازار کار وجود ندارد و دستمزدها براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌گردد. در چنین فضایی دولت سیاست‌های کلان را به مرحله اجرا در می‌آورد. همان‌گون که ذکر شد، تأکید بر سیاست‌هایی است که کاهش تقاضای نیروی کار را در بخش رسمی به دنبال دارد (انتقال L_f به L_f' در نمودار ۲-۶)، در این حالت دو نوع تغییر در بازار کار شهری متصور است:

۱- که در این حالت با کاهش تقاضای نیروی کار در بخش رسمی تقاضای نیروی کار در بخش غیررسمی افزایش یافته و منحنی L_{IF} به L_{IF}' انتقال می‌یابد (نمودار ۲-۶ الف). با توجه به فقدان انحراف در بازار کار، دستمزدها در هر دو بخش به یک میزان کاهش یافته و تعادل در E_1 برقرار می‌شود. لازم به ذکر است که جهت تغییر دستمزدها و اندازه $A B$ به میزان ارتباط (کشش اشتغال^۴) این دو بخش بستگی دارد.

۲- که در این حالت با کاهش تقاضای نیروی کار در بخش رسمی، تقاضای نیروی کار در بخش غیررسمی کاهش یافته و منحنی L_{IF} به L_{IF}' انتقال می‌یابد (نمودار ۲-۶ ب). با توجه به فقدان انحراف در بازار کار، دستمزدها در هر دو بخش به یک میزان کاهش یافته و تعادل در E_1 برقرار می‌شود. در این حالت به اندازه $A B$ به نیروی کار غیررسمی شهری افزوده می‌گردد.

۴. کشش اشتغال: درصد تغییرات در اشتغال بخش غیررسمی به ازای یک درصد تغییر در اشتغال بخش رسمی می‌باشد، که می‌تواند مثبت یا منفی باشد.



با توجه به مطالب فوق، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

- ۱- بازار کار شهری به بخش غیررسمی متمایل می‌گردد که آن به نوع ارتباط بین دو بخش و کشش جانشینی آن‌ها بستگی دارد. در حالتی که ارتباط منفی بین دو بخش برقرار است، بازار کار شهری قطعاً به بخش غیررسمی شهری متمایل می‌گردد. ضمن آن که هر قدر کشش اشتغال بیش‌تر باشد، نیروی کار بیش‌تری به بخش غیررسمی وارد خواهد شد. اما اگر ارتباط مثبت باشد، تنها با کشش جانشینی کوچک، بازار کار شهری به بخش غیررسمی متمایل می‌گردد.
- ۲- دستمزدها در هر دو بخش به یک میزان تغییر می‌یابد، که در حالت ارتباط مثبت، دستمزدها قطعاً کاهش می‌یابد. اما در حالت ارتباط منفی، وقتی کشش جانشینی بیش‌تر از یک

باشد، احتمال افزایش دستمزدها وجود دارد - البته این حالت بیش تر جنبه نظری دارد. عدم ایجاد بیکاری از نکات حائز اهمیت در این شرایط می باشد.

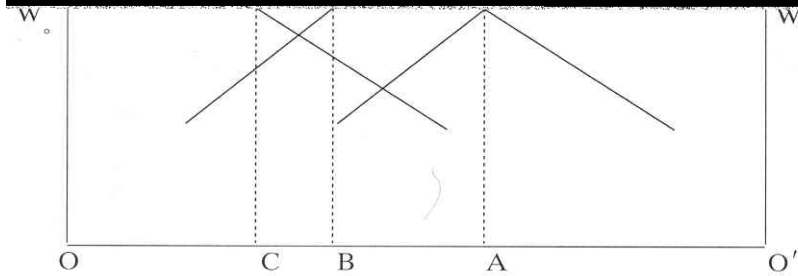
-

فرض کنید تعادل ابتدایی در نقطه E حاصل شده است و W سطح تعادلی دستمزد و حداقل دستمزد قانونی است. در چنین وضعیتی دولت اقدام به اجرای سیاست های کلان اقتصادی می کند، این سیاست ها همان گونه که اشاره شد موجب کاهش تقاضای نیروی کار در بخش رسمی شهری شده و بنابراین منحنی L_F به L'_F منتقل می گردد (نمودار ۲-۷). واکنش تقاضای نیروی کار بخش غیررسمی شهری دو حالت دارد:

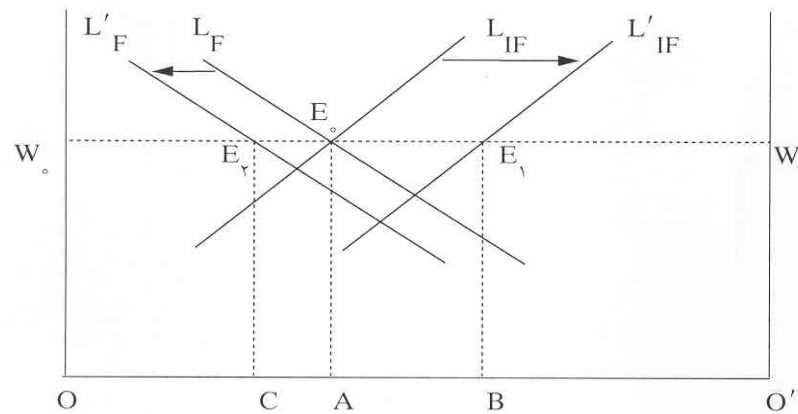
-۱-

در این حالت، اعمال این سیاست موجب افزایش تقاضا برای بخش غیررسمی می شود و انتقال L_{FI} را به L'_{IF} موجب می شود. البته میزان این انتقال بستگی به درجه جانشینی دارد. مطابق نمودار (۲-۷-الف) با توجه به وجود چسبندگی دستمزد در هر دو بخش، تعادل نهایی در دو نقطه E_1 و E_2 برقرار می شود که به ترتیب مربوط به بازار کار غیررسمی و رسمی می باشد. نتیجه چنین سیاستی کاهش اشتغال در بخش رسمی، افزایش اشتغال در بخش غیررسمی و ایجاد بیکاری به اندازه BC می باشد.

چنانچه هیچ گونه ارتباطی بین بخش رسمی شهری و غیررسمی شهری وجود نداشته باشد، تقاضای نیروی کار در بخش غیررسمی شهری بدون تغییر باقی می ماند و در نمودار (۲-۷-الف) منحنی L_{IF} هیچ گونه انتقالی نمی یابد. با توجه به وجود چسبندگی دستمزد در هر دو بخش در سطح W_0 ، در این حالت اشتغال در بخش غیررسمی تغییر نکرده و در سطح $O'A$ باقی می ماند. لکن به دلیل آن که تقاضای نیروی کار بخش رسمی شهری کاهش یافته، منحنی L_F به L'_F انتقال می یابد و اشتغال این بخش به سطح OC تنزل می یابد. نتیجه آن که، اعمال سیاست انقباضی موجب کاهش در اشتغال بخش رسمی شهری، عدم تغییر در بخش غیررسمی و افزایش بیکاری به میزان AC خواهد شد.



الف- ارتباط منفی



ب- ارتباط مثبت

۲- در این حالت به دنبال اعمال سیاست کلان و کاهش در تقاضای نیروی کار بخش رسمی، تقاضای نیروی کار بخش غیررسمی شهری نیز کاهش خواهد یافت. بدیهی است که میزان این انتقال بستگی به کشش اشتغال بین این دو بخش دارد. مطابق نمودار (۲-۷-ب) انتقال L_{IF} به L'_{IF} میزان تقاضای نیروی کار در بخش غیررسمی می‌باشد. با توجه به چسبندگی دستمزد در هر دو بخش، تعادل بخش غیررسمی شهری در نقطه E_1 و بخش رسمی در E_2 برقرار می‌گردد. نتیجه آن که در این حالت اعمال سیاست کلان

موجب کاهش اشتغال در بخش رسمی و غیررسمی می‌گردد. ضمن آن که افزایش بیکاری به میزان BC را موجب می‌شود.

بنابراین از مجموعه مباحث فوق نتایج زیر حاصل می‌گردد:

- ۱- اشتغال در بخش رسمی شهری کاهش می‌یابد، ولی در بخش غیررسمی در حالتی که ارتباط منفی برقرار است، اشتغال افزایش یافته و در حالت ارتباط مثبت، کاهش می‌یابد. در صورت فقدان ارتباط اشتغال بخش غیررسمی تغییر نمی‌کند.
- ۲- در این شرایط سطح دستمزدها بدون تغییر باقی می‌ماند.
- ۳- ایجاد بیکاری از نتایج اعمال سیاست‌های کلان در این شرایط است. البته میزان بیکاری ایجاد شده در حالات ارتباط منفی، عدم ارتباط و ارتباط مثبت به ترتیب افزایش خواهد یافت.

-

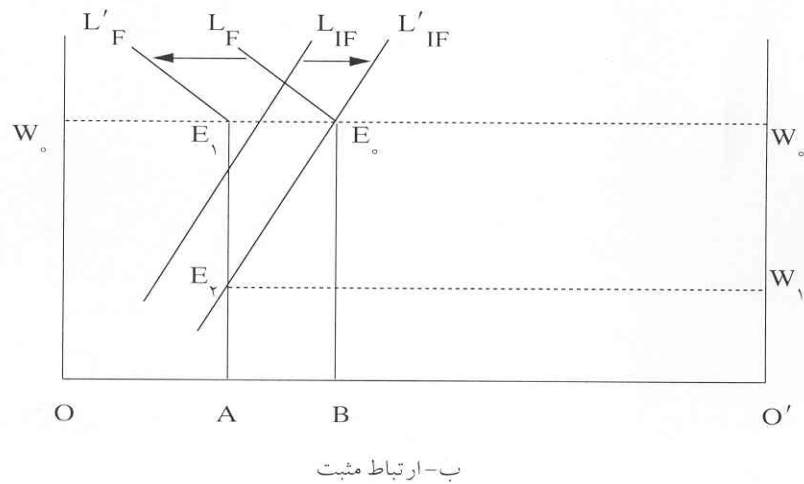
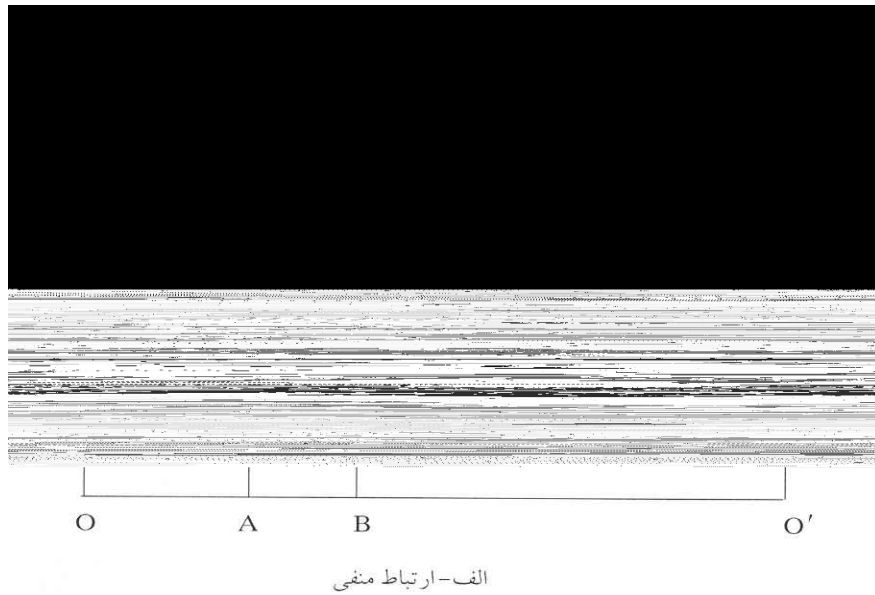
تعادل ابتدایی در نقطه E_0 و سطح دستمزد تعادلی W_0 می‌باشد. در این حالت منحنی تقاضای نیروی کار در بخش رسمی (L_F) در پایین حداقل دستمزد به صورت عمودی است. در این وضعیت دولت سیاست کاهش اشتغال در بخش عمومی را اعمال می‌کند. این امر موجب کاهش در تقاضای نیروی کار در بخش رسمی شهری شده و انتقال L_F به L'_F را در پی خواهد داشت (نمودار ۲-۸). واکنش بخش غیررسمی بستگی به نوع ارتباط آن با بخش رسمی شهری دارد.

-۱-

: در این حالت با کاهش تقاضای نیروی کار

در بخش رسمی، تقاضای نیروی کار در بخش غیررسمی افزایش یافته و از L_{IF} به L'_{IF} انتقال می‌یابد (نمودار ۲-۸ الف). با توجه به وجود چسبندگی در بخش رسمی، تعادل این بخش در E_1 و تعادل بخش غیررسمی در E_1 برقرار می‌گردد در بخش رسمی اشتغال به اندازه AC افزایش و دستمزدها بدون تغییر می‌مانند، در حالی که در بخش غیررسمی، اشتغال به اندازه AB افزایش و دستمزدها به اندازه $W_1 W_0$ کاهش می‌یابد.

در حالت فقدان ارتباط L_{IF} بدون تغییر مانده و حرکت بر روی منحنی تقاضای نیروی کار بخش غیررسمی اتفاق می‌افتد. نقطه تعادل بخش غیررسمی E_2 و دستمزدها به سطح W_2 کاهش می‌یابد.



-۲- : با کاهش تقاضای نیروی کار در بخش رسمی، تقاضای نیروی کار در بخش غیررسمی کاهش یافته از L_{IF} به L'_{IF} انتقال می‌یابد (نمودار ۲-۸-ب). در این حالت دستمزدها در بخش رسمی بدون تغییر باقی مانده و در بخش غیررسمی در دامنه W_0 W_1 کاهش می‌یابد. بنابراین اشتغال در بخش غیررسمی در دامنه AB افزایش و بیکاری نیز در همین دامنه به میزان BC ایجاد می‌گردد. در صورتی که نیروی کار

خارج شده از بخش رسمی به طور کامل جذب بخش غیررسمی گردد بدون ایجاد بیکاری دستمزدها تا W_2 کاهش می‌یابد. در غیر این صورت کاهش دستمزدها در دامنه W_0 و W_2 بیکاری در دامنه $A C$ ایجاد می‌شود.

در چنین حالتی نتایج زیر حاصل می‌گردد:

- ۱- کاهش دستمزد در بخش غیررسمی در حالت ارتباط مثبت در مقایسه با ارتباط منفی بیش تر خواهد بود. ضمن آن که بنابر فرض، دستمزدها در بخش رسمی ثابت است.
 - ۲- در هر دو حالت بازار کار شهری به سمت بخش غیررسمی متمایل می‌گردد که در حالت ارتباط مثبت میزان آن کم تر است.
- به طور کلی با توجه به سه حالت ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت اعمال سیاست‌های کلان که کاهش اشتغال در بخش رسمی را دنبال می‌کند موجب آن می‌گردد که بازار کار شهری- به استثنای یک حالت- به سمت بخش غیررسمی متمایل گردد.

۲-۲-

از سال ۱۹۷۲ که اولین بار بخش غیررسمی مورد توجه قرار گرفت، مباحث و مطالعات زیادی در مورد بخش غیررسمی، مفاهیم و ویژگی‌های آن انجام گرفته که حاوی نگرش‌های متفاوتی به این بخش بوده است. در مجموع دو نگرش کلی به این بخش قابل تشخیص است:

- در نگرش اول، با بخش غیررسمی به شکل منفی برخورد شده است و با بزرگ نمایی تنگناها و مشکلاتی که این بخش برای اقتصاد ملی به وجود می‌آورد و گاه با این تفکر که گسترش این بخش تهدیدی برای بخش رسمی می‌باشد، راهکارهایی در جهت حذف این بخش ارائه شده است.

- در نگرش دوم، نگاه مثبتی به بخش غیررسمی وجود دارد و با توجه به منافی که این بخش برای اقتصاد ملی به همراه دارد، سیاست‌ها و راهکارهایی ارائه می‌گردد که به ارتقاء و حذف نارسایی‌های آن کمک می‌کند. نمونه بارز این نگرش، دیدگاه‌های ILO در این زمینه است. واقعیت آن است که تاکنون بررسی مشخصی درباره میزان و نوع تأثیرگذاری بخش غیررسمی بر اقتصاد ملی و متغیرهای کلان صورت نگرفته است. علت اصلی آن نیز به ناتوانی در همگن کردن مفهوم بخش غیررسمی و اندازه‌گیری آن برمی‌گردد. با توجه به این مشکلات، در

این جا سعی بر آن است که از دیدگاه نظری تأثیرات بخش غیررسمی بر مهم ترین متغیرهای کلان اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

و جذب مازاد عرضه نیروی کار را

که در آن Y تولید ناخالص ملی (درآمد ناخالص ملی) بوده و سایر متغیرها همان تعاریف قبلی را دارند. اکنون با تفکیک مخارج مصرفی (C) به دو قسمت مخارج مصرفی بخش رسمی (C_F) و مخارج مصرفی بخش غیررسمی (C_{IF}) خواهیم داشت:

$$C_F = C + C_{IF} \quad (۲)$$

$$C_F = a_F + b_F(1-t_F)Y_F \quad (۳)$$

$$C_{IF} = a_I + b_I(1-t_I)Y_I \quad (۴)$$

که در آن a_F, b_F, t_F, Y_F و a_I, b_I, t_I, Y_I به ترتیب درآمد، نرخ مالیات بر درآمد، میل نهایی به مصرف و سطح حداقل معیشت برای بخش رسمی بوده و a_I, b_I, t_I, Y_I نیز همین تعاریف را برای بخش غیررسمی خواهد داشت.

با توجه به این که کل درآمد جامعه بین بخش رسمی و بخش غیررسمی توزیع شده، خواهیم داشت:

$$Y = Y_f + Y_I \quad (۵)$$

چنانچه طرفین رابطه فوق را بر Y تقسیم کنیم، داریم:

$$1 = S_f + S_I \quad (۶)$$

که در آن S_f سهم درآمد بخش رسمی از کل درآمد جامعه بوده و S_I همین تعریف را برای بخش غیررسمی داراست. براین اساس، روابط (۳) و (۴) را به صورت زیر می توان بازنویسی نمود:

$$C_F = a_F + b_{F0}(1-s_I).(1-t_F)Y \quad (۷)$$

$$C_I = a_I + b_I S_{I0}(1-t_I)Y \quad (۸)$$

که از جمع این دو رابطه طبق رابطه شماره (۲) تابع مصرف کل جامعه عبارت است از:

$$C = A + [b_F + s_I[b_I(1-t_I) - b_F(1-t_F)]]Y$$

که در آن $A = a_f + a_I$ می باشد.

ملحوظ داشتن این رابطه در اتحاد تولید ناخالص ملی (رابطه شماره ۱) رابطه زیر را به دست

می دهد:

$$Y = A + [b_F + s_I(b'_I - b'_F)]Y + I + G + X - M$$

$$Y = K[A + I + G + X - M] \quad \text{و یا}$$

که در آن $K = \frac{1}{1 - [b_F + s_I(b'_I - b'_F)]}$ می‌باشد. K ضریب تکاثری است و اثر گذاری

سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را بر تولید ناخالص ملی از ناحیه تغییر در متغیرهای داخل کرشه نشان می‌دهد. همچنین b'_I و b'_F عبارتند از:

$$b'_F = b_F (1 - t_F)$$

$$b'_I = b_I (1 - t_I)$$

نظر به این که شاغلین بخش غیررسمی در مقایسه با بخش رسمی، درآمد کم‌تری دارند (متوسط درآمد در بخش غیررسمی)، به طور نسبی سهم بیش‌تری از آن به مصرف کالاهای ضروری اختصاص یافته و بنابراین میل نهایی به مصرف بالاتری را موجب می‌گردد: $b_I > b_F$ از طرفی شاغلین بخش غیررسمی یا مالیات نمی‌پردازند ($t_I = 0$) یا به طور متوسط نرخ مالیات کم‌تری نسبت به شاغلین بخش رسمی متحمل می‌شوند ($t_I > t_F$) بنابراین:

$$(b_I - b'_F) > 0$$

اکنون از یک سو با توجه به ماهیت غیرقابل شناسایی بخش غیررسمی، مقدار S_I و b'_I نامعلوم است و بنابراین ضریب تکاثری K دقیق قابل برآورد نبوده و نتایج سیاست‌های کلان دولت، نامطمئن خواهد شد. از سوی دیگر هر چه بخش غیررسمی در جامعه گسترش بیش‌تری یابد (S_I بزرگ‌تر شود)، ضریب تکاثری K بزرگ‌تر می‌شود. بنابراین در کشورهایی که بخش غیررسمی به نسبت بزرگی دارند، آثار سیاست‌های اقتصادی دولت (سیاست‌های طرف تقاضا) هم نامطمئن‌تر است و هم قوی‌تر. از این گذشته، در کشورهای در حال توسعه که به علت مشکلات ساختاری و نهادی عرضه کل کم‌کشی دارند و به علت شرایط رکودی اشتغال ناقص برقرار است (وجود بیکاری)، با وجود بخش غیررسمی، سیاست‌های انبساطی تنها آثار تورمی قوی‌تر بر جای خواهد نهاد. این نکته به ویژه می‌تواند وضعیت اقتصاد ایران در سال‌های پس از جنگ را نیز توضیح دهد.

۳-۲-۲-

یکی از مهم‌ترین اجزای اقتصاد کلان، طرف عرضه می‌باشد. از آن جایی که بخشی از نیروی کار در بخش غیررسمی قرار دارد، لذا تأثیرات این بخش بر عرضه کل از اهمیت بالایی برخوردار است. این مسأله در کشورهای در حال توسعه که سهم بخش غیررسمی بالاتر است، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

یکی از ویژگی‌های بخش غیررسمی عملکرد در مقیاس کوچک می‌باشد که سرمایه‌گذاری پایین، عدم دسترسی به تسهیلات اعتباری، فقدان مهارت و تخصص و نیز سطح پایین تکنولوژی از علل آن می‌باشد. همان‌طوری که در ادبیات اقتصاد خرد مطرح است، شیب تابع عرضه بنگاه در بلندمدت کم‌تر از کوتاه‌مدت است که به معنی انعطاف‌پذیری بیش‌تر تولید در برابر تغییرات قیمت، در بلندمدت می‌باشد.

علت این امر امکان جایگزینی عوامل و نیز امکان استفاده بنگاه‌ها از صرفه‌های مقیاس در بلندمدت می‌باشد. براین اساس، عملکرد در مقیاس کوچک بنگاه‌های غیررسمی، توان استفاده از صرفه‌های مقیاس را از این بخش گرفته، در نتیجه موجب کم‌کشش شدن تابع عرضه این بنگاه‌ها و در نهایت عرضه کل می‌گردد.

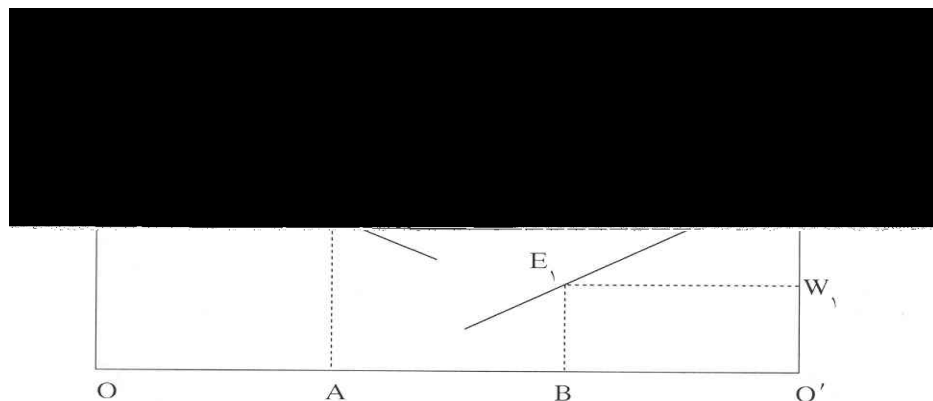
۲-۲-۴-

تأثیر بخش غیررسمی بر توزیع درآمد از مهم‌ترین مباحثی است که باید در ادبیات این بخش مورد توجه قرار گیرد. سؤالی که در این جا مطرح می‌گردد، این است که آیا حضور و گسترش بخش غیررسمی توزیع درآمد را بهبود خواهد بخشید یا خیر؟ این موضوع از دو دیدگاه قابل بررسی است:

دیدگاه اول فرض می‌کند که بخش غیررسمی در اقتصاد ملی وجود نداشته باشد و اندازه بخش رسمی نیز ثابت بوده یا به عبارتی وضعیت اقتصادی اجازه گسترش آن را ندهد. بدیهی است در این شرایط توزیع درآمد بدتر از حالتی است که بخش غیررسمی وجود دارد. نمودار (۲-۹) این مطلب را به روشنی بیان می‌دارد. در این شکل L_F و L_{IF} به ترتیب تقاضای نیروی کار در بخش رسمی و غیررسمی می‌باشد. در شرایطی که بخش غیررسمی در اقتصاد وجود ندارد، کل درآمد حاصل از عامل کار در جامعه برابر $W_0 E_0$ می‌باشد. ولی به هنگام حضور بخش غیررسمی کل درآمد حاصل از عامل کار در جامعه $(OAE_0 W_0 + O'BE_1 W_1)$ می‌باشد. بنابراین وجود بخش غیررسمی افزایش درآمدی را به میزان $O'BE_1 W_1$ نتیجه می‌دهد.

از آن جایی که اغلب نیروی کار بخش غیررسمی از افراد فقیر و کم درآمد جامعه می‌باشند، لذا در مجموع وجود بخش غیررسمی توزیع درآمد را بهبود خواهد بخشید.

دیدگاه دوم به اختلاف درآمدهای بین بخش رسمی و غیررسمی برمی‌گردد. از آنجایی که بازار کار غیررسمی، بازاری به نسبت رقابتی است، با افزایش شاغلین این بخش، سطح دستمزدها پایین می‌آید لذا گسترش بخش غیررسمی در طول زمان اختلاف درآمد بین بخش رسمی و غیررسمی را افزایش می‌دهد که از این منظر بر توزیع درآمد اثر منفی دارد.



همان‌طوری که ملاحظه می‌گردد، دیدگاه‌های متفاوت نسبت به بخش غیررسمی، نتایج مختلفی از روند توزیع درآمد را به دست می‌دهند. به نظر می‌رسد، در نظر گرفتن دو دیدگاه و ارائه راهکارهای مناسب بر اساس آن، منطقی‌ترین راه در جهت ارتقای بخش غیررسمی و در نهایت اقتصاد ملی باشد.

۲-۲-۵-

یکی از ویژگی‌های جهان امروز، تحولات شدید فن‌آوری است. ارتقای فن‌آوری نه تنها افزایش تولید واقعی را نتیجه می‌دهد، بلکه بهره‌وری عوامل را بالا خواهد برد. از این رو توجه به تحولات فن‌آوری و دستیابی به آن از مهم‌ترین وظایف بنگاه‌های اقتصادی است که این امر از دو طریق ابداع و یادگیری امکان‌پذیر است. صرف‌نظر از مباحثی که در مورد انتخاب روش ابداع و یادگیری (انتقال) مطرح می‌گردد، دستیابی به تحولات فن‌آوری مستلزم داشتن سرمایه انسانی کافی و ایجاد واحدهای تحقیق و توسعه می‌باشد که سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را طلب می‌کند.

از آنجایی که عملکرد در مقیاس کوچک، ضعف در سرمایه‌گذاری، پایین بودن تخصص و مهارت از ویژگی‌های بخش غیررسمی می‌باشد؛ این بخش توان اقتباس و یادگیری فن‌آوری‌های

جدید و پیشرفته یا سرمایه گذاری در واحدهای تحقیق و توسعه و به تبع آن دستیابی به تحولات فن آوری را ندارد. لذا می توان پیش بینی نمود در اقتصادی که در آن بخش غیررسمی گسترش فراوانی یافته است، تحولات فن آوری محسوسی قابل مشاهده نیست. این بدان معنی است که در چنین اقتصادی امکان رشد قابل توجه تولید واقعی در بلندمدت وجود ندارد.

با توجه به مجموعه مباحثی که در مورد ارتباط بخش غیررسمی با متغیرهای مختلف بیان گردید؛ نتیجه کلی که می توان گرفت این است که در مطالعات مربوط به بخش غیررسمی، گسترده بودن یا نبودن آن نمی تواند چندان مطرح باشد، بلکه مهم این است که با توجه به جایگاه این بخش در اقتصاد ملی چه راهکارها و سیاست هایی باید ارائه داد که نتیجه آن ارتقای این بخش و تعامل مثبت آن با اقتصاد ملی و افزایش رفاه جامعه باشد.

۲-۲-۶-

در این قسمت با ارائه چارچوب تئوریکی، آثار یارانه اعطا شده از جانب دولت، بر روابط موجود در بخش غیررسمی و از آن طریق بر بیکاری مورد بررسی قرار می گیرد. به همین منظور ابتدا به ارائه مدل، سپس به تعیین روابط موجود بین متغیرها و آنگاه به بررسی تأثیر پارامترهای سیاست های بازتوزیعی (پارامترهای مشخص کننده انواع یارانه) بر بخش غیررسمی، پرداخته می شود.^۵

الگوی در نظر گرفته شده در این بحث نظری، مدل اقتصادی دو گانه هاریس - تودارو^۶ می باشد که چهار گروه درآمدی را مدنظر قرار می دهد:

- ۱- کارگران بخش رسمی شهری که بالاترین دستمزدها را دریافت می کنند.
 - ۲- کارگران بخش غیررسمی شهری که دستمزد پایین تری را دریافت می کنند.
 - ۳- افراد بیکار در بخش شهری که مزدی دریافت نمی کنند.
 - ۴- کارگران روستایی که دارای نرخ دستمزد متفاوتی می باشند.
- اقتصاد در نظر گرفته شده در این مدل دارای دو بخش می باشد، یک بخش شهری و یک بخش روستایی، که بخش شهری به دو زیر بخش رسمی و غیررسمی تقسیم می شود، به طوری که بخش رسمی کالای نهایی و بخش غیررسمی کالای واسطه ای تولید می کنند. همچنین کالای

۵. چارچوب تئوریکی این بحث از رانجان کوپتا (۱۹۹۳)، ص. ۱۵۱-۱۳۷ اقتباس شده است.

۶. Harris - Todaro.

واسطه‌ای تولید شده توسط بخش غیررسمی به‌عنوان داده در بخش رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نیروی کار، داده مشترک برای تمامی بخش‌ها می‌باشد و بخش شهری به نیروی کار مهاجر از بخش روستایی وابسته است.

- : این بخش دارای مشخصات زیر می‌باشد:

- ۱- تولیدات این بخش به صورت کالای ساخته شده می‌باشد.
- ۲- عوامل تولید در این بخش، نیروی کار، سرمایه و کالاهای واسطه‌ای تولید شده توسط بخش غیررسمی می‌باشد.
- ۳- ذخیره سرمایه به کار رفته در این بخش به خودی خود تولید شده است.

با توجه به مطالب فوق تابع تولید بخش رسمی شهری را به شکل زیر در نظر می‌گیریم.

$$Y_1 = F_1(L_1, R, K_1) \quad (1)$$

به طوری که Y_1 سطح تولید، L_1 سطح اشتغال، R مقدار کالای واسطه‌ای تولید شده توسط بخش غیررسمی و K_1 ذخیره سرمایه می‌باشد.

هزینه کل، C_1 ، در این بخش برابر است با:

$$C_1 = (\bar{W}_1 - S_1)L_1 + P_1R \quad (2)$$

به طوری که \bar{W}_1 نرخ دستمزد ثابت در بخش رسمی شهری، S_1 سوبسید دستمزد برای هر واحد اشتغال و P_1 قیمت نسبی تولید بخش غیررسمی (کالای واسطه‌ای) بر حسب تولید بخش رسمی می‌باشد.

تابع سود را تشکیل می‌دهیم:

$$\pi_1 = \gamma_1 - C_1 \quad (3)$$

با جانشین کردن رابطه‌های (۱) و (۲) در تابع سود، داریم:

$$\pi_1 = F_1(L_1, R, K_1) - (\bar{W}_1 - S_1)L_1 - P_1R$$

حال چنانچه تابع فوق را ماکزیمم کنیم خواهیم داشت:

$$\frac{\partial \pi_1}{\partial L_1} = 0 \Rightarrow \frac{\partial y_1}{\partial L_1} = \bar{W}_1 - S_1 \quad (4)$$

$$\frac{\partial \pi_1}{\partial R} = 0 \Rightarrow \frac{\partial y_1}{\partial R} = p_1 \quad (5)$$

با حل معادلات فوق و با کمک تابع تولید، تابع اشتغال در بخش رسمی شهری، L_1 و تابع تقاضای کالای واسطه‌ای، R ، به دست می‌آید که عبارتند از:

$$L_1 = L_1(S_1) \quad \text{به طوری که} \quad L_1'(S_1) > 0 \quad (6)$$

$$R = R(P_1) \quad \text{به طوری که} \quad R'(P_1) < 0 \quad (7)$$

متغیرهای Y_1 ، L_1 ، R و P_1 در درون مدل تعیین می‌گردند در حالی که S_1 یک پارامتر سیاستی می‌باشد و در خارج از مدل تعیین می‌شود. همچنین اگر دولت یارانه دستمزد برای بخش رسمی، S_1 ، را افزایش دهد منجر به افزایش L_1 می‌گردد.

- : بخش غیررسمی به‌عنوان زیربخشی از بخش شهری دارای

مشخصات زیر می‌باشد:

الف- این بخش شامل نیروی کار مهاجری است که شغلی را در بخش رسمی شهری به دست نیاورده است.

ب- این بخش تولید کننده کالاهای واسطه‌ای برای بخش رسمی شهری می‌باشد.

ج- سطح تولید بخش غیررسمی به سطح تقاضا در بخش رسمی وابسته است.

د- بخش غیررسمی سرمایه را از بازار مالی غیرسازمان یافته در نرخ بهره بالا تهیه می‌نماید.

تابع تقاضا برای تولید بخش غیررسمی را تابعی خطی به شکل زیر در نظر می‌گیریم:

$$R(p_1) = r_1 - r_2 p_1 \quad (8)$$

به طوری که r_1 و r_2 دو مقدار ثابت می‌باشند و اگر یارانه قیمتی برای بخش غیررسمی در

نظر گرفته شود آنگاه r_2 ارزش پایین تری می‌گیرد. فرض می‌کنیم که بنگاه بخش غیررسمی مقدار

سرمایه K_u را در نرخ بهره i ، از بازار سرمایه سازمان نیافته تهیه می‌کند بنابراین داریم:

$$i = a + G(K_u) \quad \text{با فرض این که} \quad G'(K_u) > 0, G''(K_u) > 0 \quad (9)$$

تابع تولید در بخش غیررسمی برابر است با:

$$Y_u = F_u(K_u, L_{u1}) \quad (10)$$

به طوری که K_u میزان سرمایه و L_{u1} سطح اشتغال در بخش غیررسمی می‌باشد.

هزینه کل، C_u ، در این بخش برابر است با:

$$C_u = L_{u1}V + G((K_u) + \alpha) K_u \quad (11)$$

که V نرخ دستمزد در بخش غیررسمی می‌باشد.

حال با تشکیل تابع سود و برقراری شرایط ماکزیمم داریم:

$$\frac{\partial y_u}{\partial L_{u1}} = V \quad (12)$$

$$\frac{\partial Y_u}{\partial K_u} = G(K_u) + \alpha + K_u \cdot G'(K_u) \quad (13)$$

با حل معادلات فوق تابع تقاضا برای نیروی کار، L_{u1} ، و تابع تقاضا برای سرمایه، K_u ، به دست می‌آیند که عبارتند از:

$$L_{u1} = L_{u1}(V) \quad \text{به طوری که} \quad L'_{u1}(V) < 0 \quad (14)$$

$$K_u = K_u(\alpha) \quad \text{به طوری که} \quad K'_u(\alpha) < 0 \quad (15)$$

در روابط فوق α یک پارامتر سیاستی است به طوری که اگر دولت یارانه سرمایه را برای بخش غیررسمی در نظر بگیرد آنگاه α ارزش پایین تری پیدا می‌کند و بخش غیررسمی قادر به تهیه سرمایه بیش تری می‌باشد.

در تعادل، تولید بخش غیررسمی با تقاضا برای تولیداتش برابر است یعنی:

$$Fu(K_u(\alpha), L_{u1}(V)) = r_1 - r_2 p_1 \quad (16)$$

- : این بخش با استفاده از نیروی کار تنها مواد غذایی تولید می‌کند، بنابراین

تابع تولید به شکل زیر می‌باشد:

$$Y_2 = F_2(L_2) \quad \text{به طوری که} \quad F'_2(L_2) > 0 \quad \text{و} \quad F''_2(L_2) < 0 \quad (17)$$

با فرض این که بهره‌وری نهایی نیروی کار برابر با دستمزد در این بخش می‌باشد داریم:

$$W_2 = F'_2(L_2) + S_2 \quad (18)$$

به طوری که S_2 یارانه دستمزد بر هر واحد اشتغال در بخش روستایی و L_2 تعداد کارگران

بیکار در بخش شهری می‌باشد.

فرض کنید اندازه نیروی کار شهری برابر با $L_{u1} + L_{u2} + L_{u3}$ باشد. همچنین در نظر بگیرید

که X اندازه مطلوب مواد غذایی باشد که دولت به مردم شهری عرضه می‌کند و ارتباط مثبتی را

بین X و نیروی کار شهری در نظر بگیرید:

$$X = X(L_1 + L_{u1} + L_{u2}) \quad \text{به طوری که} \quad X'(o) > 0 \quad (19)$$

تابع عرضه در بخش روستایی نیز برابر است با:

$$Z = Z(P_2, Y_2) \quad (20)$$

به طوری که P_2 قیمت مواد غذایی است (بر حسب تولید بخش رسمی) و روابط زیر را داریم:

$$\frac{\partial Z}{\partial P_2} > 0$$

$$\frac{\partial Z}{\partial Y_2} > 0$$

در تعادل رابطه زیر برقرار است:

$$X = Z \quad (21)$$

یعنی مقدار مطلوب مواد غذایی مورد نیاز مردم شهری با مقدار عرضه شده توسط نیروی کار بخش روستایی برابر است.

حال نیروی کار اقتصادی را برابر واحد قرار می دهیم یعنی:

$$L_1 + Lu_1 + Lu_2 + L_2 = 1 \quad (22)$$

یا

$$L_1 + Lu_1 + Lu_2 = 1 - L_2 \quad (22')$$

با توجه به فرمول فوق و جایگذاری آن در تساوی $X = Z$ داریم:

$$X(1 - L_2) = Z(P_2, F_2(L_2)) \quad (23)$$

در رابطه فوق، P_2 یک متغیر سیاستی است. به طوری که افزایش P_2 (به عنوان یارانه برای فروشندگان مواد غذایی) به افزایش قیمت مواد غذایی تولید شده توسط روستاییان منجر می گردد.

- : در مدل هاریس - تودارو وقتی مهاجرت در تعادل قرار می گیرد

که نرخ دستمزد شهری مورد انتظار مهاجر روستایی با نرخ دستمزد واقعی در بخش روستایی برابر شود. یعنی:

$$\frac{W_1 L_1 + P_1 V L_{U_1}}{L_1 + L_{U_1} + L_{U_2}} = P_2 W_2 \quad (24)$$

که در آن سمت چپ معادله فوق، نرخ دستمزد شهری مورد انتظار فرد مهاجرت کننده و سمت

راست آن دستمزد واقعی در بخش روستایی می‌باشد. همچنین $\frac{L_1}{L_1 + L_{U_1} + L_{U_2}}$ احتمال این است که مهاجر روستایی شغلی را در بخش رسمی بیابد و $\frac{L_{U_1}}{L_1 + L_{U_1} + L_{U_2}}$ احتمال یافتن شغل توسط فرد مهاجر در بخش غیررسمی است.

۱-۶-۲-۲

رابطه ۲۳ را در نظر می‌گیریم:

$$X(1-L_2) = Z(P_2, F(L_2))$$

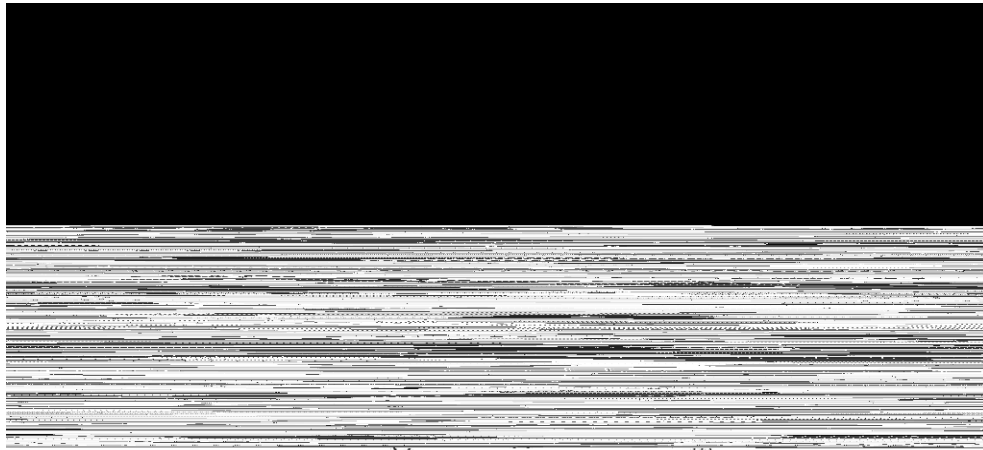
سمت چپ، تابعی منفی از L_2 است و سمت راست، با فرض معین بودن P_2 ، تابع مثبتی از L_2 می‌باشد. پس رابطه فوق برای بعضی از مقادیر L_2 ، مثلاً \bar{L}_2 ، معین است. حال با فرض ثابت بودن S_1 ، L_1 نیز معین و مثلاً برابر \bar{L}_1 می‌باشد. بنابراین از معادله ۲۲ خواهیم داشت:

$$L_{u_1} + L_{u_2} = 1 - \bar{L}_1 - \bar{L}_2 \quad (25)$$

اگر سمت راست معادله فوق را برابر A قرار دهیم، داریم:

$$L_{u_1} + L_{u_2} = A \quad (26)$$

نمودار شماره (۱۰-۲) رابطه فوق را نمایش می‌دهد.



با توجه به رابطه ۲۵ حالات زیر قابل بررسی می‌باشد:

- اگر سوبسید دستمزد بخش رسمی، S_1 ، افزایش یابد، L_1 زیاد می‌شود و با فرض $L_2 = \bar{L}_2$ سمت راست معادله ۲۵ کاهش یافته و بنابراین با فرض برقراری تساوی، سمت چپ معادله

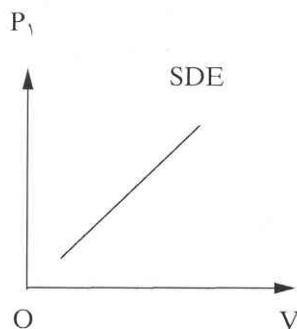
مذکور نیز باید کاهش یابد یعنی $LU_1 + LU_2$ کاهش یافته و در نتیجه خط مستقیم U_1U_2 به طرف پایین شیف می کند.

- اگر سوبسید قیمتی به تجار مواد غذایی، P_2 ، افزایش یابد، L_2 کاهش می یابد بنابراین با S_1 داده شده و در نتیجه $L_1 = \bar{L}_1$ ، سمت راست معادله ۲۵ افزایش یافته و بنابراین با فرض برقراری تساوی، $L_{u_1} + L_{u_2}$ نیز باید افزایش یابد. در نتیجه خط مستقیم U_1U_2 به سمت بالا شیف می کند. رابطه (۱۶) را در نظر می گیریم:

$$F_U(Ku(\alpha), Lu_1(V)) = r_1 - r_2 p_1$$

با فرض α و r_2 معین، معادله فوق ترکیب دیگری از P_1 و V را ارائه می دهد که به ازای آن ها تولید بخش غیررسمی با تقاضایش برابر است. مکان هندسی نقاطی را که روی آن عرضه و تقاضای بخش غیررسمی به ازای P_1 و V معین برابر می باشند، منحنی برابری بخش غیررسمی نامیده و با SDE نمایش می دهیم.^۷ (نمودار ۲-۱۱) اکنون می خواهیم عکس العمل نرخ دستمزد V را در مقابل افزایش P_1 مورد بررسی قرار دهیم. با افزایش P_1 ، طرف راست معادله (۱۶) کاهش می یابد. به منظور حفظ برابری، سمت چپ نیز باید کاهش یابد. با توجه به این که $\frac{\delta F_U}{\delta Lu_1} > 0$ می باشد، بنابراین به منظور کاهش F_U ، L_{u_1} باید کاهش یابد. از طرفی $\frac{\delta Lu_1}{\delta V} < 0$ می باشد بنابراین برای کاهش L_{u_1} ، باید V افزایش یابد. پس با افزایش P_1 ، V نیز افزایش می یابد. بنابراین منحنی SDE دارای شیب مثبت می باشد.

نمودار ۲-۱۱- منحنی برابری بخش غیررسمی



7. supply-demand equality.

با توجه به رابطه (۱۵) حالات زیر را بررسی می‌کنیم:

- اگر یارانه قیمت برای بخش غیررسمی افزایش یابد، I_2 ارزش پایین‌تری می‌گیرد، بنابراین طرف راست معادله ۱۵ با فرض معین بودن P_1 افزایش می‌یابد. در این صورت طرف چپ هم باید افزایش یابد یعنی باید V کاهش یابد. بنابراین در همان سطح P_1 ، V مقدار کمتری را اختیار کرده و بنابراین منحنی SDE به سمت محور P_1 دوران می‌یابد.

- اگر یارانه سرمایه برای بخش غیررسمی افزایش یابد، α ارزش پایین‌تری می‌گیرد، با توجه به اینکه $\frac{\delta Ku}{\delta \alpha} < 0$ می‌باشد پس Ku افزایش می‌یابد؛ طرف چپ معادله ۱۶ با فرض $V = \bar{V}$ افزایش یافته، در نتیجه باید طرف راست نیز افزایش یابد که این نتیجه در صورت کاهش P_1 ممکن می‌باشد. در نتیجه در این حالت منحنی SDE به سمت محور V دوران می‌کند.

روابط (۲۴) و (۱۸) را در نظر می‌گیریم:

$$\frac{W_1 L_1 + P_1 V L u_1(V)}{1 - L_2} = P_2 W_2 \quad (\text{الف})$$

$$W_2 = F'_2(L_2) + S_2 \quad (\text{ب})$$

حال با جای‌گذاری رابطه (ب) در طرف راست رابطه الف عبارت زیر را به دست می‌آوریم:

$$\frac{W_1 L_1 + P_1 V L u_1(V)}{1 - L_2} = P_2 (F'_2(L_2) + S_2) \quad (27)$$

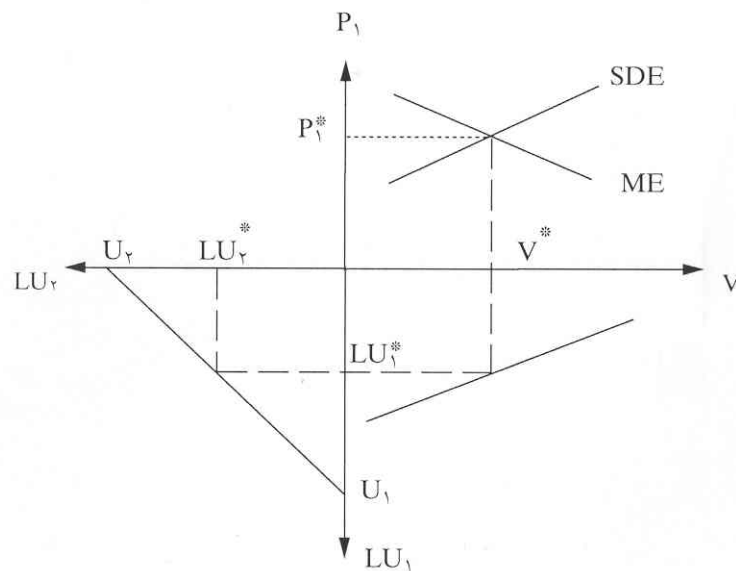
فرض می‌کنیم کشش دستمزد در بخش غیررسمی که با فرمول زیر ارائه می‌شود کوچک‌تر از یک می‌باشد.

$$\theta = -\left(\frac{\delta L u_1}{\delta V}\right)\left(\frac{V}{L u_1}\right), \quad (\theta < 1)$$

اگر متغیرهای سیاستی S_1 ، P_2 ، S_2 ثابت باشند، L_1 و L_2 نیز ثابت بوده، طرف راست معادله ۲۷ نیز ثابت می‌شود و طرف آن چپ نیز باید ثابت باشد، به طوری که افزایش در P_1 توسط کاهش در $V L u_1$ جبران شود. از طرفی با توجه به این که $(\theta < 1)$ می‌باشد، کاهش در $V L u_1$ بر کاهش V دلالت دارد. پس V و P_1 در جهت عکس هم عمل می‌کنند. تساوی (۲۷) مکان هندسی نقاطی را نشان می‌دهد که به ازای P_1 و V معین، مهاجرت در تعادل قرار می‌گیرد. این مکان هندسی را

حال نمودار ۴-۷ را در نظر می‌گیریم، با ترکیب منحنی SDE و ME ارزش تعادلی P_1 و V مشخص می‌شود که P_1^* قیمت تعادلی بخش غیررسمی و V^* نرخ دستمزد تعادلی بخش غیررسمی است (ربع اول)، ربع چهارم منحنی تقاضا برای نیروی کار در بخش غیررسمی را نشان داده و LU_2^* اشاره به سطح بیکاری آشکار در بخش شهری دارد. تذکر این نکته مهم می‌باشد که در تحلیل ارائه شده علاوه بر این که سطح دستمزد و قیمت در بخش غیررسمی به صورت درونزا تعیین می‌گردد، نشان داده شد که علی‌رغم وجود بخش غیررسمی، باز هم در اقتصاد بیکاری وجود دارد.

نمودار ۲-۱۳- ارتباط دستمزد و قیمت بخش غیررسمی



آثار اعمال یارانه بر قیمت و نرخ دستمزد بخش غیررسمی و بنابراین بر بیکاری با توجه به نمودار (۲-۱۳) به شرح زیر می‌باشد:

- اگر یارانه قیمت، به بخش غیررسمی اعطا گردد، I_2 ارزش کم‌تری می‌گیرد، منحنی SDE به طرف بالا جابه‌جا می‌شود و سایر منحنی‌ها ثابتند، بنابراین افزایش می‌یابد، کاهش می‌یابد و کاهش می‌یابد.

- اگر سوبسید سرمایه به بخش غیررسمی افزایش یابد، ارزش کم‌تری می‌گیرد،

منحنی SDE به طرف پایین شیفیت می کند، سایر منحنی ها ثابتند، بنابراین کاهش می یابد. افزایش می یابد و افزایش می یابد.

- اگر یارانه دستمزد به بخش روستایی افزایش یابد، منحنی M E به طرف بالا شیفیت می کند، سایر منحنی ها ثابتند، بنابراین و ارزش بالاتری می گیرند و نیز افزایش می یابد.

- اگر یارانه دستمزد به بخش رسمی افزایش یابد، منحنی M E به طرف پایین شیفیت می کند و خط مستقیم $U_1 U_2$ به طرف پایین جا به جا می شود. اما منحنی SDE ثابت باقی می ماند. بنابراین و کاهش می یابد.

- اگر یارانه قیمت به بخش روستایی افزایش یابد، خط مستقیم $U_1 U_2$ به طرف بالا جا به جا می شود و منحنی M E به طرف بالا می رود، اما منحنی SDE ثابت باقی می ماند، بنابراین و افزایش می یابد.

پس با افزایش یارانه دستمزد به بخش شهری، سطح بیکاری کاهش می یابد و افزایش یارانه قیمت یا دستمزد در بخش روستایی، سطح بیکاری را افزایش می دهد. اما یارانه قیمت به بخش غیررسمی بیکاری را کاهش داده در حالی که پرداخت یارانه سرمایه به این بخش به معضل بیکاری دامن می زند.

۲-۳-

بررسی رفتارهای بخش غیررسمی، بخش قابل توجهی از تحقیقات و مطالعات اقتصادی را از سال ۱۹۷۲ به بعد به خود اختصاص داده است. تحقیقات انجام شده در رابطه با بخش غیررسمی توسط ILO و نهادهای بین المللی، دولت ها، محققان دانشگاهی و... صورت پذیرفته است.

به طور کلی مطالعات در مورد بخش غیررسمی در سه منطقه از کشورهای در حال توسعه انجام گرفته است که این مناطق شامل آفریقا، آسیا و امریکای لاتین می باشد. مجموعه این تحقیقات و مطالعات را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

- مطالعاتی که به بخش غیررسمی به عنوان یک پدیده نیروی کار می نگرند به طوری که سهم قابل توجهی از نیروی کار شهری در کشورهای در حال توسعه را در خود جای داده است. این مطالعات بیش تر بر قانونی کردن مشاغل بخش غیررسمی، ارائه سیاست ها و راهکارهایی

برای بهبود بهره‌وری و درآمد شاغلین این بخش و ادغام هرچه بیش تر بخش غیررسمی در بخش رسمی متمرکز می‌باشد.

- مطالعاتی که بخش غیررسمی را بنگاه‌های کوچکی می‌داند که با کمک‌های معقولانه مالی و فنی می‌توان بر پویایی آن‌ها افزود.

- مطالعاتی که بر ارتباط بین بخش رسمی و غیررسمی در کشورهای تازه صنعتی شده مانند امریکای لاتین متمرکز می‌باشد.

در ادامه به بررسی تجارب سایر کشورها در رابطه با بخش غیررسمی می‌پردازیم.

۲-۳-۱-)^۹ (

شناخت بخش غیررسمی در آبیگان توسط هیتراجاشی^{۱۰} در چارچوب فعالیت‌های مرسوم علمی در سال ۱۹۷۰ انجام گرفته است. در این تحقیق برآورد شده است که از ۱۵۳۰۰۰ نیروی کار شهری منطقه ۳۱ درصد در بخش غیررسمی فعالیت دارند که ۶ درصد آن‌ها در بخش کشاورزی، ۳۲ درصد در ساختمان و صنعت، ۳۵ درصد در تجارت و ۲۷ درصد در خدمات حضور دارند. این برآورد شامل کارگران خود اشتغال و کارکنان فامیلی می‌باشد. همچنین در این مطالعه برآورد شده است که از کل ارزش افزوده ایجاد شده در بخش غیررسمی ساحل عاج ۲۳ درصد در صنایع و معادن، ۲۴ درصد در حمل و نقل و ۵۳ درصد در تجارت و خدمات می‌باشند. (نایب (۱۳۷۸)، ۳۷).

۲-۳-۲-)^{۱۱} (

این مطالعه توسط فاولر^{۱۲} در سال ۱۹۷۶ انجام گرفته است و فعالیت‌های تولید کالاهای صنعتی و ساختمان، تجارت و حمل و نقل و خدمات را پوشش می‌دهد. در این تحقیق سهم نیروی کار غیررسمی در تجارت ۶۶ درصد، در تولید کالا ۲۰ درصد، در خدمات ۹ درصد، در حمل و نقل ۴ درصد و در ساختمان ۲ درصد برآورد شده است. اندازه متوسط بنگاه‌ها در بخش غیررسمی فری‌تاون ۱/۹ برحسب نیروی کار بود. از کل نیروی کار بخش غیررسمی در نمونه‌گیری، ۵۷ درصد مزد و حقوق‌بگیر و ۴۳ درصد کارکن فامیلی و شاگردها بودند. (همان مأخذ، ص ۳۷).

13 . Abidgan.

14 . Hether Joshi

15 . Freetown.

16 . Fowler.

۲-۳-۳- () ۱۳

این مطالعه در سال ۱۹۸۲ توسط ILO و برنامه‌های سیاستی کار و جمعیت انجام گرفت. براساس این تحقیق بخش رسمی شامل بخش عمومی، شرکت‌های با مسئولیت محدود، نمایندگی‌های بیمه و بانک و کلیساها و مساجد و بخش غیررسمی شامل بنگاه‌های کوچک فعالیت‌های ساختمانی، تجارت، خدمات حمل و نقل، تعمیرات و چندین حرفه دیگر خود اشتغالی بوده است. سهم شاغلین بخش غیررسمی در جوبا ۵۶ درصد برآورد شده است و اندازه متوسط بنگاه‌ها برحسب تعداد نیروی کار با احتساب مدیر بنگاه ۲/۵ بوده است. (همان مأخذ، ص ۴۰).

۲-۳-۴- ۱۴

این بررسی در سال ۱۹۸۰ و تحت نظارت APSAJ/oLI^{۱۵} صورت گرفته است. نمونه مورد بررسی در این تحقیق بنگاه‌های فعال در تولید و خدمات با کم‌تر از ۵ کارکن و حجم نمونه مورد نظر ۲۲۲ بنگاه بوده است. مجموع نیروی کار شاغل در این بنگاه‌ها ۵۸۱ نفر برآورد شده که ۳۴ درصد کارکنان مستقل، ۲ درصد شرکا و ۵۴ درصد شاگرد را شامل می‌شود. (لوبل (۱۹۹۱)، ص ۳۶).

۲-۳-۵- () ۱۶

این تحقیق در سال ۱۹۸۱ توسط دفتر تحقیقات اقتصادی دانشگاه دارالسلام در سه بخش اطراف شهر و یک بخش در مرکز شهر صورت گرفت. نمونه مورد بررسی در این تحقیق بنگاه‌های کم‌تر از ۱۰ نفر کارکن و حجم نمونه ۷۱ بنگاه بوده است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت پرسشنامه صورت گرفته است. بنگاه‌های مورد بررسی در فعالیت تجاری، خیاطی، کار چرم، کار فلزی و مواد غذایی فعالیت داشته‌اند. از ۷۱ بنگاه مورد بررسی ۵۷ درصد کارکنان فامیلی بدون حقوق بوده‌اند و ۱۷ درصد بنگاه‌ها نیز حداقل یک شاگرد داشته‌اند (همان مأخذ، ص ۲۵).

۲-۳-۶- () ۱۷

این بررسی در سال ۱۹۸۲ تحت نظارت پکتا از فعالیت‌های غیررسمی برزاول صورت گرفته است. نمونه مورد بررسی در این تحقیق بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن و فعال در تجارت صنایع دستی و خدمات بوده است (همان مأخذ، ص ۳۷).

17 . Juba.

18. Banjul.

19 . Ilos Jobs and Skills Program For Africa.

20 . Dar-es- Salaam.

21 . Brazzavil.

۲-۳-۷- ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ()

این مطالعه در سال ۱۹۸۷ و تحت نظارت ILO/JASPA از چهار گوشه بزرگ گینه صورت گرفته است. این تحقیق ۱۸۲۰۰ بنگاه فعال در تجارت، تولید، خدمات و حمل و نقل را تحت پوشش قرار می‌دهد. اندازه متوسط بنگاه‌های مورد بررسی ۱/۴ نفر کارکن با احتساب صاحب بنگاه بوده است.

در این تحقیق ۱۱ درصد نیروی کار کارکن فامیلی، ۷ درصد شرکاء و ۹ درصد حقوق‌بگیر بوده‌اند. (همان مأخذ، ص ۲۵).

۲-۳-۸- ۲۲ ()

این مطالعه در سال ۱۹۷۵ توسط هازل مویر^{۲۳} و تحت نظارت انستیتوی اقتصادی اجتماعی اندونزی (کلناس) در شناسایی بنگاه‌ها و نیروی کار آن صورت گرفت. در میان ۴۳۶۴ خانوار تحت بررسی ۵۳۵۹ فعالیت غیررسمی وجود داشت که ۶۳ درصد آن فروشنده و ۲۸ درصد تولید کننده بودند. ۹۰ درصد شاغلین این بخش کارکن مستقل بودند. اندازه متوسط بنگاه نیز با احتساب صاحب بنگاه ۳/۳ بود. (نایب (۱۳۷۸)، ص ۴۶).

۲-۳-۹- ۲۴ ()

این مطالعه از بخش غیررسمی در سال ۱۹۷۶ توسط گونزالو جاردو^{۲۵} انجام گرفت. نمونه مورد بررسی در این پژوهش بنگاه‌های کم‌تر از ده نفر کارکن و حجم نمونه ۴۰۲ بنگاه بوده است. از تعداد بنگاه‌های مورد بررسی ۶۷ درصد در منسوجات، پوشاک و چرم، ۱۱ درصد در صنایع غذایی ۶ درصد تجاری و مابقی در سایر فعالیت‌ها شرکت داشتند. به علت ماهیت فعالیت، اکثر شرکت‌ها از مکان ثابتی برخوردار بودند و در ساختمان‌های دایمی کار می‌کردند، به طور قانونی شناخته می‌شدند و در معرض قوانین دولتی و بازرسی بودند. اندازه متوسط ۳/۹ نفر بود؛ اما حدود نیمی از افراد، کارکن مستقل بودند. (همان مأخذ، ص ۴۶-۴۷).

22 . Conakry.

23 . Labe.

24 . Kankan.

25 . Mamou.

26 . Jakarta.

27 . Hozel Moir.

28 . Manila.

29 . Gonzalo Jurdo.

۲-۳-۱۰- ()^{۲۶}

بررسی بخش غیررسمی شهر کلمبو در سال ۱۹۷۷ تحت نظارت انستیتو مارگا^{۳۰} صورت گرفته است. از ۳۴۰۰ نیروی کار شاغل در بخش غیررسمی ۲۰ درصد نیروی کار غیررسمی شهری را تشکیل می‌دهد. از کل نیروی کار بخش غیررسمی ۶۳ درصد در تجارت، ۲۰ درصد در خدمات، ۵ درصد در صنعت ۸ درصد در حمل و نقل و ۳ درصد در کشاورزی و ماهیگیری شاغل بودند. اندازه متوسط بنگاه‌ها ۱/۱ نفر بوده است. این مطالعه نشان داد که اکثر کارگران غیررسمی در خانواده‌های چند نفری زندگی می‌کردند که در هر دو بخش رسمی و غیررسمی شاغل بودند، لذا از وضعیت رفاه اجتماعی و خدمات شهری مناسبی برخوردار بودند. (همان مأخذ، ص ۴۷).

۲-۳-۱۱- ()^{۲۸}

این بررسی در سال ۱۹۷۶ توسط مانوئل توستابریلینکز^{۲۹} انجام گرفت که کارگران خوداشتغالی شامل کارکنان مستقل و فامیلی و شرکت‌های باکم‌تر از ده نفر کارکن را مورد توجه قرار داده بود. نمونه انتخاب شده شامل ۵۰۰ واحد بود که ۲۰ درصد آن‌ها در صنعت، ۴۰ درصد در تجارت و ۴۰ درصد در خدمات قرار داشتند. ۹۰ درصد بنگاه‌ها به طور قانونی با مجوزهای رسمی ثبت‌نام شده بودند از ۵۰۰ واحد نمونه ۴۶ درصد بنگاه‌ها یک نفر کارکن مستقل و ۱۷ درصد کارکن فامیلی در اختیار داشتند و ۳۷ درصد کارگر مزد و حقوق بگیر بودند. متوسط اندازه بنگاه‌ها نیز ۲,۷۴ نفر نیروی کار بود. از ویژگی دیگر بخش غیررسمی کمپیناس در این مطالعه، متوسط سرمایه پایین هر بنگاه بود به طوری که ۵۷ درصد این بنگاه‌ها با سرمایه کم‌تر از ۴۶۵ دلار به این بخش وارد شده بودند. همچنین عدم دسترسی به اعتبارات بانکی و اتکا به پس‌اندازهای داخلی و سطح تحصیلات پایین از دیگر مشاهدات این مطالعه بوده است (لوپل ۱۹۹۱، ص ۵۴).

۲-۳-۱۲- ()^{۳۰}

این مطالعه در سال ۱۹۷۳ در شهر بسیار بزرگ آسون سیون به منظور برآورد سهم نیروی کار غیررسمی از بازار کار انجام گرفت که در آن نیروی کار غیررسمی شامل کارگران بنگاه‌های با کم‌تر از ۵ نفر کارکن، کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی بودند. نتیجه‌ای که از این مطالعه گرفته

30 Colombo.

31 Marga Institute.

32 Compinas.

33 . Manuel Tosta Berlinks.

34 . Asuncion.

شد، نشان می‌داد سهم بخش غیررسمی از اشتغال شهری ۵۷ درصد بود که زنان و نیروی کار جوان بخش قابل توجهی از آن را شامل می‌شدند. همچنین مهاجرین روستایی سهم عمده‌ای از شاغلین غیررسمی را تشکیل می‌دادند. (همان مأخذ، ص ۵۶).

نکته قابل ذکر این که وجه مشترک تمام مطالعات فوق این است که معیار شناسایی بخش غیررسمی با اولین معیار تعریف شده در این تحقیق (اندازه و حجم فعالیت) مطابقت می‌کند. ضمن این که در کمپیناس بنگاه‌های فعال در بخش غیررسمی ثبت شده و با مجوزهای رسمی بوده‌اند و قانونی عمل می‌کردند که این مطلب نشان می‌دهد که لزوماً فعالان در بخش غیررسمی خارج از قانون عمل نمی‌نمایند و تفکیک معیار اندازه از معیار قابلیت شناسایی در این تحقیق مناسب می‌باشد.

۲-۳-۱۳- ()^{۳۱}

این بررسی در سال ۱۹۷۷ توسط ام. پی. وان دیک^{۳۲} از بخش غیررسمی صورت گرفته است این تحقیق ۳۰۰ بنگاه غیررسمی را تحت پوشش قرار می‌دهد که ۴۲ درصد در تولید، ۱۲ درصد در صنایع دستی، ۹ درصد در ساختمان، ۱۴ درصد در تجارت و خرده‌فروشی، ۱۲ درصد در خدمات و ۱۱ درصد در حمل و نقل فعالیت داشتند. معیار غیررسمی بودن در این تحقیق فقدان شخصیت حقوقی، عدم شمولیت در قانون حداقل دستمزد و عدم حضور در شبکه تأمین اجتماعی می‌باشد.

از نتایج دیگر این تحقیق سطح تحصیلات پایین (حدود ۴۶ درصد بیسواد) و کسب مهارت از طریق سیستم شاگردی بود. (همان مأخذ، ص ۳۶).

۲-۳-۱۴- ()^{۳۳}

این مطالعه در سال ۱۹۷۲ توسط توماس مریک^{۳۴} انجام گرفت که براساس پرسشنامه خانواری بود که بر روی ویژگی‌های نیروی کار بخش غیررسمی شهر بلوهوریزونت متمرکز گردیده بود. تعریف ارائه شده از بخش غیررسمی در این تحقیق عبارت بود از: کارگرانی که تحت پوشش

35 . Ougadougou.

36 . M.P.Van dijk.

37 . Belo Horizonte.

38 . Thomas Merrick.

یک نهاد تأمین اجتماعی نبودند. حجم نمونه مورد بررسی ۲۴۴۵ خانوار بوده که بیش از ۳۱ درصد شاغلین آن در بخش غیررسمی فعالیت داشتند (همان مأخذ، ص ۵۷).

۲-۳-۱۵- ۳۵ ()

بررسی بخش غیررسمی مکزیکوسیتی توسط لردس بنریا^{۳۶} در سال ۱۹۸۱-۱۹۸۲ انجام گرفته است که در آن بخش غیررسمی به عنوان فعالیت‌هایی خارج از اصول قانونی و یک سیستم قرارداد بین نیروی کار و کارفرما مورد توجه قرار گرفته است. تمرکز عمده این مطالعه بر ارتباط بین بنگاه‌های متوسط و کوچک با شرکت‌های بزرگ رسمی می‌باشد. به عنوان مثال از ۳۰۰۰ نیروی کار شاغل در یک شرکت چند ملیتی، ۷۰ درصد آن در بنگاه‌های متوسط و کوچک بودند که در چارچوب قراردادهای فرعی فعالیت داشته‌اند. همچنین از نیروی کار ۳۵۰ نفری یک شرکت مکزیکی تنها ۵ درصد آن‌ها در چارچوب قراردادهای فرعی در بنگاه‌های متوسط و کوچک شاغل بوده‌اند. ضمن آن که در این مطالعه بخشی از نیروی کار بخش غیررسمی از حداقل دستمزد قانونی برخوردار بوده، اما از سایر مزایای نیروی کار رسمی محروم بوده‌اند (همان مأخذ، ص ۵۹).

۲-۳-۱۶- ۳۷ ()

یک بررسی در دوره ۱۹۸۳-۱۹۸۴ از خانوارهای ساکن در محله‌های فقیر مونتو ویدئو توسط جونز هاپکینز^{۳۸} انجام گرفت که ۳۵ درصد از این خانوارها در بخش غیررسمی به عنوان یک خوداشتغال یا مزد و حقوق‌بگیر یا کارفرما مشغول به کار بوده‌اند. مفهوم بخش غیررسمی در این مطالعه نیروی کار فاقد مزایای تأمین اجتماعی بود که براساس این تعریف ۳۴ درصد در کارهای تولیدی و هنری، ۲۷ درصد در خدمات خانگی بوده، ۲۶ درصد بقیه نیز فروشنده بودند (همان مأخذ، ص ۶۱).

قابل ذکر است که در تحقیقات و مطالعات فوق‌الذکر (۲-۱۳ و ۲-۱۶) معیار تعریف بخش غیررسمی با سومین معیار تعریف موردنظر این تحقیق (میزان شناسایی) منطبق می‌باشد.

39 . Mexico City.

40 . Lourdes Beneria.

41 . Monte Video.

42 . Johns Hopkins.

فصل سوم

برآورد سهم اشتغال

در بخش غیر رسمی

فصل سوم - برآورد سهم اشتغال در بخش غیررسمی

در فصول قبل به این نکته اشاره شد که بخش غیررسمی شهری از اجزای اقتصاد غیررسمی می‌باشد و اقتصاد غیررسمی آن قسمت از فعالیت‌های اقتصادی است که از حجم، خصوصیات و ابعاد آن اطلاع دقیقی در دست نیست. از این روست که مقامات اقتصادی از سیاستگذاری دقیق در این حوزه ناتوان می‌باشند. لذا هر گونه بررسی در این زمینه با قید مهم کمبود منابع آماری و اطلاعات مواجه خواهد بود. این محدودیت در مورد بخش غیررسمی از ابعاد خاص دیگری برخوردار می‌باشد و این ناشی از گستره فعالیت‌های این بخش در پهنه اقتصاد ملی است. در چنین شرایطی پژوهشگر ناگزیر است با استفاده از منابع موجود آماری و با تکیه بر ادبیات نظری و همچنین با آگاهی نسبت به ضعف‌ها و کاستیهای روش خود، اقدام به بررسی آن نماید.

در این فصل با توجه به ملاحظات فوق و در راستای شناخت بیش‌تر از بخش غیررسمی شهری منابع آماری ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

الف - نمونه‌گیری در آمد - هزینه خانوار: این نمونه‌گیری امکان برآورد بخش غیررسمی شهری را با استفاده از معیار پرداخت مالیات فراهم می‌سازد. شاخص مالیات از دیدگاه نوع ارتباط

فعالیت اقتصادی با دولت مورد توجه قرار گرفته است، ضمن آن که این تنها منبع آماری بخش غیررسمی شهری است که تشکیل سری زمانی و مدل سازی در آن امکان پذیر می باشد. لازم به ذکر است که در نمونه ها امکان بررسی برخی شاخص های درونی بخش غیررسمی همچون درآمد، تحصیلات و... نیز وجود دارد.

ب- نمونه گیری خصوصیات اقتصادی - اجتماعی خانوار: این نمونه گیری امکان برآورد بخش غیررسمی شهری را با معیار پوشش بیمه درمانی فراهم می سازد. همچنین امکان بررسی برخی شاخص های درونی بخش غیررسمی همچون تعطیلات را امکان پذیر می سازد.

ج- سرشماری جمعیت در سال 1375: استفاده از این آمار به منظور شناخت حدود ابعاد بخش غیررسمی شهری می باشد.

د- نتایج آمارگیری از کارگاه های صنعتی کم تر از ده نفر کارکن: این منبع آماری به عنوان معیار بخش تولیدی غیررسمی شهری قابل قبول بوده و دو امکان را برای این مطالعه فراهم می نماید: اول آن که با مقایسه نتایج این سرشماری در سال ۱۳۷۵ با برآورد انجام گرفته از بخش غیررسمی از سرشماری جمعیت در سال ۱۳۷۵، امکان شناخت نوع فعالیت ها به تفکیک تولیدی و غیرتولیدی در بخش غیررسمی شهری فراهم می گردد.

دوم آن که با مقایسه ویژگی های تولیدی بخش غیررسمی شهری با سرشماری کارگاه های صنعتی بین ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن و بیش تر از ۵۰ نفر کارکن، شناخت بیش تری از کاستی های بنگاه های بخش غیررسمی شهری فراهم خواهد شد.

در اینجا لازم است پیش از آن که به بررسی تفصیلی منابع آماری معرفی شده و برآورد اندازه های بخش غیررسمی پردازیم، به چند نکته اشاره داشت:

1- هر یک از منابع مذکور در جهت هدف و نتیجه گیری ویژه ای مورد توجه قرار گرفته است. لذا منابع مورد استفاده تا حدودی مکمل یکدیگر می باشند.

2- همانطور که قبلاً نیز عنوان شد، از معضلات هر مطالعه در مورد بخش غیررسمی شهری ضعف منابع آماری می باشد، زیرا وجود منابع آماری دقیق، به معنی قابلیت شناسایی واحدها است که در این صورت، غیررسمی بودن آنها تا حدود زیادی منتفی می گردد. نکته دیگر تعدد معیارها در شناسایی این بخش است که در ادبیات آن نیز مشاهده گردید. این پیچیدگی ها پژوهشگر را مجبور می سازد با آگاهی به برخی کاستی ها، از منابع موجود حداکثر استفاده را نماید و در

مواردی خاص، برخی نتایج آماری را به عنوان تأیید کننده برخی نتایج آماری دیگر به کار گیرد. بنابراین در ادامه به ارائه نتایج بررسی ها و برآوردهای انجام گرفته در مورد بخش غیررسمی شهری ایران خواهیم پرداخت.

3-1- بررسی بخش غیررسمی بر حسب معیار مالیات

در فصل اول اشاره شد که یکی از ویژگی های بخش غیررسمی چگونگی ارتباط این بخش با دولت می باشد. استدلال بر این است که ماهیت فعالیت در بخش غیررسمی به گونه ای است که بنگاه های درون این بخش در برقراری ارتباط با دولت با محدودیت مواجه هستند. این محدودیت از دو سمت ناشی می گردد. از یک سو، پراکندگی فعالیت های این بخش همراه با عملکرد در مقیاس کوچک واحدها، به دلیل توان مالی اندک، منجر به عدم ارتباط واحدهای این بخش با دولت می گردد. از سوی دیگر، ضعف منابع آماری دولت در شناخت بخش غیررسمی ایجاد این تصور در بین واحدهای این بخش که برقراری ارتباط به معنی تحمیل هزینه بر آنها می باشد، این ارتباط دو سویه را مختل نموده است. در نهایت، نتیجه آن می شود که واحدهای بخش غیررسمی از حوزه برآورد آماری و شناخت فعالیتی خارج می شوند و امکان سیاستگذاری در این زمینه با اشکال مواجه می گردد.

شایان ذکر است که دولت از طرق مختلفی امکان ارتباط با بنگاه های اقتصادی و شناخت وضعیت آنها را دارد. دریافت مالیات، ارائه تأمین اجتماعی و پرداخت تسهیلات بانکی از جمله مواردی است که ارتباط بنگاه ها و شناخت حجم فعالیت های این بخش را امکان پذیر می سازد. اما بدیهی است که شناخت این فعالیت ها از روش های فوق، تا حدود زیادی به عملکرد کارای قوانین مربوط به آن نیز بستگی دارد. به عبارت دیگر ممکن است که دولت از طریق هر یک از این روش ها، ارتباط با بنگاه اقتصادی برقرار نموده باشد، اما با این وجود قوانین به صورتی عمل می کنند که چنین شناختی حاصل نگردد. همانطوری که ذکر شد، یکی از روش های ارتباط دولت با بنگاه های اقتصادی، معیار مالیات است. در سال های اخیر، دولت تلاش زیادی برای گسترش تمکین مالیاتی در سطح فعالیت های اقتصادی نموده است، لذا انتظار بر این است که بنگاه هایی که نشده است، از نظر ماهیت فعالیت، غیرقابل نظارت یا

غیررسمی در ایران مورد توجه قرار گیرد. با توجه به این ملاحظات، در ادامه به برآورد بخش غیررسمی بر حسب معیار مالیات پرداخته می‌شود.

منبع آماری که می‌توان با استفاده از آن با معیار مالیات به بررسی ابعاد بخش غیررسمی پرداخت، نمونه‌گیری درآمد - هزینه خانوار می‌باشد. تمرکز این نمونه‌گیری بر هزینه‌ها و درآمدهای خانوار است و در همین چارچوب سؤالاتی در زمینه وضعیت شاغلین خانوار، از قبیل ارتباط شاغل با سرمایه، میزان درآمد، پرداخت مالیات، میزان تحصیلات و... در پرسشنامه‌ها گنجانده شده است. ویژگی مهم این نمونه‌گیری گستره زمانی آن است که امکان تشکیل سری زمانی و به تبع آن مدل‌سازی را فراهم می‌سازد. در برآورد از بخش غیررسمی شهری کشور با استفاده از داده‌های این نمونه‌گیری معیار نوع ارتباط شاغلین با دولت مورد توجه قرار می‌گیرد. این معیار منطبق بر مفاهیم به کار گرفته شده توسط «ویکز» می‌باشد که ILO نیز بر آن تأکید دارد. بنابراین، شاغلینی که مالیات پرداخت می‌کنند در زمره بخش رسمی و سایر شاغلین در بخش غیررسمی قرار می‌گیرند. نتایجی که از مطالعه شاغلین نمونه‌گیری درآمد - هزینه خانوار به دست آمده است، در جدول (۱-۳) ذکر شده است.

جدول 3-1- ترکیب بازار کار شهری براساس آمار درآمد - هزینه خانوار (1375)

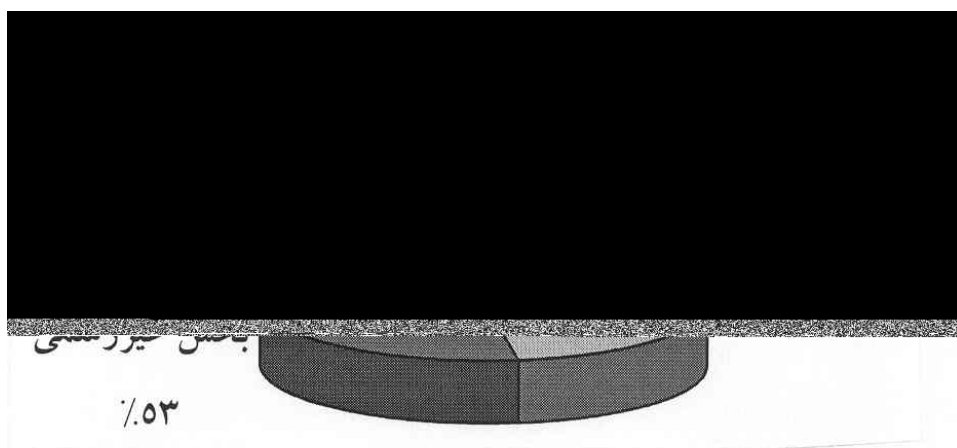
بخش	کارفرما	کارکن مستقل	کارکن فامیلی	مزدو حقوق بگیر خصوصی	مزدو حقوق بگیر عمومی	جمع
بخش غیررسمی (عدم پرداخت مالیات)	۶۷۷	۳۴۳۳	—	۲۸۶۳	—	۶۹۷۳
بخش رسمی	۲۵۱	۶۰۲	—	۱۲۱۵	۴۲۲۹	۶۲۹۷
بازار کار شهری	۹۲۸	۴۰۳۵	—	۴۰۷۸	۴۲۹۹	۱۳۲۷۰

مأخذ: محاسبات محققان طرح.

از مجموع کل ۱۳۲۷۰ شاغل مذکور، ۴۲۲۹ نفر شاغل در بخش عمومی بوده‌اند که در زمره بخش رسمی قرار می‌گیرند. مابقی شاغلین خصوصی بوده که از این بین ۶۹۷۳ نفر مالیات پرداخت نمی‌کنند که ۵۲/۵ درصد نیروی کار شهری نمونه را شامل می‌شوند (نمودار ۳-۱).

ترکیب شاغلین بخش غیررسمی نشان می‌دهد که حدود ۴۱/۰۶ درصد آن مزد و حقوق بگیران، ۴۹/۲۳ درصد کارکنان مستقل ۹/۷۱ درصد کارفرما می‌باشند. همانطور که ملاحظه می‌شود، بخش قابل توجهی از شاغلین، کارکنان مستقل می‌باشند که با معیارهای بخش غیررسمی سازگاری دارد. ضمن آن که سهم بالای کارکنان مستقل دلالت بر مقیاس کوچک بنگاه‌های این بخش نیز دارد، زیرا حداقل می‌توان گفت بیش از ۵۰ درصد بنگاه‌های این بخش فقط با یک شاغل به فعالیت می‌پردازد.

لازم به ذکر است آمار درآمد - هزینه خانوار تا سال ۱۳۷۷ از سوی مرکز آمار ایران ارائه شده است. این بخش آمارها نشان می‌دهد سهم بخش غیررسمی در سال‌های مذکور افزایش یافته است، به طوری که براساس معیار مالیات، سهم بخش غیررسمی از ۵۴/۳ در سال ۱۳۷۶ به ۵۵ درصد در سال ۱۳۷۷ رسیده است. به نظر می‌رسد، رکود حاکم بر اقتصاد ایران و ورود جوانان جویای کار بر افزایش این سهم بی تأثیر نبوده است.



3-2- بررسی بخش غیررسمی بر حسب معیار حمایت‌های شغلی

در فصل اول در میان مفاهیم مورد توجه برای بخش غیررسمی، به عدم برخورداری شاغلین این بخش از حمایت‌های شغلی اشاره شده است. این مفهوم از بخش غیررسمی، مورد توجه بانک جهانی بوده است و در این راستا می‌توان به بیمه‌های درمانی اشاره نمود.

بیمه درمانی مشاغل از جمله موارد مهم حمایت‌های شغلی می‌باشد. عدم شمولیت تأمین اجتماعی همگانی و هزینه‌های بالای درمان منجر به آن شده است که شاغلین برای برخورداری از بیمه درمان تلاش مضاعفی داشته باشند. همچنین به دلیل هزینه‌های بالای تحمیل شده به واحدهای اقتصادی به منظور بیمه کارکنان تحت پوشش، ارائه بیمه درمانی به شاغلین از سوی واحدها معمولاً زمانی صورت می‌پذیرد که در چارچوب مقررات قانونی به آن‌ها تکلیف گردد. از این رو، شاغلین بنگاه‌های بخش غیررسمی که امکان اعمال مقررات دولتی بر آن‌ها وجود ندارد، از حمایت‌های شغلی محروم می‌گردند. اما ذکر این نکته ضروری است که اتخاذ سیاست‌هایی که چارچوب مقرراتی ارائه بیمه درمانی به شاغلین را تسهیل می‌نماید، این نتیجه را در پی خواهد داشت که دولت بدون چارچوب‌ها و شناخت‌های گذشته - که ارائه بیمه درمانی را با شناخت تا حدودی دقیق از وضعیت فعالیت همراه ساخته بود - اقدام به ارائه بیمه خدمات درمانی نماید. ارائه خدمات بیمه درمانی همچون خویش فرما یا بیمه خود اشتغالی از جمله این موارد است. در این شرایط، واحدها و شاغلینی وجود خواهند داشت که از بیمه درمانی بهره‌مند می‌گردند، اما شناخت دقیقی از ابعاد فعالیت‌های آن‌ها وجود نداشته و هنوز در زمره بخش غیررسمی قرار می‌گیرند. از این رو در بررسی بخش غیررسمی از این زاویه، ضرورت توجه به این موضوع الزامی است. در ادامه به بررسی بخش غیررسمی در این چارچوب پرداخته خواهد شد.

یکی از نمونه‌گیری‌هایی که توسط مرکز آمار ایران انجام می‌گیرد، نمونه‌گیری خصوصیات اقتصادی - اجتماعی خانوار می‌باشد. از ویژگی‌های این نمونه‌گیری، عدم تغییر در سبد نمونه است به طوری که همه دوره‌های نمونه‌گیری، خانوارهای نمونه ثابت می‌مانند. این امر امکان بررسی تغییرات در خصوصیات خانوار را فراهم می‌سازد. از نقاط ضعف این نمونه‌گیری حجم نمونه است. تعداد خانوارهای نمونه در مقایسه با کل جمعیت بسیار اندک است، اما به نظر می‌رسد با

توجه به روش‌های علمی نمونه‌گیری، نتایج به دست آمده قابل اعتماد باشد. از دیگر ویژگی‌های مثبت این نمونه‌گیری جهت بررسی بخش غیررسمی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف- این نمونه‌گیری امکان تفکیک بخش غیررسمی را بر حسب معیار میزان حمایت شغلی فراهم می‌سازد. این تفکیک منطبق بر دیدگاه بانک جهانی پیرامون بخش غیررسمی است که عدم برخورداری از حمایت‌های شغلی از قبیل بیمه‌های تأمین اجتماعی را به عنوان شاخص غیررسمی بودن مطرح می‌نماید. خوشبختانه در نمونه‌گیری خصوصیات اقتصادی - اجتماعی خانوار، امکان تفکیک شاغلین بر حسب معیار برخورداری از بیمه درمانی امکان‌پذیر بوده است. ذکر این نکته ضروری است که بیمه درمان از مهم‌ترین بخش‌های حمایت‌های تأمین اجتماعی است که در مقایسه با بیمه بازنشستگی با توجه به بالا بودن هزینه‌های درمان، شاغلین توجه خاصی به آن دارند.

ب- این نمونه‌گیری حاوی اطلاعات مربوط به تحصیلات شاغلین می‌باشد، لذا می‌توان به بررسی تحصیلات شاغلین بخش غیررسمی مبادرت نمود.

بنابراین ملاحظات، خصوصیات اقتصادی - اجتماعی خانوار مورد بررسی و توجه قرار گرفت. متأسفانه آمار نمونه‌گیری خصوصیات اقتصادی - اجتماعی خانوار برای سال ۱۳۷۵ در دسترس نبوده، لذا آخرین آمار موجود یعنی سال ۱۳۷۴ مورد استفاده قرار گرفت.

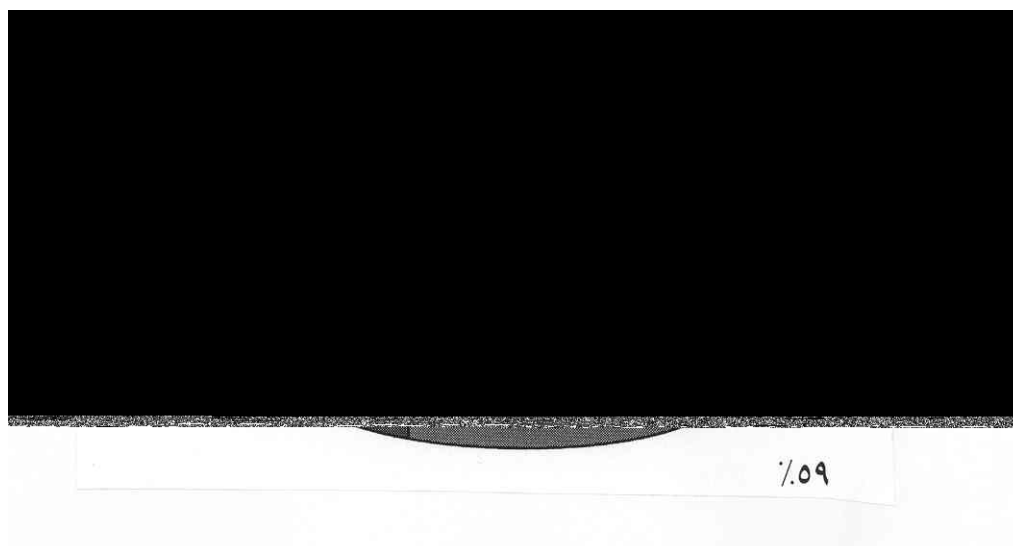
این آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۴، ۲۳۴۸ شاغل در نمونه حضور داشته‌اند که از این بین ۵۷۳ نفر مزد و حقوق بگیران بخش عمومی و مابقی شاغلین بخش خصوصی بوده‌اند. به عبارت دیگر ۲۴/۴ درصد نمونه را شاغلین بخش عمومی تشکیل می‌دهند. همانطور که از جدول (۳-۲) نیز ملاحظه می‌گردد، این سهم برای کارکنان مستقل خصوصی ۳۱/۴ درصد، مزد و حقوق بگیران ۳۳/۴ درصد، کارکنان فامیلی ۶/۷ درصد و کارفرمایان ۴/۱ درصد می‌باشد.

لازم به ذکر است از مجموع ۱۷۷۵ نفر شاغل بخش خصوصی، ۹۷۴ نفر (۵۵ درصد) فاقد حمایت‌های درمانی بوده‌اند. همانطوری که نمودار (۳-۲) نیز نشان می‌دهد، با توجه به معیار پوشش حمایت‌های شغلی (بیمه درمانی) حدود ۴۱ درصد از شاغلین بازار کار شهری، در بخش غیررسمی طبقه‌بندی می‌شوند.

جدول 3-2- ترکیب بازار کار شهری براساس آمار خصوصیات اقتصادی - اجتماعی خانوار

بخش	کارفرما	کارکن مستقل	کارکن فامیلی	مزد و حقوق بگیر خصوصی	مزد و حقوق بگیر عمومی	جمع
بخش غیررسمی	۸۲	۶۵۲	۱۴۸	۹۲	—	۹۷۴
بخش رسمی	۱۴	۸۵	۱۰	۹۶۹	۵۷۳	۱۳۷۴
بازار کار شهری	۹۶	۷۳۷	۱۵۸	۷۸۴	۵۷۳	۲۳۴۸

مأخذ: محاسبات محققان طرح.



همانطور که از جدول (۲-۳) ملاحظه می شود؛ از مجموع ۹۷۴ نفر شاغلین بخش غیررسمی، ۶۶/۹ درصد کارکنان مستقل، ۱۵/۲ درصد کارکنان فامیلی، ۹/۵ درصد مزد و حقوق بگیر و ۸/۴ درصد کارفرما می باشند. همچنان که ملاحظه می گردد، با این تفکیک حدود ۷۶ درصد شاغلین بخش غیررسمی کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی می باشند. مقایسه برآورد سهم بخش غیررسمی از بازار کار شهری براساس این معیار (۴۲ درصد) و معیار نوع ارتباط بنگاه با دولت (۵۲/۵ درصد) گویای اختلافی است که نشانگر پایین بودن سهم

بخش غیررسمی براساس معیار بیمه درمانی می‌باشد. حال آیا اساساً این اختلاف به معنی اشتباه در یکی از دو برآورد می‌باشد؟ به منظور شناخت دلیل یا دلایل این اختلاف لازم است که شناختی از ترکیب و چگونگی وضعیت بیمه شدگان حاصل گردد. از این رو به عنوان نمونه، از ترکیب بیمه شدگان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۷۵ - که در جدول (۳-۳) ارائه شده است - استفاده می‌گردد. همانطور که مشاهده می‌گردد حدود ۱۲ درصد بیمه شدگان اصلی تأمین اجتماعی را بیمه شدگان اختیاری، کامیونداران و حرف و مشاغل آزاد شامل می‌گردند. شایان ذکر است که گروه کامیونداران در قلمرو کارکنان مستقل دسته‌بندی می‌شوند و بیمه شدگان اختیاری و حرف و مشاغل آزاد به طور معمول در بنگاه‌هایی با مقیاس کوچک و به طور مستقل فعالیت دارند که بنابراین آن‌ها نیز کارکنان مستقل می‌باشند و لذا این سه گروه از نظر ویژگی فعالیت در زمره بخش غیررسمی قرار می‌گیرند. این نتیجه بیانگر آن است که در سال‌های اخیر، قوانین و مقررات حاکم بر تأمین اجتماعی و همچنین سایر بیمه‌های بازنشستگی به گونه‌ای بوده است که بنگاه‌ها و شاغلان بخش غیررسمی امکان برخورداری از بیمه‌های درمانی و بازنشستگی را داشته‌اند. اما واقعیت آن است که این برخورداری همراه با شناسایی دقیق این شاغلان نبوده است و هنوز در چارچوب بخش غیررسمی قرار می‌گیرند. با توجه به ملاحظات فوق، با فرض این که ۱۲ درصد آمار برآوردی در نمونه خصوصیات اقتصادی - اجتماعی خانوار، علی‌رغم برخورداری از بیمه درمانی، هنوز در زمره بخش غیررسمی قرار می‌گیرند، با لحاظ نمودن این تعداد، شاغلان بخش غیررسمی به ۱۲۵۵ نفر افزایش می‌یابد. براین اساس، سهم بخش غیررسمی از بازار کار شهری حدود ۵۳ درصد برآورد می‌گردد که با برآورد نمونه درآمد - هزینه خانوار (۵۲/۵ درصد) همخوانی دارد.

جدول 3-3- ترکیب بیمه شدگان تأمین اجتماعی

بیمه شدگان اصلی		گروه
تعداد	سهم	
۴۳۶۴۳۳۲	۸۵	شاغل در کارگاه
۱۱۶۰۷۰	۲	اختیاری
۲۸۱۰۸۹	۵	حرف و مشاغل آزاد
۲۶۳۳۷۸	۵	کامیون‌داران
۳۰۷۴۱	۰/۵	کارکنان سازمان
۷۵۶۶۶	۱/۴	بیمه بیکاری
5131276	100	جمع

مأخذ: محاسبات محققان طرح

3-3- بررسی بخش غیررسمی با توجه به سایر معیارها

ویژگی دو برآورد اخیر، استفاده از نمونه‌گیری‌های انجام گرفته توسط مرکز آمار ایران بوده و هر دو با استفاده از یکی از مفاهیم بخش غیررسمی اقدام به تفکیک بازار کار شهری نموده‌اند. اما همچنان باید بر این نکته اذعان داشت که بخش غیررسمی طیف وسیعی از مفاهیم را شامل می‌شود و گستره معیارهای مورد بحث در این بخش از ویژگی‌های آن می‌باشد. از سوی دیگر، توجه به این نکته ضروری است که با توجه به محدودیت‌های آماری این بخش، هر قدر از منابع آماری متعدد در این زمینه استفاده گردد، در نهایت امکان جمع‌بندی و شناخت بهتر از این بخش بیش‌تر فراهم خواهد گردید.

3-3-1- استفاده از سرشماری جمعیت سال 1375

سرشماری جمعیت ایران از آمارگیری‌های مهم مرکز آمار ایران بوده که هر ده سال به صورت فراگیر انجام می‌گیرد. پوشش کل جمعیت ایران از نکات حائز اهمیت این آمارگیری می‌باشد که از زوایای گوناگون امکان بررسی جامعه ایران را فراهم می‌سازد. بدین علت در مقایسه با آمارهای مبتنی بر نمونه‌گیری، از اعتبار بیش‌تری برخوردار است.

اما نکته‌ای که باید بدان توجه داشت، آن است که نتایج سرشماری مذکور، براساس نیازهای یک بررسی در مورد بخش غیررسمی جمع‌آوری نگردیده است، لذا استفاده از نتایج آن باید

مبتنی بر برخی پیش‌فرض‌ها صورت گیرد که تغییر در هر پیش‌فرض نتیجه را متفاوت خواهد نمود. از این رو، در استفاده از نتایج سرشماری باید شناخت کافی از روش آمارگیری و ماهیت فعالیت‌های اقتصادی بخش غیررسمی و اقتصاد ملی وجود داشته باشد. در این بررسی سه نوع تفکیک از جمعیت فعال و شاغل ایران مورد توجه قرار گرفته است و سعی شده براساس مفاهیم موجود در ادبیات بخش غیررسمی شهری و همچنین روش سرشماری، برآوردهای متعددی از بخش غیررسمی صورت پذیرد. این روش به محقق امکان ایجاد تصویری مناسب از بخش غیررسمی را داده و وی را به سمت برآورد نسبتاً واقعی‌تری از این بخش رهنمون می‌سازد.

3-3-1-1- تفکیک براساس وضعیت شغلی

در این نوع بررسی مشاغل، با توجه نوع ارتباط نیروی کار (شاغلین) با سرمایه (مالکیت بنگاه) تفکیک‌هایی صورت پذیرفته است. در یک طبقه بندی کلی، شاغلین به سه بخش عمومی، خصوصی و تعاونی تقسیم شده‌اند (لازم به ذکر است شاغلینی که وضعیت شغلی خود را اعلام ننموده‌اند در بخش مجزایی تحت عنوان اظهار نشده قرار گرفته‌اند). در اینجا بخش خصوصی، خود به چهار بخش تقسیم شده است:

الف - کارکنان مستقل: شاغلینی که صاحب سرمایه نیز بوده و به تنهایی در بنگاه به فعالیت می‌پردازند.

ب - کارفرمایان: شاغلینی که صاحب سرمایه بوده و چند شاغل را نیز به خدمت گرفته‌اند.

ج - مزد و حقوق‌بگیران: شاغلینی که فقط صاحب کار بوده و در استخدام کارفرمایان می‌باشند.

د - کارکنان فامیلی: شاغلینی که در بنگاه یکی از افراد خانواده به فعالیت مشغول بوده و مزدی دریافت نمی‌کنند.

با توجه به ادبیات بخش غیررسمی شهری، تفکیک فوق یادآور می‌سازد که کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی قطعاً در بخش غیررسمی شهری قرار می‌گیرند. زیرا با معیارهایی همچون عملکرد در مقیاس کوچک، مالکیت خانوادگی بنگاه‌ها، و آزادی ورود و خروج تطابق داشته و همچنین از امکان انعطاف‌پذیری بالایی در مقابل قانون برخوردارند. همچنین در خصوص شاغلین بخش عمومی و تعاونی نیز باید اذعان نمود که کارکنان فوق قطعاً در زمره بخش رسمی قرار می‌گیرند. در مورد شاغلینی که وضعیت شغلی آن‌ها اظهار نشده است، با این پیش‌فرض که عدم

اظهار وضعیت شغلی برخواسته از جنبه‌های روانی و اجتماعی و ناشی از بار عمومی تحمیل هزینه‌هایی است که عموماً هزینه‌های حمایتی (مالیات، عوارض و...) می‌باشند و با توجه به این نکته که تلاش برای خروج از چترهای حمایتی به معنای ورود به بخش غیررسمی است می‌توان با تقریب قابل قبول این دسته را در بخش غیررسمی محاسبه نمود.

بنا به ملاحظات فوق، از مجموع ۸۷۹۹۴۲۳ نیروی کار شهری در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۹۴۷۱۰۵ نفر در زمره بخش غیررسمی قرار می‌گیرند که ۳۳/۵ درصد نیروی کار شهری را شامل می‌گردد. جدول شماره (۳-۴) ترکیب بخش غیررسمی را نشان می‌دهد.

جدول 3-4- ترکیب بخش غیررسمی شهری براساس آمار سرشماری جمعیت در سال 1375

وضع شغلی	تعداد عدد	سهم (درصد)
کارکن مستقل	۲۵۳۴۸۴۳	۲۸/۸
کارکن فامیلی	۱۱۲۸۹۳	۱/۳
اظهار نشده	۲۹۹۳۶۹	۳/۴
کل (منظور از کل برآورد بخش غیررسمی شهری است)	۲۹۴۷۱۰۵	۳۳/۵

آنچه در جدول (۳-۴) برآورد شده است در واقع حد پایین سهم بخش غیررسمی از بازار کار شهری می‌باشد. با توجه به آن چه در مورد مفاهیم و ویژگی‌های بخش غیررسمی شهری گفته شد، می‌توان بخشی از کارفرمایان و مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی را نیز در زمره بخش غیررسمی قرار داد. شاغلین و کارفرمایانی که به دلیل پایین بودن مهارت و سرمایه در بنگاه‌های کوچک به فعالیت مشغول بوده و به دلیل مقیاس کوچک، از آزادی ورود و خروج، انعطاف‌پذیری در برابر قانون و بازاری نسبتاً رقابتی برخوردار می‌باشند؛ می‌توانند در زمره بخش غیررسمی قرار گیرند در حالی که در برآورد فوق وارد نشده‌اند. از این رو ناگزیر به استفاده از دو تفکیک دیگر از سرشماری جمعیت در سال ۱۳۷۵ می‌باشیم.

3-1-2- تفکیک براساس گروه فعالیت

تفکیک نوع فعالیت‌ها نیز می‌تواند روش سودمندی در شناسایی ابعاد بخش غیررسمی به شمار آید چرا که هر فعالیت، ویژگی‌های اقتصادی خاصی دارد. انحصار برخی فعالیت‌ها در دست دولت، سطح سرمایه‌گذاری و سایر ویژگی‌ها در برخی فعالیت‌ها و... می‌تواند پژوهشگر را در برآورد واقعی‌تر از حجم این بخش یاری رساند. در آمارهای رسمی کشور مشاغل در ۱۸ گروه عمده فعالیتی طبقه‌بندی شده‌اند که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- کشاورزی، شکار و جنگلداری شامل کشاورزی، شکار و فعالیت‌های خدماتی وابسته و نیز جنگلداری و قطع اشجار و فعالیت‌های خدماتی وابسته.
- ۲- ماهیگیری شامل صید و پرورش و تکثیر حیوانات آبی و فعالیت‌های خدماتی وابسته.
- ۳- استخراج معادن.
- ۴- صنعت شامل ۲۴ زیر گروه^۱.
- ۵- تأمین برق، گاز، آب شامل دو بخش تأمین برق، گاز و بخار آب گرم و جمع‌آوری، تصفیه و توزیع آب.
- ۶- ساختمان.
- ۷- عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی خانگی.
- ۸- هتل و رستوران.
- ۹- حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات شامل حمل و نقل زمینی و از طریق لوله، حمل و نقل آبی، حمل و نقل هوایی، فعالیت‌های پشتیبانی و کمکی و حمل و نقل فعالیت‌های آژانس‌های مسافرتی و همچنین پست و مخابرات.
- ۱۰- واسطه‌گری‌های مالی شامل واسطه‌گری‌های مالی بجز بیمه و صندوق‌های بازنشستگی، بیمه و بازنشستگی بجز تأمین اجتماعی اجباری (بیمه گر) و نیز فعالیت‌های جنبی واسطه‌گری‌های مالی.
- ۱۱- مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کار و کسب شامل فعالیت‌های مربوط به املاک و مستغلات، کرایه دادن ماشین‌آلات و تجهیزات بدون اپراتور و کرایه دادن کالاهای شخصی و خانگی،

۱. در جدول (۳-۵) ذکر شده است.

همچنین کامپیوتر و فعالیت‌های وابسته به آن، تحقیق و توسعه و نیز سایر فعالیت‌های کار و کسب؛

۱۲- اداره امور عمومی و دفاع و تأمین اجتماعی؛

۱۳- آموزش؛

۱۴- بهداشت و مددکاری اجتماعی؛

۱۵- سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی شامل فاضلاب، دفع زباله، بهداشت محیط و سایر فعالیت‌های مشابه، فعالیت سازمان‌های دارای عضو، فعالیت‌های تفریحی، فرهنگی و ورزشی و سایر فعالیت‌های خدماتی؛

۱۶- خانوارهای معمولی دارای مستخدم؛

۱۷- سازمان‌ها و هیأت‌های برون مرزی؛

۱۸- دفاتر و ادارات مرکزی شامل دفاتر مرکزی شرکت‌ها و کارخانجات و ادارات مرکزی بنیادها.

۱۹- فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده.

چنانکه اشاره شد این تفکیک ۱۸ گانه ابزاری مناسب جهت تمایز فعالیت‌هایی است که مربوط به وضعیت‌های شغلی کارفرما و مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی می‌گردد چرا که در سایر موارد وضعیت تا حدودی مشخص می‌باشد. بر این اساس، با توجه با مالکیت خصوصی و نیز ویژگی هر فعالیت، در گروه فعالیت‌های ذیل **مزد و حقوق بگیران خصوصی و کارفرمایان** در زمره بخش غیررسمی قرار می‌گیرند.

۱- کشاورزی، شکار، جنگلداری.

۲- ماهیگیری.

۳- ساختمان.

۴- خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی خانگی.

۵- مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کار و کسب.

۶- خانوارهای معمولی دارای مستخدم.

همچنین در فعالیت‌های حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات، زیربخش حمل و نقل زمینی و از طریق لوله نیز در بخش غیررسمی برشمرده می‌شود. ضمن آن که در بخش فعالیت‌های

واسطه‌گری‌های مالی، دو زیر بخش واسطه‌گری‌های مالی به جز بیمه و صندوق‌های بازنشستگی و نیز فعالیت‌های واسطه‌گری‌های مالی در زمره بخش غیررسمی قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است، فعالیت‌هایی که بخش آن‌ها اظهار نشده است به دلیل عدم تشخیص، نیز در بخش غیررسمی محاسبه می‌شوند.

بنا به ملاحظات فوق در جدول (۳-۵) بخش غیررسمی شهری ایران براساس سرشماری نفوس سال ۱۳۷۵ محاسبه شده است که از مجموع ۸۷۹۹۴۲۳ نفر نیروی کار شهری تعداد ۴۳۴۳۹۸۸ نفر در بخش غیررسمی قرار می‌گیرند که ۴۹٫۴ درصد کل بازار کار شهری می‌باشد.

جدول 3-5- برآورد سهم شاغلین بخش غیررسمی با توجه به گروه فعالیت

گروه‌های شغلی	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌بگیران خصوصی	کارکنان فAMILI بدون مزد	اظهار نشده	جمع
کشاورزی، شکار و ...	۲۷۶۳۵	۲۸۳۰۹۱	۷۰۰۵۱	۲۱۰۲۳	۱۴۰۰۷	۴۱۵۸۰۷
ماه‌گیری	۵۸۲	۵۱۸۴	۹۰۹۷	۸۴	۵۶۰	۱۵۵۰۷
ساختمان	۶۸۴۹۴	۳۲۶۷۹۲	۵۶۰۲۷۴	۳۲۶۴	۳۴۴۸۴	۹۹۳۳۰۸
خرده‌فروشی، تعمیر، ...	۱۱۸۰۲۹	۹۴۱۴۰۹	۳۷۵۴۳۰	۲۶۱۴۵	۵۲۳۸۵	۱۵۱۳۳۹۸
حمل‌ونقل زمینی از طریق لوله	۱۴۱۴۹	۳۴۷۵۶۹	۱۳۰۶۹۵	۳۱۴۳	۱۶۴۴۶	۵۱۲۰۰۲
واسطه‌گری‌های مالی	۷۴۲	۱۴۰۷	۴۳۸۲	۱۲	۴۱۸۳	۱۰۷۲۶
مستغلات اجاره و فعالیت‌های ...	۹۰۰۴	۴۳۲۹۹	۳۹۶۵۲	۸۱۱	۴۳۰۵	۹۷۰۷۱
خانوارهای معمولی دارای مستخدم	۱۲۶۲	۱۳۸۰۰	۱۲۱۰۰	۴۸۲	۱۰۳۹	۲۸۶۸۳
سایر گروه‌ها	-	۵۷۲۲۹۲	-	۵۷۹۲۹	۱۲۷۲۶۵	۷۵۷۴۸۶
جمع	۲۳۹۸۹۷	۲۵۳۴۸۴۳	۱۲۰۱۶۸۱	۱۱۲۸۹۳	۲۵۴۶۷۴	۴۳۴۳۹۸۸

علاوه بر موارد فوق، به منظور برآورد بخش غیررسمی در زیر بخش‌های صنعت، از سرشماری جمعیت و آمار کارگاه‌های صنعتی سال ۱۳۷۵ استفاده گردید، بدین ترتیب که سهم شاغلین کارگاه‌های صنعتی کم‌تر از ده نفر کارکن در گروه فعالیت‌های مختلف در آمار کارگاه‌های

صنعتی^۲، به زیر گروه‌های صنعتی در آمار سرشماری جمعیت تعمیم داده شده است. بر این اساس، از مجموع ۱۶۸۵۵۹۵ شاغل در کارگاه‌های صنعتی، ۸۰۱۰۶۴ نفر در بخش غیررسمی قرار دارند که در جدول (۳-۶) ارائه شده است.

جدول 3-6- برآورد سهم شاغلین بخش غیررسمی در گروه فعالیت‌های بخش صنعت

فعالیت	کم‌تر از ده نفر کارکن	کل کارگاه‌های صنعتی	سهم بخش غیررسمی	شاغلین در آمار سرشماری	برآورد بخش غیررسمی
مواد غذایی و آشامیدنی	۲۰۲۹۶۲	۳۲۲۴۶	۶۲/۶	۲۲۴۲۷۲	۱۴۰۳۸۳
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۰	۴۹۷۲	۰	۶۵۴۲	۰
تولید منسوجات	۸۱۰۷۱	۲۳۳۶۶۷	۳۴/۷	۳۶۸۹۳۹	۱۲۸۰۰۴
تولید پوشاک	۷۷۲۸۷	۸۷۴۹۶	۸۸/۳	۳۶۸۹۳۹	۱۲۸۰۰۴
دباغی و عمل آوردن چرم...	۲۸۷۰۳	۴۶۲۲۴	۶۲/۱	۷۴۰۹۱	۴۶۰۰۷
چوب و محصولات چوبی و...	۵۱۰۸۰	۶۱۵۸۷	۸۲/۹	۸۲۶۳۱	۶۸۵۳۴
کاغذ و محصولات کاغذی	۴۴۸۴	۱۹۱۷۵	۲۳/۴	۱۲۵۰۰	۲۹۲۳
انتشارات و چاپ و ...	۱۰۷۴۲	۲۰۷۰۷	۵۱/۹	۲۶۴۳۱	۱۳۷۱۱
تولید ذغال کک ...	۲۶۶	۱۶۴۳۵	۱/۶	۲۱۳۹۰	۳۴۶
مواد و محصولات شیمیایی	۳۸۹۰	۶۲۰۵۹	۶/۳	۶۲۶۶۴	۳۹۲۸
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۱۲۲۶	۳۹۹۴۱	۲۸/۱	۲۸۲۹۰	۷۹۵۱
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۶۴۴۲۲	۱۹۶۱۴۸	۳۲/۸	۱۱۶۱۸۸	۳۸۱۶۰
فلزات اساسی	۶۴۴۵	۷۱۶۱۶	۹	۷۱۷۱۵	۶۴۵۴
محصولات فلزی فابریکی به جز...	۱۲۳۶۷۰	۱۶۵۹۷۳	۷۴/۵	۲۰۰۴۷۹	۱۴۹۳۸۱
ماشین‌آلات و تجهیزات...	۲۷۷۳۰	۹۳۴۴۹	۲۹/۷	۶۹۱۷۶	۲۰۵۲۷
ماشین‌آلات اداری	۱۵۰	۱۰۷۷	۱۳/۹	۱۸۱۹	۲۵۳
ماشین‌آلات مولد و انتقال برق...	۱۳۳۸۵	۳۷۶۲۶	۳۵/۶	۳۱۸۲۰	۱۱۳۲۰
رادیو و تلویزیون و...	۳۴۰	۸۳۰۳	۴/۱	۴۷۸۰	۱۹۶
ابزار پزشکی و اپتیکی و...	۵۶۲۲	۱۲۹۰۱	۴۳/۶	۹۷۳۸	۴۲۴۴
وسایل نقلیه موتوری و ...	۵۶۱۹	۳۹۶۴۴	۱۴/۲	۳۹۳۷۱	۵۵۸۰
سایر وسایل حمل و نقل	۱۱۴۵	۱۱۷۹۰	۹/۷	۹۳۶۶	۹۱۰
مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده	۴۴۹۵۵	۵۵۶۶۷	۸۰/۸	۵۷۷۶۶	۴۶۶۹۲
بازیافت ضایعات فلزی و غیر فلزی	۵۱۲	۵۷۷	۸۸/۷	۲۴۷۸۰	۲۱۹۸۸
کل صنعت	765746	1611280	47/5	1685595	801064

مأخذ: محاسبه محققان طرح

۲. منظور تجمیع آمار کارگاه‌های صنعتی کم‌تر از ده نفر، بین ده و ۴۹ نفر و بیش از ۵۰ نفر کارکن می‌باشد که در سال ۱۳۷۵ توسط مرکز آمار ایران جمع‌آوری گردیده است. لازم به ذکر است که در ادبیات بخش غیررسمی کارگاه‌های صنعتی کم‌تر از ده نفر کارکن به اعتبار عملکرد در مقیاس کوچک در زمره بخش غیررسمی قرار می‌گیرند که در ادامه همین فصل به تفصیل به این موضوع پرداخته خواهد شد.

3-1-3-3- تفکیک براساس گروه اصلی شغلی

در این بررسی، مشاغل شهری براساس جایگاه فعالیتی مورد توجه قرار گرفته‌اند. چنانچه افراد شاغل از نظر سطح تخصص و مهارت در جایگاه‌های فعالیتی قرار گیرند به ۹ گروه اصلی شغلی تقسیم‌بندی می‌شوند:

1- **قانونگذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران:** این دسته از مشاغل هستند که بالاترین جایگاه را در رده فعالیت خاص خود دارند. کلیه مقامات کشوری، لشگری، قضایی و همچنین مدیران رده‌های مختلف اعم از خصوصی و عمومی در این مجموعه جای می‌گیرند.

2- **متخصصان:** دانشمندان و کارشناسان مختلف در علوم فیزیک...، علوم طبیعی، متخصصان آموزش و... در این مجموعه جای می‌گیرند.

3- **تکنسین‌ها:** کلیه مشاغل تخصصی و علمی که در رده پایین‌تری در مقایسه با متخصصان قرار دارند، در این گروه طبقه‌بندی می‌شوند.

4- **کارمندان امور اداری و دفتری:** کلیه کارکنان رده ستادی شامل کارمندان امور دفتری و کارمندان ارائه خدمات به مشتری در این گروه طبقه‌بندی شده‌اند.

5- **کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه‌ها و بازارها:** این گروه نیز شامل خدمات شخصی و حفاظتی و همچنین فروشندگان و معرفی کنندگان کالا می‌شود.

6- **کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری:** این گروه نیز شامل کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری وابسته به بازار و نیز کارکنان کشاورزی و ماهیگیری خود معاش می‌باشد.

7- **صنعت گران و کارکنان مشاغل مربوط:** این گروه اصلی شغلی نیز شامل زیر گروه‌های کارکنان ساختمانی و استخراج، همچنین فلزکاران، تراشکاران، ابزارمندان، مکانیسین‌ها و مکانیک‌های ماشین‌آلات و تعمیرکاران وسایل برقی و الکترونیکی در یک زیر گروه، سازندگان ابزار دقیق صنایع دستی، متصدیان چاپ و مشاغل مربوط در یک زیر گروه و نیز کارکنان سایر صنایع طبقه‌بندی نشده در جای دیگر و همچنین قالی بافان، گلیم بافان و زیلوبافان دستی در یک گروه می‌باشد.

8- **متصدیان (اپراتورهای) ماشین‌آلات و دستگاه‌ها، موتناژکارها و رانندگان وسایط نقلیه:** این گروه نیز شامل زیر گروه متصدیان ماشین‌آلات ثابت، متصدیان ماشین‌آلات و موتناژکاران و رانندگان و... می‌شود.

9- **کارگران ساده:** این گروه شغلی نیز شامل کارگران ساده و خدمات و کارگران کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری و کارگران ساده معدن، ساختمان و صنعت و حمل و نقل می‌شوند.

10- **سایر اظهار نشده:** کارکنانی که در موارد فوق قرار نگرفته یا گروه اصلی شغلی خود را اظهار نکرده‌اند، در ذیل این عنوان قرار داده می‌شوند.

همان طوری که ملاحظه می‌گردد، گروه‌های نه گانه اصلی شغلی تا حدودی جایگاه سازمانی مشاغل را در هر فعالیتی نشان می‌دهد، براین اساس با توجه به در نظر گرفتن وضعیت شغلی این کارکنان، قضاوت در مورد رسمی یا غیررسمی بودن شغل تا حدودی امکان‌پذیر می‌باشد. بدین منظور چنانچه بخش عمومی و تعاونی به دلیل ماهیت رسمی بودن و کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی به دلیل ماهیت غیررسمی بودن از بحث خارج گردد، دو وضعیت شغلی کارفرما و مزد و حقوق‌بگیری مربوط به بخش خصوصی باقی می‌ماند.

با توجه به خصوصی بودن و نیز براساس ماهیت فعالیت‌های اقتصادی، می‌توان انتظار داشت که گروه‌های اصلی شغلی **کارگران ساده، کارکنان ماهر کشاورزی و جنگلداری و ماهیگیری** در زمره بخش غیررسمی قرار گیرند. زیرا به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت فعالیت‌های اقتصادی، ساز و کارهای قانونی و نیز نظم آماری، بعید باشد. اطلاعات کاملی از ابعاد واقعی این فعالیت‌ها وجود داشته باشد، ضمن آن که گروه‌های اصلی شغلی فوق در بخش خصوصی، عمدتاً از سطح مهارت و سرمایه پایینی برخوردار هستند.

علاوه بر این در گروه هفت یعنی صنعتگران به استثنای کارکنان ساختمانی و استخراج، سه زیرگروه دیگر یعنی **فلزکاران، تراشکاران، ابزارسازان و... کارکنان سایر صنایع و همچنین قالی‌بافان و گلیم‌بافان و...** در چارچوب بخش غیررسمی قرار می‌گیرند، زیرا با توجه به خصوصی قرار

در مورد سایر گروه‌های شغلی احتمال آن که در چارچوب بخش غیررسمی قرار گیرند، ضعیف است. زیرا فعالیت قانونگذاری، مدیران و مقامات عالی رتبه، متخصصان، تکنسین‌ها، کارمندان امور اداری و دفتری تا حدودی مشخص است، ضمن آن که از آنجایی که متصدیان ماشین‌آلات و مونتاژکارها در بنگاه‌هایی به فعالیت می‌پردازند که از حجم قابل توجهی سرمایه ثابت برخوردار است، به نظر نمی‌رسد که بتوان آنها را در بخش غیررسمی طبقه‌بندی کرد. با توجه به ملاحظات فوق، در جدول (۳-۷) شاغلین بخش غیررسمی برآورد گردیده‌اند. این جدول نشان می‌دهد، از تعداد ۸۷۹۹۴۲۳ نفر نیروی کار شهری تعداد ۴۱۳۷۶۰۲ نفر در بخش غیررسمی قرار دارند که حدود ۴۷ درصد از نیروی کار شهری را شامل می‌شود.

جدول 3-7- برآورد سهم شاغلین بخش غیررسمی با توجه به گروه‌های اصلی شغلی

گروه‌های اصلی شغلی	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق بگیران خصوصی	کارکنان فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق بگیران عمومی و تعاونی	اظهار نشده	جمع
کارگران ساده	۸۸۹۷	۲۲۳۰۷۰	۵۰۶۴۴۷	۴۲۹۶	۲۷۶۷	۳۵۸۲۷	۷۸۱۳۰۴
کارکنان ماهر کشاورزی و...	۱۶	۲۸۶۸۱۹	۵۶	۱۹۹۹۱	۰	۱۳۰۸۹	۳۱۹۹۷۱
فلزکاران،...	۵۱۶۵۹	۲۲۶۷۲۶	۲۳۵۷۳۲	۸۴۰۴	-	۲۳۸۵۲	۵۴۶۳۷۳
ایزارسازان،...	۵۷۹۰	۲۳۲۹۱	۳۸۴۵۹	۹۳۳	-	۲۹۴۷	۷۱۴۲۰
قالی‌بافان، گلیم‌بافان،...	۴۲۴۰	۱۰۳۴۳۵	۵۲۸۰۲	۳۹۸۵۲	-	۷۶۶۱	۲۰۷۹۹۰
کارکنان سایر صنایع	۴۳۹۲۰	۱۵۷۰۴۰	۲۳۹۷۱۲	۶۲۱۱	-	۱۹۷۹۶	۴۶۶۶۷۹
فروشنده‌گان و معرفی‌کنندگان	۰	۶۶۲۱۲۲	۰	۱۸۸۰۰	۰	۳۱۰۳۰	۷۱۱۹۵۲
سایر	-	۸۵۲۳۴۰	-	۱۴۴۰۶	-	۱۶۵۱۶۷	۱۰۳۱۹۱۳
جمع	۱۱۴۵۲۲	۲۵۳۴۸۴۳	۱۰۷۳۲۰۸	۱۱۲۸۹۳	۲۷۶۷	۲۹۹۳۶۹	۴۱۳۷۶۰۲

3-3-2- استفاده از آمارگیری کارگاه‌های صنعتی

در ادبیات بخش غیررسمی شهری، از عملکرد در مقیاس کوچک به عنوان ویژگی‌های بخش غیررسمی یاد می‌گردد. همان‌طور که در خلاصه مطالعات انجام گرفته نیز ملاحظه شد، بخش قابل توجهی از مطالعات بخش غیررسمی در دنیا، معطوف به این معیار است. متأسفانه در ایران مطالعات آماری گسترده‌ای (سرشماری) در زمینه این بنگاه‌ها صورت نگرفته است. تنها در

کارگاه‌های صنعتی تولیدی بوده

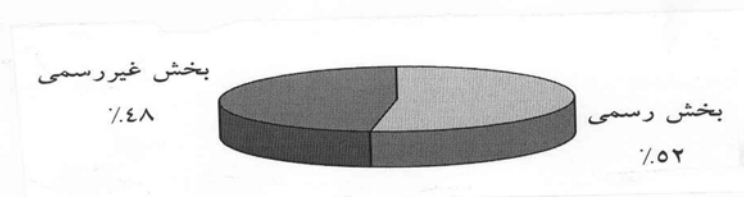
وضعیت شاغلان و سطح تحصیلات آن‌ها در ادامه بررسی و در فصلی جداگانه مورد کنکاش قرار خواهد گرفت. باید بر این نکته اذعان داشت که عمده نیروی کار در این بخش در فعالیت‌های مواد غذایی، آشامیدنی، محصولات فلزی فابریکی، تولید منسوجات و پوشاک و سایر محصولات کانی غیرفلزی تمرکز یافته‌اند، به طوری که درصد از مجموع شاغلان به فعالیت‌های مذکور مشغول می‌باشند.

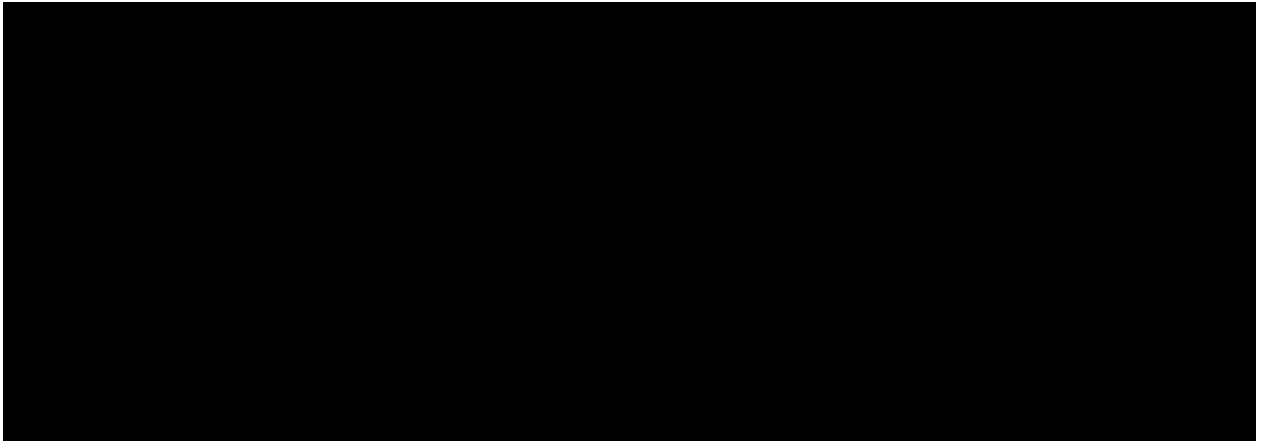
بررسی عملکرد این بنگاه‌ها و مقایسه آن‌ها با کارگاه‌های صنعتی با شاغلان بیش‌تر (به عنوان نماد بخش رسمی شهری) دیدگاه روشن‌تری را در مورد واقعیت‌های بخش غیررسمی شهری نمایانگر می‌سازد. برای این کار از نتایج آمارگیری کارگاه‌های صنعتی بین ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن و کارگاه‌های صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن استفاده گردیده است. در جدول (یک تا شش پیوست) به برخی شاخص‌های این سه دسته از کارگاه‌های صنعتی اشاره گردیده است که در ادامه به مقایسه آن‌ها پرداخته خواهد شد.

3-2-1- تغییرات اموال سرمایه‌ای (سرمایه‌گذاری)

آمار تغییر اموال سرمایه‌ای نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵، سرمایه‌گذاری در بخش رسمی (کارگاه‌های صنعتی بیش از ده نفر کارکن) در مقایسه با بخش غیررسمی (کارگاه‌های صنعتی کم‌تر از ده نفر کارکن) اختلاف فاحشی داشته است. در حالی که کارگاه‌های صنعتی بین ۱۰ تا ۴۹ نفر و بیش از ۵۰ نفر کارکن به ترتیب ۱۹۸ هزار و ۶۴۸ هزار شاغل را در خود جای داده‌اند، ۷۲۹ و ۵۳۷۵ میلیارد ریال تغییرات اموال سرمایه‌ای آن‌ها به ترتیب ۷۲۹ و ۵۳۷۵ میلیارد ریال بوده است، اما بخش غیررسمی با ۷۶۵ هزار نفر کارکن تنها ۶۲۵ میلیارد ریال تغییر در اموال سرمایه‌ای داشته است. سرانه این سرمایه‌گذاری در نمودار (۳-۴) ابعاد این اختلاف را نشان می‌دهد. البته این امر چندان دور از انتظار نیست. همان‌طور که ذکر گردید، یکی از عوامل پیدایش بخش غیررسمی کمبود سرمایه شاغلان است، که آنان را به سوی فعالیت‌هایی با میزان سرمایه‌بری کم‌تر سوق می‌دهد.

نمودار ۳-۳- ترکیب شاغلان در کارگاه‌های صنعتی براساس معیار مقیاس عملکرد سال ۱۳۷۵

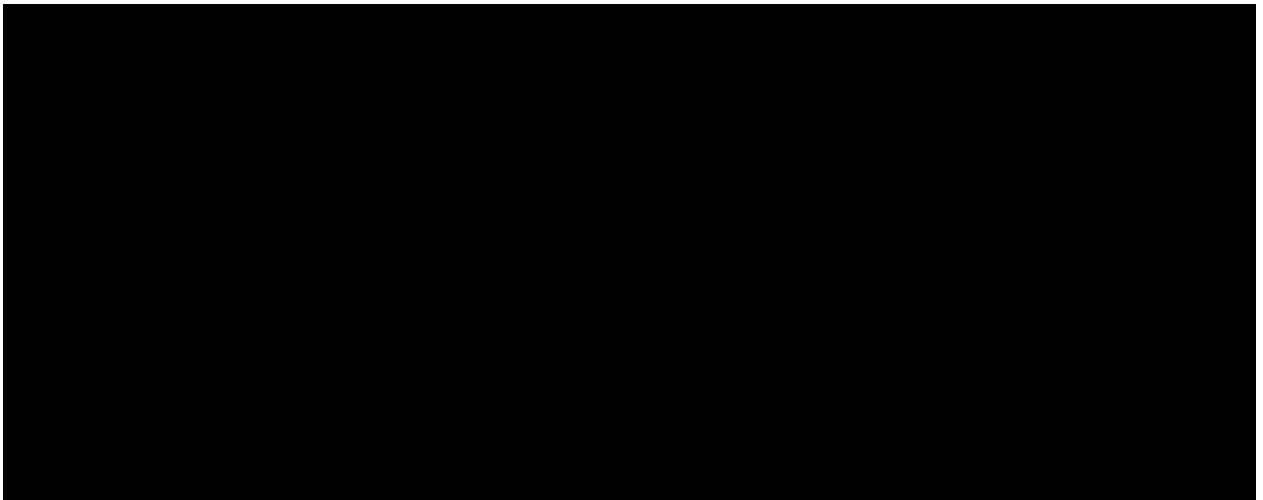




بیش از ۵۰ نفر کارکن بین ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن کمتر از ده نفر کارکن

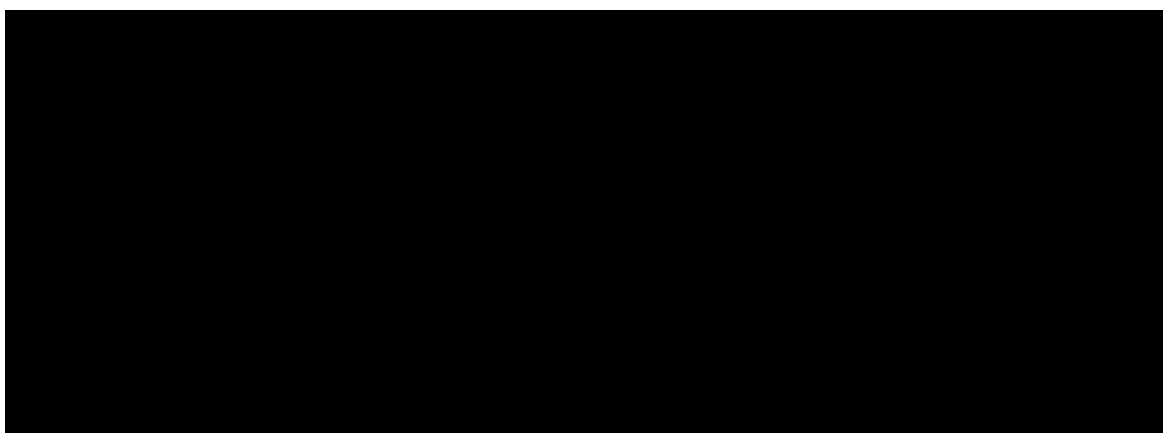
3-3-2-2- ستانده

همان طور که از جدول (یک تا شش پیوست) مشاهده می شود، میزان ستانده (تولید ۳۰۷ هزار کارگاه صنعتی بخش غیررسمی شهری ۱۵۹۱۴ میلیارد ریال می باشد، در حالی که کارگاه های بین ۱۰ تا ۴۹ نفر و بیش از ۵۰ نفر کارکن هر یک به ترتیب ۹۹۴۱ و ۵۷۱۴۱ میلیارد ریال ستانده داشته اند. براین اساس سرانه ستانده هر نفر در این سه گروه کارگاه از اختلاف قابل ملاحظه ای برخوردار است که نمودار (۳-۵) به خوبی این اختلاف را نشان می دهد. چنان که ملاحظه می شود سرانه ستانده بخش غیررسمی از دو گروه بنگاه های بخش رسمی کم تر می باشد. این مورد نکته قابل تأملی است که نشان از کمبود سرمایه و مهارت در این بخش دارد.



3-2-3-3- ارزش افزوده

آمار نشان می‌دهد ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن ۶۵۷۷ میلیارد ریال می‌باشد، این رقم برای کارگاه‌های صنعتی بین ۱۰ تا ۴۹ و بیش از ۵۰ نفر کارکن به ترتیب ۳۵۴۹ و ۲۴۵۲۶ میلیارد ریال می‌باشد. در اینجا علی‌رغم این که ارزش افزوده بخش غیررسمی از ارزش افزوده کارگاه‌های بین ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن بیش‌تر است. اما همان‌طور که در نمودار (۳-۶) نیز نشان داده شده است. بهره‌وری کار (سرانه ارزش افزوده) آن پایین‌تر از کارگاه‌های ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن است. ضمن آن که با بهره‌وری کارگاه‌های بیش از ۵۰ نفر کارکن اختلاف قابل ملاحظه‌ای دارد. پایین بودن بهره‌وری کار در این بخش می‌تواند ناشی از عدم تناسب و تکافوی سرمایه و مهارت نیروی کار باشد.

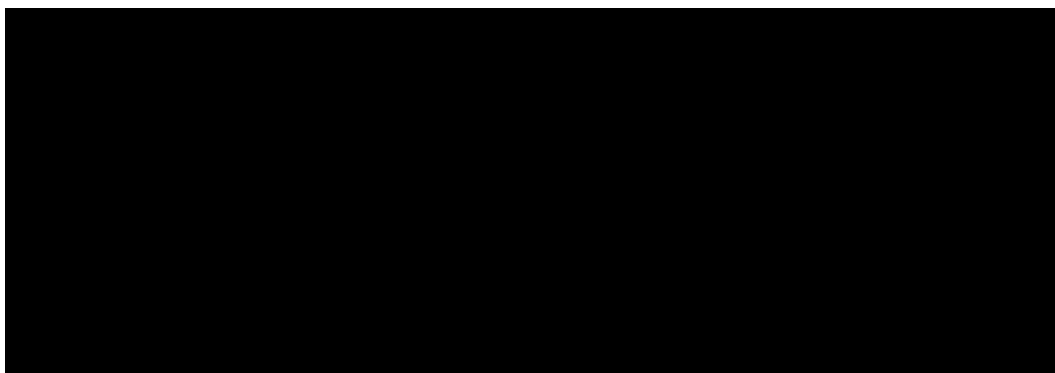


بیش از ۵۰ نفر کارکن بین ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن کمتر از ده نفر کارکن

3-2-3-4- جبران خدمات نیروی کار

چنان که پیش از این اشاره شد، آزادی ورود و خروج و بازار رقابتی از ویژگی‌های بخش غیررسمی شهری است. این مورد همراه با عدم حضور حمایت‌های شغلی از قبیل قوانین حداقل دستمزد موجب آن می‌شود که دستمزد نیروی کار براساس عرضه و تقاضای کار تعیین گردد. نتیجه این ساز و کار، کاهش سطح دستمزدها و بروز اختلاف قابل ملاحظه با متوسط دستمزد در بخش رسمی خواهد بود. همان‌طور که در نمودار (۲-۷) نیز مشاهده می‌گردد سرانه جبران خدمات سالانه در کارگاه‌های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن ۳۷۵۳ هزار ریال می‌باشد، این در حالی است

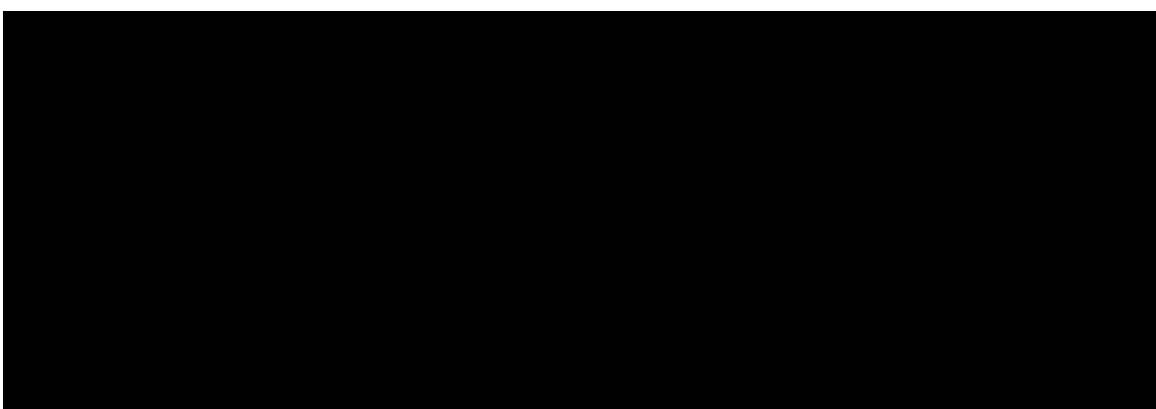
که رقم مذکور در کارگاه‌های بین ۱۰ تا ۴۹ نفر و بیش از ۵۰ نفر کارکن به ترتیب ۵۰۱۱ و ۹۶۲۷ هزار ریال است. لازم به ذکر است علاوه بر وجود قوانین حمایتی در بخش رسمی، بخشی از این اختلاف در آمد تحت تأثیر اختلاف در بهره‌وری نیروی کار حاصل شده باشد که نشان از کمبود سرمایه و مهارت در این بخش دارد.



بیش از ۵۰ نفر کارکن بین ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن کمتر از ده نفر کارکن

3-3-2-5- بهره‌دهی انرژی^۳

همان‌طور که در نمودار (۳-۸) نشان داده شده است، بهره‌دهی انرژی در بخش غیررسمی بالاتر از بنگاه‌های بخش رسمی است. در تبیین دلایل آن می‌توان اظهار داشت که ماهیت کاربر بودن فعالیت‌ها و برخورداری کمتر از اموال سرمایه‌ای در بخش غیررسمی موجب مصرف انرژی در سطح نازل شده و لذا بهره‌دهی انرژی بالاتری در این دست بنگاه‌ها مشاهده می‌شود.



بیش از ۵۰ نفر کارکن بین ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن کمتر از ده نفر کارکن

۳. بهره‌دهی انرژی عبارت است از نسبت ارزش افزوده به ارزش انرژی مصرف شده (سوخت به علاوه برق مصرفی).

3-4- نتیجه گیری

برآورد سهم بخش غیررسمی از بازار کار شهری و شناخت برخی ویژگی‌های آن، موضع اصلی این فصل بود. هدف آن بود که پایه مفاهیم و ادبیات بخش غیررسمی شهری و با استفاده از منابع آماری موجود، به تفکیک بخش غیررسمی شهری از بازار کار شهری مبادرت نموده و سپس ویژگی‌های درون این بخش مورد کندو کاو قرار گیرد. اما دو مشکل در این راه وجود داشت:

اول آن که بخش غیررسمی شهری از نظر ماهیت، طیف وسیعی از مفاهیم، تعاریف و ویژگی‌ها را در برمی‌گیرد. از این رو استفاده از هر مفهوم خاص، خواننده را به شائبه پراکنندگی مباحث و کاستی در تحقیق مواجه می‌ساخت.

دوم به تنگناها و محدودیت‌های آماری در زمینه بررسی این بخش مربوط می‌شد. بدیهی است چنانچه آمار دقیقی در مورد فعالیت‌های درون این بخش وجود داشته باشد، دیگر اطلاق بخش غیررسمی بدان نادرست می‌باشد. از این رو در آنجا سعی بر آن بود که با استفاده از منابع آماری موجود و با آگاهی کامل نسبت به نقاط ضعف و کاستی‌های آن، اقدام به برآورد بخش غیررسمی شهری گردد. چه در غیر این صورت، عملاً باب تحقیق در مورد بخش غیررسمی بسته می‌ماند.

جدول 3-8- خلاصه نتایج برآورد بخش غیررسمی شهری

سهم بخش غیررسمی شهری	جامعه آماری	منبع آماری	معیار تفکیک
۵۲/۵ درصد	مناطق شهری کشور	نمونه‌گیری - هزینه خانوار	مالیات
۴۲/۵ درصد	مناطق شهری کشور	نمونه‌گیری خصوصیات - اجتماعی خانوار	بیمه درمانی
۳۳/۵ درصد	مناطق شهری کشور	سرشماری جمعیت	کارکنان مستقل و فامیلی
۴۹/۴ درصد	مناطق شهری کشور	سرشماری جمعیت	گروه فعالیت
۴۷ درصد	مناطق شهری کشور	سرشماری جمعیت	گروه شغلی
۴۸ درصد	کارگاه‌های کشور	آمارگیری کارگاه‌های صنعتی	مقیاس بنگاه (کارگاه‌های کم‌تر از ده نفر کارکن)

با توجه این ملاحظات بود که برآورد بخش غیررسمی شهری در این فصل آغاز گردید منابع آماری مورد استفاده در این بررسی، نمونه گیری در آمد هزینه خانوار، نمونه گیری خصوصیات اقتصادی - اجتماعی خانوار، سرشماری جمعیت و آمار کارگاه‌های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن بوده است. خلاصه نتایج حاصله از این برآورد در جدول (۳-۸) ارائه گردیده است.

در مورد اهم نتایج این مطالعات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف - براساس، سهم‌های برآوردی از بخش غیررسمی شهری می‌توان گفت سهم اشتغال در بخش غیررسمی در دامنه‌ای میان ۳۳/۵ تا ۵۲/۵ درصد قرار دارد. اما با توجه به مجموع شاخص‌ها و ویژگی‌های آن‌ها می‌توان به این جمع‌بندی رسید که بخش غیررسمی در ایران حدود ۵۲ درصد بازار کار شهری را به خود اختصاص داده است. در مورد برآوردهایی که با این دامنه اختلاف دارند می‌توان چنین توضیح داد:

الف-1- تفکیک براساس معیار بیمه درمانی: همان‌طوری که ذکر شد ایجاد تسهیلات در زمینه ارائه بیمه خدمات درمانی موجب آن شده است که برخی بنگاه‌ها و شاغلین بخش غیررسمی، با وجود حفظ ویژگی‌های غیررسمی بودن - در شمولیت بیمه درمانی قرار گیرند که با استفاده از سهم این شاغلین در آمار بیمه شدگان تأمین اجتماعی و تعمیم آن به آمار خصوصیات اقتصادی اجتماعی خانوار - سهم بخش غیررسمی براساس این تفکیک به حدود ۵۲ درصد رسید که با مجموعه آمار همخوانی دارد.

الف-2- تفکیک براساس معیار مقیاس بنگاه: سهم برآوردی بخش غیررسمی شهری در کارگاه‌های صنعتی حدود ۴۸ درصد برآورد گردید. اگر چه این رقم با دامنه ۴۹-۵۲ درصد اختلاف چندانی ندارد، اما چنین اختلافی نیز دور از ذهن نیست زیرا به دلیل ماهیت فعالیت‌های صنعتی، سرمایه‌بر بودن آن در مقایسه با سایر فعالیت‌ها، ضرورت برخورداری بیش‌تر از امکانات و تسهیلات دولتی در مقایسه با سایر فعالیت‌ها و نیز امکان دسترسی به اطلاعات کارگاه‌های صنعتی در مقایسه با سایر فعالیت‌ها بیش‌تر می‌باشد. بدیهی است سهم بخش غیررسمی از کارگاه‌های صنعتی باید کمتر از سهم بخش غیررسمی از کل فعالیت باشد.

الف-3- تفکیک براساس معیار کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی: در این نوع تفکیک، سهم بخش غیررسمی حدود ۳۳ درصد برآورد گردید. همان‌طوری که ذکر شد، با توجه به تعیین غیررسمی بودن براساس کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی در ادبیات بخش غیررسمی

شهری، این سهم به عنوان حد پایین سهم بخش غیررسمی مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است شاغلین بخش غیررسمی تنها به این دو گروه ختم نمی شوند.

ب- نتایج حاصل از هر یک از برآوردها، در مواردی با یکدیگر مشترک می باشد. سهم بالای در مقیاس کوچک، سهم پایین سرمایه گذاری، بهره وری و.... همه

از سیاست‌های عمومی دولت (شامل سیاست‌های اقتصادی جهت تنظیم و هدایت اقتصاد، سیاست‌های مالیاتی جهت کسب درآمدهای دولت و سیاست‌های حاکمیتی جهت اعمال قوانین و استانداردهای مربوط به همه حوزه‌های اجتماع) ممکن است بر کل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی قابل اعمال و نظارت نباشد. به عبارت دیگر، بخش بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی قابل اعمال سیاست نیستند و بنابراین دولت نه تنها سیاست‌های اقتصادی بلکه حاکمیت خود را نیز در موارد زیادی نمی‌تواند به تمامی افراد کشور اعمال کند.

بر این اساس، نه تنها شناسایی بخش غیررسمی اهمیت می‌یابد، بلکه یافتن عوامل گسترش این بخش و رفع آن‌ها و یافتن راه‌های ارتقاء بخش غیررسمی به یکی از مهم‌ترین وظایف دولت تبدیل می‌شود. دولتی که نداند بر چه و بر چه نظارت یا اعمال سیاست می‌کند، نه می‌تواند به خوبی سیاستگذاری کند و نه می‌تواند نتایج خوبی از سیاست‌های خود به دست آورد.

فصل چهارم

عوامل موثر بر ایجاد اشتغال

در بخش غیر رسمی

۴-۱- سیمای بخش غیر رسمی در ایران

ÈÚ ÔÀ È ÛÆÈÛÈ ÒÙ ÔÙ ÞÈ À È À ÈÀ È »
 Æ Ô ÈÞ ÈÀ »ÈÛ È È ÛÀÆ À
 Ⓞ È È ÀÈ ÀÈÛ» Æ Û »ÈÈ À ÀÈÛ» ÛÈ. ÞÈ À
 ÛÞ ÕÀ È. »ÛÈ À ÀÀ Þ Í ÛÈÞ È
 ÔÔ Ô ÞÔ ÔÈ ÕÀÈ ...ÍÍ ÈÛ ÍÍ È »Í . ÛÍ . Æ ÈÀ
 ÔÈÀ ÔÚÔÆ ÔÈÈÛ ÕÈ ÈÛ . ÆÈ Û ÛÈ
 ÛÔÀ Ô Û È È Í À ÛÈ È Û ÛÈ ÀÈ
 Ô Ææ ØÔ ÈÈÛÀ ÕÈÈÞ ÈÔ Û ÈÔ ÕÛÆ Û Í ÛÀ
 ÈÔÛÈⓄ ÞÈ » ÀÛ À ÀÛ ææ ÈÈ À Û
 Ô)ÈÔ ÀÔ ÈÈ ÕÈÈÔ Ⓞ È ÛÈÀÈ Û È ÛÀÆ À
 Ô ÔÈ ÔÍ ÛÈ È .(Û ÛÀ . ÈÛÀ
 ÞÛ Ô ÕÈÈÈ È .È È À ÈÀÈÈ .ÛÀÆ ÀÛ»ÈÀ
 Æ Ô .ÆÈÔ ÒÙ Ô ÔÈÈç ÔÙ ÔÛÈ ÕÈ ÛÞÈÈÛ ÈÈÍ È
 È Ⓞ Þ À(ææ ç-ã ÛÈÈ) ÆØ À È Û ÛÈ Û ÛÈ
 ÞÀ Ⓞ Þ ÈÀ ÛÀÀ ÈÈ Þ ÞÈÀ ÛÈ ÈÛ
 . ÔÈÀ ÔÙ. ÕÛÈ Ô . ÔÆ° Ô À Ô Ô Þ ÔÍ ÛÈ Æ
 ÔÔÀ ÈÔ ÔÈÈÔÈÈÞ ÕÈ Æ ÈÀ Û À
 ÞÀ Û»È Û ÛÈÀ ÞÀ Û ÛÈÞ ÞÈ À È È À
 (ææ ð Û È) ÀÈ Û Æ Í Û
 Ⓞ È ÀÛÈ Æ ÕÀÀ ÈÈ ÈÛ È À ÀÈ ÛÈ È
 Ô Ô ÞÔ »ÈÈÈÀ ÔÈÈ çÈÀ ÔÍ Ô À Ô Ô ÆÈ È À Ô
 .(ææ ð .Û È) ÔÀ À Þ Þ ÛÈ ÈÈÀÈ

Ü Ö Ü È Æ Æ Æ . »È ÀÀ . À
 ÆÆ Ö ÀÒÀ Æ Æ Ø Ö Æ ÖÀ ÈÈ À Þ ÈÈ Ú»ÈÀ Æ È È
 Ì ÖÀÜ Ö ÖÈ Ö Æ Ö Ö À À ÖÀ Ü ÖÀ ÜÜÀ Æ Æ Ø »Ü
 Ø Ü Þ ÀÏ ÈÈ » È Ü ÈÈÆ Æ È Ü È
 Ü ÈÀ Æ Ö - Þ À À Ø ÜÀ . È ÜÀ Æ
 Þ Ø Ö Ø Ö À ÆÆ À Þ Ø -È Þ È È »
 Ö Ö Ö Ü Ö .È ÈÈ È À Þ È ÈÈ È Ü
 . ÜÀÀ À Ü À Ü À . Þ Ø À Æ È
 ÈÜ Æ Þ È ÜÀ ÆÈ ÈÀ À ÀÏÈÈ
 Þ Ø Ö Ö ÖÀ Æ ÈÆ Ö Ö Þ Ø Ö Ü Ü È Ì ÈÀÈ ÜÜÆÀ
 Ì Ö ÖÜ ÖÆ Ö ÖÀ ÜÀ Æ È Ü Æ Æ . À
 .È È È ÜÀÀ À Þ ÈÆ Ü È
 .ü È Ö Ì Ö ÖÈ Ö Ö ÈÀ ÖÀ Ö Ö ÈÈ ÖÈ È . À
 È Ö À ÖÈÈ Þ ÖÈ ÜÈ Ö ÖÈ Ö .ÜÀ ÖÀ ÆÆÀ Þ Ø
 Þ È Ö Ö ÖÀ È Ö Ö ÖÈ Ö Ö À Ö Æ Ü À ÜÆÀ .ÜÀ À
 . ÆÈ Ü Ü
 .ÜÈ Ö Ö È Ö ÈÈ Ö ÈÈ . Ö À Ö ÜÀ ÖÀ Ö Ö Ö Ö À
 . È Þ Ø Þ ÆÆ , Ö ÈÈÈ Ü ÈÀÈ
 ÈÀÈÀ Ö Ö Ö ÈÀ Ü× À . Ì . Æ
 Ü À ÆÈ ÈÆ ÜÈ ÞÈ Ü ÞÈ Þ À
 ÈÀÜ Ö ÈÆÈ Ö È Þ ÜÈÀ ÆÆÀ Æ Æ ÜÀÀ ÈÀ
 . Ü Ø ÆÈ ÜÈÀ ÈÈ
 ÜÈ ÖÀ Ö Þ ÖÜ È Ö Þ È ÖÀ ÆÆÀ È ÆÆÀ ÆÆÀ
 .À ÆÆÀ ÈÈ Þ Ü È ÈÀ Þ È À È À ÀÜ
 Ö Ö Ö À Ö ÆÈÜ À Æ È èè Ì Üèè è Üèè Ì Þ Ø ÈÈ

Ô ÔÂÛÔÛÊ ÄÄ ÄËÀ Þ Ê »ËÀ . Ä ÊÊ èèì Ø
. ÄÞ Ø ÊÊ ÄÏ Û ÊÛ
: ÛÊ Ê ÊÊØ Þ ÄÞ Û·ØÄ ÊÊ
.Û» ÊÛÊÛ (è
. ÄÛ Û»° Äé
.Û Ê ÛÊ ÊÀ (é
. ÛÄ ÛÊ ÊÛ Û (è
.ÛÊ ÄËÊ ÞØ Û Þ Í ÛÊÛÊ Ê (í
. Ê ÊÄÊ ÄÊ (í
Ø Û ÊÊÄ Ê Ûí
ÊÊ ÔÜÄÔÄ Ô ÊÊ ÊÊ(è-è)ØÛ Ä ÄÊÄÊ Ä Û ÄÛ Ä
:Ê ÊÄ Í
Þ ÔÛ ÊÔ Ô ÊÊÄ Ô Þ ÔÛ ÊÔ ÊÄ ÔÈ Ô (è-è)ØÛ ÊÄ ÊÊ
ÔÄ Ô Ô èç ÊÞ Û Ê . Ä Ø ÊÄ . Ê Û Ê
.(:.ä /i) ÄÊÄÍ ÄÊ
ÛÊ ÔÊ) Ô Û Ê ÊÄ èç ÊÞ Û Ê
ÛÊ Ô ÊÊ)ÛÔÊÔ Ô Ô ÊÄ Ô (/:.ä /i) Ô ÄÄÄ((è-è)ØÛ Ô
ÛÊ Ô Ô ê ÔÄ Û Ô ÊÛ Ô . éì . èç ÊÞ Û Ê ÊÊ((è-è)ØÛ
. Ä Ô . Ô Û Ô Ê Ô Û Ê Ô Ô ÊÄ Ä ÄÊ Ä ÛÛ Ê ÊÄ
ÔÄ ÊÛÊÛ Û ÊÛ . Û Ê ÊÄ Ê Ä ÊÄ - Û
(Ê ØÄ Û ÊÄ
Ô Ô Ô ÔÛ Ê ÊÄ Ê Ô ÛÊ ÛÛ Û (è-è)ØÛ ï ÊÊ
/:ç/íí × ÔÄ Ô Ô Ô ÊÊ Ô ÛÊ ÔÊÞ ÔÛ Ê Ô /:èè)ð Ô . Ê Û ÄØ Ä
ÛÊ Ô × ÔÄ . íçÞ Þ Û Ê /:çè Ê ÛÛ èç-èøÞ Û Ê
ÛÊ Ê ÊÊ(éì) ÛÊ ÊÞ Û Ê ÊÊÛ Ê

جدول ۴-۱- مقایسه وضعیت طبقات مختلف کارگاه‌های صنعتی با یکدیگر با توجه به شاخص‌های تعریف شده (سال ۱۳۷۵)

نوع کارگاه براساس تعداد کارکن			شیوه محاسبه	واحد	نام شاخص	شماره ردیف
کم‌تر از ۱۰ نفر	۱۰-۴۹ نفر	۵۰ نفر و بیش‌تر				
ç/í	èè	ã/í	$\frac{P \cup E}{U \cup E}$	FF	$\frac{\text{ÈÈ} \cup \text{ÓÓ} \cup \text{ÊÊ} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{ÀÀ} \cup \text{ÔÔ}}{\text{ÈÈ} \cup \text{P} \cup \text{U} \cup \text{ÈÈ}}$	è
ç/ìè	èè	ã/í	$\frac{U \cup E}{U \cup E}$	FF	$\frac{\text{ÓÓ} \cup \text{ÊÊ} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{ÀÀ} \cup \text{ÔÔ}}{\text{ÈÈ} \cup \text{P} \cup \text{U} \cup \text{ÈÈ}}$	é
èðì	èèè	ë/é	$\frac{EA}{EA}$	FF	$\frac{\text{ÈÈ} \cup \text{ÓÓ} \cup \text{ÊÊ} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{ÀÀ} \cup \text{ÔÔ}}{\emptyset \cup \text{À}}$	è
éè	ë/é	éì	$\frac{P \cup E \cup EA}{P \cup E \cup EA}$		$\frac{\text{ÈÈ} \cup \text{ÓÓ} \cup \text{ÊÊ} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{ÀÀ} \cup \text{ÔÔ}}{\text{ÈÈ} \cup \text{U} \cup \text{ÈÈ}}$	è
ç/çè	ç/íí	èèð	$\frac{O \cup UE \cup UU \cup EA \cup \text{ÆA}}{\emptyset \cup \text{À}}$		$\frac{\text{Ó} \cup \text{Ó} \cup \text{UÈ} \cup \text{UU} \cup \text{U}}{\text{ÈÈ} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{ÓÓ} \cup \text{ÊÊ} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{ÀÀ} \cup \text{ÔÔ} \cup \text{U}}$	ì
èã	í/í	èè	$\frac{E \cup \text{ÀPÈ}}{P \cup U \cup E \cup EA}$	ØEU	$\frac{\text{PÈ} \cup \text{Ó} \cup \text{ÀÀ} \cup \text{ÍÈÈA}}{\text{ÈÈ} \cup \text{U} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{ÀA}}$	í
èíí/ì	ìèé	èí	$\frac{P \cup \text{À} \cup \text{ØA} \cup \text{À}}{P \cup U \cup E \cup EA}$	ØEU	$\frac{\text{Ó} \cup \text{Ó} \cup \text{Ó} \cup \text{ÍÈÈA}}{\text{ÈÈ} \cup \text{U} \cup \text{ÆP} \cup \text{À} \cup \text{ØA} \cup \text{À} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{U} \cup \text{ÈÈ}}$	í
èç/é	èèè	ç/ã	$\frac{E \cup \text{UÆA} \cup \text{ÍÈÈA}}{P \cup U \cup E \cup EA}$	ØEU	$\frac{\text{Ó} \cup \text{Ó} \cup \text{Ó} \cup \text{ÍÈÈA}}{\text{ÈÈ} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{P} \cup \text{À} \cup \text{ØA} \cup \text{ØA} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{U} \cup \text{ÈÈ}}$	ì
í	èèí	èèì	$\frac{E \cup EA \cup EA \cup \text{ÆA}}{ÈU \cup U}$	FF	$\frac{\text{ÈA} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{ÓÈA} \cup \text{ÈA} \cup \text{À} \cup \text{Ó}}{\text{U} \cup \text{Ó} \cup \text{U} \cup \text{Ó} \cup \text{ÈÈ} \cup \text{U} \cup \text{ÈÈ}}$	ð

ÈÈ» Ó ·.èèì ·ÈÈ Ó Ó P ÓÓ ÈÈÈÈ» Ó P ÓÈ »Æ » Ì À U):

.(UÀ A

·(éê) Ô Ô ìçP Û Ê Ü(ë/é)Û èç-ëðP Û Ê ÈÛ Ê Û Ê
ÔÊ Ô Ô ÛÊ Ô Õ) Ô èç ÈP Û Ê ÈÀ Û Ê Û
.(À

ÖÊÖ èç ÈP Û Ê ÆÈ ÄÖ Þ À É À
Ô Ô ÆÈ ÀÉ.È ÈÆ Û ÈP Û Ê .
ÃÊÔ Ô ÈÆ À ÛÍ À À Ê
ÈÈÛ ÊÔ ÔÈÀ Þ È Þ Èçè× À ÈÈ.
ä/í ÔÛÀ Ô Þ ÔÈä/i ÛÈÃ Û(Ö) È èçÈÀ ÞÆÞ È Û
. Ã Æ Þ (ÛÈ Þ ÈÈ

Û Ê Ì ÛÈ ÈÀ ·Û Ê ÈÈ ÈÀÆÀ ÛÈ Ê
Ô ÔÊÔÔ Ô Ô·(È ÛÈ ÛÈÈÆ ÛÈ × ÀÛ
Ô Ô ÔÔÈÔ Ô Þø Û Û ÛÍ
Û ÔÆÞÀ ÔØÀÔ Ô Û ÛÛ Ê È ÀÈÈ ÀÀ Í ÈÈÀ
Ô À í ÈÈ(è-è)Û ÈÀ . À Ê Û Ê È
ØÈÛ Ô èè Ôèç ÈÈP Û ÊÔ Ô ÈÈÛÔÈÔ ÔÈÔÀÈÈ ÀÀ Í ÈÈÀ
Ô. ÔÀÈÀÍ ÆÈ ÆÈÀ Û Ê Ã ÈÈ .
ÈP Û Ê ÈÈ((è-è)Û í ÈÈÞÀ ØÀÀ Û
ÔÀ ÞÆÈ·Û ÈÈ Û Ê È ÛÈ . ØÈÛ èí ÛÈ
Û Ô Ì ÈÈ èç ÈP Û Ê ·Ô . ÈÀ
Ô ÛÈ Û È Û ÛÈ ÆÈ Þø ÛÈÛ Û ÆÈ
.(È

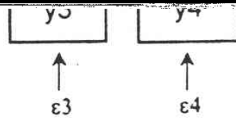
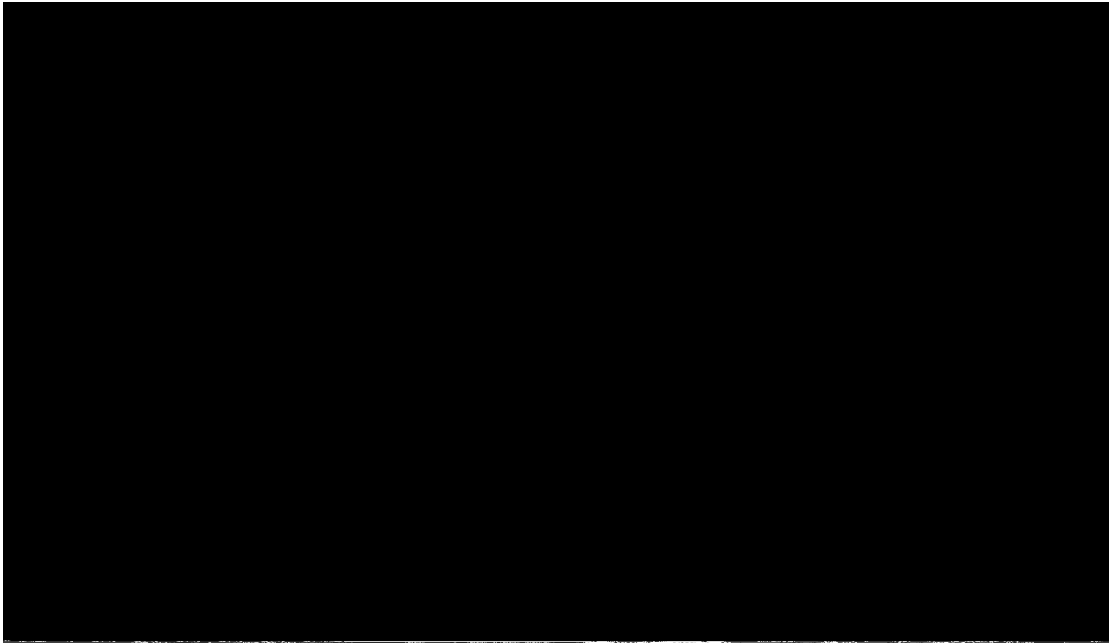
ÔÛÔÈ ° À Û Ê ÈÈ È ÞÀ ØÀÀ Í ÈÈÀ
· Ô Þ Ô ÈÀÔ ÞÆÈ Ô ØÀÔ Ô ÔÈÈ. ÔÀÛ ÈÀÛ) È
Û Ô í ÔÈÈ. À Æ ° ÀÛ Û ÈÀÛ Û Ê ÀÛ

PÀ Æ Ø Æ Ú Ó è è è Æ Ú Ó è ç Æ P Ó Ú É P À Æ Ø É Ú ç è È ((è-è)
 Ú í ç P P Ú É P À Æ Ø É Ú è ç / é È Ú è ç - è ð P Ú É
 Û È Ó P À Ø À Û È P Ú É × À Æ Ú È Ú . È
 .(È Û È Û Æ Ú È À È × À Æ À
 È Ó Æ È È À È Æ È È È È Ø P Ú Û
 è ç È P Ú É È È . è è i Ø È È È È À È À ð È È (è-è) Ø
 Û Ó È Ó À È À È Æ È Æ È È À À È Ú .(/ è è i)
 Û È À Ó P Ó Ú . Ó È Ú . À À P È - È À Û
 Ó Ú À Ó Ó Û È Ó Ó Ó Ó Ú À Ó Ú È È Ú Ó Ó Æ È À È
 Ú Ó È À Û È Ó Æ Ú Ó Ú » × Ó P Ø Æ È È À È
 è ç Æ P Ú É . È È . À È È È È (È Û Û
 Ó È Ó È Ú À Æ È È È Æ È È À Ú À È
 Ó È Ó À Ó È È P È È Ú À È À P È È
 Ó Ó È . Ó È Ó È À Ó Ó È È Û Û Æ È È È » Ú À
 . À È À È È
 Í Ó È Ó Ó È Ó . Ú À Ó À Ó È À Ó Ø Ó È È P È Æ È . È
 Ú Ú Ó À Ó Ó Ó Ó . Ó À Û P Í Û È À P Ú É Û
 P Í Û È À À Ó È Û Ø È Æ Ú È P È Æ È È
 È È P È Ó Ú Ú Ó À È Û P À Ø À Ú Û
 .(è è i .) È Æ È Ø
 Ø Ó È È P È Ó P Ó È Ó Æ È Ó Û È È Ó Ú È È À
 È Ó Ó Û È Ó À Ó Û È Ó Ú È Ó Ó È Ó Æ Ú À Ú È
 Ó Æ È (Ó Ó è è i Ø Ó È À Ó À È È Ú Ó Ó è è ç Ó È È À Ó È Ø È
 . À À P È À

ÈÈ·ÈÒ ÒÃÈÒ ÙÒØ À ÙÆ Ù Ù Ò
 ÆÈÒÒÙ ÈÙ ·È ÀÞÈ ÈÙ ÀÙ Ù Ù
 Æ Ò Ù ÒÀ ÈÈ È»Ù ·ÈÆ È À
 ÒÈÆÈÒÙÒ Ù ÙÈ ÀÈÈ ÆÈ Ò ÆÀ Ì À
 . Þ ÙÆÀ Þ Ì ÈÈ
 Ø Ø È Ò ÒÙÒ Ò Ò ÒÞÈ ÒÀÙÒ ÒÆÈ Ò
 ÙÒ ÈÈÍ Ò Ò Ò. Ò Þ ÒÙÆÒ Ò Ø È ÙÙÈ Ù
 ·ÞÈ ÀÙ ÈÈ...ÙÙ È À . Ù ÈÈ ÈÙÀ ·ÞÈ È
 Ò Ò Ò ÒÆÈÙÀ À ÀÒÀ Ò ÙÈ Ø
 Þ ÞÆÞ Æ(Ù) Þ ÙÆÀ È
 ¹È Ø À
 Þ Ø ÆÈ ÒÈ Ò ÙÈ ÞÀ ÞÈ ÆÙÀ ÞÈ Æ È
 ÈÈ Ø ÒÀ Ò Ò Ù Ø Ù ÈÀÞÈ ÞÀ ÞÈ Æ È
 ÒÆÈ Ò ÈÀÒ Ò ÀÈÒÈ. Ò»ÈÙ Ò ·ÞÈ Ò ÀÙ Ò Þ Ø
 . ÈÀ ÙÈ ÀÈ ...ÙÙ Ò È È ÈÈÀ Þ
 ÙÈ Ò Ò Ù Ò Ò ÆÞÈ ÒÀ ÈÒÈÈ ÈÈ ÈÈ·(èè)è^é
 : È ÈÀ ÈÈ ÆÙ»ÈÀÈ À
 . Þ ÙÆÀ Þ ÞÆÙ Ù Þ Ù-è
 . ÆÈ ÙÙ Ù Þ Ù ÆÙ Ù-é

1. ÀÙ Ù s.comsicentral.www | ÈÈ ØÈ ÈÀ ÀÙ Ð ÈÀ À è
 ÈÀÈ À Ù Þ ÙÆÀ È ÈÈÈ Ù...ÙÈ ÞÙ ÞÈÙ Ù Àé
 . Ù È ÈÈ È »ÞÀ ÙÀ

3.Golberger.



: ũ ĕ ø
 ŕ ĕ ú ŕ ě ũ ĕ ø -è
 (Ā Ē ĒĕŪĒĀ) Ē Ē ũ ŕ
 ĀĀŪ Ő Ő ĒŪ ŐŐ Ő ĒĒ ŐĒ Ā Ē ø -é
 (Ā Ē ĒĒĒ) Ē ĒĒ Ū ĒŪĀ
 Ā Ē Ő Ő Ē Ő Ā ĒŪŪĒ ĒĒ ĒĒ Ā Ē
 . Ū Ā ĒĒ
 Ő Ő Ū Ő Ū Ē ĒĒ ŪĒ
 . Ő Ő Ő Ő ŪĒ Ū ĒĒĒ ŪŪ
 ŐŐ Ā..Ū ĒĒ . . Ē »ĒĒ
 Ē Ő ŐĀ Ő Ū Ő Ő ŐĒ Ő Ő ŐĒĒ ĒĒ ĒĒ

- 8. Measurement Model.
- 9. Structural Equation Model

ÔÈÈ·g ÈÆ Ô Ô P Ô ÈÆÈ ÔÀÔÔ ÔP ÔÀP Æ ÈÈ» ÈÀ
 ÔÈP Ô· ÔÀÛ Û ÆÈÛ»ÈÈ È È
 .ÈÈ .Û Û
 ÈÈ, Ô Û Ô Ô Ô Ô MIMICÃ È .
 . Ô ÔÆ Ô Û Ô Û ÀÛ ÔÈ P Ø
 ÔÈ Ô ÔP Ô ÈÃ Ô Ô Ô MIMICÃ È Ô Ô Ô È Ø
 ÔÔÈ Ô Ô ÈÈ . P ÈÀ ÛÛ Ð ÈÀ .
 Ô Ô Ô ÀÛÈ ÛÆÈ ÆÈ À MIMIC P Ø ÈÈÀ Û Û Û P
 . Ô P ÈÀÛ z Û ÛÀ Ûx Û Û P ÛÀ
 Ô ÔÈÀ Ô È Ô À Ô È Ô Ô Û Ô À È Ô È ÔÈ È ÔÈ ÈÀ ÀÛ È À
 Ô ÔÛÀ Ô ÔÀÈÈ È À ÛÈ » È PÀ È
 .ÈÈÈÀ Û ÈÈÈ ÆÛ»ÈÈ ÈÈ ÀÛÈ
 ÔP ÔÈÀ ÔPÀ Ô - P Í ÈÈÈ Û ÀÈÈ
 ÆÈÈÈ » ÛÀ ÀPÈÛ ÀÈ. ÀÛ Û ÈÈ
 Ô Ô. Ô ÈÈPÈ » PÈ P ° È È ÈÈ
 ÔÈ À Í ÈÈÈ ÀÛÈ » ÀÈÈÛ È ÀØ ÀÈÀ ÈÀ ÈÈ
 ÈÈØ ÔÀÛ Ô È Ô À À . ÈÈÈÈÈ » ÈÈÈ ÈÈÈÈÈ
 Û ÀÈÈ À . P ÛÈÈ » Û À
 (P ÈÈÀ À È P) Û ÛÀ ÈÈ
 P ÔÀ Ô È È ÀÈÀ ÈÈ ÛÈÈ » Û ÈÈÈ ÈÈÈÈÈ
 Ô Ô Ô - Ô Ô P Ô Í ÈÈP Ô Ô ÔÈ Ô Ø ÀP ÈÈÀ À
 .ÈÈÈÈÈ À
 . ÔÛ ÀÈÈPÈ Æ ÈÈÈÈÈ ÀÈÈ Í ÈÈ À ÈÈ
 Ô ÔÆ ÔÀ Ô ÈÀ Ô . (ML)^{èç} Æ À Í ÈÈ

10. aximam Likelihood.

ÖÆË. Ö Ö Æ ÖÄÜ Ö ÞÄÖÜ ÜËÜ» È ÈË. »
 ÖË ÞÆÆ Ö ÄÞ . ÞÜ Ø È ÈÄØ Ä Ä Ü Í ÜË
 Ø

۳-۴- علل و آثار ایجاد اشتغال در بخش غیر رسمی

Ö ÖÆË . ÖË Ö Ö ÈË Ü Ä ÈË Í ÜË
 Ö. ÖË Ö ÜÖ ÖÆ»Ü Þ Ü È ÈËØ ÆÄ Ä
 Ö ÈËØ ÖÆÖ Ä Ö. ÖÄ Ö ÖË Ö Ö Ö Ö ÆÈÈ
 ÈÖ Ö .ÈË È . Ä Ü ÄÄ Ä Ä ÞÈÄ Ä » Ü È
 .È ÞÈ ÄÞ È ÈËØ ÄÄ

۱-۳-۴- علت‌ها

. ÈÄ È ÈË È Þ ÜÜ . È Ü ÖÄ ÈË
 ÖÜË Ö ÖÈÄ Ö. Ö Æ Ö ÖÜÖ Þ Ö ÄÄÜ Ö ÜËËÜÞÈÆ». ÆÈÈ
 ÈË ÖÞØ Ö Ü Í ÜËËÈ È . ÜÄ ÜË ÈÜ Ü .Ü È
 ÈÄØ Ö Ü ÈÞ ÈÆ È ÜÜË ÈÄ È ÈÄÈ ÄÈ .ÜË Ä
 . ÜË È ÈËØ Þ ÄÞ Ü
 ÈÄ Ö Ö Ö»ÈÄÖÆ È Æ È È Ü
 . ÈÖÈÄ Ö Ö ÖÄ ÖË . Æ È Þ ÈË È
 Ü È È ÈËÈ »Þ ÜË ÆÈÄ ÞÆÆÜ Ñ
 Ö ÖÆÈ Ö ÖË ÖÄ ÈË. » È ÈÄ Þ Þ .
 : È ÆÄ È È
 Ø Æ ÈÄ ÄÜ Þ Ü È : ÜÈÄ È
 . Ä

OPÈO Æ Ô ÔEÀ Ô ÕÈ ÈØ Æ À È À . ÅÛ
 È À ÅÛ ÈPÈ Æ
 Ô. ÔÈ Ô Ô ÈÀ ÔÛ ÔÀ Ô ÈÈ Ô Ô ÔÔ ÔØÔ ÈÈ
 :È ÛÀ Æ ÆÈØ Æ À À
 . Õ È Õ , ÕÀÔ Ô È ÔÛ ÔÈÈ È Ô Ô ÔÀ ÆÔ À ÔÈÈ
 P ÔP ÔÈÔ P ÀÛ ÈÈÛPø Û . ÈÈ È
 Ô..ÛÔ Í Ô Û Ô ÔÀÛ Ô ÈÔ ÀPÀÔ P È ÛÀ .È
 × ÔPÀ ÔÛ Ô ÔÌ Ô ÈÈ Ô ÆÈ Ô ÔPÈÔ À Ô ÔÀ ÕÈ
 À È ÛÛ Û È Û À ÆÈ À ÛÈ ÈÛ . ÈÈÈ
 ÈÔ Ô Ô Ô ÔÀ Ô ÈÀ ÔPÈÀ ÔÛP P È Û À
 Ô ÔÈÈÈÈ ÈÈÈ Æ À ÆÈ À Á È ÈÈPÈ ÀP ÀÛ
 ÈÀ ÔÀ ÔÈÛ Ô ÔÛ× ÔÀ Ô ÔÛ P Í ÈÈ ÀÈ . À
 ÈÔ À ÔÈÈÈÔ Ô ÔÈÈÈ È ÈÈ Û» È ÀÛ À
 Ô ÈÈ ÔPÈÔPÛ Ô ÔÛ Õ ÛÛ»× Û ÈÈÈÈ PÛ Û ÈÛ
 P È Ô Ô .ÈÔ ÈÈ ÔÍ Ô ÛÈÔ À ÈÛ È ÛÀ ÆÈÈÈ ÛÈ È
 ÆPÈÔ À Æ ÀÀÛP ÛPÈ P ÛÛ ÛÈ Û
 Ô ÔÀØÔ , ÔÈ ÔÀ ÛÈ Í Ô ÛPÈÀ ÔP È Ô Û ÈÈÛ
 Ô ÔÌ Ô ÈÈÈÔ Ô ÔÛ ÔÀ È Û »È ÆÈ PÈ À
 Ô ÔÛ ÈÔÀ ÔÀ " È (È È ÈÀ)
 È Ô Û ÛÛ P ÕÈÛÀ È . È È × À
 ÛÍ Ô ÔÈ." ÔP ÈÈ Ô È Û . ÈÛ . ÈÈÈÈ À
 È . À È ÛÈÈÈ)× À Û È À

11. Transation Cost
 12. Intergated Capital Market.

13 OÀ UÈ (OÈ Ø Ù È) À Á Ê ÈÀÈ Ù È
 ÞÀÔ Ô ÞÔÈ ÒÔÛ Ô ÈÛÔ Ø À É UÈ À »É
 ÈÈ ØÛ È À È ÈÈÀ Þ È ÛÛÛ Í Û
 ÔÈÒ ÔÀÛ Ô . Í Û Ù È À Í
 ÚÀÔÈ È ÚÀÆ Ù À ÈÈÀÀ »Ù ÈÈÛ
 ÆÆ Ô Á ÔÈÔ ÈÀÈÔ ÞÈÔ Þ Ô ÆÈ Ø À ÞÈ À
 . Ô . Ô ÀÞÈÔ Þ Ô ÔÛÈÀ ÔÛÛ Ô ÛÈ Ø À ÆÈÈ.
 ÔÈ Ô È Ô ÔÈ Ô Ô ÈØ ØÀÈ À ÈÈÈ Ù...Û
 ØÈÀ ØÀ Þ ÚÈÀ Þ Á È ÈÈ Þ ÆÈ Û»
 ÞÈ Ø À . À È Á È ÈÈ Ù À È Ù
 ÚÀÔ Ô- Ô»È À UÈ Ù È Þ ÈÆ . È -Û È
 . ÀÛ È Æ ÈÈ È ÈÈØ ÀÈ À À
 ÛÈÔ ÀÔ ÈÈÞÈ È ÛØ ØÛ À ÉÛ À
 . ÔÈ Ô -ÛÔ ÔÈ Ø À ÀÈ È ÈÈØ Á
 ØÀ ÞÔÛ À ÔÚÀÔ Ô- Ô»ÈÔ ØÀ UÈ Ù È Þ ÈÆ
 ÈÈ È È À ÚÀ ÞÈ Ù È Ù
 .È ÀÈØ Á Ù
 Ù È È ÈÈØ ÀÈ À Æ À ÚÀ È
 Ô ÈÈÈ ÔÈÈ. Ô Ø ØÀ ÈÀ À ÀÀ À
 .È

PĒĀŌ Ō ĒĀ..ŪŪ»PĀŌĀ Ō Ū Ō ĒŪ P ŪĒĀĒ
 . Ā Ō Ū Ū»
 Ō Ū Ō PĒŪŌ ŌP ŌŪĒĀ Ō ŪŪŪŪ ŌĀ ĀP ĒĒ
 ĒŌ ŪĒŌ Ō Ō Ō Ō ŌĒ ŌĒŌ Ō ŌĀĒ.ĒĒ Ē Ū Ē
 PĒŪŌ Ō Ū»Ō ĀŪ Ā ĀP Ū Ā ŪĒĀ Ē
 . Ā
 ŌĒŌ. Ē ĀŪ ŪĒ.P Ū ĒĒ Ā Ē ĒĒ: Ē » -é
 ĒĒ. Ō - -Ū»PĀ Ā ŪĒĒĒ Ē ĒŪĒ
 . Ō Ō Ē ĒĒ ĒĒ. ĒŪ Ē Ē Ē Ē Ā Ē ĀŪ
 ŌĒ Ō ŪŪ Ō Ō ĒĒ Ē ĒĒĒ ĒĒĒ Ē Ū
 . ŪĒ Ū» ĒPĀ Ē ĒĒ P ŪĒĒĒ Ē ĒŪĒ
 Ē Ū P ŪĒĀĒ ĒĒ Ā Ū Ū Ā Ā -ê
 Ō ŪŌŌ ĀPĀŌ ĒĀĀŪ Ē . Ē Ō ŪĒĒĒ
 Ō Ō ŌĒŌ. Ō ĒĒ Ō P ĒĒ ĒĀ Ā ĒĀ Ā ĒĒ Ō
 ŌĒ Ō Ō ĒĒŪ. Ō Ō Ō Ō ŌŌ ĀPĀŌ ŌP Ō
 .
 P ŌĒ Ē Ō Ō Ō .ŪĒĀŌĒ Ē ŪĀ . Ē Ā
 ĒĒĒ Ō .Ā Ā . P ĒĒĒĒ Ē
Ū

ب- چگونگی تأثیر هزینه مبادله بر شکل گیری بنگاه‌های کوچک

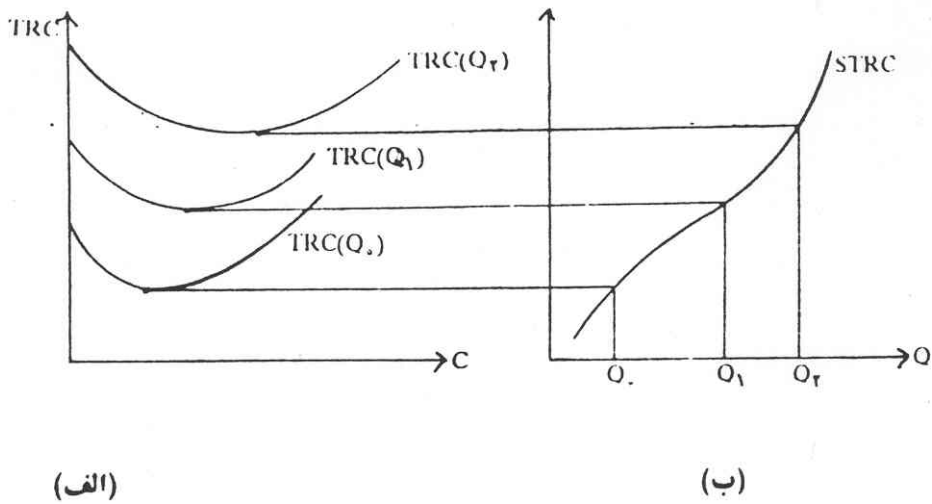
ĒĒ ŪŪ ĀĀŌĀ Ō Ō ŌĒ ŪŪŪĀ ŌĒ ŪĒ Ē Ū
 Ō ĒĒŪ Ĩ Ē PĒĀ Ā » ĒĒĒ.Ē Ĩ
 °.Ē ĒĀ Ē ĒĒ P

. ĀŪ Ĩ ĀĒŌ.ĒĒĒĒ . . ĒĒĒĒ ĒĒĒĒ Ā ĒĀ Ā ĀĀ Ē -é

Ô.Ê Ô Ô ÛÔ Õ Á Ê ÛÛ ÊÊ ÞÀ Ò Ê
 Ô ÊÊÀ À À ÊÀÛ » ÞÊ ÊÒ
 . Ô ÕÊÀ Ø À.Ê Û» ÞÀ Û À Ê
 Ô .ÛÔ Ì Ô Ô Ô.Õ Ê Û À Û .Û Ì ÊÀ
 Û ÔÆÔ Ô ÛÔ ÔÛØÔ ÛÀÔ ÔÊÆØ ÕÀ À Û
 Æ Ô ÊÀ .(¼À Æ)ÊÆ Æ Ê ÞÊ Þ Æ
 .ÛÔ ÞÊÔ ÔÀ ÊÔÊÛÀ Ô Ê Ô ÆÊ ÊÊÀ Ê À ÊÊ
 ÕÀ ÛÔ ÔÛ Ô . ÔÀÔÔ ÛÔ ÞÀÔ ÕÊ À ÆÊ
 À - Û Ê - Ø Û ÆÊ Þ
 .Ê Ø ÛÊ ÊÊ Û À ÞÀ
 , Þ ÊÆ Û Û ». ÊÆ ÛÊ Æ ÊÀ À Û
 ÊÊ ÔÀ Ô ØÔ À Õ Û À ÛÊ ÊÊÀ À Û
 Ô ÊÀ Õ Ê ÊÀ Ê Ô Û Ê ÊÊÀ .ÊÊ Û »
 .ÊÊ ÛÀ ÞÊ À ÊÊÛ . Û Ì Û
 Þ ÔÊÕ Þ Ê Ê ÞÀ Û Ø ÛÀÊ Ø Þ À
 ÊÊÔ Ê ÆÞ Æ .ÊÊÊÀ ÊÊÛ ÊÊÊÀ Ô ÛÀ ÆÊÀ
 Ô . Æ Ê Ð Þ ÊÀ Ê Ê Ê
 ÔÊÔÊÊÊÊËç ÔÆ ÕÀ ÊÕ ÛÀÆ Û)ÊÆ À Ê ÊÊ
 ÔÊÊÊÊÀÔÆ ÔÛ»ÀÀÔÀ Ô Ê Û Æ Û ÛÔ ÞÆ Ø
 Ô ÊÊ ÊÀ Æ À Ê .Û ÆÊÀ ÞÀ À Ê ÆÊ
 ÛÛÔ Ô Ô ÛÌ Õ Ê ÊÀ Ê .((ÊÊË.Þ Ê)
 ÛÀÔÊÔÊÀÔ ÛØ ÕÀ ÞÀ .ÊÆ Ð ÊÀØ À À
 Ô Ô ÞÔÊ ÊÊÀ Ô ÞÀÔÞ Ø ÛÀÊ Û .
 ÆÀ Ô Ô ÊÀÔ ÞÀ Ê . ÛÀ Ê ÊÀ Û ÛÀ Ê
 .Ê ÛÀ Ê ÊÀÞ ÊÀ ÆÊÆÞ . ÊÛÀ Ê

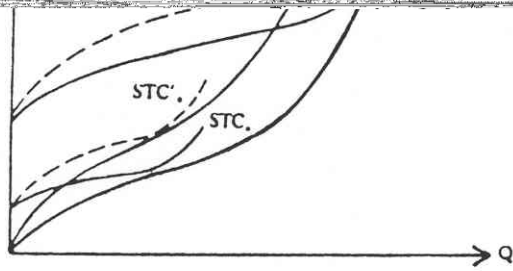
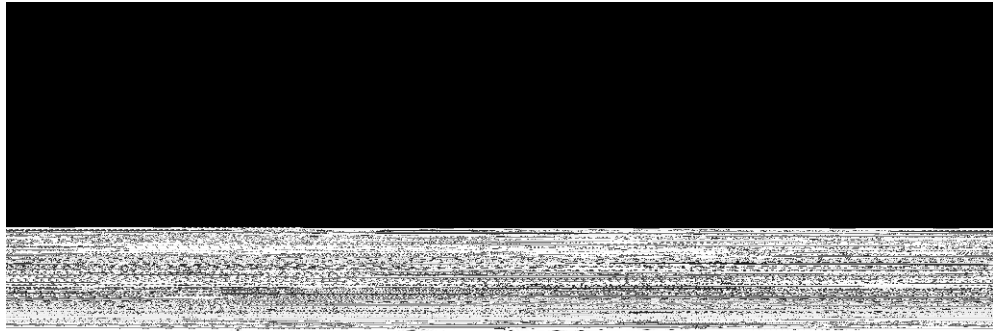
Ö Ö Ö(ē-ē) ÈÀ Ö ÈÀ Ö ÈÀ[∞](TRC) È Ö ÈÈÀ
 Ö ÈÈÜÜÀÖÈÖ ÈÀÖ ÖÀÀÖÈÈ(TRC) Ö Ö Ö İ Ø .
 ÀÀ ÀÈ Ø ÜÃÈ ÀÀ È) È ÀÀ
 Ö ÖÀ Ö.Ü İ ÈÈ ÀÜ ÀÀÜ ÜÀ È ÈÀ
 ÀÀ (TRC) È À ÈÀÞ È È
 Ö ÀÀ İ À ÈÃÈ È (Q) ÈÀ
 ÀÖ Ö ÖÀ Ö Ö) Ö ÖÖ Ö ÀÀ · È ÖÀÀ È
 Ö(TRC) Ö À ÜÀ (ÀÜ»
 ÞÈÖ Ö Ð Ü»ÈÀ Ü»ÈÀ - ÀÞ .
 È ÈÖÀÀ Ð ÜÜÀ È

نمودار ۴-۴- منحنی هزینه مبادله بنگاه (کوتاه مدت)



.(ēī ç.Í · ēēī í · È):

À ēī ç.ēī. · È.ÈÈÈ ÈÈ.À È ÈÈ È À ÀÞÀ-ēē



(a) (b) (c) (d) (e) :

O. OÈ ÉAO OÈ ÈE OÀUO P O À È ÈÈÈ Ø
 È O È OÙ OÈÈ O O OPA (i-è) ÈÈ
 O ÈÈ U . (AC) È È UÙ ÈÈ ÈÀ (AC')
 O OÀOÈ. OÈ È O OÀ O ÈÈÈ È È U ÈÈ
 :È ÈÈÈ (AC) Ü

$$TC = ax - bx^2 + cx^3 \quad (è)$$

$$AC = \frac{TC}{x} = a - bx + cx^2 \quad (é)$$

$$\frac{\delta AC}{\delta x} = 0 \Rightarrow -b + 2cx = 0 \Rightarrow x = \frac{b}{2c} \quad (è)$$

c Ü b Í È Ü È (è) È
 OÈÈ OÙÈ OÈÈ O O OÀAcÜ O O b À Ü ÀÀ Ü
 O O O OÈ O ÈÈÈ OÈÈÜ O À . (è È) AC À
 O O O O AC OÀ O O OÀÈ OÍ È O OÙ TC
 U O AUO O I Ü È È À ÈÈ. ÀJÈÈÈÈ

Ö P Ö Ö Ö, Ö È Ö Ü È È Ö È Ö P Ü È À
 . À È À À È È À È. À P È È À Ð
 Ç È Ö P È È · Ü È È Ü À È È Ü È
 Ö P Ö Ö È Ö P Ö Ü È Ö È È È » Ü È
 . À Ü È Ø Ð
 . Ö È Ö Ö À È P À Ü À
 Æ Ö È Ö Ü Ö Ü Ö Ö È Ö È À Ü Æ È È
 Ü Ö P Ö Ö È Ö È Ö Ö · Ü À È À È È P
 È Ö Ü È Ü À . À À È È
 À È È Ü È È Ü È À È È Ü Í
 . À Ü È À À Ü È À

٤-٣-١-٢- بازارهای مالی و بخش غیر رسمی

الف- بازارهای مالی غیر یکپارچه (غیر فعال)

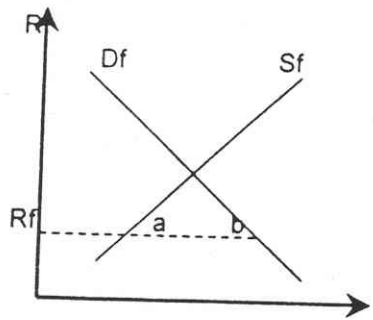
Ö Ö È Ö À Ø Ü È P È È · Ü È » À
 È Ö Ö Ö Ö È Ö Ö È Ö À Ü P À Ü × À
 Ö À È P Ü Ü (Ü È) È È Ü
 . Ö Ö È Ö Ü · Ö Ö È Ö È À À È P Ø È Ü
 È Ö Ö È È " À È È À Ö Æ Ü P À Ü × È À
 Æ Ü P Ö È Ü È Ü È À À Ü È P È È -
 (Ö È Ö Ü · Ü P È P À Ü Ü È È È
 · Ö Ö P Ö Ç Ö Ü Ö P Ü Ö Ö Ö À Ö Ö Ö Í Ü Ü Ü P È
 Ö À È Ö Ö P È Ö Æ Ö P À Æ Ü È Ü
 Ö Æ Ö Ö Ö Ö Ö Ö Ö Ö P È Ö Ö Ö . (Ö Ö Ö È " È Ü
 . À È È P Ç È À

Ö. ÖAÆE Ö Ö EÖ Ü EA Ø EEP É ÈE EÆ Å
 Ö (ÖE Ö) Ö Ü^{ee} É^{ee} ÜE Þ EÆ. EÄÉ
 Ö ÜÄEÖ Ö Ü Ö É Ö Ö Ö .ÈE
 EÆE Ö ÖA ÜE Å EA Ü Ç ÜE EÆ É AEEÆEA ÜE
 ÖÞ EÆ. ÈE. AÆE Ü AU EA Å Ü»ÜE ÜEÜ» .
 Ö Ö ÈEÆ Ü Í AUÄ EA Ü (É)
 ÖEÖ Å Ö EAUA EØ Þ EÆ. Þ ÈÈE
 ÞEÖ Ö Ö :È Ö ÈÈ Ü Ä Å ÞÉ ÜÞÉ ÜE
 Ö Ü Ö ÖEÜÜ ÜA Å ÜE Ü ÜÜA Ü .Ü ÜEÜ ÈE
 Ö É Ö Ö Ö EØ ÖÜ ÈÍ ÞÉ Ü Ü ÜÜ ÜÜ Å
 Ö È ÈE ÜAÆE Å EÜÜ AÆÈÈ É EA »ÈE
 Ö EA Ö Ö Ü È EÆ EÆ AEEÄ Ü
 EÆE Ö ÖEÜÜÞ AÆ Ü ÄÞÉ ÄÉ Ä È ÄÉ ÜE Å
 EAÖ ÖA ÞE Ü EÜÜ. ÜÜ ÈE ÖÜ ÜE ÜE »Ü ÄÉ ÈE
 Ö AÆ ÜE Ü ÞE Ü ÜÜÜ EA Ü EÆ Þ ÜÜÖ ÈEA
 ÈÈ Ö ÖA ÜE ÖA EÆEÖ ÖA ÖÜÈE.(èèèè) ÜÜ ÈÈEÆ
 Þ EÆ Ü Ç EAÞE ÈÈÍ Ø Þ EÆ ÈÈÜ Ç .
 È Ö Ü Ö È Ö . Ö ÈÈ ÖÜ ÖÈ ÖÈ Ö ÞEÆÄÉ
 . À .ÞÉ Å

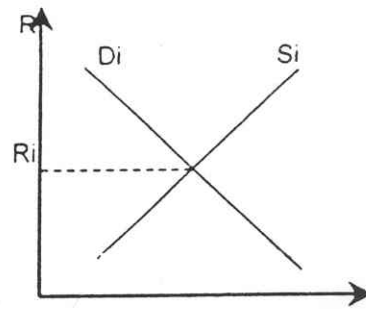
ب- چگونگی اثرگذاری ناپکارچی بازارهای مالی بر ایجاد بنگاههایی با سرمایه اندک
 × ÖA Ö Ö ÖÜ Ö Ö» ÈE ÖÞ ÖEÆ Ö É AÈE
 Ö ÖÜ Å . É Þ EÆ Ä È É
 ÞEÆÄÉ Ö Ö ÖÜ»ÈÈÜ ÖÇ Ø EÆ : Ü ÜE EÆ ÜE
 .(Ä-ï-è)EÆ . Ø EÆ ÈÈÜ Ç EA Ü.R.f.È

17.Organized
 18.Formal..

نمودار ۴-۸- بازارهای مالی



الف- بازار مالی متشکل



ب- بازار مالی غیرمتشکل

در بازار مالی متشکل، نرخ بهره R_f به گونه‌ای تعیین می‌شود که تقاضای وام و عرضه وام برابر شود. در بازار مالی غیرمتشکل، نرخ بهره R_i به گونه‌ای تعیین می‌شود که تقاضای وام و عرضه وام برابر شود. در بازار مالی متشکل، نرخ بهره R_f به گونه‌ای تعیین می‌شود که تقاضای وام و عرضه وام برابر شود. در بازار مالی غیرمتشکل، نرخ بهره R_i به گونه‌ای تعیین می‌شود که تقاضای وام و عرضه وام برابر شود.

Ô P Ô ÔÛÛÔÀÔPÀÔ . À À Æ Á È » Ê
 ÈÀÔÀ Ô ÔÆÈ ÔÀ ÛÈ Ø ÈÚ Û À È È ÆÈ À ÛÈ
 . ÈÆÈ ÛÈ Æ
 Ô. È ÈÈØ ÆÈ À »Ê À ÛÈ P ÛÈ »ÈÀ
 P Ô Í Æ »ÊÔ ÔÈ Ô ÔÀ ÛÈ . Ø ÈÈP È ÆÈ. ÈÚ
 . È Ö È ÈÈÈ ÆPÈ À

ب- فرآیند اثرگذاری بوروکراسی بر ایجاد اشتغال بخش غیر رسمی

ÛÔÀÔ Ú» À Û È ÈÀ Û ÅÛ Ö ÈÀ »Ê À ÛÈ
 : ÉÆ Ú» ÈÈÀ À È ÈÈ
 . À Á È ÈÈ ÛÈ PÀ PÈ ÆP ÈÈ È Àè
 ØÛ PÈÀ Û À ÛÈ Û ÈÀ À ÛÛ
 ÔÔÛ ÛÔ» Ô Ô ÈÑ ÛPÈ Ñ Æ À P
 Ô ÈÔ Ø ÆÈÈ. À À Á È ÈÀÈ ÈÈÈ
 . ÈÈ» PÛÈ È ÈÈ Û À È
 ÈÔÛÛÔ ØÀ È Û È È Ú ÈÈÛ Û À Ø ÛÀ
 ÈÈÈè Ô Û ÈÈÈè ÛÈ È ÀPÈÀ P È Û
 ÔÈ ÔÈÈÀ Ø È Û ÆÈ . À Ø
 È Èèèè . ÆÈÈÈÛ Ô Ú ÈØ ÈÈ Û ÈÀ
 ØÀ ÛÈ È. À È È À è Û À èè È ÈìçÛ
 ÔÈ ÔÈ Ô Ô Û À È ÛÀ À»Û Æ »Ê Æ

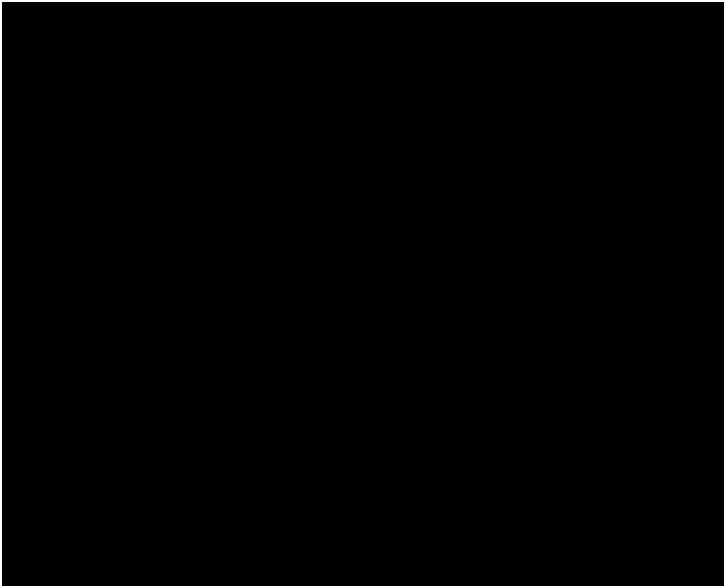
(Archev, 1988)

ÔÈ Ô ÛÈ) ÛÈ ìç PÀ Û ÈÈP È ÈÈ
 È Èèç ÔÈÀÛÔÈÔ Ô ÔÈÀÛ È . ÈÀ È ÈÈ (È è
 ÈÈÛÔ Ô Ô ÔÈ Ô ÔÈ ÈìÛÈ Ô È ÔÈÈèè »ÈÈ À

Í Ô ÞÀÔ Ô Ø ÛÆ ÈÀ À À À ·ÈÈ ÞÈÀÀ
È

٤-٣-١-٤- بیکاری و بخش غیر رسمی

Ð Ô Ô ÔÀ Ô Û»ÞÀØ ÈÀ È ÞÛ ÈÈ ÈÀ ÈÞÈ
Ô Ô»Ô Ô .(Ô Ô ÔÈ ØÈÞ Õ ÀÛ Û× ÀÞ Õ À
·Ã ÔÛ À ÛÈ· ÛÈ ÛÀ · ÀÀ È ÀÀÈÈ ÞÛ
Ô Ô ÈÔÞÛ ÔÞØ È » Û ÈÀ..ÛÛÈ È Ç ÀÀ
ÈÀ.. Ô ØÞ ÞØ ÈÀÈ ÀÞÈÀ × À È È È
Ô ÈÔÀÔ ÈÈÛÞÈÔ ÈÛÔØ ·È ÈÞ Õ ÀÛ ÛÀ ÈÞ
ÈÈ È ÈÈØ Á



ND N1 N1 N

ÈÈ Ò Ò Í ØØ . ÈÀ e0 ÈÈÈ ÈÆ ÈÈ ÙÀØÈ (ð-è) ÈÆ ÈÈ
 ÈØ ÞÙ ÈÞ ÈÀ È ÀÙ ÈÄ Ù È À
 È ÒÈ· Ò Ò Ò À Ò È ÒÈ ÒÀØÒ È Ø D L0 Ú»Þ ÈÀ S L0
 ÒÀ Ò ÒÀÀ N1 Ø ÀÙÈÀ e1 ÈÈØÈ Ù W1 W0 ÈÀ
 ÈÈ Ò ÒÈ ÀÞÈ bb' ÈÈÀ À ÙØ À N'1 ÙÀ , Ò ÀÈ È À
 . È ÈÈØ ÀÈ ÀÞÀ È ÞÙ ÀÙ

٤-٣-٢- آثار (شاخص‌ها)

ÖÛ ÖÜÈ ÖÈ Ò Ò Þ Ò Ù Ò Ò Ò ÈØ ÀÈÈÞÈ Þ
 . Ò ÒÈÀØ . È Í ÀÈ ÆØ ÀÈÀ ÙÈÈÀ
 ÒÈ ÈÀ ÀÞ ÙÀ È Í ÈÈ Ù À
 Ù Ò Ò Ò ÒÛ ÀÀ È ÈÈ À ÀÙ Ù ÈÈÀ À . ÆÈ
 .ÈÈ ÀÞÈÀ ÀÙÀ

ÈÀÙ Ò ÙÈ Ø È Ø ÀÙÀ ÈÈÄ È »·ÈÈ ÀÈÈ
 È Ò ÞÈØ»Ù Ò ÆÀÙ Ò ÙÈÈ ÈÈ·È À Ò Ù Ò Þ .
 Ð Ò ÆÀØÙ Þ . Þ ÀÈ· ÀÈ ÈÀ È ÈÈ
 Ò Ò Ò ÀÀ (È Ø À) È ÈÈ Ù Æ
 Ù Ò ÆÀ Ò Ò ÒÀ ÒÈ Ò Ò Ù ÀÈÈÄ ÈÀ Ù Á À
 Ù Ò À Þ À Æ Æ ÈÈÞ À È ÈÈ
 .(èèç·ÈÆ Á)ÈÆ À Ù ÆÞ ·Ù È»Ù

ØÄ È »Ù Þ ÙÀ ÈÞ · Ò Ä
 : ÀÛ ÈÈ È

٤-٣-٢-١- متغیرهای طرف تقاضا

الف- مصرف: Ò ÈÈÈÀ » À Ò ÈÈÈ

$$C=C_0+b(Y-T)$$

د- نرخ بهره بازار: $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$
 $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$
 $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$
 $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$
 $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$
 $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$
 $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$
 $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$
 $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$
 $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$



الف - بازار تسکلی پول

ب - بازار غیر تسکلی پول

$\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$ $\dot{R} = \frac{R - R^e}{R}$

۴-۳-۲-۲-متغیرهای طرف عرضه

الف- تورم: $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ ρ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$
 $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$

ب- اشتغال کل $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$ $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$

ج- بهره‌وری $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$

د- نرخ رشد تولید ناخالص داخلی: $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$

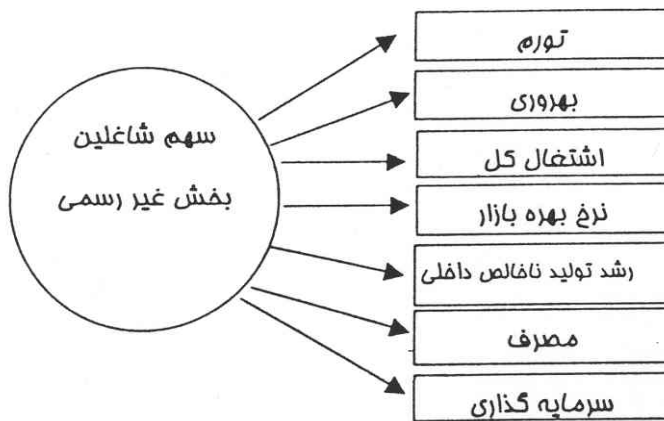
(G.Sarte, 2000)

$\dot{I} = \frac{I - I_A}{I_A}$ $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{U} = \frac{U - U_A}{U_A}$ $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$
 $\dot{E} = \frac{E - E_A}{E_A}$ $\dot{O} = \frac{O - O_A}{O_A}$ $\dot{P} = \frac{P - P_A}{P_A}$ $\dot{A} = \frac{A - A_A}{A_A}$

È ÔÈ Ò ÈÀÙ ÔÈÀ Ò Ì ÔÈÈÈÈ ÔÈ ÔÈÀ Ò ÀÙÈ » »ÈÀ
. ÀÙ Ò
-è) ÈÀ Ò ÈÈÀ ÔÈ ÈÈØ ÀÙ Þ ÙÀ È
.È (èè

۱۲-۴- الگوی اندازه‌گیری اشتغال بخش غیر رسمی
 سهم شاغلین بخش غیر رسمی
 تورم
 بهره‌وری
 اشتغال کل
 نرخ بهره بازار
 رشد تولید ناخالص داخلی
 مصرف
 سرمایه‌گذاری

نمودار ۴-۱۲- الگوی اندازه‌گیری اشتغال بخش غیر رسمی



مدل اندازه‌گیری اشتغال بخش غیر رسمی
 به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$Y = \lambda \eta + \varepsilon$$

$$\eta = \gamma X + \zeta$$
 در این مدل Y متغیر وابسته، X متغیرهای مستقل، λ و γ پارامترهای برآوردی، ε و ζ متغیرهای تصادفی هستند.

$$Y = \lambda \eta + \varepsilon$$

$$\eta = \gamma X + \zeta$$

در این مدل Y متغیر وابسته، X متغیرهای مستقل، λ و γ پارامترهای برآوردی، ε و ζ متغیرهای تصادفی هستند.

$\hat{O} \hat{O} \cdot \eta \cdot \hat{U} \hat{O} \quad \hat{O} \hat{O} \hat{O} \quad \hat{O} \hat{U} \quad \hat{O} \hat{E} \hat{P} \hat{E} \quad \hat{P} \hat{A} \hat{A} \hat{E} \hat{E}$
 $\hat{E} \hat{O} \hat{E} \hat{A} \hat{U} \hat{O} \hat{U} \hat{O} \hat{P} \quad \hat{O} \hat{U} \hat{A} \hat{O} \hat{O} \hat{U} \hat{O} \hat{O} \hat{P} \hat{O} \quad \hat{O} \hat{A} \hat{O} \hat{E} \hat{O} \hat{O}$
 $Y_4 \cdot \hat{A} \quad \hat{E} \cdot Y_3 \cdot \hat{P} \hat{E} \hat{U} \hat{U} \cdot Y_2 \cdot \hat{O} \hat{A} Y_1 \cdot \hat{U} \hat{E} \cdot \hat{U} \hat{U}$
 $P = \cdot Y \hat{E} \hat{A} \hat{O} \hat{E} \hat{E} \hat{A} \quad \cdot Y_7 \cdot \hat{P} \hat{E} \hat{A} \quad \cdot Y_6 \cdot \hat{O} \quad \cdot Y_5 \cdot \hat{E} \hat{A} \hat{U} \hat{C} \cdot$
 $\cdot \hat{A}$

$\hat{O} \hat{E} \hat{O} \cdot \eta \cdot \hat{U} \hat{O} \hat{O} \quad \hat{O} \hat{A} \hat{U} \hat{E} \hat{A} \hat{U} \hat{A} \hat{U} \quad \hat{P}$
 $\cdot X_4 \cdot \hat{P} \hat{E} \hat{O} \cdot X_3 \cdot \hat{O} \hat{E} \hat{O} \quad \hat{O} \hat{A} \hat{U} \hat{E} \cdot X_2 \cdot \hat{O} \hat{P} \hat{O} \hat{E} \hat{A} \quad \hat{O} \hat{E} \hat{O} \cdot X_1 \cdot \hat{O}$
 $\cdot \hat{A} \hat{q} = 4 \cdot X \hat{E} \hat{A} \hat{E} \hat{E} \hat{A} \cdot$

$\hat{E} \hat{A} \hat{E} \hat{A} \hat{E} \quad \hat{P} \hat{E} \quad \hat{P} \hat{A} \hat{A} \hat{E}$

$$\begin{aligned}
 Y_1 &= \lambda_{1n} + \varepsilon_1 \\
 Y_2 &= \lambda_{2n} + \varepsilon_2 \\
 Y_3 &= \lambda_{3n} + \varepsilon_3 \\
 Y_4 &= \lambda_{4n} + \varepsilon_4 \\
 Y_5 &= \lambda_{5n} + \varepsilon_5 \\
 Y_6 &= \lambda_{6n} + \varepsilon_6 \\
 Y_7 &= \lambda_{7n} + \varepsilon_7
 \end{aligned}$$

$$\eta = \delta_1 X_1 + \delta_2 X_2 = \delta_3 X_3 + \delta_4 X_4 + \zeta$$

$\hat{A} \hat{E} \hat{A} \hat{E} \quad \hat{O} \hat{A} \hat{E} \hat{U} \hat{E}$

$$\begin{bmatrix} Y_1 \\ Y_2 \\ \cdot \\ \cdot \\ \cdot \\ y_{70} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \lambda_1 \\ \lambda_2 \\ \cdot \\ \cdot \\ \cdot \\ \lambda_7 \end{bmatrix} [\eta] + \begin{bmatrix} \varepsilon_1 \\ \varepsilon_2 \\ \cdot \\ \cdot \\ \cdot \\ \varepsilon_7 \end{bmatrix}$$

$$[\eta] = [\gamma_1 \gamma_2 \gamma_3 \gamma_4] \begin{bmatrix} X_1 \\ X_2 \\ X_3 \\ X_4 \end{bmatrix} + [\zeta]$$

۴-۵-۰- توصیف متغیرهای مدل

$\bar{O} \bar{A} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{E} \bar{E} \bar{O} \bar{A} \bar{P} \bar{U} \bar{E} \bar{A} \bar{A} \bar{P} \bar{A} \bar{A} \bar{E} \bar{E}$
 $\bar{P} \bar{A} \bar{O} \bar{O} \bar{P} \bar{U} \bar{U} \bar{A} \bar{U} \bar{A} \bar{P} \bar{A} \bar{A} \bar{A} \bar{A} \bar{U} \bar{A}$
 $\bar{O} \bar{O} \bar{A} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{A} \bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{P} \bar{A} \bar{E} \bar{U} \bar{P} \bar{P} \bar{U} \bar{E} \bar{A} \bar{A}$
 $\bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{A} \bar{E} \bar{I} \bar{A} \bar{U} \bar{E} \bar{U} \bar{P} \bar{E} \bar{E} \bar{E} \bar{E} \bar{E}$
 $\bar{U} \bar{E} \bar{O} \bar{O} \bar{P} \bar{A} \bar{O} \bar{O} \bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{O} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{A}$
 $\bar{E} \bar{E} \bar{O} \bar{P}$

۴-۵-۱- هزینه مبادله

$\bar{E} \bar{E} \bar{O} \bar{O} \bar{A} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{P} \bar{O} \bar{E} \bar{U} \bar{A} \bar{E} \bar{E}$
 $\bar{O} \bar{O} \bar{U} \bar{O} \bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{O} \bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{E} \bar{A} \bar{E} \bar{U} \bar{O} \bar{A}$
 $\bar{P} \bar{O} \bar{E} \bar{A} \bar{U} \bar{E} \bar{O} \bar{O} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{A} \bar{E} \bar{E}$
 $\bar{U} \bar{U} \bar{E} \bar{E} \bar{A} \bar{E} \bar{E} \bar{E} \bar{E}$
 $\dots \bar{U} \bar{E} \bar{E} \bar{U} \bar{A} \bar{E} \bar{E} \bar{E} \bar{E}$
 $\bar{A} \bar{E} \bar{A} \bar{A} \bar{E} \bar{E} \bar{P} \bar{U} \bar{E} \bar{A} \bar{A} \bar{P} \bar{A} \bar{A} \bar{E}$
 $\bar{O} \bar{O} \bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{E} \bar{O} \bar{P} \bar{O} \bar{E} \bar{U} \bar{E} \bar{U} \bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{A} \bar{E} \bar{E}$
 $\bar{E} \bar{E} \bar{U}$
 $\bar{O} \bar{A} \bar{O} \bar{O} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{P} \bar{E} \bar{O} \bar{A} \bar{E} \bar{P} \bar{A} \bar{E} \bar{P} \bar{E} \bar{A} \bar{A} \bar{A} \bar{E}$
 $\bar{U} \bar{U} \bar{E} \bar{P} \bar{E} \bar{A} \bar{E} \bar{U} \bar{E} \bar{E} \bar{E} \bar{P} \bar{U} \bar{E} \bar{A} \bar{E} \bar{P} \bar{A}$
 $\bar{E} \bar{O} \bar{E} \bar{O} \bar{E} \bar{A} \bar{O} \bar{U} \bar{E} \bar{A} \bar{A} \bar{E} \bar{U} \bar{O} \bar{A} \bar{A} \bar{E}$

Æ ÉÔÉÔÚÔ ÖË Ö Ö Ö Ø ÅÛ ÜËÆ ÆÆ
.ËÆÛË ÜËÞ . È Ú
Û Ü Ö . Û Ö »Û À . À È Ö Ø
Ö Ö Ø Ö ÆÆÀ Ö ÖÛ ÖÀ Ö ÉÖÉ»Û ÜËÛ Æ. Ö
Û» Ö Ö Ö ÉÔÉÔÜË Ö ÖË . »È Û
. Ö ÈÛ Ö Ö. Ö ÖÀ È È»Û ÜË Æ ÈÛ
.È Û Ü Û Ö
ÈÈ » È Û È È»ÈÞÆ Æ.ÞÈ ÆÆ È À
ÞÈ Æ» È ÈÀ Þ Æ ÅÛ ÞØ Û ÆÈØ
. ÖÈÀ ÖÀË ÈÖ ÅË ÜËÞÀ À ÈÆÈ ÛÀ Þ Û
À ÖÈ À Í Ö ÈÀ Ð Þ Û È
ÈÈØ Ö ÜÈ Ö À ÖÈ Ö Ö ÖÖ Ö ÈÀ Ö ÖÐ Ö ÞØ ÛÞÈ
Æ ÖÈ Æ Ö ÞÈ ÀÞ È È ÈÀ ÅÛ » Í ÞØ
.ÖÈÍ . ÈÈÈ È ÀÀ È À
Ö Ö Þ È Û ÈÀÆÈØ Û ÛÀ Ö
ÖÈ Ö Ö ÖÈ ÀÀ .ÞØ ÈÈØ ÜÈ À È
Û»ÈÈØ Ö Û Ö Û Ö Ö ÖÖ Ö Ð Þ ÈÀÀ . ÈÛ
Ö Ö À Ö. Û Þ Ü. È . ÞØ Û ÈÈÈØ
ÖÀË È . È ÞÀ ÞØ Ö È
. ÈÈÈ ÛÀ ÆÞÈÀ Ö ÛÀ Ö
Þ Ö .ÞÈÀ ÖÞ Ö Ö ÖË Ö ÖÈ ÈÈ È À
Þ Û È Ö Û Ö È Ö . Ö È ÖÀ Ð Þ .x ÅËÈ À Ð
Û. ÖÈ Ö À ÖÐ Ö Þ Û Æ ÅÛ Ð Þ . ÜÈ
Ö ÈÛ Ö ÅÛ Û ÈÈÀ Ö ÈÀ Þ È
. Ö Ö Ö ÈÈØ Ö ÈÀ Ö Ö ÆÈØ À .

Ā Ō AĀĀ Ō . Ū ŌĒÍ Ō ŪĒPĀŌ Ō Ō É ŌĀ Ā Þ
 ĒØ Ū ĀĒĀ(ēīí . Ē Ā Ō Ū Đ Ū Ē
 .ĒĒ ŌŌ Ē ÞĒĀ ĒĒ ŪØ Ē Ā
 Ā ŪØ Ō . Ō Ō ÞĒĀ ŪĒ Ā Ā Þ ĒĒ
 . Ē Ū ĒĒ Ā Þ ĒĒÞĒĀ

ÞØ Ō ŪĒĀŌĒ Ō Ø Ō ÞØ Ō ĒØ Ō Ū ŪĒ Ā Ē
 ŌĀ Þ Ō Ō ŌĀŌ . Ō Ē Í ĒĀ . Ē Ō
 Ō Ō- ŌĒ Ē ŌŌ Ō ĒĒ(ÞĒĀŌ Ō)ÞØ Ø - Ē Ā
 ÞØ Ō Ø Ō Ō Ē Ō- Ō Ō ÞĒĀŌ Ō ŪĒ ŌĀ Ō Ō
 Ō Ō Ō ÞĀŌ Ō . Ē ĒĀ Ā - ĒĒĒ ĒĒ(ÞĒĀ)
 . Ē Þ Ē Ē ŪĒ Ē Þ Ē Ū »

٤-٥-٢- بازارهای مالی

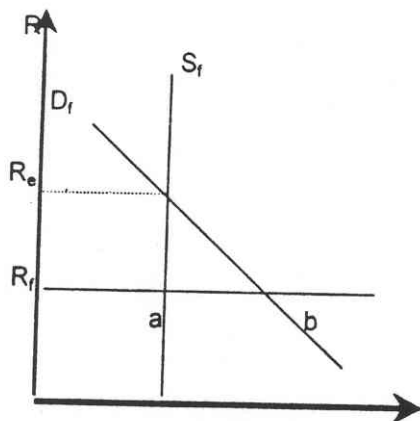
ŌĒĒŌŌŪŌ ŌĀŌ Ō Ō . Ō Ø ŌĒ Þ Ē Ō ĒĒŪŌĀŌ Ō
 ĒĒ ŌĒŌ . Ø Ō Ō Ō ĒĒĒ Ā ŌĀ Ō ŌĒ Ā Ū
 ĒŌ ŪĒ ĒĒ . Ū Þ ĒĀ Þ Ū Ā ĒĒŪĒ Ā Þ
 ... Ū ÞĒ Ō Ā . Ē ĒĒŪ ŪĒ Ā Þ Ē Ū-Ø ĒĒ ĒĒ
 . Ø Ø ĒĒ ŪĒ Ū Ē

ŪØ Ō Ō ĒĒ Ū Ç Ō ŪĀ Ē Þ ĒĒ ĒĒ Ē
 Ō ĒŌ ŌĒĀŌ Ō Ū Ō Þ Ç Ō ŪĒĒĒĒ Ū Ø ĒĒ
 ŌĒ Ō Þ Ō ŌŌ Ō Þ ĒĒ Ē Đ ĒĀ Þ ĒĒ

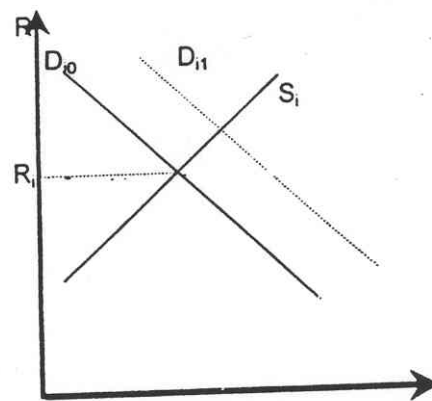
ŌĒĒŌĒĒ . Ō Ō Ō Ū Ō ŌĒĒ ŌĒĒĒĒ Ē Ē
 -ēēĒĒ Ō)Ē Ō Ō ÞĒĒĒĒĒ Ō Ō R f . Ū Ç Ū Ās .
 . Ō Ū Ō Ō ĒĒĒĒ b ĒĀ Ū ĒĒ .(Ā

پ و Ø . » È Ü ab ÚÀ À À Ü ÀsfÚ . À
 Ú»P Ü Ü À e ÈÀ PÀ ÆPÜÈ Ü Í È
 . e ÈÈÀÈ. ÈÜ» PÜÈÈ È ÈPÀ ÈÆ ÀÜ ÜÈÜ»
 .(Ü ÈÆ ÜÈÜ Ç
 Ô ÈÔ Ô Dil ÔP À È ·Dio· ÆÈ ÀÚÀ À
 ÔÈÆÔÜ ÔP ÔÇ ÔÕ ÔÀÔÜ ÔÈÀ ÀÀ ÈÆ ÀÜ Ç
 ÔÀÔÔ ÔP ÔÈÆ ÔÀÜÔ ÆÈ Ô ÔÈÈÈÈ ÈÜ À Ü
 ÈÈÈÈÈ ÔÈ ÔP ÔÈÆ Ô ÈÔ ÔÔ À Ü P Ç
 , Æ ÀÚÀÈ À ÈÈ·Rf· ÈÆ ÈÈÜ Ç À È
 Ô ÈÆ ÜÈÜ P Ç ÜÔ ÆÈ Ü Ç ÀÀ ÆÈ
 P Ç Ô À . P ÈÆ È ÈÀÜ È È
 PÀÔÔ· Ô ÔP ÔÈÆ È ÈÀ Ü ÈÆ Ü
 ÈÈÆÈ P ÜÈ È . Ü ÆÈ ÈÆ Ü Ç

نمودار ۴-۱۳- بازارهای مالی و نرخ بهره

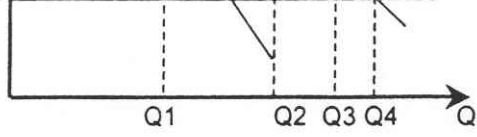
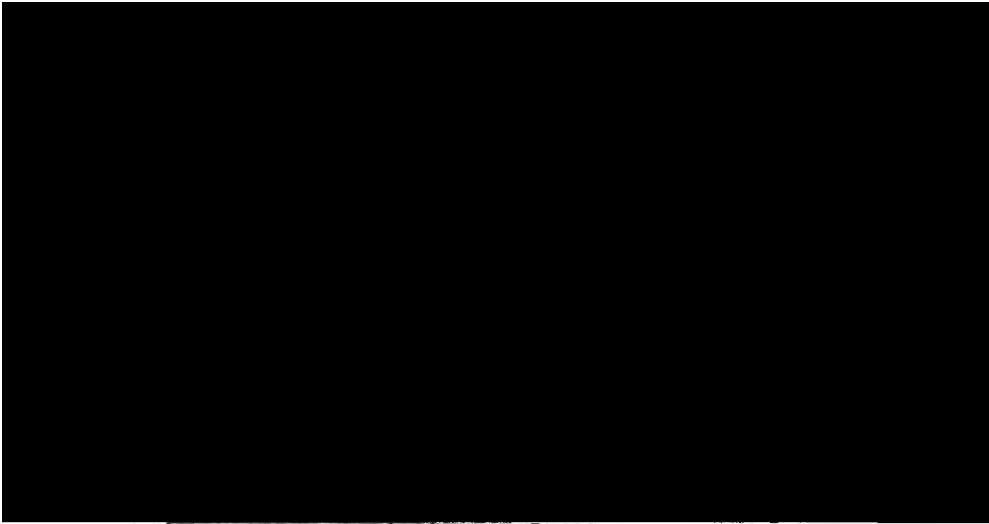


الف- بازار مالی متشکل



ب- بازار مالی نامتشکل

Ô ÈÀ Ô ÚÀ Ô Ô È Ô ÈÛÈÆ ÈÈ ÛÈ À ÈÆÀ
 ÔÐ Ô · Ô Æ Ô ÈÀÐÀÔ . ÈÈ È Ø ÈÈÆ Æ Û
 Û ÔÈÈÆÀÀ ÛÈ Û À Ú È · È À
 . ÀÛ ÈÈÛ (è-è)ÈÆ ÈÈ ÛÈ (À À



Ô Ô È Ô Ô Ô È Ô À Û Ú È ÐÀ
 ÔÈ Ô Í Ô .(LRAC) ÀÛ Æ ÐÀ
 ÔÈÈ ÛÐ .LRAC=LRMC ÈÈÈÈÈ ÛÈ ÛÈ
 ÛÔÈÈÈÈÈ Ô ÈÈÈÈÈ Ð ÐÛ ÀÛ MR
 . ÀÛ Ô)
 ÔÀ ÆÈ È ÈÆ ÈÈÛÈÍ Û Á ÆÈ ÈÀ ÛÈ È À
 Ô À Û . ÀOP1 OQ1 ÆÆ .
 OP2 AQ3 ÆÀÔÛÈ ÈÈ È ÀØ È À Á ÀOP2 Æ OQ2
 ÔÀ ÔÈ À ÀOQ3 ÆÀ ÛÈ (LRAC) Æ .
 ÈÀ Ô ÆÀÔÛÈ Û Û À À Û Û È À ÚÀ ÈÀ ÚÀ

Ô *OP*₂ Ô Ä Ô Ö. ÄË *OP*₂ Û È Þ ½ Þ ÛÄ
 Á Ô Ô ÈÄ Ö ÄÄ È ÛÄ ÈÄ È Ä ÄÄ ÈÈ ÞÄ
 Ä ÈÈÈ ÛÛ Ö ÞÄ ÈÛ ÈÈ ÛÈ ÄÈÄ ÈÈÈ Ä
 ÖÄ ÖÄ È ÈÈ ÖÈÈ Û *CBF* Ô Ö ÖÄ ÞÈÖ ÄÈ Ö ÈÈ ÈÈ ÛÄ
 2 ÖÈÈ È ÄÈÈ ÈÈ È ÄÄ ÛÈ ÛÄ . Ä *FAG*
 ÖÈÈ ÖÄ ÖÖ. Ö Ö ÖÄ ÖÛ Ö ÛÄ Ä Ö ÛÈ Ö ÛÄ ÖÈ Ö *OP*₂ *FQ*
 ÈÖ ÖÈÈÄ Ö È *OP*₂ *BQ*₁ ÈÄ Û *OP*₂ *FQ*₂ ÈÄ ÄÄ ÛÈ
 Ø ÈÈ ÛÈÛ» Ä Û» Þ ÈÄ (Û È Þ ½ Û Ö Ö ÈÄ Þ
 ÖÈ È ÖÄ ÈÈ »
 . È ÄÈ È ÛÈÄ ÄÈ (Û È Þ ½ Û Ö ÈÈ *OP*₂ *AQ*₃
 Ö. ÖÄ Ö ÛÈÈ Ö Ä ÄÈ ÈÄ ÛÄÄ ÛÈ ÄÈ
 ÈÈÈ ÖÈ ÖÈÈ Ö ÄÈ ÖÛ Ö Ö ÖÄ Ö Ö ÈÈ ÄÈÈ
 ÛÄ È ÖÈÄ Ö Ö ÖÈÈ ÄÈ Ö ÈÄÈÈ Ö ÖÈ ÖÄÄ ÛÈ Ä È
 Ö Ö ÄÄ Ö Ä Ö Ñ Ö ÖÛÄ Ö Ö ÈÈ ÖÄ ÖÈÈ Ö Ö
 Ö . Ä Û ÄÄ ÄÄ ÄÄ ÛÈ Ä . ÄÄ ÛÈ
 ÈÄ Ö . ÈÈÛÈ È ÛÄ ÈÈ ÈÄÄ Û ÞÄ ÛÈÛÈ
 Ö Ö ÄÈÈ Ä ÖÄ ÖÈÈ ÖÛÈ ÖÄ Ö ÄÈÈÈÄ È ÈÈ (È Û È)
 ÈÄ Ä Û ÄÄ ÄÄ ÛÈ Ä È ÄÄ ÄÄ ÛÈ Ä ÈÈ È
 Û Ö ÄÞÄ Ø ÈÈÈ È ÞÈ Ä È ÄÈ Ø Ä
 ÞÈÖ Ä ÈÄ Ö ÄÄ Ö ÖÈ ÄÄ Ö ÖÄ Ä ÈÛ ÄÄÄ ÛÈ ÄÈ
 ÄÄ ÛÈ ÈÈ 1 È ÞÈÄÄ ÛÈ
 ÈÈÄ Þ ÈÄÈÈ ÄÈÈ Ä Þ ÈÈ . Û Û
 ÞÄÖ Ö ÄÄ È ÖÄ ÛÈÛÈÛ» ÞÄ ÄÄ ÛÈ Ø ÞÄ È
 Ö ÄÈ ÖÛ Ö ÛÛ ÈÄ Û Ä Ä È ÛÈ
 Û ÄÄ È ÈÄ ÈÈ ÄÄ Û ÈÄ ÄÈ ÛÛ ÄÞÄ
 ÖÖ Ö Þ Ö Ö ÄÄ ÛÈ È ÈÄ ÈÈÈ Û

0 È Ù .È Ā Û Ö ĀP .È Ö ÈĀ
 Ö ÅĒÖ ÖĀĀÖĒ 0 È ĀĀ Ā ÈĀ Û ĀĒĀ ĀĒ
 ÖĀ ÖĒÈĒĀ ÖĀĒ È 0 ÈĒÛÈÛ» È Û Ā⁰⁰X »È Û ÈĀ Û Ā
 0 Ā ÈĒÈ ÈĒĀ ĀĒ P Û ÈÛĀ ĀĒÈĒ
 . Ā Í Û Ā ĒÈ »È Û ĀĀ È Ā Û
 : È ĀĒÈ È ĒÈĒĀ Ā ĀĀ ĒÈ
 .ÈĒĀ ĀĀ È ÛP Ā Û ĀĒÛĀ -è
 ÖÛ ÖĒ Ö ÈĀ Ö ÈĀÖ Ö PĀÖĒ P ĒÈ 0 È Û» Ā -é
 . È ĀĀ PĒ P ÈĀĒ Ā
 Ö Ö ÛÈÈÈ ÈÛ È Ā ÈĀĒ ĀĀÖĀÈÈ ÈÈ
 . Ö Ā ĀĒ È ÈÈ ĒÈ Ā P P ĒÈ . ÈĀ
 Û ÈÈ Ā Û .ÖĀ ÈÈ. Ā Ā Û Ö ÈĒĀ ÈĀ
 .ÈĒÈ Û ÈÈ »È Û .ÛÈ ÈÈ
 Ö PĀ Ā ĀÖĀÖ ÈĀ Ā Û È Û (èè-è)ÈĒ
 Ö ÈĀ ÈÈÈ ÈĀ ĀĀÖQ₃ PĀ Û» Ā (Û ÈP¹Û Ö
 . Ö ÈÛÖ Ö.(OP₂ Ö ÖÖ ÈÈ OP₃ Ö Ö)È 0 Ā Ā
 ÛÈÈÈ ÖÈĀ ÖĀĀÖQ₂ PĀÖOP₂ Ö ÖĀ Ö 0 (Û ÈP¹Û Ö
 ÈÖĀ ĀĒĀ ĀĒ Û Ā ĀĀÖQ₃ PĀ OP₂ Ā
 P¹ÛÖ Ö Ö Ö Ā Ö Ö ĀĀ ÈÈ
 ÈÈĀ Ö Û Ö Ö 0 ÛÈ ÈÈÈ ĀĒ ÈÈ ÛÈÛ» Ā(Û ÈÈ
 Ö . Ā 0 È ĀĀ ĒÈ ĒÈĒÈ ĀÈÈ. ĀĀ ÈĀ
 Ö Ā Ö . LRAC Ā ĀP ÛÈ Ā ĀĒ
 ÛÈĀ Ā PĀ È ÈĀ .È Ā LRAC₁
 ÛÈĀ È Ā Ā Û LRAC Ā . È OP₂ AQ₃

ÖĀÈ .Û È Û Ā ĀĀ È ĀĀ ÈĀP⁰ ÈÈ ĀĒÈ Ā -èö
 ...ÛĀ

ÈÈ Ô ÈÀ Ô ÔÀÀÔÃÀÔÛÈ ÈÞ ÈÀÈÆ À Æ ÈÀ ÆJ^{oq3}
LRAC₁ Ⓞ ÛÔÔ Ô Ô Ã Ô ÔØÔÀ Ô Ô ÈÈ Ô Þ ÛÈ Ô
ÈÈÆ ÈÀ ÆJ^{oq4}ÚÀ À ÃÀ ÛÈ ÛÈÈ
ÞÀ È È À È OP²AQ³ OEHO⁴
Ⓞ ÔÆJ^{oq4} Ô ÈÈÃÀÔÛÈ ÆÔÛÔÔ ÈÈÈÔ Ô ÔÆJ^{oq3}
ÔÀ ÔÆ ÔÈ ÔÈÞ Ô ÛÈ ÈÈ. oq⁴<oq³ ÞÈ
»È ÃÀ ÛÈ Æ . ÆÆÛÈ »È . ÀÀ À ÀÛÛ
Þ »ÈÔ À ÛÈÞÈÞ È. »È À ÛÈ
ÚÀÔ ÔÚÀÔ Æ ÔÈÞÈÔÞ Ô ÔÈ ÔÈ ÆÈÈ. À À ÛÈ
Ô. ÛÈÞ À È ÈÈ À ÛÈÞ »È Ô
ÈÔÛÞøÔ Ô ÞÀ À Þ . À À ÛÞÈÞ
Ô Ú» ÔÈÈ Ô ÈÀ È ÛÞø Æ ø .
Þ »ÈÔ ÔÚÀÔ ÔÆ ÔÀ ÛÈÞÈ È Û ÈÚ ÛÈÞ ÈÀ
ÈÈ Û ÆÈ À ÛÈ
Ô Þ Ô ÈÀ Ô Ô°ÆÀⓄ È (é-è)ÛÈ ØÛ ÈÈ
. ÀÛ ». À ÈÈ Æ ÈÈ. ÆÈÈ

جدول ۴-۲- معرفی شاخص‌های عملیاتی

نماد	تعریف	شاخص	متغیر
علل			
TRC	$\dot{E}A \quad \dot{E}A\dot{E} \quad \dot{U}P\dot{E}A$ $\dot{U} \quad \dot{A}\dot{E} \quad \dot{A}\dot{E} \quad \dot{U}P\dot{E}A$ $\dot{P}\dot{E}A \quad \dot{U}P\dot{E} \quad \dot{A}$ (èè'è)	$\dot{P}\dot{E}A \quad \dot{O}$	\dot{E}
BM	$\dot{E}A \quad \dot{P} \quad \dot{U}\dot{E} \quad \dot{E} \quad \dot{A}\dot{U}\dot{C}$ $\dot{E}\dot{A} \quad \dot{U} \quad \dot{A}\dot{U}\dot{C}$	$\dot{U} \quad \dot{C} \quad \dot{O}$	$\dot{E} \quad \dot{E}\dot{A}$
BUR	$\dot{E} \quad \dot{A}\dot{E}\dot{A} \quad \dot{U}\dot{E}P\dot{E} \quad \dot{P} \quad \dot{E}$ (èè'è) \dot{E}	$\dot{U}\dot{E}P \quad \dot{E}$	$\dot{A} \quad \dot{A} \quad \dot{U}\dot{E}$
UNEMP	$\dot{P}\dot{E} \quad \dot{A}\dot{O} \quad \dot{E}$	$\dot{P}\dot{E}$	$\dot{P}\dot{E}$
آثار			
CPI) $\dot{U} \quad \dot{U}\dot{E} \quad \dot{P}$ (èè'è)	$\dot{P} \quad \dot{E}$	$\dot{U}\dot{E}$
OCCUP	$\dot{P}\dot{E}\dot{E}\dot{U} \quad \dot{P} \quad \dot{E}\dot{E}$ $\dot{A} \quad \dot{U}$	$\dot{O} \quad \dot{A}$	$\dot{O} \quad \dot{A}$
PRO) $\dot{U}\dot{E}\dot{U} \quad \dot{A} \quad \dot{E}\dot{E}\dot{A}$ $\dot{E}\dot{A} \quad (\text{èè'è})$	$\dot{P}\dot{E}\dot{U}$	$\dot{P}\dot{E}\dot{U}$
RGDP) $\dot{A} \quad \dot{A} \quad \dot{E}$ (èè'è)	$\dot{A} \quad \dot{E}$	$\dot{A} \quad \dot{E}$
PRISUM	(è'è)	\dot{O} $\dot{A} \quad \dot{O}$	\dot{O}
PERSUM	(èè'è) \dot{A}		
PRIN	$\dot{P}\dot{E}\dot{A}$	$\dot{P}\dot{E}\dot{A}$	$\dot{P}\dot{E}\dot{A}$
RIN	(èè'è) $\dot{P}\dot{E}\dot{A} \quad \dot{P} \quad \dot{E}$ (èè'èØ)	$\dot{P}\dot{E}\dot{A} \quad \dot{E}$	
RR	$\dot{E}\dot{A} \quad \dot{U} \quad \dot{A}\dot{U}\dot{C}$	$\dot{E}\dot{A} \quad \dot{U} \quad \dot{C}$	$\dot{E}\dot{A} \quad \dot{U} \quad \dot{C}$
متغیر پنهان			
INF	$\dot{O} \quad \dot{A} \quad \dot{E}$	\dot{E}	\dot{E}

٤-٦- خلاصه و جمع بندی

P U Ê Ü Ê P U Ê P Ê EAE À . AEÀ ÈÈ
 ÖU ÔÊ ÈÈ Ô Ê P Ü Ü ÄÖ AU Ê èç ÈÀ
 ÔÊ Ô P Ü ÈÈÈÈ À Ê P Ü EÄÜ Ê À È
 . ÈÀ

P ÔÍ ÜÊ Ô ÖU ÖAÔ ÈÈ Ô Ô Í ÜÊ Ô ÖUÈ Ö
 ÈÖÜ ÖA Ô WÖÔ Ö AEÈ. -
 ÈÈÜ ÖAE Ô ÖP ÖUEÖP ÖA ÖA Ê Ê ÈÈØ AE À
 ÜÔ ÖAE » Ü Ê ÈÈØ AU Ê À À P
 P »ÈÖ Ü ÖP ÖEAE Ô ÊÔ . ÖE Ô ÖE ÖAE. Ô ÖAE
 .PEU Ö Ø ÀÜE .EÄ Ü Ç .PEA .Ö Ü ÜA À ÜE
 Ô Ô ÖAEØ AE »Ü P ÜA AE Ê
 Ô ÈÈ Ö. Ê Ø AP ÜEÄP À Ü È
 . Ü ÄÀ À À P ÜEÄPÀ P »

فصل پنجم

برآورد روند سهم اشتغال

در بخش غیر رسمی

فصل پنجم - برآورد روند سهم اشتغال در بخش غیررسمی

در فصل گذشته، علل ایجاد اشتغال در بخش غیر رسمی، شاخص‌های منعکس کننده آثار گسترش اشتغال در بخش غیر رسمی و در نهایت چارچوب الگوی مورد نظر برای اندازه‌گیری اشتغال بخش غیررسمی معرفی گردید.

در این فصل ابتدا مشخصات داده‌ها مطرح می‌گردد، سپس نتایج حاصل از تخمین الگوها ارائه می‌شود. بعد از مرور مختصری بر معیارها و ملاک‌های طراحی شده برای آزمون سیستم معادلات ساختاری، برآزش مدل از طریق معیارهای ارائه شده، بررسی می‌شود. در نهایت مدل برتر از بین مدل‌های تحلیل شده انتخاب می‌شود و از این طریق سهم شاغلین بخش غیر رسمی و روند آن که هدف اصلی این فصل است برآورد می‌گردد.

۵-۱- داده‌ها و خصوصیات آنها

در رابطه با دوره مورد بررسی و نحوه محاسبه بعضی از آمارها و اطلاعات، لازم به ذکر است که:
الف- تلاش بسیاری صورت گرفت تا در این پژوهش بررسی دوره طولانی‌تری امکانپذیر گردد؛ اما آمار و اطلاعات برای بعضی از متغیرهای مورد استفاده در الگو مانند هزینه‌های دولت به

تفکیک امور، تنها از سال ۱۳۵۰ به بعد موجود بود و به دلیل اینکه در بعضی از شاخص‌ها نیز از رشد هزینه‌های مذکور استفاده شده است؛ به همین منظور دوره تحت پوشش این پژوهش بیست و هفت سال ۱۳۵۱-۷۷ در نظر گرفته شده است.

ب- تمام متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ در نظر گرفته شده‌اند. هزینه‌های عمرانی دولت نیز که در محاسبه شاخص مربوط به هزینه مبادله، همچنین هزینه‌های جاری دولت که در شاخص ناکارآمدی بوروکراسی بکار رفته‌اند همگی بر شاخص ضمنی قیمت تقسیم و در عدد ۱۰۰ ضرب شده‌اند تا این ارقام نیز به قیمت ثابت سال پایه تبدیل گردند.

ج- همانگونه که در فصل گذشته اشاره شد، یکی از متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش نرخ بهره بازار می‌باشد. آمار مربوط به این متغیر در سال‌های قبل از انقلاب در ترازنامه بانک مرکزی منتشر می‌شد و در بعد از انقلاب نیز آمار آن تا سال ۱۳۷۱ در دسترس می‌باشد. اما در سال‌های اخیر با اتخاذ تصمیمی مبنی بر محرمانه و سری شدن این آمار، انتشار آن متوقف گردیده است.

به همین دلیل، برای محاسبه آمار نرخ بهره بازار از سال ۱۳۷۱ به بعد ابتدا عوامل موثر بر نرخ واقعی بهره بازار شناسایی شده‌اند، تا از این رهگذر مدل رگرسیونی با متغیر وابسته نرخ واقعی بهره تصریح گردد. سپس مدل مذکور توسط نرم‌افزار *TSP7* برآورده شده است. مجدداً با استفاده از همین نرم‌افزار و دستور *FORCAST* مقادیر متغیر وابسته که همان نرخ واقعی بهره بازار می‌باشد، برای سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۷ پیش‌بینی شده است (نحوه تصریح مدل رگرسیونی و نتایج حاصل از تخمین آن در ضمیمه شماره (۱) آمده است).

د- در محاسبه کل شاغلین در زیربخش صنعت^۱ (ساخت و تولید)، آمار و اطلاعات تا سال ۱۳۷۵ در دسترس بوده است. برای محاسبه آمار مورد نیاز در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ابتدا تعداد شاغلین محاسبه شده در سرشماری کارگاه‌های صنعتی بالای ۱۰ نفر برای سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷ استخراج شد. سپس نرخ رشد تعداد شاغلین مذکور برای سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷

۱- این آمار برای محاسبه بهره‌وری در زیر بخش صنعت از گروه صنایع بکار رفته است. آمار اشتغال کل و کل شاغلین در زیر بخش صنعت (ساخت و تولید) از مقاله دکتر علی رضا امینی با عنوان «برآورد آمارهای سری زمانی اشتغال در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۵» استخراج شده است.

محاسبه گردید. سپس نرخ‌های رشد بدست آمده به ترتیب به آمار مربوط به تعداد کل شاغلین زیر بخش صنعت (ساخت و تولید) در سال ۱۳۷۵ و سپس سال ۱۳۷۶ اضافه شد. هر طراحی مدل در این پژوهش بر مبنای سیستم معادلات انجام شده است. در ضمیمه شماره (۲) در مورد دلایل عدم استفاده از تفاضل متغیرها در سیستم معادلات بحث شده است.

۲-۵- بررسی نتایج تخمین الگو

پیش از بررسی نتایج تخمین مدل‌ها تذکر چند نکته لازم می‌باشد:

الف- ضرائب مدل مورد نظر در قالب سیستم معادلات ساختاری تخمین زده می‌شود. روش تخمین در این حالت، روش حداکثر راستنمایی (ML) می‌باشد که در نرم‌افزار لیزرل تعبیه شده است.

ب- همانگونه که در فصل گذشته اشاره گردید، مدل مورد نظر این پژوهش بر اساس مدل متغیرهای چندگانه - علل چندگانه طراحی شده است، که حالت خاصی از مدل‌های کامل لیزرل می‌باشد. اما نرم‌افزار لیزرل به منظور تخمین چنین مدل‌هایی ارتباط یکی از متغیرهای موجود در بردار متغیرهای Y را با متغیر پنهانی η ثابت در نظر می‌گیرد.^۲ در آزمون‌هایی که به منظور بررسی متغیر مناسب برای تثبیت پارامتر آن و بررسی حساسیت نتایج به این انتخاب به عمل آمد، پایداری پارامتر برآورد شده مربوط به متغیر بهره‌وری هم به لحاظ مثبت بودن و هم به لحاظ معنی دار بودن مورد تأیید قرار گرفت.

ج- بطور کلی پس از اینکه زمینه‌های نظری موضوع مورد پژوهش پایه‌ریزی شد، به منظور بررسی و آزمون آنچه در مبانی نظری طراحی شده است، سه راهکار مد نظر می‌باشد:^۳

۱- می‌توان مدل واحدی را طراحی نمود. آنرا با داده‌ها و اطلاعات مربوطه تخمین زد، سپس با استفاده از معیارهای متناسب (که به روش کاربردی مورد نظر پژوهشگر بستگی دارد) مدل را تأیید یا رد نمود.

۲- لازم به ذکر است که در نرم‌افزار لیزرل با بکارگیری روش حل استاندارد، می‌توان به مقدار پارامتر برآورد شده مربوط به متغیر Y که باید ثابت در نظر گرفته شود، دست یافت. در این پژوهش نیز از حل استاندارد لیزرل استفاده شده است.

۳- این مطلب از سایت اینترنت با آدرس www.ssicentral.com اقتباس شده است.

۲- ابتدا چندین مدل جایگزین را طراحی نمود. سپس تمامی مدل‌های طراحی شده را مورد آزمون تجربی قرار داد و آنگاه از میان مدل‌های تخمین زده شده، براساس معیارها و ملاک‌های کی را انتخاب نمود.

۳- در این حالت مسئله تنها پذیرفتن یارد یک مدل و یا انتخاب یک مدل در بین الگوها و مدل‌های مشخص شده نمی‌باشد. محقق مدل اولیه‌ای^۴ را طراحی می‌کند که ممکن است به طور دقیق واقعیت‌ها را در برنگیرد و ذهنی باشد^۵. وی این مدل را مورد آزمون قرار می‌دهد و ارتباطات بین متغیرها را بررسی می‌نماید. ارزیابی مدل و برآزش صورت گرفته کاملاً موضوع آماری نمی‌باشد. اگر مدل مورد نظر و روابط بدست آمده بر خلاف مبانی نظری و تئوری از قبل طراحی شده باشد و یا به لحاظ معیارهای آماری به خوبی برآزش نشده باشد، باید مدل اصلاح شود.

در این مسیر هدف محقق انتخاب مدلی است که نه تنها به لحاظ معیارهای آماری به خوبی برآزش شده و با داده‌ها هماهنگ باشد بلکه باید علائم پارامترها و معنی دار بودن برآوردها نیز با پیش بینی نظری انطباق داشته باشد.

در این پژوهش از رهیافت سوم استفاده شده است. این رهیافت با روش‌شناسی لاکاتوش نیز انطباق دارد. در واقع در چارچوب برنامه پژوهشی مرسوم اقتصاد، به سوی یافتن یک تئوری برتر و پیش رو (البته پیش رو نظری و سپس پیش رو تجربی) حرکت می‌کنیم (گلاس و جانسون، ۱۳۷۳)؛ از اینرو مدل اندازه‌گیری اشتغال بخش غیر رسمی که در فصل قبل طراحی گردید به عنوان یک مدل ذهنی و اولیه در نظر گرفته شد و مورد آزمون و بررسی قرار گرفت. در بررسی اولیه، پارامترهای برآورد شده مربوط به متغیر تورم و رشد تولید ناخالص داخلی نه تنها از لحاظ آماری معنادار نبودند؛ بلکه پس از حذف آن‌ها به ترتیب و تخمین مجدد مدل معیارهای برآزش نیز از اعتبار لازم برخوردار شدند. بدین ترتیب از متغیرهای فوق صرف‌نظر گردید. در واقع متغیرهای تورم و رشد تولید ناخالص داخلی بستگی به عواملی همچون درآمد نفت، ریسک، هزینه مبادله و... و مسائلی غیر اقتصادی مانند بی ثباتی سیاسی و... دارند؛ از این رو اثر عوامل دیگر بر روی آن‌ها اندک می‌باشد.

4. Initial Model.

5. Tentative.

همچنین در بین سایر مدل‌هایی که تحت آزمون تجربی واقع گردیدند، تنها مدل‌هایی انتخاب شدند که تا حدودی علائم پارامترها و معنادار بودنشان با پیش بینی نظری سازگار بوده است و هم به لحاظ برازش عمومی در وضعیت مطلوب قرار داشتند.

د- در فصل چهارم شاخص هزینه مبادله، شکاف سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شد. اما برآوردهای اولیه نشان داد که سهم اشتغال بخش غیر رسمی از رشد این شکاف و با یک وقفه زمانی تأثیر می‌پذیرد.

نتایج برآورد پارامترهای مربوط به متغیرهای منعکس کننده آثار اشتغال بخش غیر رسمی (۱۸) و متغیرهای مربوط به علل این پدیده (۱۷) در پنج مدل منتخب در جدول شماره (۵-۱) آمده است.

ویژگی‌های مدل‌های تخمین زده شده به شرح زیر می‌باشد:

۱- علائم ضرائب پارامترها در بین تصریح‌های مختلف به استثناء بهره‌وری و سرمایه‌گذاری با پیش‌بینی نظری مطابقت دارد. همچنین مقادیر برآورد شده و علائم مربوط به پارامترها در بین الگوهای متفاوت از نوسانی محدود و در نتیجه از پایداری قابل توجه برخوردارند. عدم تطابق علامت پارامتر مربوط به بهره‌وری با پیش‌بینی نظری، شاید به این دلیل است که، ادارات و مراکز دولتی در ایران حجم قابل توجهی از فعالیت‌های رسمی اقتصاد را شامل می‌شوند. از آنجایی که بهره‌وری در این گونه فعالیت‌ها بسیار پائین می‌باشد؛ پس گسترش بخش غیررسمی در مقابل بخش رسمی بر خلاف پیش‌بینی نظری انجام شده اثر مثبتی بر بهره‌وری دارد. همچنین طبق پیش‌بینی نظری، انتظار بر این بود که گسترش اشتغال در بخش غیررسمی، بر سرمایه‌گذاری در بلندمدت اثر منفی بر جای می‌گذارد؛ اما در شرایط فعلی ایران که سرمایه‌گذاری به متغیرهای غیراقتصادی وابسته است و تبعیت آن از متغیرهایی همچون نرخ بهره و درآمد اندک می‌باشد، ایجاد واحدهای کوچک با حجم اندکی از سرمایه بر متغیر مذکور اثر مثبت می‌گذارد.

۲- در کلیه مدل‌های منتخب، تمامی پارامترهای برآورد شده مرتبط با متغیرهای علل از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند.

۳- در کلیه مدل‌های منتخب، به استثناء پارامتر برآورد شده مربوط به رشد سرمایه‌گذاری، آماره‌ها حاکی از تأیید معنی‌دار بودن پارامترهای برآورد شده دارد. رشد سرمایه‌گذاری نیز از جمله

- متغیرهایی است که به عوامل بی شماری اقتصادی و غیر اقتصادی بستگی دارد. بنابراین طبق مدل برآورد شده، رابطه نظام‌مندی بین رشد سرمایه‌گذاری و بخش غیررسمی وجود ندارد.
- ۴- در بین پارامترهای برآورد شده در سمت علل، اثر نایکپارچگی بازارهای مالی بر افزایش سهم اشتغال بخش غیر رسمی از همه بیشتر است، ضمن اینکه اثر بیکاری بر افزایش این سهم در مقایسه با سایر عوامل چندان زیاد نمی‌باشد و این مطلب در نظر گرفتن بیکاری را تنها به عنوان منبعی برای گسترش بخش غیر رسمی تأیید می‌نماید.
- ۵- در سمت دیگر الگو در بین پارامترهای برآورد شده مربوط به اثر افزایش سهم شاغلین بخش غیررسمی بر شاخص‌ها، بهره‌وری و مصرف از مقادیر بالاتری برخوردار می‌باشند.
- ۶- قدرت توضیحی مدل‌ها (ضرائب تعیین R^2) در سمت مربوط به مجموعه علل بیش از ۸۸ درصد می‌باشد. یعنی متغیرهای علل ایجاد بخش غیر رسمی می‌توانند ۸۸ درصد تغییرات سهم شاغلین این بخش را توضیح دهند.
- ۷- در تمامی مدل‌های منتخب، در سمت مربوط به مجموعه شاخص‌ها بالاترین ضریب تعیین R^2 مربوط به متغیر بهره‌وری می‌باشد. یعنی تأثیر افزایش اشتغال بخش غیررسمی بر متغیر بهره‌وری نسبت به سایر متغیرهای مورد نظر بیشتر است.
- ۸- تعداد پارامترهای برآورد شده که به لحاظ آماری با معنا می‌باشند نشان می‌دهد که گسترش اشتغال در بخش غیر رسمی طرف تقاضا را نسبت به طرف عرضه بیش‌تر تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جدول ۵-۱- خلاصه نتایج تخمین سیستم معادلات ساختاری مربوط به برآورد سهم

شاغلین بخش غیر رسمی

مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	شماره مدل / متغیر
					علل
۰/۳۳۳ (۴/۷۹۵)	۰/۳۳۴ (۴/۸۱)	۰/۳۳۳ (۴/۷۹۹)	۰/۳۳۳ (۴/۸۰۴)	۰/۳۳۲ (۴/۷۸۵)	TRC
۰/۸۹۱ (۱۱/۴۴۱)	۰/۸۹۳ (۱۱/۴۳۴)	۰/۸۹ (۱۱/۴۳۳)	۰/۸۸۹ (۱۱/۴۳۱)	۰/۸۹۳ (۱۱/۴۵۳)	BM
۰/۱۵۱ (۲/۱۳۱)	۰/۱۵۲ (۲/۱۳۱)	۰/۱۵۱ (۲/۲۵۶)	۰/۱۵۱ (۲/۱۲۹)	۰/۱۵۲ (۲/۱۳۴)	BUR
۰/۱۷۹ (۲/۲۳۸)	۰/۱۸۱ (۲/۲۵۳)	۰/۱۸ (۲/۲۵۶)	۰/۱۸۱ (۲/۲۶۱)	۰/۱۷۸ (۲/۲۲)	UNEMP
					آثار
۱	۰/۹۹۷	۱/۱۰۰۱	۱/۱۰۰۱	۰/۹۹۹	PRO
			۰/۸۸۲ (۹/۲۷۵)	۰/۸۸۳ (۹/۲۴۵)	OCCUP
۰/۵۸۲ (۳/۶۹۵)	۰/۵۸۵ (۳/۵۷۵)	۰/۵۸۱ (۳/۶۸۹)	۰/۵۸۱ (۳/۶۹)	۰/۸۵۳ (۳/۶۹۵)	RR
۰/۸۹۷ (۹/۹۹)		۰/۸۹۷ (۹/۹۹۵)			PRISUM
			۰/۴۷۶ (۲/۸۰۳)		PERSUM
		-۰/۰۸۹ (۰/۴۶۳)	-۰/۰۸۹ (-۰/۴۶۳)		RIN
	۰/۴۰۲ (۲/۲۳۷)				PRIIN

- اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t را نشان می‌دهند.

۳-۵- مرووری بر ملاک‌های برازش مدل در مدل‌های لیزرل:^۶

در این بخش معیارهای برازش مدل‌های لیزرل معرفی می‌گردند.

بطور کلی معیارهای برازش را در لیزرل می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود:

الف- معیارهای برازش عمومی^۷

ب- معیارهای برازش فزاینده^۸

ج- معیارهای برازش تعدیلی^۹

د- معیارهای مقایسه‌ای^{۱۰}

الف- معیارهای برازش عمومی مدل:

۱- آماره چیدو (C): این آماره، در اصل مدل را در برابر این جایگزین که ماتریس کواریانس متغیرهای مشاهده شده نامقید است آزمون می‌کند، اما این آزمون تنها منوط به درست بودن مدل می‌باشد.

از آنجایی که ما همواره با تقریب واقعیت مواجهیم از این رو آماره چیدو نه به عنوان یک آماره آزمون بلکه به عنوان یک معیار برازش عمومی مدل در نظر گرفته می‌شود. در واقع چیدو اختلاف بین ماتریس کواریانس (ماتریس همبستگی) نمونه و تخمین زده شده را اندازه می‌گیرد. چیدو به صورت زیر تعریف می‌گردد:

$$C = nF(S, \hat{\theta})$$

که در آن $n=N-1$ و N حجم نمونه می‌باشد، S ماتریس کواریانس نمونه، θ ساختار

$$(\hat{\theta})$$

گردد. همچنین اگر C نسبت به درجه آزادی کوچک باشد، آنگاه مدل بیش از حد انتظار برآورد^{۱۲} شده است و باید مسیرهایی از مدل حذف گردند.

۲- شاخص برازش خوبی (GFI)^{۱۳}: این شاخص معیار دیگری است که توسط لیزرل محاسبه می‌گردد و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$GFI = \frac{1 - F[S \text{ و } \sum (\hat{\theta})]}{F[S \text{ و } \sum 0]}$$

صورت کسر فوق حداقل تابع برازش پس از تخمین مدل می‌باشد و مخرج تابع برازش است قبل از اینکه مدلی تخمین زده شود. به عبارت دیگر، مخرج کسر تابع برازش برای مدلی است که همه پارامترهای آن صفر می‌باشند. این شاخص دارای توزیع چیدو می‌باشد.

چیدو مقدار حداقل تابع برازش است که در $N - I$ ضرب شده است، پس به حجم نمونه بستگی دارد و در نمونه‌های بزرگ گرایش به بزرگ شدن دارد. از اینرو برای حذف یا کاهش وابستگی چیدو و به حجم نمونه شاخص برازش خوبی طراحی شده است. مقدار این معیار هر چه به عدد یک نزدیکتر باشد نشان دهنده برازش بهتر مدل می‌باشد.

۳- میانگین پسماندهای برازش شده (RMR)^{۱۴}: این معیار ریشه میانگین مربع باقیمانده‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، میانگین باقیمانده‌ها بین ماتریس مقادیر تخمین زده شده و ماتریس مقادیر مشاهده شده را حساب می‌نماید و کوچک بودن آن بر برازش بهتر مدل دلالت دارد.

۴- معیار برازش مبتنی بر خطای تقریب^{۱۵}: استفاده از چیدو مبتنی بر دقت برازش تخمین‌ها نسبت به جامعه است. از آنجایی که چنین فرضی در اغلب تحقیقات تجربی، یک فرض غیرواقعی است، از اینرو و به منظور محاسبه خطای تقریب شاخص‌های زیر معرفی شده‌اند:

۴-الف- این معیار توسط براون^{۱۶} و کداک^{۱۷} در سال (۱۹۹۳) طراحی شده است:

$$\hat{F}_o = \text{Max}[\hat{F} - (d/n)_{\text{و}}]$$

12. Overestimate.

13. Goodness-of-Fit Index.

14. Root Mean Square Residual.

15. Fit Measures Based On Population Error Of Approximation.

16. Brown.

17. Cudeck.

که \hat{F} مقدار حداقل تابع برازش، $n=N-1$ و d درجه آزادی مدل می‌باشد.

ع-ب- قابل ذکر است که \hat{F}_0 ، هنگام اضافه نمودن پارامترها به مدل کاهش می‌یابد. از اینرو استفاده از معیار برازش مبتنی بر خطای تقریب ($RMSEA$) به عنوان جایگزینی برای معیار فوق در نظر گرفته شده است:

$$\varepsilon = \text{Sqrt}[\hat{F}_0 / d]$$

که ارزش‌های $0/05 < \varepsilon < 0/08$ بر برازش خوب و مقادیر $\varepsilon > 0/08$ بر وجود خطای تقریب در مدل دلالت دارد.

ب- معیارهای برازش فزاینده

دسته دیگری از معیارها که برای آزمون سیستم معادلات ساختاری طراحی شده‌اند، ملاک‌هایی می‌باشند که مدل برازش شده را با مدل‌های مستقل^{۱۸} مقایسه می‌کنند. مدل‌های مستقل اشاره به مدل‌هایی دارد که تمام پارامترهای آن صفر می‌باشد، متغیرها به طور نرمال توزیع شده‌اند و ماتریس کواریانس متغیرها، ماتریس قطری می‌باشد.

همچنین درجه آزادی مربوط به این مدل‌ها برابر با $dI = \frac{k(k+1)}{2}$ که در آن i درجه آزادی و K تعداد متغیرهای مشاهده شده می‌باشد.

به طور کلی این معیارها نشان می‌دهند که تا چه اندازه مدل مورد نظر تحقیق نسبت به مدل مستقل بهتر برازش شده است.

لازم به ذکر است مقادیر این معیارها هر چه به یک نزدیکتر باشد، بر برازش بهتر مدل دلالت دارد. حال به معرفی این ملاک‌ها می‌پردازیم:

۱- شاخص برازش تعدیل شده ($AGFI$): این معیار همان معیار خوبی برازش می‌باشد که با درجه آزادی تعدیل یافته است و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$AGFI = 1 - \left\{ \frac{K(K+1)}{2d} \right\} \{1 - GFI\}$$

که در آن d درجه آزادی می‌باشد و برابر است با

$$d = \frac{k(k+1)}{2} - t$$

که در آن k برابر است با تعداد متغیرهای مشاهده شده و t برابر با تعداد کل پارامترهای مستقل تخمین زده شده است.

18. Independence Model.

سایر معیارهای برازش فزاینده به صورت زیر قابل تعریف می‌باشند:

اگر F مقدار حداقل تابع برازش برای مدل تخمین زده شده (مدل مورد نظر محقق)، IF مقدار حداقل تابع برازش برای مدل مستقل، d درجه آزادی برای مدل تخمین زده شده و Id درجه آزادی برای مدل مستقل تعریف شود؛ آنگاه سایر معیارهای برازش به شرح زیر قابل تعریف می‌باشند:

$$NFI = 1 - \frac{F}{FI} \quad \text{شاخص برازش استاندارد}^{19}$$

$$NNFI = \frac{(FI/dI) - (F/d)}{(FI/dI) - 1} \quad \text{شاخص برازش غیر استاندارد}^{20}$$

$$CFI = 1 - \frac{[(N-1)F - d]}{\text{Max}\{[(N-1)FI - dI], [(N-1)F - d], 0\}} \quad \text{شاخص برازش مقایسه‌ای}^{21}$$

$$IFI = \left[(N-1)FI - \frac{N(N-1)F}{D} \right] [(N-1)FI - D] \quad \text{شاخص برازش فزاینده}^{22}$$

$$RFI = \left(\frac{(N-1)FI}{dI} - \frac{(N-1)F}{d} \right) / \frac{(N-1)F}{dI} \quad \text{شاخص برازش نسبی}^{23}$$

ج- معیارهای برازش تعدیلی

چیدو مربوط به برازش عمومی مدل به تعداد پارامترهای تخمین زده شده وابسته می‌باشند به طوریکه هر چه پارامترها افزایش یابند؛ چیدو کاهش می‌یابد به منظور کاهش این وابستگی دو معیار زیر معرفی گردیده‌اند:

۱- شاخص برازش تعدیلی استاندارد (PNFI)²⁴: این معیار تعداد درجه‌های آزادی

بکاررفته برای انجام برازش را مد نظر قرار می‌دهد و به صورت زیر تعریف می‌گردد:

19 . Normed Fit Index(NFI).

20. Non Normed Fit Index(NNFI).

21 . Comparative Fit Index(CFI).

22. Incremental Fit Index(IFI).

23 . Relative Fit Index(RFI).

24 . Parsimonious Normed Fit Index .

$\frac{\quad}{k k} \quad NFI$

همچنین امکان مقایسه مقادیر هر سه معیار فوق با مقادیر مربوط به مدل‌های مستقل^{۲۹} و مدل‌های اشباع شده^{۳۰} وجود دارد. قابل ذکر است که مقادیر این سه معیار برای مدل برازش شده باید از مقادیر مربوط به مدل مستقل و مدل اشباع شده کمتر باشد. اگر چنین نباشد نشان می‌دهد که داده‌ها با مدل هماهنگی ندارد.

همچنین آماره چیدو برای مدل مستقل ارائه می‌گردد و این فرض را مورد آزمون قرار می‌دهد که آیا متغیرهای مشاهده شده از نظر توضیح دهندگی در ارتباط با مدل می‌باشند یا خیر. پس فرض صفر در آزمون، عدم چنین ارتباطی می‌باشد. حال اگر این فرض رد شود بر عدم هماهنگی داده‌ها با مدل دلالت دارد.

۵-۴- انتخاب الگوی برتر و بررسی نتایج آن

در بخش ۳-۴ مدل‌های منتخب به جهت انطباق علائم پارامترها با مبانی نظری و معنادار بودن پارامترهای تخمین زده شده از لحاظ آماری مورد بررسی قرار گرفتند و در بخش ۴-۴ انواع معیارهای برازش معرفی شدند. در این بخش عملکرد عمومی الگوهای منتخب با استفاده از ملاک‌های ارائه شده مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین با استفاده از معیارهای انتخاب الگوی برتر، از بین الگوهای منتخب، الگویی به عنوان الگوی برتر انتخاب می‌شود.

جداول (۲-۵)، (۳-۵) و (۴-۵) به ترتیب نتایج محاسبه معیارهای برازش عمومی مدل، معیارهای برازش فزاینده، معیار برازش تعدیلی را ارائه می‌دهند. همچنین جدول (۵-۵) نتایج محاسبه معیارهایی را که برای مقایسه مدل‌ها طراحی شده‌اند، نمایش می‌دهد.

۲۹- هنگام معرفی معیارهای پیشین این نوع مدل‌ها معرفی گردید.

۳۰- مدل‌های اشباع اشاره به مدل‌هایی دارد که دارای $\frac{k(k+1)}{2}$ پارامتر و درجه آزادی صفر می‌باشد.

جدول ۵-۲- نتایج معیارهای برازش عمومی مدل‌های برازش شده

معیار	Chisquare	d.F	P-Value	GFI	RMR	AESMR
مدل ۱	۱۸/۵۷	۱۸	۰/۴۲	۰/۸۴	/۰۸	/۰۳۴
مدل ۲	۳۲/۱۵	۳۱	۰/۴۱	۰/۷۹	۰/۱۲	۰/۰۳۷
مدل ۳	۲۰/۷۶	۲۴	۰/۶۵	۰/۸۴	۰/۰۹۷	۰
مدل ۴	۱۹/۰۲	۱۸	۰/۶۲	۰/۸۶	۰/۱۴	۰
مدل ۵	۱۶/۷۹	۱۸	۰/۵۴	۰/۸۵	/۰۷۹	۰

اندازه چیدو و درجه آزادی در همه مدل‌ها نزدیک به هم می‌باشند، P-Value به جز در دو مدل اول، ارقام بالا و قابل قبولی را به خود اختصاص داده است (در دو مدل اول نیز مقادیر P-Value نسبتاً خوب می‌باشد)، در همه مدل‌ها *IFG* تقریباً به یک نزدیک می‌باشد، که همه موارد فوق بر خوبی برازش عمومی مدل‌ها دلالت دارد.

جدول ۵-۳- نتایج معیارهای برازش فزاینده مدل‌های برازش شده

معیار	AGFI	NFI	NNFI	CFI	IFI	RFI
مدل ۱	۰/۷۴	۰/۸۱	۰/۹	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۷۸
مدل ۲	۰/۷۰	۰/۷۵	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۷۱
مدل ۳	۰/۷۶	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۷۴
مدل ۴	۰/۷۸	۰/۸۲	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۷۹
مدل ۵	۰/۷۷	۰/۸	۰/۸۹	۰/۹	۰/۹۱	۰/۷۷

تمام معیارهای فوق از مقادیر نزدیک به یک برخوردار می‌باشند و نشان می‌دهند که مدل برازش شده از مدل صفر مربوط به هر کدام، بهتر تخمین خورده است.

جدول ۵-۴- نتایج معیارهای برازش تعدیلی مدل‌های برازش شده

معیار	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
PGFI	۰/۵۴	۰/۵۴	۰/۵۶	۰/۵۵	۰/۵۵
PNFI	۰/۶۹	۰/۶۴	۰/۶۷	۰/۷۰	۰/۶۹

معیار **PGFI** از ۰/۵ بیشتر و بر خوبی برازش مدل‌ها دلالت دارد.

جدول ۵-۵- معیارهای مقایسه‌ای مدل‌های برازش شده

معیار	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
Model AIC	۳۸/۵۷	۶۰/۱۵	۴۴/۷۶	۳۵/۵۹	۳۶/۷۹
Saturated AIC	۵۶	۹۰	۷۲	۵۶	۵۶
Independenc AIC	۱۶۵/۱۸	۱۹۰/۹۷	۱۷۷/۱۶	۱۱۹/۳۳	۱۷۰/۷۲
Model CAIC	۶۱/۸۹	۹۲/۸	۷۲/۷۵	۵۸/۹۱	۶۰/۱۱
Saturated CAIC	۱۲۱/۳	۱۹۴/۹۵	۱۵۵/۹۶	۱۲۱/۳	۱۲۱/۳
Independenc CAIC	۱۸۱/۵	۲۱۱/۹۶	۱۹۵/۸۲	۱۳۵/۶۶	۱۸۷/۰۴
Model ECVI	۱/۴۳	۲/۲۳	۱/۷۸	۱/۴۱	۱/۴۱
Saturated ECVI	۲/۰۷	۳/۳۳	۲/۶۷	۲/۰۷	۲/۰۷
Independenc ECVI	۶/۱۲	۷/۰۷	۶/۵۶	۴/۴۲	۶/۳۳

همانگونه که مشاهده می‌گردد مقادیر *AIC*، *CAIC*، *ECVI* در مدل‌های فوق از مقادیر مربوط به مدل‌های مستقل و اشباع شده برای هر مدل کمتر می‌باشد و نشان می‌دهد که داده‌ها با مدل هم‌هنگ می‌باشد. همچنین آماره چپ‌دو مربوط به مدل‌های مستقل نیز بر رد فرض صفر و توضیح‌دهندگی متغیرها با مدل دلالت دارد.

حال به منظور انتخاب مدل برتر با توجه به معیارهای فوق چنین عمل می‌نمائیم:

ابتدا بر حسب معیار *AIC* یا *CAIC* مدل‌های فوق را از کوچک به بزرگ مرتب می‌کنیم،^{۳۱} بر این اساس کوچک‌ترین مقدار مربوط به مدل چهارم و بزرگ‌ترین مقدار مربوط به مدل دوم می‌باشد.

۳۱- معیار *ECVI* مربوط به مدل چهارم و پنجم برابر می‌باشند از اینرو از معیار *AIC* یا *CAIC* برای مقایسه مدل‌ها استفاده شده است.

بنابر مباحث قبل، مدل شماره چهار که کم‌ترین مقدار مربوط به معیار *CIAC* را به خود اختصاص داده است به عنوان مدل برتر انتخاب می‌شود.

در مدل مذکور، رشد شکاف سرمایه‌گذاری با یک وقفه، شکاف نرخ بهره، رشد هزینه‌های جاری دولت و نرخ بیکاری به عنوان عوامل ایجاد اشتغال در بخش غیر رسمی و بهره‌وری، نرخ بهره بازار و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به عنوان متغیرهای آثار این پدیده حضور دارند.

بنابر این معادله ساختاری برآورد شده در مدل چهارم به صورت زیر می‌باشد:

$$INF = 0/334TRC + 0/893BM + 0/152BUR + 0/181UNEMP$$

در راستای نتایج قبل و براساس معادله فوق می‌توان نتیجه گرفت:

- اگر رشد هزینه مبادله ۱ درصد افزایش یابد بر سهم شاغلین بخش غیررسمی بیش از ۰/۳ درصد افزوده می‌گردد. به عبارت دیگر، اگر رشد شکاف سرمایه‌گذاری ۱ درصد افزایش یابد، سهم شاغلین بخش غیررسمی بیش از ۰/۳ درصد افزایش می‌یابد.

- نایکپارچگی بازارهای مالی بر سهم شاغلین بخش غیررسمی اثر مثبت دارد. به بیان دیگر اگر بر شکاف نرخ‌های بهره، ۱ درصد افزوده شود؛ آن‌گاه سهم مذکور ۰/۹ درصد افزایش می‌یابد. - هرچه بر ناکارآمدی بوروکراسی افزوده گردد، سهم شاغلین بخش غیررسمی نیز افزایش می‌یابد. در واقع اگر رشد هزینه‌های جاری دولت ۱ درصد افزایش یابد، آن‌گاه بر سهم شاغلین بخش غیررسمی بیش از ۰/۱ درصد افزوده می‌گردد.

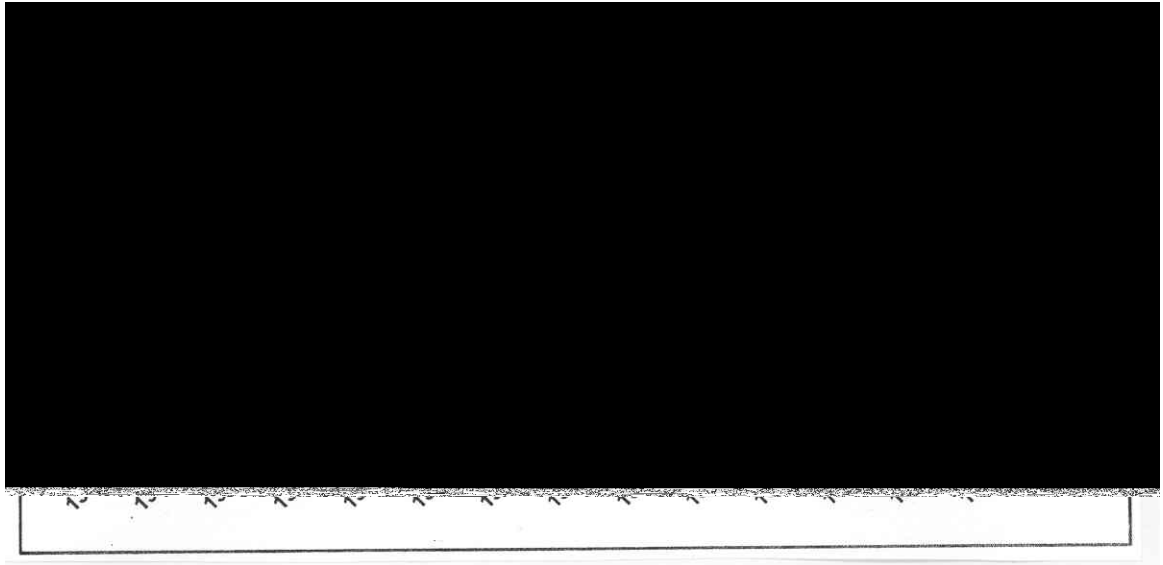
- اگر نرخ بیکاری ۱ درصد افزایش یابد، حدود ۰/۲ درصد بر سهم مذکور افزوده می‌گردد. به طور کلی اگر رشد شکاف سرمایه‌گذاری، شکاف نرخ‌های بهره و رشد هزینه‌های جاری، در مجموع ۱ درصد افزایش یابند، سهم شاغلین بخش غیررسمی حدود ۲ درصد افزایش می‌یابد.

با مشخص شدن مقادیر پارامترهای مربوط به هر یک از متغیرهای توضیحی، برای تعیین سری زمانی مربوط به متغیر وابسته (سهم شاغلین بخش غیر رسمی)، کافی است پارامترهای مذکور در مقدار هر یک از متغیرهای توضیحی مربوط به سال مورد نظر ضرب و سپس نتایج بدست آمده با هم جمع گردند، تا شاخص مربوط به آن سال بدست آید. نمودار (۵-۱) مقادیر محاسبه شده مربوط به سهم شاغلین بخش غیر رسمی را نمایش می‌دهد. نمودار مذکور نشان می‌دهد که سهم شاغلین بخش غیررسمی در ایران طی دوره مورد بررسی با فراز و نشیب‌های متعددی همراه بوده

است. اما در مجموع روندی صعودی را در دهه اخیر طی نموده است. مروری بر ارقام سری زمانی بدست آمده، حکایت از آن دارد که سهم شاغلین بخش غیر رسمی از متوسط ۲۱ درصد در دوره ۱۳۵۱-۱۳۵۸ (عمدتاً دوره قبل از انقلاب) به متوسط ۲۹ درصد در دوره ۱۳۶۸-۱۳۵۹ (دوره جنگ تحمیلی) و سرانجام به متوسط ۳۷ درصد در دوره ۱۳۷۷-۱۳۶۹ (دوره بازسازی و اجرای برنامه‌های توسعه) افزایش یافته که به ترتیب بیانگر ۴۵ و ۲۷ درصد رشد در هر دوره نسبت به دوره ماقبل بوده است. در شش سال نخست از مقطع اول دوره مورد بررسی بخش غیر رسمی سهم نسبتاً بالایی را به خود اختصاص داده است؛ اما در دو سال انتهایی این مقطع سهم این بخش به طور ناگهانی تنزل می‌یابد و به ۵ درصد در سال ۱۳۵۷ و ۱۴ درصد در سال ۱۳۵۸ می‌رسد. این کاهش مصادف با زمان انقلاب و کاهش در مقادیر شاخص هزینه مبادله، کم شدن شکاف نرخ‌های بهره و کاهش اندک در رشد هزینه‌های دولت می‌باشد.

عمده‌ترین علت افزایش سهم بخش غیر رسمی در دوره ۱۳۵۸-۶۸ نسبت به مقطع قبل، افزایش در نایکپارچگی بازارهای مالی می‌باشد. در این مقطع، به استثنای سال‌های ۱۳۶۲، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ سایر مقادیر مربوط به سهم شاغلین بخش غیر رسمی ایران در سطح کم و بیش متشابهی نوسان می‌کنند. افزایش هزینه مبادله در سال‌های مذکور افزایش نرخ بیکاری به خصوص در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ و افزایش نایکپارچگی در بازارهای مالی به ویژه در سال ۱۳۶۷ از عمده‌ترین دلایل افزایش اشتغال در مقطع مورد نظر می‌باشد.

مقطع سوم مصادف با دوره بازسازی و اجرای برنامه‌های توسعه اول و دوم و همچنین اجرای سیاست‌های تعدیل می‌باشد. همانطور که در نمودار (۵-۱) مشاهده می‌گردد، از زمان اجرای سیاست‌های تعدیل که منجر به عقب‌نشینی بخش رسمی شد و در پاسخ به فضای انقباضی به وجود آمده بخش غیر رسمی نیز از رشد نسبتاً بالایی نسبت به سایر سال‌ها برخوردار بوده است بطوری که در سال ۱۳۷۲ بالاترین سهم یعنی ۵۰ درصد را به خود اختصاص داده است. مضافاً این که در این دوران هزینه مبادله بالاترین ارقام را دارا می‌باشد و همچنین بر شدت نایکپارچگی بازارهای مالی نیز افزوده شده است.

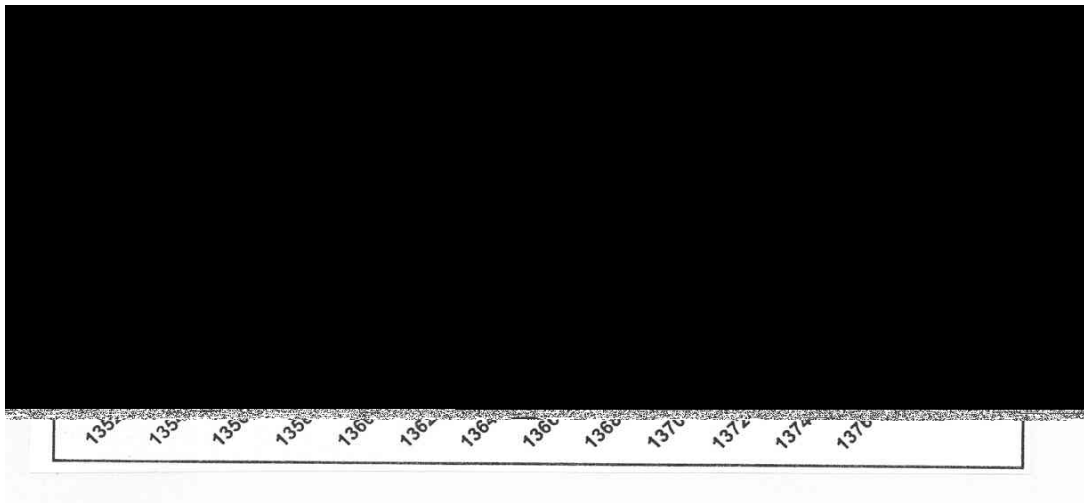


به عبارت دیگر با توجه به نمودار (۱-۵) حداقل سهم بخش غیررسمی در سه دوره یاد شده به ترتیب ۰/۵٪، ۲۲٪ و ۲۸٪ بوده و حداکثر سهم نیز در این سه دوره به ترتیب ۳۵٪، ۴۲٪ و ۵۰٪ بوده است. بنابراین هر سه شاخص حداقل، حداکثر و میانگین سهم در سه دوره یاد شده، به ترتیب افزایش یافته و بیانگر این است که روند عمومی و تاریخی بخش غیررسمی در سه دهه اخیر صعودی بوده است.

همان طور که از نمودار (۵-۱) مشاهده می شود، سهم برآورد شده در برخی سال ها دارای جهش های ناگهانی است. با توجه به این که عوامل نهادی را به عنوان مهم ترین عوامل مؤثر بر ایجاد اشتغال بخش غیررسمی برشمردیم و این عوامل قادر به توجیه جهش های ایجاد شده در بخش غیررسمی نمی باشند؛ از این رو، هموارسازی این سهم نیز مدنظر قرار گرفته است.

نمودار (۵-۲) هموارسازی سری زمانی برآورد شده مربوط به سهم شاغلین بخش غیررسمی را نشان می دهد. همانطور که از شکل مشاهده می شود، پس از طی هر دوره زمانی معین، نقاط مربوط به فراز و فرود این روند مقادیر بالاتری را به خود اختصاص داده است. سیکل اول از سال ۱۳۵۲ آغاز و تا سال ۱۳۵۸ ادامه می یابد. در این دوره زمانی، نقطه اوج مربوط به سهم مذکور ۳۱ درصد می باشد. سپس با یک کاهش تدریجی در سهم شاغلین بخش غیررسمی در مقطع زمانی ۱۳۵۸، سهم مورد نظر به حداقل مقدار خود یعنی حدود ۹٫۵ درصد تنزل می یابد. اما این سهم

دوباره به روند افزایشی خود از سال ۱۳۵۸ به بعد ادامه می‌دهد و در سال ۱۳۶۳ به نقطه اوج این دوره زمانی که این بار در سطح بالاتری نسبت به دوره اول قرار دارد، ۳۶ درصد، می‌رسد. سپس این سهم با سرعتی بیشتر نسبت به دوره قبل، روند کاهشی خود را آغاز و در سال ۱۳۶۵ به نقطه حضيض ۲۴ درصد کاهش می‌یابد. در دوره سوم که از سال ۱۳۶۵ آغاز می‌شود، سهم شاغلین بخش غیررسمی روندی افزایشی را با سرعت بیشتری آغاز می‌کند و در سال ۱۳۷۳ به بالاترین نقطه فراز دوره ۲۸ ساله تحت بررسی که بیش از ۴۰ درصد می‌باشد، می‌رسد و پس از یک کاهش تدریجی روند رو به رشد خود را آغاز می‌کند.



با توجه به نرخ فزاینده بیکاری در کشور و با توجه به اینکه اگر اصلاحاتی در بازارهای مالی و بوروکراسی دولت انجام پذیرد و تمهیداتی نیز جهت بهبود حقوق مالکیت و کاهش هزینه مبادله اندیشیده شود؛ اثرات مثبت آن در بلندمدت در اقتصاد نمایان می گردد. پس انتظار می رود که این سهم باز هم روند رو به رشدی را طی نماید.

لازم به ذکر است که بر بخش غیررسمی دامنه وسیع و گسترده ای از عوامل همچون عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... اثر می گذارد. بنابر این، حتی اگر اصلاحات و تحولاتی جهت کاستن از دشواری های نهادی صورت پذیرد؛ چنانچه عوامل فرهنگی، اجتماعی و... در راستای بهبود و افزایش کارآیی بخش غیررسمی حرکت نکنند، ممکن است در آینده باز هم بخش غیررسمی رشد قابل توجهی را تجربه کند.

۵-۵- آزمون فرضیات تحقیق

در این بخش، با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها و برآورد مدل، فرضیات تحقیق، مورد بررسی قرار می گیرد و صحت و سقم آن ها مورد کنکاش واقع می گردد.

فرضیه اول: «سهم اشتغال در بخش غیر رسمی در ایران در حال افزایش است».

سهم شاغلین بخش غیر رسمی پس از تخمین پارامترهای معادله ساختاری طراحی شده برآورد گردید. این سهم در دو دهه اخیر نسبت به دهه های قبل از آن ارقام بالاتری را به خود اختصاص داده است که بدین ترتیب فرضیه فوق را مورد تأیید قرار می دهد.

فرضیه دوم: «سهم اشتغال بخش غیر رسمی ایران با هزینه مبادله رابطه مستقیم دارد». به منظور آزمون فرضیه فوق شکاف سرمایه‌گذاری به عنوان شاخصی که نشان دهنده هزینه مبادله می‌باشد در نظر گرفته شد و در سیستم معادلات ساختاری به عنوان یکی از متغیرهای علل وارد شد. ضریب مثبت و معنی‌دار این متغیر فرضیه فوق را مورد تأیید قرار داد.

فرضیه سوم: «سهم اشتغال بخش غیر رسمی ایران با نایکپارچگی بازارهای مالی رابطه مستقیم دارد».

شکاف نرخ بهره بازار و نرخ بهره (سود سپرده‌های یکساله) در سیستم بانکی شاخص بازارهای مالی نایکپارچه در نظر گرفته شد. ضریب مثبت و معنادار پارامتر مربوط به متغیر فوق بر تأیید فرضیه مطرح شده دلالت دارد.

فرضیه چهارم: «سهم اشتغال در بخش غیر رسمی ایران با ناکارآمدی بوروکراسی رابطه مستقیم دارد».

رشد هزینه‌های جاری دولت به عنوان شاخص بوروکراسی ناکارآمد به عنوان یکی از متغیرهای علل مطرح گردید مثبت بودن پارامتر این متغیر و معنادار بودنش به لحاظ آماری فرضیه فوق را تأیید نمود.

فرضیه پنجم: «سهم اشتغال بخش غیر رسمی ایران با بیکاری رابطه مستقیم دارد». نرخ بیکاری نیز به عنوان متغیر علل گسترش اشتغال در بخش غیر رسمی مطرح و مورد آزمون واقع گردید. مثبت بودن و با معنا بودن این متغیر فرضیه فوق را مورد تأیید قرار داد.

فرضیه ششم: «افزایش سهم اشتغال در بخش غیررسمی بر متغیرهای طرف عرضه اقتصاد تأثیر مثبت دارد».

به منظور آزمون این فرضیه، متغیرهای تورم، بهره‌وری، اشتغال کل و رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیرهای طرف عرضه وارد تحلیل شد. پارامترهای برآورد شده مربوط به تورم و رشد تولید ناخالص داخلی معنادار نبودند. در حالی که پارامترهای برآورد شده مربوط به نسبت ارزش افزوده به تعداد شاغلین بخش صنعت به عنوان شاخص بهره‌وری و اشتغال کل، از نظر آماری معنادار و مثبت به دست آمدند.

فرضیه هفتم: «افزایش سهم اشتغال بخش غیررسمی در ایران بر متغیرهای طرف تقاضای اقتصاد تأثیر مثبت دارد».

متغیرهای مصرف، سرمایه‌گذاری و نرخ بهره بازار به عنوان متغیرهای طرف تقاضا وارد تحلیل شد. شاخص هزینه مصرف بخش خصوصی و مصرف سرانه برای آزمون متغیر مصرف مورد استفاده قرار گرفت. پارامترهای مربوط به این شاخص‌ها مثبت و معنادار برآورد شد. همچنین شاخص هزینه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد آن نیز برای آزمون متغیر سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شد. پارامتر برآورد شده مربوط به هزینه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مثبت و معنادار و رشد آن از نظر آماری بی‌معنا به دست آمده. مثبت و معنادار بودن آماره پارامتر نرخ بهره بازار اثر مثبت افزایش سهم اشتغال بخش غیررسمی بر این متغیر را مورد تأیید قرار داد.

۵-۶- خلاصه و جمع‌بندی

در این فصل، ابتدا نکاتی در مورد آمارهای بکار رفته در پژوهش عنوان شد. سپس مدل طراحی شده در فصل چهارم با استفاده از روش اقتصادسنجی حداکثر راستنمایی مورد آزمون واقع گردید. سپس به منظور صحت نتایج بدست آمده حاصل از تخمین مدل‌ها، معیارها و ملاک‌های پردازش مدل مطرح و با بکارگیری این معیارها درستی نتایج مورد تأیید قرار گرفت. همچنین با بکارگیری معیارهای مقایسه‌ای از بین مدل‌های آزمون شده برترین آن‌ها انتخاب شد. براساس نتایج آزمون مدل مذکور مشخص گردید که نایکپارچگی بازارهای مالی، هزینه مبادله و ناکارآمدی بوروکراسی به ترتیب مهم‌ترین عوامل ایجاد اشتغال در بخش غیررسمی و بهره‌وری، نرخ بهره بازار و سرمایه‌گذاری به ترتیب عمده‌ترین عوامل تأثیرپذیر از گسترش این پدیده می‌باشند.

در ادامه به منظور تعیین سری زمانی سهم شاغلین بخش غیررسمی که عمده‌ترین هدف این پژوهش می‌باشد، مقادیر متغیرهای توضیحی برای هر سال در مقدار پارامترهای به دست آمده در معادله ساختاری ضرب و نتایج بدست آمده با هم جمع گردید. مقادیر بدست آمده حکایت از گسترش بخش غیررسمی به خصوص در دهه اخیر داشت. ارقام سری زمانی به دست آمده حکایت از روند فزاینده سهم مذکور داشت. در واقع این سهم با اختصاص بیش از ۳۰ درصد از اشتغال در سال ۱۳۵۱ (نخستین سال مورد بررسی)، پس از افت و خیزهایی، به ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است. سپس سهم مذکور پس از یک تنزل کوتاه مدت دوباره به روند صعودی

خود ادامه داده است. به گونه‌ای که در سال پایانی دوره مورد نظر سهم شاغلین بخش غیررسمی به ۳۸ درصد رسیده است.

همچنین در ادامه به منظور بررسی این روند و با توجه به ساختار نهادی بخش غیررسمی، سهم این بخش به صورت هموار شده نیز مورد بررسی قرار گرفت. گرچه روند هموار شده نیز در هر مقطع زمانی مسیر با فراز و نشیبی را طی نموده است؛ اما نقاط اوج و حوضیض آن در هر مقطع زمانی نسبت به دوره قبل دارای مقادیر بالاتری می‌باشد.

فصل ششم

آموزش عالی و بخش

غیر رسمی

فصل ششم - اشتغال دانش‌آموختگان عالی در بخش غیررسمی

همان‌گونه که در فصل‌های گذشته آمد، بخش غیررسمی - به مفهومی که در این تحقیق به آن توجه شده است - تنها دارای پیامدهای منفی برای اقتصاد نیست و در صورتی که دولت با آن بخش حساب شده و منطقی برخورد کند، می‌تواند در خدمت اقتصاد ملی قرار گرفته و ناکارایی بخش رسمی را در برآوردن اهداف کلان اقتصادی جبران کند. این نکته در اقتصادی مانند اقتصاد ایران که سهم بخش رسمی بالا است و در سه دهه اخیر نیز رو به افزایش بوده است، حائز اهمیت ویژه‌ای است. رشد سریع شهرنشینی در سال‌های پس از انقلاب و نیز انفجار جمعیت و به دنبال آن رشد چشمگیر دانش‌آموختگان عالی نیز از جمله مسائلی است که لزوم توجه ویژه به بخش غیررسمی را دو چندان ساخته است.

بخش غیررسمی در سال‌های پس از انقلاب بخش عمده‌ای از نیروی کار مازاد را جذب کرده است. اکنون نیز که انبوه جمعیت دانش‌آموختگان عالی در حال ورود به بازار کار است، این بخش می‌تواند نقش قابل توجهی را در جذب سهم بالایی از این دانش‌آموختگان بازی کند. تحقق این مهم نیازمند توجه ویژه به بخش غیررسمی و برخورد اثباتی با آن و نیز تسهیل شرایط جذب دانش‌آموختگان به این بخش است. این فصل مروری دارد بر وضعیت دانش‌آموختگان عالی و نقش و ظرفیت‌های بخش غیررسمی در جذب آنان.

۶-۱- جمعیت، اشتغال و آموزش عالی

این بخش نگاهی مختصر به وضعیت جمعیت، اشتغال و نقش و سهم آموزش عالی در آن دارد. این نگاه به پیش‌بینی روندهای یاد شده ختم می‌شود. از آن جا که موضوع و کانون تمرکز و توجه این پژوهش بخش آموزش عالی کشور بوده است، همچنین بدان جهت که مراکز عرضه و عموم کانون‌های جذب نیروهای تعلیم دیده تحت نظام آموزش عالی در شهرها متمرکز است؛ کانون توجه، متغیرهای شهری است و به هنگام لزوم و در حد ضرورت کل کشور مورد اشاره واقع خواهد شد.

۶-۱-۱- جمعیت شهری: حال و آینده

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ کل کشور، جمعیت ایران از ۵۵۸۳۷ هزار نفر در سال ۱۳۷۰ با نرخ رشد متوسط سالانه ۱/۵ درصد به ۶۰۰۵۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. این در حالی است که در همین مدت، جمعیت شهرنشین نرخ رشد قابل ملاحظه ۲,۹ درصدی را تجربه کرده است. به عبارت دیگر متوسط رشد شهرنشین در ایران حدود ۲ برابر رشد جمعیت بوده است. از آن جا که گسترش شهرنشینی و شهرگرایی در ایران چندان ناشی از تکامل روابط، مناسبات و ساختارهای تولیدی و اقتصادی حاصل از توسعه نیست (برخلاف تحولات جمعیتی کشورهای توسعه یافته که رشد شهرنشینی همگام با تحولات توسعه‌ای حرکت می‌کند) نمی‌توان آن را به‌عنوان نشانه‌های تکامل و پویایی اقتصاد در نظر گرفت. پیش‌بینی‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نشان می‌دهد تا سال ۱۳۸۵ جمعیت کل کشور به حدود ۷۰/۳ میلیون نفر بالغ خواهد شد که مناطق روستایی هیچ نقشی در جذب و نگهداشت این اضافه جمعیت در حال تکوین، نسبت به سال ۱۳۷۵ ایفا نخواهند کرد. به عبارت دیگر این بخش شهرنشین جمعیت است که با ورود روزافزون عرضه نیروی کار به حوزه‌های کار و فعالیت روبرو خواهد بود.

روند رشد جمعیت شهری معلول عواملی چون مهاجرت روستاییان، اسکان عشایر در شهرک‌ها و ده‌شهرهای نوین و یا تبدیل تعدادی از نقاط روستایی به شهر است. این اشاره از آن رو است که پاره‌ای از عوامل افزایش شهرنشینی همچون اسکان عشایر و تبدیل روستاها به شهر، قابلیت اثرگذاری بر عرضه نیروی کار دارای تحصیلات عالی را ندارد، در حالی که می‌تواند بر تقاضای این نیرو مؤثر واقع شود. از پیش‌بینی ۷۰/۳ میلیون نفری جمعیت کل کشور در سال ۱۳۸۵ در حدود ۴۷/۳ میلیون نفر در شهرها زندگی خواهند کرد که ضریب ۶۷/۲ درصدی شهرنشینی را

نشان می‌دهد. با استناد به مجموعه دلایل پیش گفته می‌توان انتظار داشت که تورم عرضه نیروی کار دانش‌آموختگان عالی در شهرهایی که امکان تربیت دانش‌آموختگان عالی را دارند، بیش‌تر خواهد بود. به عبارت بهتر ناموزونی شدیدی در عرضه و تقاضای نیروی کار دارای تحصیلات عالی در مناطق شهری پدید خواهد آمد. در عین حال در سال‌های آتی نیز بنا بر مجموعه‌ای از دلایل همچون اشتغال به تحصیل، بی‌نیازی به کار، از کارافتادگی و خانه‌نشینی ارادی گروهی از زنان و همه جمعیت فعال شهری وارد بازار کار نشده و شماری از آنها از چرخه فعالیت دور خواهند ماند. جدول شماره (۶-۱) تحولات جمعیتی دهه‌های پیشین و آتی کشور را نشان می‌دهد.

جدول ۶-۱- تحول جمعیت، نرخ رشد و ضریب شهرنشینی جمعیت کشور

سال	هزار نفر		درصد	نرخ رشد سالانه جمعیت شهرنشین	نرخ رشد سالانه جمعیت کشور
	کل جمعیت	جمعیت شهرنشین			
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸	۱۵۸۵۵	۴۷	۵/۴	۳/۹
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۲۶۸۴۵	۵۴/۳	۵/۴	۳/۹
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷	۳۱۸۳۵	۵۷	۲/۹	۱/۵
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۳۶۸۱۸	۶۱/۳	۲/۹	۱/۵
۱۳۷۸	۶۲۸۱۷	۳۹۷۱۸	۶۳/۲	۲/۷	۱/۶
۱۳۸۰	۶۴۹۰۷	۴۱۸۶۳	۶۴/۵	۲/۷	۱/۶
۱۳۸۳	۶۸۱۶۶	۴۵۱۰۷	۶۶/۲	۲/۴	۱/۶
۱۳۸۵	۷۰۳۳۸	۴۷۲۶۹	۶۷/۲	۲/۴	۱/۶

مأخذ: نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن - سال ۱۳۷۵.

مستندات برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - جلد سوم.

۶-۱-۲- تقاضای نیروی کار حال و آینده

تقاضای نیروی کار از سوی مراکز تولید کالا و عرضه خدمات صورت می‌گیرد. در شرایطی که عرضه نیروی کار بیش از تقاضای آن است، سطح اشتغال و تقاضای نیروی کار برابر است. با توجه به این که چنین شرایطی در ایران نیز وجود دارد، لازم است در تحلیل بازار کار ایران به این نکته توجه شود.

در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۰ تعداد کل شاغلین کشور با نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۲/۲ درصد به ۱۴۵۷۱/۶ هزار نفر بالغ شده است. در همین مدت تولید ناخالص داخلی به طور متوسط سالانه ۴/۱ درصد افزایش یافته است و سرمایه سرانه نیز به طور متوسط سالانه ۵/۹ درصد رشد داشته است. این امر نشان می‌دهد در این دوره تکنیک‌های سرمایه بر رواج بیش‌تری یافته است. افزایش هزینه‌های نیروی کار به واسطه اجرای قانون کار و کاهش هزینه واقعی سرمایه به دلیل غیرواقعی بودن نرخ‌های بهره و ارز می‌تواند از جمله عمده دلایل سوق دادن کارفرمایان به سوی استفاده از روش‌های سرمایه بر تلقی گردد. براساس پیش‌بینی دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تعداد کل شاغلین در سال ۱۳۷۸ به ۱۵۰۵۱/۶ هزار نفر رسیده است که بیانگر متوسط رشد سالانه‌ای برابر ۱/۱ درصد است. با توجه به متوسط رشد سالانه ۴/۴ درصدی سرمایه سرانه

تداوم استفاده از روش‌های سرمایه بر قابل پیش‌بینی است.

بر اساس پیش‌بینی‌های برنامه سوم اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کل کشور، تعداد کل شاغلین از ۱۵۰۵۲ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ به ۱۸۸۷۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، به طور متوسط می‌باید سالانه ۷۶۵/۲ هزار فرصت شغلی جدید در اقتصاد ایجاد گردد. جدول شماره (۶-۲) داده‌های مربوط به اشتغال کشور را نشان می‌دهد.

جدول ۶-۲- اشتغال، سرمایه سرانه و تولید ناخالص داخلی کشور

سال	کل شاغلین (هزار نفر)	سرمایه سرانه* (هزار ریال به نفر)	تولید ناخالص داخلی* (میلیارد ریال)
۱۳۴۵	۷۱۱۶	۴۰۳	۴۰۸۹/۶
۱۳۵۵	۸۷۹۹	۱۴۵۶	۱۳۱۳۱/۴
۱۳۶۵	۱۱۰۰۲	۱۱۸۸	۱۰۶۸۸/۹
۱۳۷۰	۱۳۰۹۷	۱۱۴۰	۱۳۲۶۴/۱
۱۳۷۵	۱۴۵۷۲	۱۵۱۸	۱۶۱۹۲/۳
۱۳۷۸	۱۵۰۵۲	۱۷۳۸	۱۷۴۳۷/۵
۱۳۸۳	۱۸۸۷۸	—	—

نسبت به نرخ رشد جمعیت فعال زنان در این دوره در مقایسه با دوره‌های قبل بیانگر تقویت نقش زنان در بازار کار است.

این کاهش رشد جمعیت فعال در دوره ۱۳۷۵-۱۳۷۰ بیش تر ناشی از گسترش دانشگاه‌ها و افزایش پوشش‌های تحصیلی بوده است. روندی که به هر ترتیب با اتمام دوران تحصیل دانشگاهی افراد، عرضه کار را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد و اثر آن در تغییر ترکیب بیکاران، از بیکاران بی‌سواد یا کم‌سواد به بیکاری نیروهای دارای تحصیلات عالی، خواهد بود.

برآورد جمعیت فعال کشور در سال ۱۳۷۸ رقم ۱۷۹۲۶ هزار نفر را نشان می‌دهد که نسبت به سال ۱۳۷۵ سالانه ۳/۸ درصد رشد یافته است. اما مقایسه رشد جمعیت فعال همراه با رشد جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر (نرخ مشارکت^۲) تصویر دقیق‌تری از بازار کار ایران به وجود خواهد آورد. نرخ مشارکت کل نیروی کار از ۳۸/۱ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۳۵/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. هر چند کاهش نرخ مشارکت در دوره‌های پیش نیز مشاهده می‌شود؛ اما رشد منفی نرخ مشارکت در این دوره بیش تر شده است. این در حالی است که نرخ مشارکت نیروی کار زنان در همین دوره افزایش داشته است. بنابراین نرخ مشارکت نیروی کار، جمعیت فعال و سهم جمعیت فعال زنان از کل جمعیت فعال در سال‌های اخیر برای زنان در حال افزایش و برای مردان در حال کاهش بوده است. لازم به ذکر است نرخ مشارکت نیروی کار طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۸ افزایش یافته است که البته رشد نرخ مشارکت نیروی کار زنان بیش تر از رشد نرخ مشارکت نیروی کار مردان است.

براساس پیش‌بینی‌های برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور عرضه نیروی کار از ۱۷۹۲۶ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ با متوسط رشد ۳/۸ درصد به ۲۱۶۰۲ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش خواهد یافت. بر مبنای این پیش‌بینی‌ها رشد عرضه کار زنان در سال‌های آتی به دلایل اقتصادی و فرهنگی (همچون بالا رفتن سطح تحصیلات و...) از رشد عرضه نیروی کار مردان پیشی خواهد گرفت. شایان ذکر است بر همین اساس نرخ مشارکت نیروی کار نیز از ۳۶ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۳۹ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش خواهد یافت. جدول شماره (۳-۶) وضعیت عرضه بازار کار کشور را نشان می‌دهد.

۲. نرخ مشارکت عبارت است از نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر.

جدول ۶-۳- وضعیت جمعیت فعال کشور

نرخ مشارکت نیروی کار (درصد)	جمعیت فعال (هزار نفر)			سال
	کل	زن	مرد	
۴۶/۱	۷۸۴۱	۱۰۳۳	۶۸۰۸	۱۳۴۵
۴۲/۶	۹۷۹۶	۱۴۴۹	۸۳۴۷	۱۳۵۵
۳۹	۱۲۸۷۵	۱۳۷۰	۱۱۵۰۵	۱۳۶۵
۳۸/۱	۱۴۷۲۹	۱۶۲۹	۱۳۱۰۰	۱۳۷۰
۳۵/۳	۱۶۰۲۷	۲۰۳۷	۱۳۹۹۰	۱۳۷۵
۳۶	۱۷۹۲۶	۲۴۰۹	۱۵۵۱۷	۱۳۷۸
۳۹	۲۱۶۰۲	۳۲۵۱	۱۸۳۵۱	۱۳۸۳

مأخذ: نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن - سال ۱۳۷۵.

مستندات برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - جلد ششم.

۶-۱-۴- بیکاری حال و آینده

در سال ۱۳۷۵ تعداد بیکاران ۱۱۸۴ هزار نفر گزارش شده است. به این ترتیب نرخ بیکاری را ۹ درصد برآورد می‌کنند که نسبت به سال ۱۳۷۰ با کاهشی معادل ۲ درصد روبه‌رو بوده است. کاهش نرخ بیکاری در سال ۱۳۷۵ بیش‌تر ناشی از رشد ناچیز عرضه نیروی کار به جهت گسترش دانشگاه‌ها و افزایش پوشش تحصیلی بوده که منجر به کاهش نرخ مشارکت نیروی کار شده است. ولی با رشد بالای عرضه نیروی کار از یک سو و رشد ناچیز تقاضای نیروی کار از سوی دیگر طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۷۸ تعداد بیکاران در سال ۱۳۷۸ به ۲۸۷۴ هزار نفر و نرخ بیکاری به ۱۶ درصد رسید.

پیش‌بینی‌های برنامه سوم اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی کشور حاکی از آن است که در صورت تحقق برآوردهای عرضه و تقاضای نیروی کار، نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۳ به ۱۲/۶ درصد کاهش خواهد یافت. جدول شماره (۶-۴) این تغییرات را نشان می‌دهد.

جدول ۶-۴- وضعیت بیکاری کشور

سال	(هزار نفر)			(درصد)
	عرضه نیروی کار	تقاضای نیروی کار	بیکاران	
۱۳۴۵	۷۸۴۱	۷۵۵۷	۲۸۴	۳/۶
۱۳۵۵	۹۷۹۶	۹۴۴۳	۳۵۳	۳/۶
۱۳۶۵	۱۲۸۷۵	۱۱۰۵۶	۱۸۱۹	۱۴/۱
۱۳۷۰	۱۴۷۲۹	۱۳۰۹۶	۱۶۳۳	۱۱/۱
۱۳۷۵	۱۶۰۲۷	۱۴۵۷۱	۱۴۵۶	۹/۱
۱۳۷۸	۱۷۹۲۶	۱۵۰۵۲	۲۸۷۴	۱۶
۱۳۸۳	۲۱۶۰۲	۱۸۸۷۸	۲۷۲۴	۱۲/۶

مأخذ: نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن - سال ۱۳۷۵.

مستندات برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - جلد ششم.

۶-۲- اشتغال نیروی کار دارای تحصیلات عالی

دانش آموختگان عالی به عنوان سرمایه‌های انسانی هر کشور به شمار می‌آیند و اشتغال این نیروهای متخصص است که بازدهی سرمایه‌های انسانی را تعریف می‌کند. به تعبیر دیگر به کارگیری نیروهای کار متخصص و با کیفیت دارای تحصیلات عالی، در بخش‌هایی که ناهمسانی قابل ملاحظه‌ای میان تخصص نیروی کار، فن‌آوری و مقیاس تولید وجود دارد، منجر به اتلاف منابع ملی و استهلاک سرمایه‌های انسانی می‌گردد. این امر همبستگی بالایی با میزان عرضه و تقاضای نیروی کار متخصص دارد. در این قسمت، ترکیب و ساختار اشتغال در بازار کار دانش آموختگان عالی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۶-۲-۱- تقاضای نیروی کار دارای تحصیلات عالی

تعداد شاغلان دارای تحصیلات عالی در سال ۱۳۷۰ در حدود ۷۳۰/۸ هزار نفر بوده است که ۵/۶ درصد کل شاغلان را تشکیل می‌داد. نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد تعداد این شاغلان به ۱۴۰۲/۶ هزار نفر و سهم این نیروها از کل اشتغال به ۹/۶ درصد افزایش یافته است. برآوردها برای شاغلان دارای تحصیلات عالی این تعداد را در سال ۱۳۷۸ در حدود ۱۶۰۰ هزار نفر نشان می‌دهد که سهم این دانش آموختگان را از کل اشتغال به ۱۰/۶ درصد افزایش می‌دهد. این نسبت در مقایسه با کشورهای در حال توسعه‌ای مانند کره جنوبی بسیار پایین است.

این پدیده از آن رو است که از یک سو نظام آموزش عالی، نیروهای با کیفیت بالا و مطابق با نیازهای بازار کار را تربیت نمی کند و از سوی دیگر به دلیل فقدان شرایط رقابتی، بخش خصوصی نیازی به استخدام نیروی کار دارای تحصیلات عالی نمی بیند، به گونه ای که عمده نیروی انسانی دارای تحصیلات عالی در بخش خدمات عمومی و اجتماعی که به طور غالب چهره دولتی دارند، شاغل می شوند. این ترکیب در جدول شماره (۶-۵) نشان داده شده است. بنابر پیش بینی های برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تعداد کل شاغلان دارای تحصیلات عالی از ۱۵۹۹ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ به حدود ۲۴۷۳ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش خواهد یافت. به بیان دیگر در طول برنامه سوم ۸۷۳ هزار فرصت شغلی برای این گروه از شاغلان ایجاد خواهد شد و در آن صورت سهم شاغلان به دارای تحصیلات عالی ۱۳/۱ درصد در سال پایانی برنامه افزایش خواهد یافت. اما در این پیش بینی ها نیز سهم شاغلان دارای تحصیلات عالی در بخش خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانوادگی بیش از سایر بخش ها خواهد بود.

جدول ۶-۵- ترکیب بخشی شاغلان دارای تحصیلات عالی

بخش	۱۳۷۵		۱۳۷۸		۱۳۸۳	
	تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم
کشاورزی	۱۶	۱/۱	۲۷	۱/۷	۷۴	۱/۴
صنعت	۱۶۹	۱۲	۱۸۳	۱۱/۴	۲۳۰	۹/۳
خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی	۱۰۵۵	۷۵/۲	۱۱۸۳	۷۴	۱۸۶۶	۷۵/۵
سایر خدمات	۱۶۲	۱۱/۶	۲۰۶	۱۲/۹	۳۰۳	۱۲/۳
جمع	۱۴۰۳	۱۰۰	۱۵۹۹	۱۰۰	۲۴۷۳	۱۰۰

مآخذ: مستندات برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - جلد ششم.

نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵.

نتایج تفصیلی آمارگیری کارگاه های صنعتی کشور ۱۳۷۵.

آمار آموزش عالی ایران - سال های مختلف.

۶-۲-۲- ترکیب شاغلان دارای تحصیلات عالی در نقاط شهری

چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، به دلیل اختلاف فن آوری میان شهر و روستا، همچنین ناهمگونی آموزش های تخصصی با نیازهای روستایی و نیز فراهم نبودن زمینه های جذب سرمایه های انسانی با کیفیت در روستاها، عمده مراکز جذب (اشتغال) شاغلان دارای تحصیلات عالی، نقاط شهری

است. مجموع شاغلان دارای تحصیلات عالی ساکن نقاط شهری در سال ۱۳۷۵ در حدود ۱۲۵۸ هزار نفر بود که ۹۰ درصد شاغلان این گروه را در بر می‌گیرد.

ترکیب شاغلان دارای تحصیلات عالی در شهرها از دیدگاه گروه‌های عمده فعالیت نشان می‌دهد یک درصد از آن‌ها در بخش کشاورزی؛ ۱۲/۷ درصد در بخش صنعت، معدن و ساختمان؛ و ۸۶/۳ درصد در بخش فعالیت‌های خدماتی (۷۴/۱ درصد در بخش فعالیت‌های اجتماعی، شخصی و خانوادگی؛ و ۱۲/۲ درصد در سایر فعالیت‌های خدماتی) اشتغال دارند. چنانکه انتظار می‌رفت به دلایل پیش گفته، بخش‌های تولید کالا (کشاورزی و صنعت) قادر به جذب نیروهای متخصص نمی‌باشند و در مقابل، نیروی کار دارای تحصیلات عالی در بخش خدماتی به ویژه در فعالیت‌های اجتماعی، شخصی و خانوادگی متمرکز شده‌اند. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ حاکی از آن است که از مجموع شاغلان دارای تحصیلات عالی شهری ۱۰۰۳ هزار نفر را مزد و حقوق بگیران بخش عمومی تشکیل می‌دهند و اگر به این تعداد ۴ هزار نفر شاغلان بخش تعاونی را نیز بیفزاییم، سهم شاغلان در بخش دولتی و تعاونی کمی بیش از ۸۰ درصد نیروهای کار دارای تحصیلات عالی در شهرها خواهد بود. به عبارت دیگر کانون جذب چنین شاغلانی بخش عمومی است و بخش خصوصی کم‌تر تمایل یا امکان بهره‌گیری این سرمایه‌های انسانی را داشته است.

۶-۲-۳- عرضه نیروی کار دارای تحصیلات عالی

به واسطه نقشی که نیروهای کار دارای تحصیلات عالی در روند توسعه کشور می‌توانند داشته باشند، عرضه چنین نیروهایی اهمیت بسزایی دارد. عرضه نیروی کار دارای تحصیلات عالی (تعداد دانش‌آموختگان عالی) در سال ۱۳۷۰ در حدود ۷۸۸ هزار نفر بوده است که با رشد متوسط سالانه ۱۳/۱ درصد به ۱۴۶۱ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ بالغ گردیده است. این در حالی است که رشد عرضه کل نیروی کار در همین دوره ۱/۷ درصد بوده است. به عبارت دیگر رشد عرضه نیروی کار دارای تحصیلات عالی به مراتب پرشتاب‌تر از رشد عرضه کل نیروی کار است. این بدان معنی خواهد بود که ترکیب عرضه نیروی کار در بازار با روندی پرشتاب در حال تغییر به نفع نیروی کار متخصص است که در صورت عدم برنامه‌ریزی شایسته جهت جذب چنین نیروهایی به اتلاف منابع سرمایه انسانی و تغییر ترکیب نرخ بیکاری از بیکاران بی‌سواد یا کم‌سواد به بیکاران دارای تخصص خواهد انجامید. هرچند سرریزهای مثبت این روند بر متغیرهای اجتماعی، سیاسی و

فرهنگی مقوله‌ای است که بررسی آن در این مجال نمی‌گنجد.

پیش‌بینی‌های برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نشان از آن دارد که عرضه نیروی کار دارای تحصیلات عالی از ۱۳۸۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ به ۲۹۴۲ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش خواهد یافت. اگر پیش‌بینی‌های تقاضای کار برای نیروهای دارای تحصیلات عالی تحقق یابند آن گاه نرخ بیکاری در بازار کار این گروه تغییر چشمگیری نیافته و تنها با ۰/۷ درصد افزایش از ۱۵/۲ درصد به ۱۵/۹ درصد خواهد رسید. لازم به ذکر است نرخ بیکاری دارندگان مدارک دانشگاهی طی سال‌های پس از انقلاب برخلاف روندهای پیش از آن، کم‌تر از نرخ بیکاری کل کشور بوده است. اما پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی با توجه به سیاست‌های کاهش تصدی‌گری بخش دولتی به همراه عدم توانایی و تمایل بخش خصوصی در جذب دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها از یک سو و افزایش تعداد دانش‌آموختگان از سوی دیگر، نرخ بیکاری دارندگان مدرک دانشگاهی بالاتر از نرخ بیکاری کل کشور قرار بگیرد. جدول شماره (۶-۶)

تغییرات بازار نیروی کار دارای تحصیلات عالی را نشان می‌دهد.

جدول ۶-۶- وضعیت بازار کار نیروی کار دارای تحصیلات عالی کل کشور

سال	(هزار نفر)			(درصد)
	عرضه نیروی کار	تقاضای نیروی کار	بیکاران	
۱۳۴۵	۷۷	۷۴	۳	۳/۹
۱۳۵۵	۲۹۸	۲۶۸	۳۰	۱۰/۱
۱۳۶۵	۵۳۰	۴۹۷	۳۳	۶/۲
۱۳۷۰	۷۸۸	۷۳۱	۵۷	۷/۲
۱۳۷۵	۱۴۶۱	۱۴۰۲	۵۹	۴
۱۳۷۸	۱۸۸۵	۱۵۹۹	۲۸۶	۱۵/۲
۱۳۸۳	۲۹۴۲	۲۴۷۳	۴۶۹	۱۵/۹

مآخذ: نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن - سال ۱۳۷۵.

مستندات برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - جلد ششم.

آمار آموزش عالی ایران - سال‌های مختلف.

۶-۳- آموزش عالی و بخش غیررسمی شهری

در ابتدای فصل نشان داده شد که افزایش تعداد دانش‌آموختگان عالی در دوره اخیر، از جمله ویژگی‌های بازار کار ایران بوده است. پیامد این امر می‌تواند افزایش مهارت و تخصص در

شاغلان بخش‌های مختلف باشد که نتیجه نهایی آن افزایش بهره‌وری کار، ارتقای تکنولوژی و در نهایت افزایش تولید ملی خواهد بود. اما همراه با چنین نویدهایی نگرانی‌های دیگری در مورد عدم جذب دانش‌آموختگان مذکور و در نهایت بیکاری قشر تحصیلکرده، بروز کرده است. این مورد زمانی نگران‌کننده‌تر خواهد شد که مشخص گردد چه حجمی از منابع و سرمایه‌های ملی صرف تربیت و آموزش این بخش از بازار کار گردیده است.

در ادبیات معمول بازار کار، عرضه نیروی انسانی تحصیلکرده را تابعی از اختلاف دستمزد بین دانش‌آموختگان و دستمزد سایر مشاغل می‌دانند. بنابراین هر قدر اختلاف دستمزد و درآمد بین شاغلین دارای تحصیلات عالی و سایر شاغلین افزایش یابد، عرضه نیروی کار دارای تحصیلات عالی افزایش می‌یابد.

در ایران، با توجه به کمبود نیروی انسانی متخصص، رشد یکباره بخش دولتی و تقاضای گسترده این بخش برای نیروهای تحصیلکرده، به طور سنتی همواره دستمزد نیروی کار تحصیلکرده از سایر کارکنان بالاتر بوده است. این مورد در بخش عمومی جلوه بیش‌تری داشته است. همان‌گونه که در ابتدای فصل نیز نشان داده شده است، سهم قابل توجهی از نیروی کار دارای تحصیلات عالی (حدود ۷۹ درصد) جذب بخش عمومی شده و این بخش همواره بهترین منبع تمرکز دانش‌آموختگان عالی بوده است. براین اساس، بیکاری دانش‌آموختگان عالی در ایران تا حدود زیادی تحت تأثیر اشتغال‌زایی بخش عمومی برای نیروهای تحصیلکرده است.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود، آن است که بین بخش غیررسمی و دانش‌آموختگان عالی چه ارتباطی برقرار می‌باشد. گفته شد که از دلایل عمده شکل‌گیری بخش غیررسمی، **پایین بودن سطح مهارت و کوچک بودن مقیاس سرمایه‌گذاری** است. این امر موجب شکل‌گیری فعالیت‌هایی در پهنه اقتصادی می‌گردد که به لحاظ ماهیت آن‌ها، امکان شناخت دقیق‌شان برای سیاستگذاران اقتصادی وجود ندارد. بنابراین بخش غیررسمی ملازم با پایین بودن سطح مهارت و سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. در مجموع، این نگرش وجود دارد که: **نیروی انسانی فاقد تخصص که امکان حضور در بخش رسمی را پیدا نکرده است، موجبات گسترش بازار کار غیررسمی شهری را فراهم می‌سازد.**

اما باید بدین نکته توجه داشت که عبارت فوق، گزاره پیشینی در مورد نسبت نیروی کار ماهر و بخش غیر رسمی است. بدین معنی که در زمان مبدأ (قبل از پیدایش یا گسترش بخش غیررسمی

شهری) و با فرض ثبات سایر عوامل، چنین ارتباطی وجود دارد. اما چنین ارتباطی از منظر پسینی نیز قابل بررسی است. یعنی آن که در شرایط وجود بخش غیررسمی، در صورت تزریق نیروی انسانی ماهر به این بخش، امکان بهبود نقاط منفی این بخش همچون بهره‌وری و ارزش افزوده پایین و... فراهم می‌گردد، ضمن آن که چنانچه برای بخش غیررسمی درجه بندی قائل باشیم، درجه غیررسمی بودن کاهش می‌یابد. به دیگر سخن، ورود دانش‌آموختگان عالی به بخش غیررسمی می‌تواند این بخش را ارتقا دهد.

از این بحث می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه انسانی قادر است نقش مهمی در عملکرد بخش غیررسمی و به تبع آن اقتصاد ملی ایفا نماید. اکنون پرسشی که در این جا مطرح می‌شود آن است که دانش‌آموختگان عالی به عنوان سرمایه‌های انسانی و نیروی کار ماهر با بخش غیررسمی چه ارتباطی دارند.

پیش از ورود به این بحث، اشاره به یکی از ویژگی‌های بخش غیررسمی ضروری به نظر می‌رسد و آن کسب مهارت خارج از سیستم رسمی آموزش است. این بدان معنی است که سرمایه‌های انسانی ایجاد شده در سیستم رسمی آموزش هماهنگ و متناسب با روش‌ها و تکنیک‌های به کار گرفته شده در بخش غیررسمی نمی‌باشد. لذا به نظر می‌رسد دانش‌آموختگان عالی، کم‌تر جذب این بخش می‌شوند یا این که در صورت جذب، شغل آن‌ها در راستای آموخته‌هایشان نیست. اما از این نکته نیز نباید غفلت کرد که چنانچه سیاست‌گذاری‌های اقتصاد کلان و آموزش عالی، سرمایه‌های انسانی موردنیاز این بخش را فراهم سازد، آن گاه بخش غیررسمی و به تبع آن اقتصاد ملی از فواید آن بسیار بهره خواهد جست. با وجود این، به نظر می‌رسد تسهیل جذب دانش‌آموختگان عالی به بخش غیررسمی با وضعیت کنونی نیز بتواند به ارتقای بخش غیررسمی از یک سو و کاهش بیکاری دانش‌آموختگان عالی از سوی دیگر، یاری رساند. در ادامه براساس برآوردهای انجام گرفته در فصل سوم، به وضعیت دانش‌آموختگان عالی بخش غیررسمی پرداخته خواهد شد.

۶-۲-۱- وضعیت دانش‌آموختگان بخش غیررسمی براساس معیار مالیات

از راه‌های برآورد بخش غیررسمی شهری، تفکیک بازار کار شهری براساس معیار مالیات است که در فصل سوم براساس نمونه‌گیری در آمد - هزینه خانوار صورت پذیرفت. براساس آمار مذکور سهم بخش غیررسمی از بازار کار شهری حدود ۵۲ درصد است. به عبارت دیگر از مجموع

۱۳۲۷۰ نفر شاغل نمونه گیری شده در این پرسشنامه براساس شاخص مالیات، ۶۹۷۳ نفر در بخش غیررسمی فعالیت دارند. مطالعه وضعیت دانش آموختگان عالی نیز در این پرسشنامه حاوی نتایج ارزشمندی است. در جدول (۶-۷) سهم دانش آموختگان عالی در بازار کار شهری، در سال ۱۳۷۵ نشان داده شده است.

جدول ۶-۷- وضعیت دانش آموختگان در بازار کار شهری (۱۳۷۵)

دانش آموختگان		تعداد شاغلین	بخش
تعداد	سهم (درصد)		
۹۱۴	۱۴/۵	۶۲۹۷	رسمی
۲۱۵	۳/۰۸	۶۹۷۳	غیررسمی
۱۱۲۹	۱۸/۵	۱۳۲۷۰	بازار کار شهری

همان گونه که ملاحظه می شود، سهم دانش آموختگان عالی بخش رسمی از کل اشتغال ۱۴/۵ درصد است که این رقم برای بخش غیررسمی ۳/۰۸ درصد می باشد. با توجه به سهم ۸/۵ درصدی دانش آموختگان عالی از کل اشتغال شهری، می توان نتیجه گرفت بخش غیررسمی توانایی جذب دانش آموختگان عالی را ندارد. این نمونه گیری نشان می دهد که حدود ۵۸ درصد دانش آموختگان، در بخش عمومی جذب گردیده اند که گویای آن است که بخش عمومی بزرگ ترین جذب کننده نیروهای تحصیل کرده بوده و بخش خصوصی آمادگی یا توانایی لازم برای جذب درصد بالایی از دانش آموختگان را ندارد.

در جدول (۶-۸) وضعیت شغلی نیروهای تحصیل کرده در بخش غیررسمی نشان داده شده است.

جدول ۶-۸- ترکیب دانش آموختگان شاغل در بخش غیررسمی به تفکیک وضعیت شغلی

وضعیت شغلی	تعداد	سهم (درصد)
کارفرما	۵۱	۲۳
کارکن مستقل	۱۰۱	۴۷
مزد و حقوق بگیر خصوصی	۶۳	۳۰
جمع	۲۱۵	۱۰۰

حضور بخش قابل ملاحظه‌ای (حدود ۴۷ درصد) از دانش‌آموختگان عالی در بنگاه‌های شخصی، می‌تواند نشانگر کمبود سرمایه برای شاغلان این گروه بخش باشد که با اتخاذ تدابیر سیاستی مناسب و ایجاد تسهیلات لازم می‌توان از سرمایه انسانی موجود، استفاده بهتری در اقتصاد ملی برد. همان‌گونه که ملاحظه شد، آمار پرسشنامه‌ای درآمد-هزینه خانوار نیز نشان داد که سهم دانش‌آموختگان عالی در بخش غیررسمی بسیار پایین‌تر از متوسط بازار کار شهری و بخش رسمی شهری است. در فصل دوم نیز عنوان گردید که پایین بودن سرمایه فیزیکی و انسانی از عوامل اصلی شکل‌گیری بخش غیررسمی است، از این رو عدم جذب نیروهای تحصیل‌کرده به‌عنوان سرمایه‌های انسانی را باید جدی گرفت و دلایل آن را شناسایی نمود و درصدد رفع آن برآمد که در پایان فصل به این مهم پرداخته خواهد شد.

۶-۲-۲- وضعیت دانش‌آموختگان در بخش غیررسمی براساس معیار بیمه درمانی

از منابع دیگر آماری مورد استفاده در بررسی بخش غیررسمی شهری، خصوصیات اقتصادی-اجتماعی خانوار است. این آمار، امکان بررسی بخش غیررسمی را براساس معیار بیمه خدمات درمانی فراهم می‌سازد و بدین علت قابل توجه است. از سوی دیگر امکان شناسایی شاغلین بخش غیررسمی شهری براساس پایه تحصیلات و به ویژه رشته تحصیلی از جمله مزیت‌های پرسشنامه خصوصیات اقتصادی-اجتماعی خانوار است.

چنانچه در فصل سوم عنوان شد، براساس معیار خدمات درمانی، سهم بخش غیررسمی از بازار کار شهری حدود ۴۲ درصد برآورد گردید. در این قسمت به بررسی وضعیت دانش‌آموختگان عالی بر اساس این معیار می‌پردازیم.

در جدول (۶-۹) وضعیت دانش‌آموختگان عالی در بازار کار شهری براساس نمونه‌گیری خصوصیات اقتصادی-اجتماعی خانوار در سال ۱۳۷۴ نشان داده شده است.

جدول ۶-۹- وضعیت دانش‌آموختگان بازار کار شهری براساس معیار بیمه درمانی

دانش‌آموختگان		تعداد شاغلین	بخش
تعداد	سهم (درصد)		
۲۱۳	۱۵/۵	۱۳۷۴	رسمی
۴۹	۵	۹۷۴	غیررسمی
۲۶۲	۱۱/۱	۲۳۴۸	بازار کار شهری

همان طور که ملاحظه می‌شود، سهم دانش‌آموختگان عالی بخش غیررسمی از متوسط نمونه یعنی ۱۱/۱ درصد و همچنین از سهم دانش‌آموختگان عالی بخش رسمی یعنی ۱۵,۵ درصد پایین‌تر است که حاکی از عدم جذب دانش‌آموختگان عالی در بخش غیررسمی است. نگاهی به وضعیت رشته‌های تحصیلی که جذب بخش غیررسمی شده‌اند در شناخت بیش‌تر وضعیت سرمایه انسانی این بخش راهگشا است. از کل ۴۹ نفر دانش‌آموختگان عالی ۱۲ نفر در رشته‌های مترجمی، الهیات و ادبیات (۲۴,۴ درصد)، ۱۱ نفر در رشته‌های بازرگانی و اقتصاد (۲۲/۴ درصد)، ۱۰ نفر در علوم طبیعی (۲۰ درصد)، ۵ نفر فارغ‌التحصیلان فنی (۱۰ درصد)، ۸ نفر پزشکی و دامپزشکی و ۳ نفر فارغ‌التحصیلان کشاورزی حضور دارند. به نظر می‌رسد بیش‌تر این دانش‌آموختگان از رشته‌هایی می‌باشند که در سال‌های اخیر، امکان جذب آن در بخش عمومی (رسمی) پایین بوده و لذا ناگزیر در بخش غیررسمی جذب شده‌اند. بدیهی است در چنین شرایطی، جذب دانش‌آموختگان عالی به معنی افزایش در کارایی و بهره‌وری این بخش نمی‌باشد. بلکه بدین معنی است که محصولات بخش آموزش عالی کشور، مطابق با نیازهای بخش غیررسمی تولید نشده است.

به هر حال، مهم‌ترین نتیجه این قسمت می‌تواند عدم جذب دانش‌آموختگان عالی در بخش غیررسمی و عدم برنامه‌ریزی نظام آموزش عالی برای حداقل ۴۵ درصد از بازار کار شهری است.

۶-۲-۳- وضعیت دانش‌آموختگان در بخش غیررسمی براساس معیار کارکنان مستقل و فامیلی

یکی از منابع آماری بررسی بخش غیررسمی شهری اطلاعات مربوط به سرشماری جمعیت در سال ۱۳۷۵ است. همان‌گونه که در فصل قبل مشاهده گردید، از این آمار به سه طریق در برآورد بخش غیررسمی استفاده شد. در حالت اول حد پایین بخش غیررسمی برآورد گردید و نشان داده شد که براساس تعداد کارکنان مستقل، کارکنان فامیلی و فعالیت‌های نامشخص، حداقل سهم بخش غیررسمی شهری ۳۳ درصد برآورد می‌شود. اکنون با استفاده از این برآورد به بررسی وضعیت دانش‌آموختگان عالی می‌پردازیم.

در جدول (۶-۱۰) آمار مربوط به شاغلین بازار کار شهری، به تفکیک تحصیلات و وضع شغلی نشان داده شده است. ستون‌های دوم، چهارم و هفتم جدول، بخش غیررسمی را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، از ۸۷۹۹ هزار نفر شاغل شهری ۱۲۵۷ هزار نفر دارای تحصیلات

عالی می‌باشند. به عبارت دیگر ۱۴/۲ درصد بازار کار شهری را شاغلین دارای تحصیلات عالی تشکیل می‌دهند. از این تعداد ازدانش‌آموختگان یعنی ۱۲۵۷ هزار نفر، ۱۰۶/۸ هزار نفر (حدود ۸/۵ درصد) در چارچوب بخش غیررسمی (کارکنان مستقل، کارکنان فامیلی و سایر اظهار نشده) فعالیت می‌کنند که در مقایسه با ۲۹۴۷ هزار نفر شاغل بخش غیررسمی (حد پایین بخش غیررسمی) نشان می‌دهد که سهم دانش‌آموختگان عالی از بازار کار غیررسمی شهری حدود ۳/۱ درصد است که در مقایسه با سهم آنان در کل بازار کار شهری (حدود ۱۴ درصد) بسیار پایین است. این در حالی است که سهم شاغلین دارای تحصیلات عالی در بخش رسمی شهری بالغ بر ۱۹/۶ درصد است که نشان می‌دهد بخش غیررسمی در جذب دانش‌آموختگان عالی تمایل زیاد یا توان بالایی ندارد. این امر چندان غریب به نظر نمی‌رسد، زیرا که بزرگ‌ترین جذب‌کننده نیروهای دارای تحصیلات عالی، بخش دولتی و عمومی است (حدود ۸۰ درصد دانش‌آموختگان بازار کار شهری) که به طور قطع جزء بخش رسمی محسوب می‌شود. حدود ۱/۶ درصد از دانش‌آموختگان نیز جذب بخش رسمی خصوصی شده‌اند. به نظر می‌رسد، در اقتصاد ایران، به طور کلی بخش خصوصی در جذب دانش‌آموختگان با مشکل مواجه است، ضمن آن که این مشکلات برای بخش غیررسمی شهری (که ماهیتاً خصوصی است) بیش‌تر است.

جدول ۶-۱۰- ترکیب شاغلین شهری به تفکیک تحصیلات براساس سرشماری جمعیت سال ۱۳۷۵

شاغلین شهری	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌بگیران	کارکنان فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق‌بگیران بخش تعاونی	اظهار نشده	کل شاغلین
ابتدایی	۱۱۲۸۴۰	۷۷۰۱۸۲	۵۸۱۲۹۱	۳۲۷۵۸	۴۶۰۷۶۱	۸۳۴۳	۶۱۵۱۶	۲۰۲۷۶۹۱
راهنمایی	۶۵۱۵۶	۵۱۱۴۳۵	۵۳۹۰۵۵	۳۷۶۴۵	۵۱۳۹۶۰	۷۰۷۷	۶۹۱۷۰	۱۷۴۳۴۹۸
متوسطه	۱۰۰۷۴۷	۴۷۷۶۹۹	۳۷۰۵۸۷	۱۶۷۱۳	۱۱۲۳۸۰۲	۱۱۶۱۲	۷۶۱۳۲	۲۱۷۷۲۹۲
پیش‌دانشگاهی	۸	۶۹	۱۲۶	۴۶	۵۱۸	۲	۷۲	۸۴۱
دارای تحصیلات عالی	۳۷۲۹۲	۶۳۳۳۱	۱۰۶۷۶۷	۱۱۱۰	۱۰۰۲۵۲۹	۴۲۷۱	۴۲۴۵۰	۱۲۵۷۷۵۰
حوزه‌های علمیه	۴۱۰	۵۰۴۷	۳۳۱۵	۵۰	۱۱۲۶۴	۱۱۳	۸۲۶	۲۱۰۲۵
سوادآموزی	۸۹۸۶	۸۷۸۲۸	۶۶۹۱۷	۸۱۸۱	۷۴۹۸۹	۱۱۴۰	۷۲۱۹	۲۵۵۲۶۰
غیررسمی	۱۱۵۱۲	۸۵۷۹۲	۳۵۹۹۲	۳۹۷	۱۶۹۰۷	۴۹۳	۳۹۲۰	۱۵۵۰۱۲
اظهار نشده	۱۶۱۲	۸۹۷۸	۷۰۰۵	۳۵۴	۱۹۰۰۲	۱۶۵	۳۰۶۶	۴۰۱۸۲
بی‌سواد	۴۶۱۷۵	۵۲۴۴۸۳	۳۶۷۸۰۹	۱۵۶۳۹	۱۲۸۳۲۰	۳۴۴۸	۳۴۹۹۸	۱۱۲۰۸۷۲
جمع	۳۸۴۷۳۸	۲۵۳۴۸۴۳	۲۰۷۸۸۶۴	۱۱۲۸۹۳	۳۳۵۲۰۵	۳۶۶۶۴	۲۹۹۳۶۹	۸۷۹۹۴۲۳

در این جا لازم به توضیح است که متأسفانه به دلیل تنگنای آماری، بررسی وضعیت دانش‌آموختگان عالی در دو برآورد دیگر امکان‌پذیر نبود. در ادامه با استفاده از منابع آماری دیگر به بررسی وضعیت دانش‌آموختگان عالی پرداخته خواهد شد.

۶-۲-۴- وضعیت دانش‌آموختگان عالی در کارگاه‌های صنعتی

بررسی وضعیت دانش‌آموختگان عالی در بخش غیررسمی را می‌توان از طریق سرشماری کارگاه‌های صنعتی کم‌تر از ده نفر کارکن دنبال کرد. در سده‌های اخیر رشد و ارتقای علوم در زمینه‌های مختلف و تسلط هر چه بیش‌تر انسان بر طبیعت از گام‌های اصلی صنعتی شدن بوده است. این رویداد زاینده افزایش مهارت‌های انسانی و تبلور آن در فن‌آوری و در نهایت ماشین‌آلات و تجهیزات بوده است. از این رو، نیروی انسانی ماهر و توانمند همراه با ماشین‌آلات پیشرفته از ویژگی‌های فعالیت‌های صنعتی در دنیای کنونی است. اما از این نکته نباید غافل شد که در دنیای پیشرفته، توانمندی‌های نیروی انسانی مقدم بر ماشین‌آلات مجهز بوده است. اما در جهان در حال توسعه، عکس این موضوع مشاهده می‌شود. در دنیای در حال توسعه، ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته عمدتاً وارداتی بوده و سرمایه‌های انسانی، پس از ورود ماشین‌آلات شکل گرفته‌اند. از این رو غالباً در کشورهای در حال توسعه، نیروی انسانی و به طور کلی سرمایه‌های انسانی از وضعیت مساعدی برخوردار نبوده است.

این امر درباره بخش تولیدی غیررسمی کشورهای در حال توسعه بسیار بغرنج‌تر بوده است و از آن جا که این بخش از روش‌های غیررسمی آموزش، مهارت نیروی کار خود را تأمین کرده راری اندک این بخش (از نظر اتکا به منابع داخلی) به نظر می‌رسد این

É Z Å

می‌رسد بهتر آن بود که بخش صنعتی غیررسمی سهم بیش تری را به خود اختصاص می‌داد. اما در این بررسی، عمده مباحث، مربوط به وضعیت دانش‌آموختگان عالی در بخش غیررسمی است. در این راستا به وضعیت دانش‌آموختگان عالی شاغل در کارگاه‌های صنعتی کم‌تر از ده نفر کارکن و مقایسه آن با کارگاه‌های صنعتی بیش‌تر از ده نفر کارکن (بخش رسمی) خواهیم پرداخت.

شایان ذکر است که علی‌رغم سهم اندک صنعت از بازار کار غیررسمی شهری، شناخت وضعیت دانش‌آموختگان عالی در این بخش می‌تواند حاوی نکات ارزنده‌ای باشد، زیرا با توجه به نیاز بیش‌تر فعالیت‌های صنعتی به نیروی کار ماهر در مقایسه با سایر فعالیت‌ها، می‌توان انتظار داشت که برآورد جذب دانش‌آموختگان عالی در بخش صنعت بالاتر از کل بخش غیررسمی شهری باشد.

در جدول (۶-۱۱) وضعیت شاغلین کارگاه‌های صنعتی به تفکیک تحصیلات نشان داده شده است.

جدول ۶-۱۱- وضعیت دانش‌آموختگان در کارگاه‌های صنعتی

کارگاه‌های صنعتی	بی‌سواد تادپلم		بالاتر از دیپلم		جمع
	تعداد	سهم (درصد)	تعداد	سهم (درصد)	
بین ۱ تا ۱۰ نفر	۷۶۴۰۰۰		۱۵۸۵۸	۲	۷۷۹۸۵۸
بین ۱۰ تا ۴۹ نفر	۱۸۴۳۵۸		۱۳۵۱۵	۷/۳	۱۹۷۸۷۳
بیش از ۵۰ نفر	۵۹۳۹۹۴		۵۳۶۶۷	۸/۲	۶۴۷۶۶۱
کل	۱۵۴۲۳۵۲		۸۳۰۴۰	۵	۱۶۲۵۳۹۲

همان‌طور که از جدول ملاحظه می‌شود، سهم دانش‌آموختگان عالی از کل شاغلین کارگاه‌های صنعتی برابر ۵ درصد است، این در حالی است که همین سهم برای کارگاه‌های صنعتی کم‌تر از ده نفر کارکن ۲ درصد است که در مقایسه با کارگاه‌های صنعتی بین ۱۰ تا ۴۹ نفر و بیش از ۵۰ نفر کارکن یعنی ۷/۳ و ۸/۲ درصد، سهم بسیار پایینی است، این مورد نشان می‌دهد که زیربخش تولیدی بخش غیررسمی، توان جذب دانش‌آموختگان عالی مذکور را نداشته است.

نگاهی به توزیع دانش‌آموختگان عالی در بخش غیررسمی نشان می‌دهد که مواد غذایی و آشامیدنی و محصولات فلزی فابریکی با ۱۴/۵ درصد بیش‌ترین جذب دانش‌آموختگان این گروه

را داشته است و سایر محصولات غیرفلزی با ۹ درصد در مکان بعدی قرار دارد. از منظر دیگر، شناخت این که چه حجمی از شاغلان بخش غیررسمی دانش‌آموختگان چه رشته‌ای می‌باشند، می‌تواند حائز اهمیت باشد. از آن جا که حضور دانش‌آموختگان صنعتی، رابطه مستقیم با سطح سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات فنی دارد، سهم دانش‌آموختگان در هر بخش می‌تواند تا حدودی وضعیت ماشین‌آلات و سرمایه‌گذاری را نشان دهد. همان‌طور که در جدول (۶-۱۲) نشان داده شده است، در این جا نیز سهم تکنسین‌ها و مهندسی‌ن در بخش تولیدی غیررسمی در مقایسه با بخش رسمی بسیار پایین است. سهم ۱ درصدی دانش‌آموختگان فعالیت‌های صنعتی در بخش تولیدی غیررسمی در مقایسه با سهم ۴/۴ درصدی کارگاه‌های صنعتی ۱۰ تا ۴۹ نفر و نیز سهم ۷ درصدی کارگاه‌های صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن نشان می‌دهد که بخش غیررسمی در جذب مهندسی‌ن و نیروی کار ماهر موفقیتی نداشته و علت این امر، احتمالاً ناتوانی این بخش در جذب سرمایه و ماشین‌آلات می‌باشد.

جدول ۶-۱۲- وضعیت تکنسین‌ها و مهندسی‌ن در کارگاه‌های صنعتی

جمع	تکنسین‌ها و مهندسی‌ن		سایر کارکنان	کارگاه‌های صنعتی
	تعداد	سهم (درصد)		
۷۶۵۷۴۳	۹۰۹۱	۱	۷۵۶۶۵۲	بین ۱ تا ۱۰ نفر
۱۹۷۸۷۳	۸۸۹۷	۴/۴	۱۸۸۹۷۶	بین ۱۰ تا ۴۹ نفر
۶۴۷۶۶۱	۴۵۷۶۳	۷	۶۰۱۸۹۹	بیش از ۵۰ نفر
۱۶۱۱۲۷۸	۶۳۷۵۱	۴	۱۵۴۷۵۲۷	کل

فصل هفتم

خلاصه، جمع بندی، نتیجه گیری

و

پیشنهادات

فصل هفتم - خلاصه، جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادات

ساماندهی بازار نیروی کار و ارتقاء و بهبود عملکرد آن در هر کشوری در گرو برنامه ریزی و سیاستگذاری صحیح و دقیق است. در ایران، بالا بودن نرخ رشد جمعیت، جوان بودن جمعیت، افزایش نرخ مشارکت زنان، مهاجرت وسیع روستائیان به شهرها، همراه با مشکلات و موانع ساختاری اقتصاد؛ شکاف گسترده‌ای را میان عرضه و تقاضای نیروی کار به وجود آورده است به طوری که امروزه مهمترین و اساسی ترین معضلی که گریبانگیر جامعه ما شده، گسترش رو به تزاید بیکاری است که چنانچه چاره‌ای برای رفع آن اندیشیده نشود، تخریب بنیانهای اجتماعی و ایجاد بحرانی عظیم دور از انتظار نخواهد بود.

به نظر می‌رسد با توجه به ساختار جوان جمعیت ایران، مهمترین دغدغه دولت در سالهای آتی ایجاد اشتغال و مهار بحران بیکاری در جامعه خواهد بود. اما نظر به اینکه دولت با محدودیت منابع و اعتبار مواجه می‌باشد ایجاد حجم عظیم اشتغال از توانش خارج است. همچنین بخش خصوصی رسمی و تحت نظارت دولت نیز در سالهای گذشته از آنچنان رشدی برخوردار نبوده که یارای نیز مانعی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ورود سرمایه‌های خارجی است در ایران می‌رسد که بخش رسمی اقتصاد نتواند آنچنان اشتغالزا عمل نماید که پاسخگوی انبوه عرضه نیروی کار باشد.

بر این اساس و با توجه به اینکه کاهش بیکاری باید به واسطه امکانات و منابع داخلی صورت پذیرد و نیز با عنایت به اینکه بخش غیررسمی، بخشی است متکی بر منابع داخلی، بنابراین، این بخش می‌تواند نقش مهمی را در جذب نیروی انسانی ایفا نماید. از این روی شناخت بخش غیررسمی و آگاهی از میزان و روند اشتغال ایجاد شده در این بخش گام نخست برای چنین سیاستی محسوب می‌شود.

همچنین با توجه به گشایشی که در دهه اخیر در ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها ایجاد گردیده و امکان بهره‌مند شدن تعداد بیشتری از جوانان را در سطوح عالی تحصیلات فراهم ساخته است، رشد عرضه نیروی کار دارای تحصیلات عالی با شتابی بیش از رشد کل نیروی کار، در حال حرکت به پیش می‌باشد و این مسأله ترکیب نیروی کار را به سوی افزایش سهم نیروی کار دارای تحصیلات عالی سوق می‌دهد.

از سوی دیگر مطابق شواهد آماری، بزرگترین کانون جذب بخش اعظم نیروی کار دارای تحصیلات عالی تا کنون بخش عمومی بوده و بخش خصوصی تمایل یا امکان بهره‌گیری چندانی را در جذب این گروه از شاغلان نداشته است. از آنجا که دولت قادر و علاقه‌مند به گسترش بخش عمومی - به منظور جذب این بخش از نیروی کار - نمی‌باشد، ترکیب بیکاران موجود نیز به سمت گسترش سهم دانش‌آموختگان عالی متمایل خواهد گردید.

بر این اساس و با توجه به توان بالای بخش غیررسمی در ایجاد اشتغال و سهم پایین اشتغال نیروی کار دارای تحصیلات عالی از کل اشتغال ایجاد شده توسط این بخش، تا کنون از ظرفیت بخش غیررسمی در جذب این بخش از نیروی کار استفاده چندانی صورت نگرفته است.

در صورت فراهم سازی زمینه استفاده از ظرفیت نهفته این بخش در جذب نیروی کار دارای تحصیلات عالی، از یک سو زمینه بهره‌مندی اقتصادی کشور از سرمایه‌های انسانی مزبور - از طریق افزایش کارایی در بخش غیررسمی - فراهم می‌گردد و از سوی دیگر کاهش نرخ بیکاری با شتاب بیشتری حاصل خواهد شد.

اما هر چه بر حجم فعالیت بخش غیررسمی افزوده گردد، به دلیل بی‌اطلاعی دولت نسبت به اندازه، عملکرد و نیز حوزه‌های عمل این بخش، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در بازار کار دچار انحراف می‌شود و اثرگذاری آن‌ها در حوزه مورد نظر، از تورش بیشتری برخوردار خواهد گردید. بر این اساس اتخاذ و اعمال سیاستهای صحیح و معتبر در سطح کلان اقتصاد و موفقیت در

دستیابی به نتایج مورد نظر در این سطح نیز بدون آگاهی از حجم فعالیت‌های این بخش میسر نمی‌گردد.

لذا ضروری است فراهم سازی زمینه جذب دانش آموختگان عالی توسط بخش غیررسمی با اجرای سیاست‌هایی صورت پذیرد که توأم با ارتقاء این بخش به سطح بخش نیمه‌رسمی باشد تا ضمن دستیابی به هدف ایجاد اشتغال، حوزه اثرگذاری سیاست‌های کلان دولت دقیق‌تر شده و امکان هدایت این بخش به سمت رسمی شدن فراهم گردد.

پژوهش حاضر در این راستا، اهداف عمده زیر را مورد بررسی قرار داده است:

۱- ارائه تعریف مشخص از بخش غیررسمی و تحلیل رفتار و ساختار این بخش.

۲- برآورد سهم اشتغال در بخش غیررسمی.

۳- شناسایی مهمترین عوامل مؤثر بر اشتغال بخش غیررسمی.

۴- برآورد روند سهم اشتغال بخش غیررسمی.

۵- نقش بخش غیررسمی در اشتغال دانش آموختگان عالی.

بدین منظور طی شش فصل گذشته، ابتدا، به تعاریف بخش غیررسمی که در ادبیات اقتصادی مطرح می‌باشند، اشاره گردید. کیت هارت، ستورمان، ویکز، مزومدر، دسوتو و... از جمله اقتصاددانانی می‌باشند که بخش غیررسمی را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما از آنجایی که تعاریف مطرح شده هر کدام تنها طیفی از فعالیت‌های غیررسمی را تحت پوشش قرار می‌داد و یا بعضاً همپوشانی داشتند و همچنین به منظور ارائه تعریفی دقیق و حتی المقدور عملیاتی، بر اساس نگرشهای متفاوت، بخش غیررسمی واحدهای فعالی که حداقل بر یکی از معیارهای زیر منطبق باشند، در نظر گرفته شد:

۱- اندازه کوچک.

۲- اندک بودن سرمایه.

۳- حداقل میزان شناسایی.

در ادامه، تأمین کالاهای مورد نیاز گروههای کم درآمد، انتقال مهارت و فن از طریق سیستم کارآموزی و استفاده از پس‌اندازهای شخصی به عنوان مهمترین دلایل اهمیت بخش غیررسمی بیان گردید. فقدان نقدینگی، قیود قانونی و فقدان اطلاعات به عنوان مهمترین موانع ارتقاء این بخش مطرح شدند. بهبود قوانین ثبت، قوانین مالیاتی، قانون کار و همچنین بهبود عملکرد سیستم

تأمین اجتماعی به عنوان راهکارهایی در جهت ارتقاء بهبود عملکرد بخش غیررسمی عنوان گردید.

سپس به منظور برآورد سهم اشتغال در بخش غیررسمی معیارهای متعددی ارائه شد که از آن جمله می‌توان به شش معیار پرداخت مالیات، بیمه درمانی، مقیاس بنگاه، گروه فعالیت، گروه شغلی، و مستقل بودن یا استفاده از کارکنان فامیلی اشاره نمود. بر اساس تمامی این معیارها، بخش غیررسمی حدود نیمی از کل شاغلان کشور را در بر می‌گیرد که سهم قابل ملاحظه‌ای است. به منظور طراحی الگوی اندازه‌گیری اشتغال بخش غیررسمی ایران بر مبنای روش‌شناسی مورد نظر، با توجه به تعریف منتخب این پژوهش و در چارچوب نظریه نهادگرایی؛ هزینه مبادله بالا، ناپیکارچگی بازارهای مالی، ناکارآمدی بوروکراسی و بیکاری به عنوان مهمترین دلایل و عوامل ایجاد اشتغال در بخش غیررسمی معرفی شدند.

همچنین برای لحاظ نمودن آثار گوناگون ایجاد اشتغال در بخش غیررسمی بر حیطه‌های مختلف اقتصاد؛ مصرف، سرمایه‌گذاری، خالص صادرات، نرخ بهره بازار به عنوان متغیرهای طرف تقاضا و متغیرهای اشتغال کل، بهره‌وری، تورم، رشد تولید ناخالص داخلی، به عنوان متغیرهای طرف عرضه در نظر گرفته شدند. و بدین ترتیب الگوی اندازه‌گیری اشتغال بخش غیررسمی تصریح گردید. سپس شاخصهای مناسبی برای معرفی روند متغیرهای استخراج شده در الگو، البته با توجه به محدودیتهای نظام اطلاعات اقتصادی کشور، معرفی شدند.

در ادامه با استفاده از نرم‌افزار لیزرل و با روش حداکثر راسنمایی و برای دوره ۱۳۷۷-۱۳۵۰ تصریح‌های متفاوتی از الگو آزمون گردید. سپس با استفاده از ملاکهای آزمون از بین مدل‌های منتخب، برترین آنها برگزیده شد و با استفاده از اطلاعات بدست آمده سهم شاغلین بخش غیررسمی در طی سالهای مذکور محاسبه گردید. این محاسبات نشان داد که سهم شاغلین بخش غیررسمی گرچه با فراز و نشیب متعددی روبرو بوده ولی در دهه‌های اخیر روند صعودی را طی نموده است. بدین ترتیب هدف دوم این پژوهش که شناسایی مهمترین عوامل مؤثر بر اشتغال بخش غیررسمی تخمین و برآورد سهم شاغلین بخش غیررسمی محقق گردید.

در این پژوهش نه تنها در بستر آزمون تجربی انجام شده، تخمین سهم شاغلین بخش غیررسمی امکانپذیر شد؛ بلکه برآوردهای آماری مؤثر بودن مجموعه عوامل نهادی بر ایجاد اشتغال بخش غیررسمی را مورد تأیید قرار دادند. به گونه‌ای که بر طبق برآوردهای انجام شده -

درصد بالایی از تغییرات سهم شاغلین بخش غیررسمی متأثر از هزینه مبادله، نایکپارچگی بازارهای مالی، و ناکارآمدی بوروکراسی می‌باشد.

در ادامه سنجش نقش بخش غیررسمی در جذب نیروی کار دارای تحصیلات عالی مورد توجه قرار داده شد. مطابق یافته‌های این قسمت، سهم شاغلین دارای تحصیلات عالی در بخش غیررسمی بسیار ناچیز ارزیابی گردیده است. این در حالی است که بخش غیررسمی در سطح کلان اقتصاد سهم قابل توجهی را داراست. بنابراین بخش غیررسمی ظرفیت نهفته‌ای را در ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان عالی داراست که در صورت اجرای سیاست‌های حمایتی از سوی دولت، به فعل رسیدن آن نقش قابل توجهی را در کاهش بیکاری این گروه ایفا خواهد نمود که تداوم آن، نقش ارزنده‌ای را در کاهش بیکاری سالهای آتی در سطح کلان کشور خواهد داشت.

نتایج و پیشنهادها

بر طبق محاسبات انجام شده در این پژوهش، بخش غیررسمی سهم قابل توجه و رو به رشدی از شاغلین را به خود اختصاص داده است؛ از این رو لازم است نظام آماری کشور در جهت پوشش این بخش برنامه‌های خود را اصلاح نماید.

بخش غیررسمی کشور به رغم داشتن سهمی نسبتاً بالا در ایجاد اشتغال، همواره از منابع مالی گسترده دولت بی‌بهره می‌باشد و یا سهم اندکی دارد؛ بنابراین باید دولت در سیاست‌گذاری خویش به خصوص در حوزه سیاست‌های مالی، بخش غیررسمی را مورد حمایت قرار دهد. بخش غیررسمی با تکیه بر امکانات بومی از جمله نیروی کار در ایجاد اشتغال و در نتیجه ایجاد درآمد نقش برجسته‌ای را ایفا می‌نماید، با توجه به این که مهمترین دغدغه دولت ایجاد اشتغال می‌باشد؛ از این رو انجام اصلاحاتی در سیستم مالیاتی، قانون کار و تأمین اجتماعی به نفع بخش غیررسمی، موجه می‌نماید. تا از یک سو در حد امکان بخش غیررسمی در حوزه نظارت دولت قرار گیرد و از سوی دیگر، دولت ایجاد فرصتهای شغلی در این بخش را تسهیل نماید. که البته این امر مستلزم شناخت دقیق بخش غیررسمی و تواناییها و ضعفهای این بخش می‌باشد.

در چارچوب نتایج الگوی آزمون شده ملاحظه شد نایکپارچگی بازارهای مالی و وجود تفاوت و شکاف بسیار در بین نرخ‌های بهره رایج در بازار، زمینه ساز ایجاد اشتغال در بخش غیررسمی و تأسیس بنگاهها با سرمایه اندک شده است. بنابراین به نظر می‌رسد با کاهش قوانین

بوروکراتیک حاکم بر سیستم بانکی کشور و تعیین نرخ بهره به گونه‌ای که با تعادل بین عرضه سرمایه و تقاضای آن متناسب باشد، هم به یکپارچه شدن بازارهای مالی منجر می‌شود و هم باعث می‌شود واحدهای فعال در نرخهای معقول و نزدیک به هم بدون تحمل هزینه‌های اضافی نیازهای سرمایه‌ای خویش را مرتفع نمایند.

بر اساس نتایج تخمین الگو دیدیم که ناکارآمدی بوروکراسی که با استفاده از شاخص رشد هزینه‌های جاری دولت اندازه‌گیری شد بر گرایش نیروی کار به سمت مشاغل بخش غیررسمی مؤثر است؛ از اینرو به منظور اینکه دولت بتواند فعالیتهایی را که در اقتصاد انجام می‌پذیرد تحت نظارت و کنترل خود در آورد، باید منطبق با واقعیتهای اقتصاد به تدوین قوانین اقدام نماید.

به طور خلاصه، نحوه عملکرد دولت خود یکی از عوامل گسترش بخش غیررسمی بوده است. از سوی دیگر مبارزه دولت با بنگاه‌های این بخش، در گذشته، نه تنها مفید نبوده است بلکه باعث دور شدن آنها از حوزه رسمی فعالیت اقتصادی شده است. دولت لازم است به جای مبارزه، به اتخاذ سیاست‌های تسهیل‌کننده ورود به بخش رسمی روی آورد و زمینه‌های ارتقاء بنگاه‌های بخش غیررسمی را فراهم آورد.

در مورد دانش آموختگان عالی، بخش غیررسمی ظرفیتی بزرگ برای جذب نیروی کار این گروه دارد. اما تا کنون، به علت عدم اتخاذ سیاست‌های درست، از این ظرفیت استفاده کافی نشده است. تبدیل سیاست‌های محدود‌کننده ورود به بخش رسمی به سیاست‌های تشویقی جهت جذب دانش آموختگان عالی یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتقاء بخش غیررسمی است. به نظر می‌رسد حداقل فاصله ۱۴ درصدی که سهم دانش آموختگان عالی از اشتغال بخش رسمی است با ۳ درصد سهم آنان در بخش غیررسمی، زمینه بالقوه‌ای است که می‌تواند برای اشتغال دانش آموختگان در بخش غیررسمی مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست
منابع و ماخذ

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی:

- ۱- رنجبری، ابوالفضل. (۱۳۷۷). حقوق کار. چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۲- سانح شیرهای، علی. (۱۳۶۸). بررسی اقتصادسنجی تأثیر عدم کارایی بوروکراسی بر فرآیند تقسیم بودجه کشور ایران با استفاده از اطلاعات آماری (۱۳۶۸-۱۳۵۴). امینی، علیرضا. (۱۳۷۹). برآورد آمارهای سری زمانی اشتغال در اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۷۵. مجله برنامه و بودجه، سال پنجم، شماره ۵۱، صص ۷۶-۳۵.
- ۳- پرمین، راجرز. (۱۳۷۶). سیری در ادبیات همگرایی. ترجمه اکبر توکلی و خدیجه نصراللهی، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۵۷-۱۰۰.
- ۴- توماس، جی. جی.، ریسکاویج، راثول. و سیستو، وینچنزو. (۱۳۷۶). اقتصاد غیررسمی. ترجمه و تلخیص منوچهر نوربخش و کامران سپهری، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- ۵- حسینی، محمدرضا. (۱۳۷۸). تابع مطلوبیت و نقش عوامل مؤثر بر آن در اقتصاد ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ۶- خلعتبری، فیروزه. (۱۳۶۹). اقتصاد زیرزمینی. مجله رونق، سال اول، شماره ۲، صص ۱۸-۱۱.
- ۷- دانش، ابوالحسن. (۱۳۶۳). عوامل گسترش مشاغل کاذب در شهرهای بزرگ. تهران: سازمان برنامه و بودجه، دفتر جمعیت و نیروی انسانی.
- ۸- رنانی، محسن. (۱۳۷۶). بازار یا نابازار؟: بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران. چاپ اول، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- ۹- پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان.
- ۱۰- سلیمانی، مهدی. (۱۳۷۳). بررسی بازار غیر متشکل پول در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش بانکداری ایران، تهران.
- ۱۱- صادقیپور، ابوالفضل. (۱۳۷۷). نظریه‌هایی درباره بوروکراسی ساختارهای

- تشکیلاتی. چاپ چهارم، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۱۲- صرامی، حسین. (۱۳۷۲). مشاغل غیر رسمی: بیکاری، نه کاری، ناکاری. چاپ اول، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۳- طیبیان، محمد. (۱۳۷۱). رانت اقتصادی به عنوان یک مانع توسعه. مجله برنامه و توسعه، دوره ۲، شماره ۳، ص ۲۵.
- ۱۴- عرب مازاریزی، علی. (۱۳۸۰). اقتصاد سیاه در ایران. پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ۱۵- کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۷۹). اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامییز عزیزی، چاپ هفتم، تهران: نشر مرکز.
- ۱۶- کامجو، کامران، شمس، مجید. (۱۳۷۶). شناخت هزینه‌های معاملاتی و بررسی چگونگی کاهش آنها در یک بنگاه تولیدی: مورد شرکت پشم شیشه ایران. پروژه پایان نامه کارشناسی ارشد، سازمان مدیریت صنعتی، تهران.
- ۱۷- گلاس، ج.س.، جانسون، و. (۱۳۷۳). علم اقتصاد: پیشرفت رکود یا انحطاط؟. چاپ اول، ترجمه محسن رنانی، اصفهان: فلاح ایران.
- ۱۸- محمدبیگی، علی اعظم. (۱۳۷۶). جایگاه بخش غیررسمی در اقتصاد ایران. مجله برنامه و بودجه، سال ، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۹۵-۱۱۳.
- ۱۹- نایب، سعید. (۱۳۷۸). بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ۲۰- نورث، داگلاس لی. (۱۳۷۳). دولت و هزینه مبادله در تاریخ. ترجمه علی طوسی اردکانی، مجله برنامه و توسعه، دوره ۲، شماره ۸، ص ۱۳۶-۱۱۷.

منابع انگلیسی:

1. Amin. A.t.M, N. (1987). *The role of the informal sector in economic development: Some evidence from Dhaka, Bangladesh. International Labour Review. Vol. 126 .*
2. Archey, W.T. (Ed.). (1988). *Building constituencies for economic change:change: Report on International conference on the informal*

sector. Washington DC: Center for International Washington DC: Center for International Private Enterprise.

3. Arup Mitra.(1994). Industry, Informal sector Employment and Poverty. The Indian Journal of Labor Economics. vol.37.

4. Brayan Robert. (1994). The Changing Nature of Informal Employment: The case of Mexico; Raeding. toward social Adjustment. Geneva. ILO.

5. Bromley, R. (1990). A new path to development? The Significance and impact of Hernando De Soto's ideas on underdevelopment, prouction, and reproduction. Economic - Geography. Vol.66, PP. 328-348.

6. D.G. Sarte, P. (2000). Informality and rent-seeking bureacracies in a model of long-run growth. Journal of Monetary Economics. Vol.46, PP. 173-197.

7. Hemmer, H., Mannel, C. (1989). On the economic analysis of the urban informal sector. World Development. Vol.17, PP.1543-1552.

8. House, W.J. (1984). Nairobi's informal sector: Dynamic enterpreneurs or surplus labour?. Economic Development and Cultural change. Vol.32.

9. House W.J. (1981). Labour Market Differentation in a Developing Economy: An Example from urban Juba. southern sudan. world Delvopment, Vol 15.

10. ILO/ Jobs and Skills programme for Africa. (1985). Informal sector in Africa, Addis Abeba.

11.ILO. (1976). Growth, Employment and Equity: Acomprhevsive strategy for the sudan. Geneva: ILO.

12. *International Labour Organization. (1972). Employment, incomes and equality: A strategy for increasing productive employment in Kenya. Geneva: ILO.*
13. *International Labour Organization. (1987). Report to Fourteenth Conference of Labour Statisticians. Geneva: ILO.*
14. *International Labour Organization. (1992). Report III: Statistics of employment into informal sector presented in: Fifteenth International conference of Labour Statisticians. Geneva: ILO.*
15. *ILO. (1994). The Informal sector in Latin America; From underground to Legality. Reading toward social adjustment. ILO. PP 141.*
16. *Joshi Heather.(1973). Harold Iubell and Jean Mouly. Abidjan urban Development and Employment in Ivory coast. Geneva: ILO.*
17. *Lubell, H. (1991). The informal sector in the 1980s and 1990s. Paris: OECD Development Center.*
18. *Maldonado, C. (1995). The informal Sector: Legalization or laissez-faire?. International Labour Review. Vol. 134, PP. 106-128.*
19. *Mazumdar, D. (1976). The urban informal sector. World Development. Vol.9.*
20. *Meagher, K. (1995). Crisis, informalization and urban informal sector in sub-saharan Africa. Development and Change. Vol.26, PP. 259-284.*
21. *Mitra, A. (1994). Industry, informal sector employment and poverty. The Indian of Labour Economics. Vol.37, PP. 351-377.*
22. *Morrisson, C., Soligance - Lecompte, H. -B, & Oudin, X. (1994). Micro - enterprises and the institutional frame work in developing countries. Paris:OECD Development Center.*

23. *Morrisson, c. (1995). What institutional frame work for the informal sector. Policy Brief No.10. Paris: OECD Development Center.*
24. *Nihan, G. & Jourdain, R. (1978). The modern informal sector in Nouakchott. International Labour Review. Vol.117, No.6, (1978), PP.706-719.*
25. *Nihan, G., Demol, E. & Jondoh, C. (1979). The modern informal sector in Lome. International Labour Review. Vol.118, No.5, (1979), PP.631-644.*
26. *Ranjan Gupta, M. (1993). Rural-Urban migration, informal sector and development policies. Journal of Development Economics. Vol. 41, PP. 131-157.*
27. *Sethurman, S.V. (Ed). (1981). The urban informal Sector indeveloping Countries: Employment, poverty and environment. Geneva: ILO.*
28. *UN. (1993). System of national accounts. New York: UN Pub.*

ضمائم

ارزش افزوده و انرژی مصرفی کارگاه های صنعتی ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن ۱۳۷۵

بهره دهی انرژی	(هزار ریال) بهره وری کار	(میلیون ریال)		تعداد شاغلان	فعالیت
		انرژی مصرف شده	ارزش افزوده		

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی ۱۳۷۵

فعالیت	کمتر از ده نفر کارکن	۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن	پیش از ۵۰ نفر کارکن	جمع	برآورد پیش غیر رسمی	سرشماری ۱۳۷۵ نقاط شهری	برآورد پیش غیر رسمی (۲)
مواد غذایی و آشامیدنی	۲۰۲۹۶۲	۳۲۲۲۲	۸۹۰۶۲	۳۲۴۲۴۶	۶۲,۶	۲۲۴۲۷۲	۱۴۰۳۸۳
تولید محصولات از توتو ن و تیناکو	.	.	۴۹۷۲	۴۹۷۲	۰,۰	۶۵۴۲	.
تولید نسوجات	۸۱۰۰۷۱	۲۳۶۹۷	۱۲۸۸۹۹	۲۳۳۳۶۷	۳۴,۷	۳۶۸۹۳۹	۱۲۸۰۰۴
تولید پوشاک	۷۷۲۸۷	۴۹۱۴	۵۲۹۵	۱۹۳۸۶۶	۸۸,۳	۱۴۰۸۷۷	۱۲۴۴۱۳
دباغی و عمل آوردن چرم و ...	۲۸۷۰۳	۵۳۷۵	۱۲۷۴۶	۳۶۲۲۴	۶۲,۱	۷۴۰۹۱	۴۶۰۰۷
چوب و محصولات چوبی و ...	۵۱۰۸۰	۲۶۹۵	۷۸۱۲	۸۷۵۸۷	۸۲,۹	۸۲۶۳۱	۶۸۵۳۴
کافت و محصولات کاغذی	۳۴۸۳	۲۷۹۹	۱۱۸۹۲	۱۹۱۷۵	۲۳,۴	۰۰۰	۲۲۳
انتشارات و چاپ و تکثیر ...	۱۰۷۴۲	۴۵۱۷	۶۴۴۸	۲۰۷۰۷	۵۱,۹	۲۶۴۳۱	۱۳۷۱۱
تولید ذغال کک ...	۲۶۶	۷۹۲	۱۵۳۷۷	۱۶۴۳۵	۱,۶	۲۱۳۹۰	۳۴۶
مواد و محصولات شیمیایی	۳۸۹۰	۸۸۱۱	۴۳۵۸	۱۶۰۵۹	۶,۳	۳۱۶۶۴	۳۹۲۸
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۱۲۲۶	۳۱۲۴	۲۰۵۹۱	۱۳۶۹۴۱	۱۸,۱	۷۸۲۹۰	۷۹۵۱
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۶۴۴۲۲	۵۳۳۹۰	۷۸۳۳۶	۱۹۶۱۴۸	۳۲,۸	۱۱۶۱۸۸	۳۸۱۶۰
فلزات اساسی	۶۴۴۵	۴۲۶۵	۶۰۹۰۶	۷۱۶۱۶	۹,۰	۷۱۷۱۵	۶۵۴
محصولات فلزی فابریکی بجز ...	۱۲۳۶۷۰	۱۵۵۷۱	۲۶۷۳۲	۱۶۵۹۷۳	۷۴,۵	۲۰۰۴۷۹	۱۴۹۳۸۱
ماشین آلات و تجهیزات ...	۲۷۷۳۰	۱۵۳۷۱	۵۰۳۴۸	۹۳۴۴۹	۲۹,۷	۶۹۱۷۶	۲۰۵۲۷
ماشین آلات اداری و ...	۱۵۰	۳۵	۶۷۳	۱۰۷۷	۱۳,۹	۱۸۱۹	۲۵۳
ماشین آلات مولد و انتقال برق و ...	۱۳۳۸۵	۴۷۴۵	۱۹۴۹۶	۳۷۶۲۶	۲۵,۶	۲۱۸۲۰	۱۱۳۲۰
راديو و تلویزیون و ...	۳۴۰	۶۳۷	۷۳۱۶	۸۳۰۳	۴,۱	۴۷۸۰	۱۹۶
ابزار پزشکی و اپتیکی و ...	۵۶۲۲	۸۵۳	۵۷۰۶	۱۲۹۰۱	۱۳,۳	۹۳۳۸	۳۳۴۳
وسایل نقلیه موتوری و تریلر و ...	۵۶۱۹	۱۳۲۱	۳۰۷۸۴	۳۶۶۴۴	۱۴,۲	۲۹۳۷۱	۵۵۸۰
سایر وسایل حمل و نقل	۱۱۴۵	۱۱۹۳	۱۵۳۵	۳۹۶۴۱	۹,۷	۹۳۶۶	۹۱۰
جلبان و مصنوعات طبقه بندی نشده	۵۶۶۳۳	۲۱۱۲	۰۶۳۵	۵۹۶۷۷	۸۰,۸	۵۷۶۶۶	۱۹۶۶۳
بازاریات خدمات فلزی و غیر فلزی	۱۱۲	۶۵	.	۵۷۷	۸۸,۷	۲۴۷۸۰	۷۸۹۸۱
کل صنعت	۶۳۸۷۶۶	۱۹۷۸۷۳	۶۴۶۶۳۶	۱۶۱۱۲۸۰	۵۴۷,۵	۱۶۸۵۵۹۵	۴۶۰۱۰۷

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن بر حسب مدرک تحصیلی ۱۳۷۵

فعالیت	بی سواد تا دیپلم	درصد	فوق دیپلم به بالا	درصد	جمع
مواد غذایی و آشامیدنی	۲۹۹۴۰	۹۲,۹	۲۲۸۲	۷,۱	۳۲۲۲۲
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۰	۰	۰	۰	۰
تولید منسوجات	۲۲۶۳۹	۹۵,۵	۱۰۵۸	۴,۵	۲۳۶۹۷

تعداد کار گاه های صنعتی ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن بر حسب فعالیت و تعداد کارکنان ۱۳۷۵

فعالیت	کمتر از ۱۰ نفر	نفر ۱۰-۱۹	نفر ۲۰-۲۹	نفر ۳۰-۴۹	جمع	درصد
مواد غذایی و آشامیدنی	۲۰۸	۷۵۷	۴۰۳	۲۸۸	۱۶۵۶	۱۵,۱
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تولید منسوجات	۲۶۶	۵۶۵	۲۳۴	۲۲۴	۱۲۸۹	۱۱,۸
تولید پوشاک	۱۵۸	۱۷۷	۳۹	۱۷	۳۹۱	۳,۶
دباغی و عمل آوردن چرم و ...	۸۱	۱۹۲	۲۸	۲۸	۳۲۹	۳,۰
چوب و محصولات چوبی و ...	۵۲	۱۰۳	۱۲	۲۰	۱۸۷	۱,۷
کاغذ و محصولات کاغذی	۱۸	۶۲	۲۶	۳۲	۱۳۸	۱,۳
انتشارات و چاپ و تکثیر ...	۴۱	۱۲۳	۲۸	۲۳	۲۱۵	۲,۰
تولید ذغال کک ...	۳	۱۹	۷	۹	۳۸	۰,۳
مواد و محصولات شیمیایی	۳۵	۲۱۳	۹۴	۸۷	۴۲۹	۳,۹
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۷۸	۲۰۷	۹۰	۷۲	۴۴۷	۴,۱
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۵۸۰	۱۴۰۵	۵۷۳	۴۴۹	۳۰۰۷	۲۷,۵
فلزات اساسی	۴۱	۱۰۲	۴۷	۴۰	۲۳۰	۲,۱

تعداد کارگاه های صنعتی ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن بر حسب وضع مالکیت ۱۳۷۵

جمع		درصد	عمومی	خصوصی			فعالیت	
درصد	تعداد			درصد	سایر	درصد		تعاونی
۱۰۰	۱۶۵۶	۶	۹۷	۹۰	۱۴۸۳	۵	۷۶	مواد غذایی و آشامیدنی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	تولید محصولات از توتون و تنباکو
۱۰۰	۱۲۸۹	۲	۳۰	۹۵	۱۲۲۹	۲	۳۰	تولید منسوجات
۱۰۰	۳۹۱	۲	۷	۹۵	۳۷۳	۳	۱۱	تولید پوشاک
۱۰۰	۳۲۹	۲	۶	۹۷	۳۱۹	۱	۴	دباجی و عمل آوردن چرم و ...
۱۰۰	۱۸۷	۴	۷	۹۴	۱۷۵	۳	۵	چوب و محصولات چوبی و ...
۱۰۰	۱۳۸	۱	۲	۹۷	۱۳۴	۱	۲	کاغذ و محصولات کاغذی
۱۰۰	۲۱۵	۷	۱۵	۹۲	۱۹۸	۱	۲	انتشارات و چاپ و تکثیر ...
۱۰۰	۳۸	۰	۰	۱۰۰	۳۸	۰	۰	تولید ذغال کک ...
۱۰۰	۴۲۹	۳	۱۲	۹۵	۴۰۹	۲	۸	مواد و محصولات شیمیایی
۱۰۰	۴۴۷	۲	۸	۹۷	۴۳۲	۲	۷	محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۱۰۰	۳۰۰۷	۷	۱۹۶	۹۱	۲۷۳۷	۲	۷۴	سایر محصولات کانی غیر فلزی
۱۰۰	۲۳۰	۰	۰	۹۶	۲۲۰	۴	۱۰	فلزات اساسی
۱۰۰	۸۷۱	۱	۱۳	۹۷	۸۴۳	۲	۱۵	محصولات فلزی فابریکی بجز ...
۱۰۰	۸۱۴	۳	۲۷	۹۵	۷۷۰	۲	۱۷	ماشین آلات و تجهیزات ...
۱۰۰	۱۵	۰	۰	۱۰۰	۱۵	۰	۰	ماشین آلات اداری و ...
۱۰۰	۲۲۰	۱	۳	۹۶	۲۱۲	۲	۵	ماشین آلات مولد و انتقال برق و ...
۱۰۰	۳۷	۳	۱	۹۵	۳۵	۳	۱	رادیو و تلویزیون و ...
۱۰۰	۷۵	۱۱	۸	۸۸	۶۶	۱	۱	ابزار پزشکی و اپتیکی و ...
۱۰۰	۱۵۹	۰	۰	۹۹	۱۵۷	۱	۲	وسایل نقلیه موتوری و تریلر و ...
۱۰۰	۶۰	۱۵	۹	۷۸	۴۷	۷	۴	سایر وسایل حمل و نقل
۱۰۰	۳۲۵	۲	۵	۹۸	۳۱۷	۱	۳	مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده
۰	۶	۰	۰	۰	۰	۰	۶	بازیافت ضایعات فلزی و غیر فلزی
۱۰۰	۱۰۹۳۸	۴	۴۴۶	۹۳	۱۰۲۰۹	۳	۲۸۳	کل صنعت

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن بر حسب مدرک تحصیلی ۱۳۷۵

فعالیت	بی سواد تا دیپلم	درصد	فوق دیپلم به بالا	درصد	جمع
مواد غذایی و آشامیدنی	۲۰۱۹۰۴	۲۶،۴	۲۲۹۱	۱۴،۴	۲۰۴۱۹۵
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۰	۰،۰	۰	۰	۰
تولید منسوجات	۸۳۸۲۷	۱۱،۰	۱۰۲۳	۶،۵	۸۴۸۵۰
تولید پوشاک	۷۷۲۷۸	۱۰،۱	۶۹۵	۴،۴	۷۷۹۷۳
دباغی و عمل آوردن چرم و ...	۲۸۷۲۶	۳،۸	۳۱۵	۲،۰	۲۹۰۴۱
چوب و محصولات چوبی و ...	۵۱۳۰۴	۶،۷	۶۶۱	۴،۲	۵۱۹۶۵
کاغذ و محصولات کاغذی	۴۱۹۴	۰،۵	۳۱۸	۲،۰	۴۵۱۲
انتشارات و چاپ و تکثیر ...	۹۹۷۹	۱،۳	۷۹۰	۵،۰	۱۰۷۶۹

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن بر حسب مدرک تحصیلی ۱۳۷۵

فعالیت	بی سواد تا دیپلم	درصد	فوق دیپلم به بالا	درصد	جمع
مواد غذایی و آشامیدنی	۲۰۱۹۰۴	۹۸.۹	۲۲۹۱	۱.۱	۲۰۴۱۹۵
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۰	۰.۰	۰	۰.۰	۰
تولید منسوجات	۸۳۸۲۷	۹۸.۸	۱۰۲۳	۱.۲	۸۴۸۵۰
تولید پوشاک	۷۷۲۷۸	۹۹.۱	۶۹۵	۰.۹	۷۷۹۷۳
دبازی و عمل آوردن چرم و ...	۲۸۷۲۶	۹۸.۹	۳۱۵	۱.۱	۲۹۰۴۱
چوب و محصولات چوبی و ...	۵۱۳۰۴	۹۸.۷	۶۶۱	۱.۳	۵۱۹۶۵
کاغذ و محصولات کاغذی	۴۱۹۴	۹۳.۰	۳۱۸	۷.۰	۴۵۱۲
انتشارات و چاپ و تکثیر ...	۹۹۷۹	۹۲.۷	۷۹۰	۷.۳	۱۰۷۶۹
تولید ذغال کک ...	۲۴۸	۸۸.۹	۳۱	۱۱.۱	۲۷۹
مواد و محصولات شیمیایی	۳۴۵۲	۸۷.۲	۵۰۵	۱۲.۸	۳۹۵۷
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۰۸۲۷	۹۴.۹	۵۷۷	۵.۱	۱۱۴۰۴
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۶۹۳۹۰	۹۸.۰	۱۴۲۶	۲.۰	۷۰۸۱۶
فلزات اساسی	۶۲۳۸	۹۵.۷	۲۸۰	۴.۳	۶۵۱۸
محصولات فلزی فابریکی بجز ...	۱۲۱۵۲۱	۹۸.۱	۲۳۰۴	۱.۹	۱۲۳۸۲۵
ماشین آلات و تجهیزات ...	۲۷۰۷۰	۹۶.۹	۸۵۵	۳.۱	۲۷۹۲۵
ماشین آلات اداری و ...	۶۲	۴۱.۳	۸۸	۵۸.۷	۱۵۰
ماشین آلات مولد و انتقال برق و ...	۱۲۱۷۹	۹۱.۲	۱۱۷۸	۸.۸	۱۳۳۵۷
رادیو و تلویزیون و ...	۲۸۹	۸۳.۳	۵۸	۱۶.۷	۳۴۷
ابزار پزشکی و اپتیکی و ...	۴۶۴۳	۸۳.۱	۹۴۵	۱۶.۹	۵۵۸۸
وسایل نقلیه موتوری و تریلر و ...	۵۰۸۹	۸۹.۹	۵۶۹	۱۰.۱	۵۶۵۸
سایر وسایل حمل و نقل	۱۱۳۵	۹۸.۰	۲۳	۲.۰	۱۱۵۸
مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده	۴۴۱۳۲	۹۸.۰	۹۲۰	۲.۰	۴۵۰۵۲
بازیافت ضایعات فلزی و غیر فلزی	۵۱۳	۹۸.۸	۶	۱.۲	۵۱۹
کل صنعت	۷۶۴۰۰۰	۹۸.۰	۱۵۸۵۸	۲.۰	۷۷۹۸۵۸

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن بر حسب مهارت ۱۳۷۵

جمع	شاغلان غیر تولیدی	شاغلان تولیدی	فعالیت
-----	-------------------	---------------	--------

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن بر حسب مهارت ۱۳۷۵

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن بر حسب مدرک تحصیلی ۱۳۷۵

فعالیت	بی سواد تا دیپلم	درصد	فوق دیپلم به بالا	درصد	جمع
مواد غذایی و آشامیدنی	۸۴۵۳۶	۹۴.۹	۴۵۲۶	۵.۱	۸۹۰۶۲
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۴۹۰۳	۰.۰	۶۹	۰	۴۹۷۲
تولید منسوجات	۱۲۴۹۷۶	۹۷.۰	۳۹۲۳	۳.۰	۱۲۸۸۹۹
تولید پوشاک	۵۱۳۲	۹۶.۹	۱۶۳	۳.۱	۵۲۹۵
دباغی و عمل آوردن چرم و ...	۱۲۴۵۶	۹۷.۷	۲۹۰	۲.۳	۱۲۷۴۶
چوب و محصولات چوبی و ...	۷۴۳۹	۹۵.۲	۳۷۳	۴.۸	۷۸۱۲
کاغذ و محصولات کاغذی	۱۱۲۸۵	۹۴.۹	۶۰۷	۵.۱	۱۱۸۹۲
انتشارات و چاپ و تکثیر ...	۵۹۴۷	۹۲.۲	۵۰۱	۷.۸	۶۴۴۸
تولید ذغال کک ...	۱۳۸۹۶	۹۰.۴	۱۴۸۱	۹.۶	۱۵۳۷۷
مواد و محصولات شیمیایی	۴۱۶۸۳	۸۴.۵	۷۶۷۵	۱۵.۵	۴۹۳۵۸
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۹۲۰۰	۹۳.۲	۱۳۹۱	۶.۸	۲۰۵۹۱
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۷۲۴۹۳	۹۲.۵	۵۸۴۳	۷.۵	۷۸۳۳۶
فلزات اساسی	۵۲۴۲۶	۸۶.۱	۸۴۸۰	۱۳.۹	۶۰۹۰۶
محصولات فلزی فابریکی بجز ...	۲۳۰۷۳	۸۶.۳	۳۶۵۹	۱۳.۷	۲۶۷۳۲
ماشین آلات و تجهیزات ...	۴۴۸۷۱	۸۹.۱	۵۴۷۷	۱۰.۹	۵۰۳۴۸
ماشین آلات اداری و ...	۴۹۰	۷۲.۸	۱۸۳	۲۷.۲	۶۷۳
ماشین آلات مولد و انتقال برق و ...	۱۷۵۶۲	۹۰.۱	۱۹۳۴	۹.۹	۱۹۴۹۶
رادیو و تلویزیون و ...	۶۴۴۸	۸۸.۱	۸۶۸	۱۱.۹	۷۳۱۶
ابزار پزشکی و اپتیکی و ...	۴۸۴۷	۸۴.۹	۸۵۹	۱۵.۱	۵۷۰۶
وسایل نقلیه موتوری و تریلر و ...	۲۶۴۲۷	۸۵.۸	۴۳۵۷	۱۴.۲	۳۰۷۸۴
سایر وسایل حمل و نقل	۸۸۰۵	۹۳.۲	۶۴۷	۶.۸	۹۴۵۲
مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده	۵۰۹۹	۹۳.۴	۳۶۱	۶.۶	۵۴۶۰
بازیافت ضایعات فلزی و غیرفلزی	۰	۰	۰	۰	۰
کل صنعت	۵۹۳۹۹۴	۹۱.۷	۵۳۶۶۷	۸.۳	۶۴۷۶۶۱

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن بر حسب مدرک تحصیلی ۱۳۷۵

فعالیت	بی سواد تا دیپلم	درصد	فوق دیپلم به بالا	درصد	جمع
مواد غذایی و آشامیدنی	۸۴۵۳۶	۱۴،۲	۴۵۲۶	۸،۴	۸۹۰۶۲
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۴۹۰۳	۰،۸	۶۹	۰،۱	۴۹۷۲
تولید منسوجات	۱۲۴۹۷۶	۲۱	۳۹۲۳	۷،۳	۱۲۸۸۹۹
تولید پوشاک	۵۱۳۲	۰،۹	۱۲۳	۰،۳	۵۲۹۵
دباغی و عمل آوردن چرم و ...	۱۲۴۵۶	۲،۱	۲۹۰	۰،۵	۱۲۷۴۶
چوب و محصولات چوبی و ...	۷۴۳۹	۱،۳	۳۷۳	۰،۷	۷۸۱۲
کاغذ و محصولات کاغذی	۱۱۲۸۵	۱،۹	۶۰۷	۱،۱	۱۱۸۹۲
انتشارات و چاپ و تکثیر ...	۵۹۴۷	۱،۰	۵۰۱	۰،۹	۶۴۴۸
تولید ذغال کک ...	۱۳۸۹۶	۲،۳	۱۴۸۱	۲،۸	۱۵۳۷۷
مواد و محصولات شیمیایی	۴۱۶۸۳	۷،۰	۷۶۷۵	۱۴،۳	۴۹۳۵۸
لا - لا - لا	۱۹۲۰۰	۳،۲	۱۳۵۱	۲،۶	۲۰۵۵۱

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن بر حسب مهارت ۱۳۷۵

جمع	شاغلان غیر تولیدی		شاغلان تولیدی				فعالیت
	درصد	تعداد	درصد	تکنسین ها و مهندسیین	درصد	کارگران ساده و ماهر	
۳۲۲۲۲	۱۸.۸	۶۸۲۱	۱۶.۳	۱۴۴۹	۱۵.۷	۲۳۹۵۲	مواد غذایی و آشامیدنی
۰	۰	۰	۰	۰	۰.۰	۰	تولید محصولات از توتون و تنباکو
۲۳۶۹۷	۹.۷	۳۵۳۸	۶.۹	۶۱۷	۱۲.۸	۱۹۵۴۲	تولید منسوجات
۴۹۱۴	۱.۸	۶۵۰	۰.۵	۳۸	۲.۸	۴۲۲۶	تولید پوشاک
۴۷۷۵	۱.۶	۵۷۱	۰.۹	۸۳	۲.۷	۴۱۲۱	دباغی و عمل آوردن چرم و ...

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن بر حسب مدرک تحصیلی ۱۳۷۵

فعالیت	بی سواد تا دیپلم	درصد	فوق دیپلم به بالا	درصد	جمع
مواد غذایی و آشامیدنی	۲۹۹۴۰	۹۲,۹	۲۲۸۲	۷,۱	۳۲۲۲۲
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۰	۰	۰	۰	۰
تولید منسوجات	۲۲۶۳۹	۹۵,۵	۱۰۵۸	۴,۵	۲۳۶۹۷
تولید پوشاک	۴۷۹۰	۹۷,۵	۱۲۴	۲,۵	۴۹۱۴
دباغی و عمل آوردن چرم و ...	۴۶۲۰	۹۶,۸	۱۵۵	۳,۲	۴۷۷۵
چوب و محصولات چوبی و ...	۲۵۵۳	۹۴,۷	۱۴۲	۵,۳	۲۶۹۵

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن بر حسب مدرک تحصیلی ۱۳۷۵

فعالیت	بی سواد تا دیپلم	درصد	فوق دیپلم به بالا	درصد	جمع
مواد غذایی و آشامیدنی	۲۹۹۴۰	۱۶,۲	۲۲۸۲	۱۶,۹	۳۲۲۲۲
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۰	۰,۰	۰	۰,۰	۰
تولید منسوجات	۲۲۶۳۹	۱۲	۱۰۵۸	۷,۸	۲۳۶۹۷
تولید پوشاک	۴۷۹۰	۲,۶	۱۲۴	۰,۹	۴۹۱۴
دباغی و عمل آوردن چرم و ...	۴۶۲۰	۲,۵	۱۵۵	۱,۱	۴۷۷۵
چوب و محصولات چوبی و ...	۲۵۵۳	۱,۴	۱۴۲	۱,۱	۲۶۹۵
کاغذ و محصولات کاغذی	۲۵۵۱	۱,۴	۲۴۸	۱,۸	۲۷۹۹
انتشارات و چاپ و تکثیر ...	۳۲۸۱	۱,۸	۲۳۶	۱,۷	۳۵۱۷
تولید ذغال کک ...	۶۶۴	۰,۴	۱۲۸	۰,۹	۷۹۲
مواد و محصولات شیمیایی	۷۴۰۷	۴,۰	۱۴۰۴	۱۰,۴	۸۸۱۱
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۷۴۲۳	۴,۰	۷۰۱	۵,۲	۸۱۲۴
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۵۲۰۵۱	۲۸,۲	۱۳۳۹	۹,۹	۵۳۳۹۰
فلزات اساسی	۳۸۵۱	۲,۱	۴۱۴	۳,۱	۴۲۶۵
محصولات فلزی فابریکی بجز ...	۱۴۰۸۶	۷,۶	۱۴۸۵	۱۱,۰	۱۵۵۷۱
ماشین آلات و تجهیزات ...	۱۳۵۵۹	۷,۴	۱۸۱۲	۱۳,۴	۱۵۳۷۱
ماشین آلات اداری و ...	۱۴۷	۰,۱	۱۰۷	۰,۸	۲۵۴
ماشین آلات مولد و انتقال برق و ...	۴۰۵۷	۲,۲	۶۸۸	۵,۱	۴۷۴۵
رادیو و تلویزیون و ...	۵۱۷	۰,۳	۱۳۰	۱,۰	۶۴۷
ابزار پزشکی و اپتیکی و ...	۱۳۰۰	۰,۷	۲۷۳	۲,۰	۱۵۷۳
وسایل نقلیه موتوری و تریلر و ...	۲۸۴۹	۱,۵	۳۹۲	۲,۹	۳۲۴۱
سایر وسایل حمل و نقل	۱۱۰۱	۰,۶	۹۲	۰,۷	۱۱۹۳
مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده	۴۹۱۰	۲,۷	۳۰۲	۲,۲	۵۲۱۲

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن بر حسب وضع مالکیت ۱۳۷۵

جمع		درصد	عمومی	خصوصی			فعالیت	
درصد	تعداد			درصد	سایر	درصد		تعاونی
۱۰۰	۸۹۰۶۲	۵۰٫۷	۴۵۱۹۱	۴۷٫۷	۴۲۵۱۳	۱٫۵	۱۳۵۸	مواد غذایی و آشامیدنی
۱۰۰	۴۹۷۲	۱۰۰	۴۹۷۲	۰٫۰	۰	۰٫۰	۰	تولید محصولات از توتون و تنباکو
۱۰۰	۱۲۸۸۹۹	۴۵	۵۷۷۹۴	۵۴٫۶	۷۰۳۶۰	۰٫۶	۷۴۵	تولید منسوجات
۱۰۰	۵۲۹۵	۵۴	۲۸۵۳	۴۶٫۱	۲۴۴۲	۰٫۰	۰	تولید پوشاک
۱۰۰	۱۲۷۴۶	۸۳	۱۰۵۶۲	۱۷٫۱	۲۱۸۴	۰٫۰	۰	دباغی و عمل آوردن چرم و ...
۱۰۰	۷۸۱۲	۷۰	۵۴۸۶	۲۸٫۷	۲۲۴۴	۱٫۰	۸۲	چوب و محصولات چوبی و ...
۱۰۰	۱۱۸۹۲	۵۶	۶۷۰۱	۴۳٫۷	۵۱۹۱	۰٫۰	۰	کاغذ و محصولات کاغذی
۱۰۰	۶۴۴۸	۸۳٫۲	۵۳۶۷	۱۶٫۸	۱۰۸۱	۰٫۰	۰	انتشارات و چاپ و تکثیر ...
۱۰۰	۱۵۳۷۷	۹۸	۱۵۰۹۵	۱٫۸	۲۸۲	۰٫۰	۰	تولید ذغال کک ...
۱۰۰	۴۹۳۵۸	۵۹	۲۹۱۴۵	۴۰٫۵	۲۰۰۰۹	۰٫۴	۲۰۴	مواد و محصولات شیمیایی
۱۰۰	۲۰۵۹۱	۵۵	۱۱۲۴۳	۳۶٫۰	۷۴۲۲	۹٫۴	۱۹۲۶	محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۱۰۰	۷۸۳۳۶	۳۸٫۹	۳۰۴۸۴	۶۰٫۸	۴۷۶۳۵	۰٫۳	۲۱۷	سایر محصولات کانی غیر فلزی
۱۰۰	۶۰۹۰۶	۷۳	۴۴۴۳۴	۲۶٫۹	۱۶۴۰۲	۰٫۱	۷۰	فلزات اساسی
۱۰۰	۲۶۷۳۲	۵۱	۱۳۷۴۶	۴۷٫۳	۱۲۶۵۱	۱٫۳	۳۳۵	محصولات فلزی فابریکی بجز ...
۱۰۰	۵۰۳۴۸	۴۲	۲۰۹۹۹	۵۸٫۱	۲۹۲۳۱	۰٫۲	۱۱۸	ماشین آلات و تجهیزات ...
۱۰۰	۶۷۳	۹	۶۳	۹۰٫۶	۶۱۰	۰٫۰	۰	ماشین آلات اداری و ...
۱۰۰	۱۹۴۹۶	۴۱	۷۹۶۶	۵۸٫۵	۱۱۳۹۸	۰٫۷	۱۳۲	ماشین آلات مولد و انتقال برق و ...
۱۰۰	۷۳۱۶	۴۷	۳۴۱۰	۵۲٫۳	۳۸۲۳	۱٫۱	۸۳	راديو و تلویزیون و ...
۱۰۰	۵۷۰۶	۳۹	۲۲۵۱	۵۹٫۵	۳۳۹۷	۱٫۰	۵۸	ابزار پزشکی و اپتیکی و ...
۱۰۰	۳۰۷۸۴	۷۱	۲۱۷۴۶	۲۹٫۴	۹۰۳۸	۰٫۰	۰	وسایل نقلیه موتوری و تریلر و ...
۱۰۰	۹۴۵۲	۷۱	۶۶۷۵	۲۹٫۴	۲۷۷۷	۰٫۰	۰	سایر وسایل حمل و نقل
۱۰۰	۵۴۶۰	۴۳	۲۳۵۴	۵۶٫۰	۳۰۵۵	۰٫۹	۵۱	مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده
۰	۰	۰	۰	۰٫۰	۰	۰٫۰	۰	بازیافت ضایعات فلزی و غیر فلزی
۱۰۰	۶۴۷۶۶۱	۵۳٫۸	۳۴۸۵۳۷	۴۵٫۴	۲۹۳۷۴۵	۰٫۸	۵۳۷۹	کل صنعت

تعداد کارگاه های صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن بر حسب وضع مالکیت ۱۳۷۵

جمع			خصوصی	فعالیت
-----	--	--	-------	--------

ارزش و متوسط تشکیل سرمایه ثابت، ستانده و ارزش افزوده کارگاه های صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن ۱۳۷۵

فعالیت	تعداد کارگاه	ارزش (میلیون ریال)			متوسط هر کارگاه (هزار ریال)		
		تغییرات اموال سرمایه ای	ستانده	ارزش افزوده	تغییرات اموال سرمایه ای	ستانده	ارزش افزوده
مواد غذایی و آشامیدنی	۴۳۱	۴۵۷۳۱۰	۸۰۱۰۸۷۵	۲۶۵۶۴۲۶	۱۰۶۱۰۴۴	۶۱۶۳۴۰۱	
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۱	۱۷۶۵۷	۴۰۷۳۳۵	۲۸۸۱۰۰	۱۷۶۵۷۰۰۰	۲۸۸۱۰۰۰۰۰	
تولید منسوجات	۳۸۹	۲۸۸۵۱۰	۵۳۲۱۸۹۹	۲۰۱۰۵۶۸	۷۴۱۶۷۱	۵۱۶۸۵۵۵	
تولید پوشاک	۲۹	۱۰۲۴۸	۱۲۵۲۰۴	۵۵۹۰۳	۳۵۳۳۷۹	۱۹۲۷۶۹۰	
دباغی و عمل آوردن چرم و ...	۴۸	۱۱۵۷۸	۵۰۱۵۸۵	۱۶۷۸۶۷	۲۴۱۲۰۸	۳۴۹۷۲۲۹	
چوب و محصولات چوبی و ...	۳۳	۳۸۳۲۹	۳۰۵۷۷۷	۱۳۹۹۰۸	۱۱۶۱۴۸۵	۴۲۳۹۶۳۶	
کاغذ و محصولات کاغذی	۴۲	۴۱۷۵۵	۱۰۷۱۵۷۰	۴۰۸۸۵۲	۹۹۴۱۶۷	۹۷۳۴۵۷۱	
انتشارات و چاپ و تکثیر ...	۲۸	۱۳۸۱۶	۳۶۰۹۷۷	۱۹۴۷۵۳	۴۹۳۴۲۹	۶۹۵۵۴۶۴	
تولید ذغال کک ...	۱۲	۳۳۸۰۲۵	۱۶۰۹۲۸۲	۵۱۸۱۵۲	۲۸۱۶۸۷۵۰	۴۳۱۷۹۳۳۳	
مواد و محصولات شیمیایی	۱۸۲	۵۱۴۳۱۵	۸۳۱۱۷۴۸	۴۴۹۶۰۴۱	۲۸۲۵۹۰۷	۲۴۷۰۳۵۲۲	
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۸۵	۹۹۸۲۸۵	۱۶۱۰۹۲۷	۷۰۱۹۷۱	۱۱۷۴۴۵۲۹	۸۲۵۸۴۸۲	
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۳۶۸	۷۰۵۲۶۵	۳۶۴۷۲۰۸	۲۰۵۱۳۸۳	۱۹۱۶۴۸۱	۵۵۷۴۴۱۰	
فلزات اساسی	۹۵	۱۱۶۷۴۶۶	۱۱۸۱۵۳۸۶	۵۰۸۹۰۰۵	۱۲۲۸۹۱۱۶	۵۳۵۶۸۴۷۴	
محصولات فلزی فابریکی بجز ...	۱۴۶	۱۳۱۹۲۷	۱۹۹۲۵۴۱	۱۱۱۱۶۹۶	۹۰۳۶۱۰	۷۶۱۴۳۵۶	
ماشین آلات و تجهیزات ...	۲۳۰	۱۹۴۰۲۰	۳۵۴۶۲۹۲	۱۴۰۹۵۶۸	۸۴۳۵۶۵	۶۱۲۸۵۵۷	
ماشین آلات اداری و ...	۶	۲۱۴۴	۸۶۹۸۳	۳۴۱۹۵	۳۵۷۳۳۳	۵۶۹۹۱۶۷	
ماشین آلات مولد و انتقال برق و ...	۹۷	۱۰۵۷۶۴	۱۵۳۰۳۰۷	۶۴۶۰۲۴	۱۰۹۰۳۵۱	۶۶۶۰۰۴۱	
رادیو و تلویزیون و ...	۲۸	۱۸۷۴۰	۷۲۶۰۴۳	۳۲۰۳۹۶	۶۶۹۲۸۶	۱۱۴۴۲۷۱۴	
ابزار پزشکی و اپتیکی و ...	۳۰	۲۵۰۹۴	۳۱۱۵۰۶	۱۳۵۳۱۵	۸۳۶۶۶۷	۴۵۱۰۵۰۰	
وسایل نقلیه موتوری و تریلر و ...	۷۹	۲۳۹۸۲۹	۵۱۸۸۷۳۹	۱۷۹۲۰۰۳	۳۰۳۵۸۱۰	۲۲۶۸۳۵۸۲	
سایر وسایل حمل و نقل	۳۲	۳۲۱۴۴	۴۲۹۱۹۷	۲۱۱۶۱۱	۱۰۰۴۵۰۰	۶۶۱۲۸۴۴	
مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده	۴۲	۲۳۱۶۱	۲۲۹۱۵۳	۸۵۹۵۹	۵۵۱۴۵۲	۲۰۴۶۶۴۳	
بازیافت ضایعات فلزی و غیر فلزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
کل صنعت	۲۴۳۳	۵۳۷۵۳۸۲	۵۷۱۴۰۵۳۴	۲۴۵۲۵۶۹۶	۲۲۰۹۳۶۴	۱۰۰۸۰۴۳۴	

تعداد کار گاه های صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن بر حسب فعالیت و تعداد کارکنان ۱۳۷۵

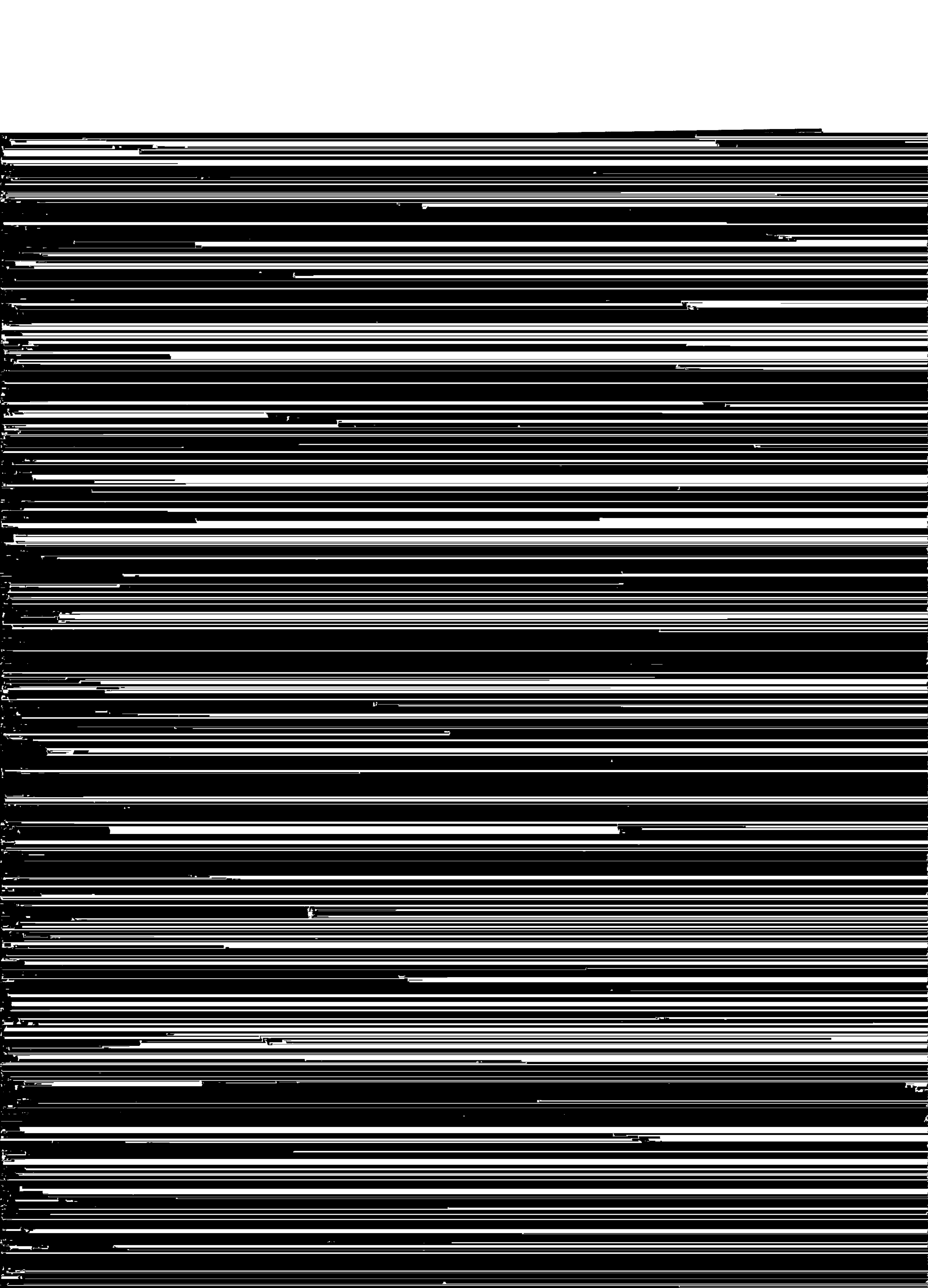
فعالیت	نفر ۵۰-۹۹	نفر ۱۰۰-۴۹۹	نفر ۵۰۰-۹۹۹	نفر ۱۰۰۰	جمع	درصد
مواد غذایی و آشامیدنی	۲۱۶	۱۷۸	۳۰	۷	۴۳۱	۱۷,۷
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۰	۰	۰	۱	۱	۰
تولید منسوجات	۱۵۰	۱۷۰	۳۷	۳۲	۳۸۹	۱۶,۰
تولید پوشاک	۱۰	۱۷	۲	۰	۲۹	۱,۲
دباغی و عمل آوردن چرم و...	۱۸	۲۰	۹	۱	۴۸	۲,۰
چوب و محصولات چوبی و...	۱۲	۱۹	۱	۱	۳۳	۱,۴
کاغذ و محصولات کاغذی	۲۰	۱۸	۱	۳	۴۲	۱,۷
انتشارات و چاپ و تکثیر...	۱۰	۱۵	۲	۱	۲۸	۱,۲
تولید ذغال کک ...	۲	۱	۳	۶	۱۲	۰,۵
مواد و محصولات شیمیایی	۷۲	۹۰	۱۲	۸	۱۸۲	۷,۵
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۴۴	۳۲	۲	۷	۸۵	۳,۵
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۱۷۳	۱۶۱	۲۱	۱۳	۳۶۸	۱۵,۱

تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن بر حسب وضع مالکیت ۱۳۷۵

				خصوصی	
--	--	--	--	-------	--

شاغلان با مزد و حقوق و پرداختی بابت جبران خدمات آنان در کارگاه های صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن ۱۳۷۵

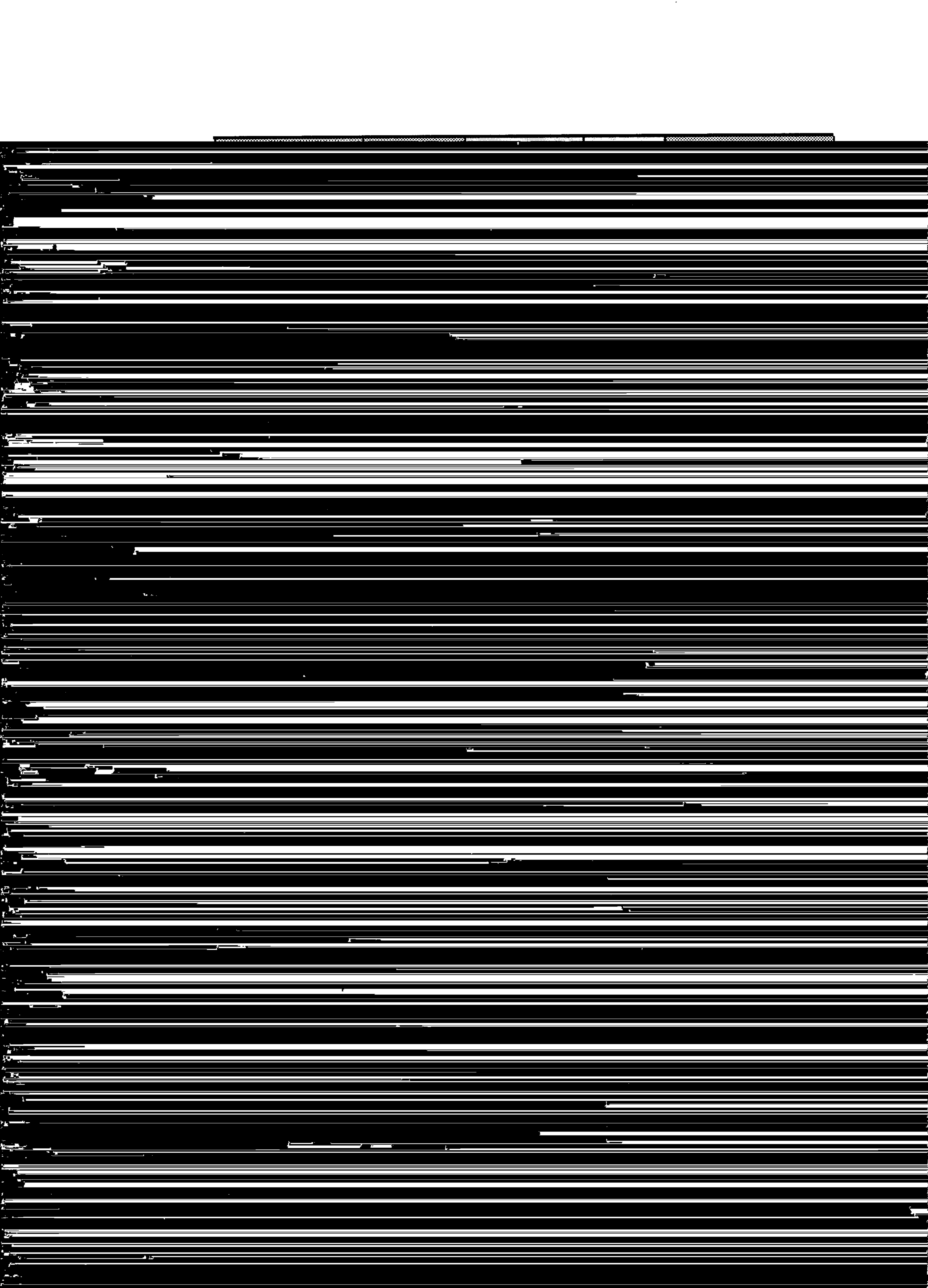
فعالیت	شاغلان مزد و حقوق بگیر (نفر)			جبران خدمات نیروی کار (میلیون ریال)			سرانه جبران خدمات سالانه (هزار ریال)
	تولیدی	غیر تولیدی	جمع	مزد و حقوق	سایر پرداختی ها	جمع	
مواد غذایی و آشامیدنی	۶۲۸۱۴	۲۶۰۸۵	۸۸۸۹۹	۳۷۴۹۵۳	۳۹۵۱۳۱	۷۷۰۰۸۴	۸۶۶۲
تولید محصولات از توتون و تنباکو	۴۳۸۹	۵۸۳	۴۹۷۲	۳۷۸۶۰	۵۹۱۵۷	۹۷۰۱۷	۱۹۵۱۳
تولید منسوجات	۱۰۳۳۵۱	۲۵۴۶۷	۱۲۸۸۱۸	۵۴۵۳۵۱	۴۳۶۵۲۴	۹۸۱۸۷۵	۷۶۲۲
تولید پوشاک	۳۷۴۴	۱۵۴۹	۵۲۹۳	۱۷۰۳۵	۱۳۹۲۹	۳۰۹۶۴	۵۸۵۰
دباغی و عمل آوردن چرم و ...	۹۸۷۲	۲۸۴۸	۱۲۷۲۰	۴۸۴۹۳	۴۶۰۳۴	۹۴۵۲۷	۷۴۳۱
چوب و محصولات چوبی و ...	۵۴۷۰	۲۳۴۱	۷۸۱۱	۳۶۳۴۱	۲۸۸۳۵	۶۵۱۷۶	۸۳۴۴
کاغذ و محصولات کاغذی	۷۹۸۵	۳۹۰۰	۱۱۸۸۵	۵۲۵۵۹	۸۶۳۵۵	۱۳۸۹۱۴	۱۱۶۸۸
انتشارات و چاپ و تکثیر ...	۳۸۴۴	۲۶۰۱	۶۴۴۵	۳۰۱۸۱	۳۱۹۹۰	۶۲۱۷۱	۹۶۴۶
تولید ذغال کک ...	۱۰۳۴۶	۵۰۲۹	۱۵۳۷۵	۷۰۹۷۵	۱۳۰۸۲۷	۲۰۱۸۰۲	۱۳۱۲۵
مواد و محصولات شیمیایی	۳۰۳۰۱	۱۹۰۲۳	۴۹۳۲۴	۲۶۵۵۶۱	۳۰۰۴۵۹	۵۶۶۰۲۰	۱۱۴۷۶
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۳۴۴۱	۷۱۱۵	۲۰۵۵۶	۸۷۵۹۹	۱۰۰۲۹۰	۱۸۷۸۸۹	۹۱۴۰
سایر محصولات کانی غیر فلزی	۵۵۱۵۸	۲۲۹۹۵	۷۸۱۵۳	۳۵۶۷۴۲	۳۸۸۴۷۵	۷۴۵۲۱۷	۹۵۳۵
فلزات اساسی	۳۶۴۱۵	۲۴۴۸۱	۶۰۸۹۶	۳۱۷۹۳۳	۴۶۷۸۱۹	۷۸۵۷۵۲	۱۲۹۰۳
محصولات فلزی فابریکی بجز ...	۲۰۲۰۱	۶۴۹۵	۲۶۶۹۶	۱۳۱۱۹۵	۹۴۸۱۰	۲۲۶۰۰۵	۸۴۶۶
ماشین آلات و تجهیزات ...	۳۴۷۴۵	۱۵۵۱۲	۵۰۲۵۷	۲۲۳۲۸۲	۱۸۹۹۱۸	۴۷۳۲۰۰	۹۴۱۶
ماشین آلات اداری و ...	۴۸۲	۱۹۱	۶۷۳	۳۳۶۱	۲۳۳۵	۵۶۹۶	۸۴۶۴
ماشین آلات مولد و انتقال برق و ...	۱۳۶۰۸	۵۸۶۶	۱۹۴۷۴	۸۷۸۶۳	۸۷۵۵۵	۱۷۵۴۱۸	۹۰۰۸
رادیو و تلویزیون و ...	۵۵۱۸	۱۷۸۷	۷۳۰۵	۳۲۲۶۶	۳۰۶۴۲	۶۲۹۰۸	۸۶۱۲
ابزار پزشکی و اپتیکی و ...	۳۲۹۷	۲۴۰۰	۵۶۹۷	۲۳۲۲۲	۱۸۵۲۹	۴۱۷۵۱	۷۳۲۹
وسایل نقلیه موتوری و تریلر و ...	۱۹۲۴۲	۱۱۵۲۹	۳۰۷۷۱	۱۵۶۵۲۳	۲۴۶۱۱۳	۴۰۲۶۳۶	۱۳۰۸۵
سایر وسایل حمل و نقل	۷۰۴۸	۲۳۹۳	۹۴۴۱	۴۰۵۳۱	۳۸۲۶۴	۷۸۷۹۵	۸۳۴۶
مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده	۴۰۱۰	۱۴۲۵	۵۴۳۵	۲۰۵۲۲	۱۳۳۶۴	۳۳۸۸۶	۶۲۳۵
بازیافت ضایعات فلزی و غیر فلزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کل صنعت	۴۵۵۲۸۱	۱۹۱۶۱۵	۶۴۶۸۹۶	۲۹۶۰۳۴۸	۳۲۶۷۳۵۵	۶۲۲۷۷۰۳	۹۶۲۷



شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب (مرد وزن) گروه های اصلی شغلی و گروه های عمده فعالیت نقاط شهری

ساخته	تامین برق، ...	صنعت (ساخت)	استخراج معادن	ماهگیری	کشاورزی، شکار و ...	جنس و گروههای اصلی شغلی
۳۱۷۱۴				۹۶	۳۵۸۳	قانونگذاران و مقامات ...
						قانونگذاران و مقامات عالی رتبه

						متصدیان ماشین آلات ثابت
						متصدیان ماشین آلات و موتور کاران
						رانندگان و متصدیان ماشین آلات سیار
1	2	3	4	5	6	کارگران ساده
						کارگران ساده و خدمات
						کارگران کشاورزی، جنگلداری،
						کارگران ساده معدن، ساختمان،



جنس و گروههای اصلی شغلی	کار فرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق بگیران	کارکنان فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق بگیران بخش تعاونی	اظهار نشده	جمع	سهم بخش غیر رسمی
قانونگذاران و مقامات ...		۳۳۱۴۰		۵۰۶			۷۰۷۹	۴۰۷۳۵	۰٫۹
قانون گذاران و مقامات عالیرتبه		۲۳۸		۲			۳۱۵		۰٫۰
مدیران موسسات ...		۶۰۹۴		۱۵۷			۵۱۰۷		۰٫۰
سایر روسا و مدیران		۲۶۸۰۸		۳۴۷			۱۶۵۷		۰٫۰
متخصصان		۳۵۳۲۶		۴۱۶			۳۹۲۷۳	۷۵۰۱۵	۱٫۷
متخصصان علوم فیزیک ...		۳۵۲۸		۲۴			۲۱۸۷		۰٫۰
متخصصان علوم زیستی		۱۱۴۰۱		۳۹			۳۴۵۹		۰٫۰
متخصصان آموزش		۵۳۴۵		۸۸			۲۵۹۱۰		۰٫۰
سایر		۱۵۰۵۲		۲۶۵			۷۷۱۷		۰٫۰
تکنیسین ها		۷۲۶۹۵		۱۰۹۳			۱۲۵۶۲	۸۶۳۵۰	۱٫۹

